

# دانش و مجلہ

۶ گنہ

د ۱۳۴۶ کاب د و بزمیہ شیت

د چیمبرلک د حاجی عسکر پالو کلا شکر یار ذات لوہر حضور تہ د چیمبرلک کلا  
د تہ حلو پستم تلینز لہ لبلہ، شامانہ اردو چیمبرلک او د زمرہ لہ لومر  
مبارک و براندر کوپے

## فهرست مضامین این شماره

صفحه	نویسنده	مضمون
۱	فیض محمد عاطفی	گذشته و آینده
۵	اثریفتلی	ژاندارک یا قهرمان فتح و ظفر
۱۱	تورنجنرال عبدالروف رسول	حرب های محدود گرم و خطرناکند!
۱۵	تورنجنرال محمد نعیم وزیری	سرکوبی اشرار
۱۷	دگروال امیر محمد لاجی	نه غلویبنت کاله پخوا
۱۸	آقا محمد بیغرض	دخپلواکی نعمت
۲۰	بیاضلی نور محمد	بخاطر وطن . . .
۲۲	دگرمین ار ک، نحراب محمدیحیی نوروز	حرب ممالک عربی با اسرائیل
۳۰	میرجمال الدین فخری	استعمار
۳۳	عبدالواسع نبی	سلاح و بتکانگها
۳۶	عبدالرحیم وردگ	استراتیژی قرنهای مودرن
۴۱	قادر میاخیل	چگونه حرب دوم افغان وانگلیس
۴۷	دگرمین ار کان حرب غلام نبی	حرب های مستقبل
۵۰	میرمحمد ابراهیم	بزرگترین حملات استراتیژیکی
۵۷	محمد اسمعیل اختیاری	پروژه های فضانوردی
۶۳	غلام ربانی سدید	مصارف نظامی ممالک بیطرف
۶۸	خانم واند اواسیلوسکایا	فداکاری و شهادت
۷۳	سایرهراتی	پیام سرباز افغان از تل
۷۴	جگتورن اختر محمد لودین	ارتباط مخابره، تعقیب
۸۲	پبیتون «زیدی»	شب خون
۸۴	عزیز «غیور»	مردیکه در فضای خارجی
۸۷	سید عبدالرشید برهانی	آزادی ما
۸۹	عبدالغفور «احمد پروانی»	بتوای افسر افغان
۹۰	عنایت الله «مایار»	عملیات جاسوسی
۹۶	تورن محمد اسحق	دافغان او انگلیس دریمه جگړه
۱۰۳	محمد فاروق کوشان	یادی از محاربه میدان میوند
۱۲۰		جهان عسکری
۱۲۵		داردو خپرونه





المتوکل علی اللہ اعلیٰ حضرت محمد ظاہر شاہ ، شہر یار خرد مند و عسکر نو از افغان کہ در راہ انکشاف آزادی و تحولات اخیر کشور سهم موثر و برجستہ خویش را در سینہء تاریخ مملکت ثبت فرمودہ اند .





# گذشته و آینده

## آزادی - واقعیتها - وظیفه

### وقلمرو اردو

تافزندان آدم بر روی زمین زندگی می کنند، رشته متوالی تاریخ قطع نمیگردد و پیوسته، تاریخ بوجود میآید یکی از دانشمندان میگوید:

«تاریخ هرگز تمام شدنی نیست، تاریخ را میتوان به دروگر ماهری تشبیه کرد که خرمن زمان را برداشت میکند و حوادث نیک و بدی را که بر سر اولاد آدم آمده است، غربال مینماید آری سیر تاریخ هیچگاه با کتاب تاریخ پایان نمیپذیرد و پیوسته در پشت پای زمان حال قدم برمیدارد، همین دقایقی را که شما خواننده عزیز صرف مطالعه این اوراق می کنید، جزو تاریخ است و متعلق به آنست.»

«نکته ای را که ما معمولاً فراموش می کنیم ولی تاریخ آنرا بیاد مامی آورد این است که هر قدر زمان از پشت سر ما گذشته است همانقدر هم در مقابل ما باقی مانده است و باید در خلال این مسیر تاریخ آینده را در یابیم و تکلیف خود را روشن سازیم.» اغلب در زندگی و جریان تاریخ بشر حوادث غیر مترقبه و پیش بینی نشده رخ میدهد اما یکتعداد مسائل کلی وجود دارد که انسان میتواند نقشه های خود را برشالوده آن طرح نماید ملت هائی که این مسائل کلی را بدقت بررسی و تحلیل نموده و با واقع بینی و روشن نگری، پلان آینده خود را بنیاد نهاده اند کمتر به حوادث غیر منتظره و خطرناک روبرو شده اند این نقشه ها وقتی مفید و موثر واقع میشود که بر تجربیات گذشته ملتها و روابط آنها یا تاریخ باستانی ایشان مبتنی باشد یعنی توانسته باشند از تاریخ عبرت بگیرند.

با این مقدمه مختصر، خاصاً در این فرصت که جشن استرداد استقلال خود را در سرتاسر کشور جشن میگیریم لازمست، برای قید در تاریخ و انتباه از تاریخ دیگران و حوادث کلی جهان مطالب و نقشه هائی را طرح کنیم که هم نگارنده بصنعت یک نویسنده مسؤول و جداناً راحت باشد وهم از نگاه وظیفه مقدس عسکری،

( لظفاً ورق بزنید )





فیض محمد عاطفی

### بمیر اندر نبرد و زنده تر شو

#### غلامی هر گت است

از غلامی دل بمیرد در بدن  
 از غلامی روح گردد بار تن  
 سرگها اندر فنون بندگی  
 من چه گویم از قسون بندگی  
 از نی او اشکارا راز او  
 سرگ یک شهر است اندر ساز او  
 نسا توان و زار می سازد ترا  
 از جهان بزار می سازد ترا  
 زندگی بسی قوت اعجاز نیست  
 هر کسی داننده این راز نیست  
 دین و دانش را غلام ارزان دهد  
 تا بدن رازنده دارد جان دهد  
 یک زمان با رفتگان صحبت گزین  
 صنعت آزاد مردان هم بین

از :

محمد اقبال لاهوری

برای آینده مملکت و مقدرات ما اثری پایدار و عمیق فراهم نماید. اینکه نوشته های ما چه اثری خواهد کرد و چه اشخاصی آن را خواهند خواند موضوع جداگانه ایست شاید مردمی باشند و یا پیدا شوند که این نوشته ها بر قلب ایشان پرتوی افکند و راه را برای دیگران صحیح تر و روشن تر نشان دهند و یا عملاً اقدام مؤثر و مفیدی در طرح نقشه آینده وطن روی دست گیرند.

آزادی نعمت بزرگ است که هیچ نعمت و لذت دیگری را با آن نمیتوان مقایسه نمود، گوهر گران بهائی است که دادنی و بخشیدنی نیست، بلکه باید آنرا بزور گرفت و به درایت و تعقل و فداکاری حفاظت نمود.

آزادی همانقدر که لذت بخش و جان پرور است، بهمان اندازه هم در معرض مخاطره و نا بودیست، اینکه ملت های جهان اعم از قوی و ضعیف و پیشرفته و پس مانده همه فریاد صلح خواهی می زنند، بعلمت ترسی است که هر لحظه آزادی ایشان را تهدید می کند موضوع استقرار صلح که در عالم سیاست پدید آمده و جنبه حیاتی بخود گرفته است، همان تجربه تلخی است که ملت های جهان از تاریخ گذشته خود دارند و میدانند که قرشته صلح، هر آن در خطر تسلط اهریمن تجاوز و جنگ است.

بنابراین الفاظ و کلمات صلح خواهی تقریباً پیرایه ایست که دول جهان بر روی عقاید باطنی خود می بندند و تا حال قوتی که تضمین اجرائی در پهلوی این ادعا داشته باشد بوجود نیامده است. زمام صلح جوئی همانطوریکه دیدیم و تاریخ نشان میدهد مقررات و تشریفات است که صرف در روی کاغذ اثری دارد و کاغذ را هم تندباد حوادث از میان

می برد. با توجه باین حقیقت است که مردم فرزانه و خردمند فریب ظواهر را نمی خورند و با صلح و کیفیت حوادث ملتفت میباشند. مادر عین حال که نغمه صلح و آرامش را بگوش جان می شنویم و از آن لذت می بریم باید به وطن و استقلال خود شدیداً علاقمند باشیم و این دو عنصر بزرگ و ارجمند را چون جان گرامی و عزیز شمرده و هر نوع پیش بینی و احضارات کامل و خلل ناپذیر را برای حفاظت آن با تمام قدرت و نیروی مادی و معنوی بکار اندازیم. برای این منظور:

باید تمام موجودیت و عموم وسایل و امکانات حیاتی خود را با (دنیای منطقی و واقعیت) وفق دهیم زندگی در دنیای غیر منطقی، توأم با رؤیا های آشفته و احساسات پوچ، جز سرگردانی و نابودی نتیجه ای ندارد متأسفانه در ملت های کم رشد و با ناصطلاح (رو بانکشاف!) چیزی که باز آریج دارد، دلخوشی با کلمات و الفاظ و بی قیدی و مسامحه در برابر حقایق و واقعیت ها است، چنانچه حمله اعراب بر اعراب، صحت عقیده بالا را با ثبات رساند. این ماجرای تکان دهنده و نا گوار دو مطلب مهم را بجهان نیان ابلاغ نمود:

یکی اینکه قدرت، قدرت است و هیچ فلسفه استدلالی و هیچ وجدان و مقرراتی در برابر قدرت، یارای مقاومت ندارد هر چند که قبول این مطلب از نگاه موازین اخلاقی و اجتماعی و مشور ملل متحد و عقل سلیم قابل قبول نیست اما می بینیم که (یک واقعیت) است و واقعیت ها نشان میدهند که سیاست و قدرت در مواقعی که ضرورت و منافعشان ایجاب کند به هیچ یک از نتایج اخلاقی، اجتماعی و مذهبی که مغز و اندیشه

ما بآن عادت گرفته است نه احتیاجی<sup>۱۳</sup> دارند و نه توجهی .

دوم اینکه : الفاظ و کلمات و آوازه و سرو صدا و شعار هائی که خالی از روح حقیقت و دور از مدلول های اساسی باشد بدر زدگی اجتماع نمی خورد و در موقع عمل و هنگام بروز مصائب و ابتلاآت و صحنه امتحان ، ارزش خود را بکلی از دست میدهند در اینحال ، از مجموع دو مطلب مذکور چنین نتیجه میگیریم که :

مردم دانا و خردمند و یا جامعه هوشیار و علاقمند ببقا و حیثیت خویش باید از ماجرا های دیگران عبرت بگیرند و آنقدر قوه تعقل و درایت و دور اندیشی و احضارات علمی و عملی داشته باشند که حتی الامکان بسر نوشت خطر ناک ایشان گرفتار نگردند این قبیل ملت ها در برابر چنین تجارب تلخ و در پهلوی این جریانات عظیم تاریخی اولتر از همه باید مقتدر شوند و در راه بدست آوردن قدرت بکوشند زیرا قدرت همانطور که دیدیم واقعی است بالاتر از همه واقعیت ها ، بشرط اینکه قدرت ، جنبه تشریفاتی و تظاهر و فور مالیته را نداشته و متکی بالفاظ و کلمات میان تهی نباشد ، بلکه همه تشکیلات و وسایط و پرسونل و اجراءات یک جامعه بر بنیان حقایق و واقعیت ها و عمل متکی باشد .

ما ملتی هستیم که در چنین روز هائی با نیروی مادی ناچیز ، اما با معنویات و مورال قوی و اراده خلل نا پذیر ، توأم با ایجاب شرایط عصر و زمان ، بر بزرگترین قدرت های جهان آنروز فیروز گردیدیم و آزادی از دست رفته را بچنگ آوردیم اما

برای ما تنها اعتماد باین مسائل و استناد به ظواهر امور کافی نیست باید بدانیم که شرایط زمان و تاریخ هم مانند دیگر عوامل ، همیشه در معرض تغییر و تحول است جنگ عمومی دوم جهان و حوادث اخیر خاور میانه بما نشان داد که معنویات و مورال قوی اگر با تکنالوژی معاصر و قدرت حقیقی توأم و هم نوا نباشد نتیجه آن ناکامی است ، علاوه بر آن سیاست و قدرت عندالموقع تابع هیچ مقرراتی نیست و موجودیت کشور ها هر زمان در مخاطره است پس باید این شهامت و شجاعت فطری مردم خود را با قدرت عظیم مادی و تکنولوژی معاصر هم آهنگ سازیم آنهم بشرطی که بواقعیت ها و کردار هایش از گفتار ها و تشریفات توجه داشته باشیم .

ما باید وظایف خود را توأم با جرئت و شهامت و بدون بیجالی و افسردگی انجام دهیم در اجرای وظیفه با هرات باشیم و شکل دفاع ترس آمیز بخود نگیریم ، زیرا در عصر مازندگی یک مهلکه و مخاطره دائمی و مبارزه و تلاش مداوم است برای تحصیل سر نوشت عالی و سر نوشت عالی نیز بدون موجودیت آزادی و آزادی نیز بدون قدرت و وظیفه شناسی عموم طبقات ملت بدست آمده نمیتواند هیچگاه باید فراموش نکنیم که لازمه یک مملکت مقتدر ، اردوی مقتدر است امور عسکری همیشه در راس تمام مسائل قرار می گیرد زیرا مقدرات کشور و حفظ حیات ملی بستگی با مور نظامی دارد هستند مردمیکه تحت افکار خاص و مطالعه آثار فلسفی و اخلاقی و یا تعمق در رشته های غیر سیاسی ، بار دو

## درس عبرت

از :

### ادبیات هند

اعمال نیک را زینت وجود خود ساز و به پروردگار دو جهان ایمان داشته باش ای برادر ، از مرگ چاره ای نیست و باید مردانه با او رو برو بشوی .



انسان باید قلوب را با هم متحد سازد و عمل نیکی در حق بنی نوع انسان انجام بدهد همانا که اصل و جوهر معرفت جز این نیست و آرزو دارم که کسی پیدا شود این درس را بمن بیاموزد .



و تشکیلات آن میانه خوبی ندارند  
مابعد آن ها احترام می کنیم اما  
باز یاد آور میشویم که واقعیت غیر  
از این است و ما همانطور که در اول  
این مبحث یاد کردیم باید بواقعیتها  
اتکا و استناد نمائیم زیرا ( واقعیت  
زبان گویای تاریخ و تجارب دنیای  
کهن است . )

با توضیح حقایق مذکور بشرط اینکه  
چشم بصیرت ما را تعصب و یا خام  
فکری کور نسازد بخوبی فهمیده  
میتوانیم که اردودریک مملکت، به  
منزل روح و جوهر فعال و عنصر قدرت  
و عظمت آن بشمار میروند هر ملتی که  
باسری بلند و فریادی رسا بجهانبیان  
نازمی فروشد و دست تطاول هیچ  
قدرتی نمیتواند در ارکان بزرگی  
وسادت او تصرفی بعمل آورد علتش  
را باید در موجودیت اردوی قوی و  
فداکار آن جستجو نمود. اردوئی که  
واقعا بمعنای کلمه اردو باشد، اردوئی  
که خواب راحت را بر خود حرام  
سازد تا ملت و سرزمین او آسوده و  
آرام باشند اردوئی که ساخت مقدس  
وطن را حریم عصمت و ناموس و  
شرافت خود شمرده، سر بر کف و  
جان در بغل، هر تجاوزی را در نطقه  
عقیم سازد، اردوئی که خائنین و  
ماجراجویان و دشمنان آزادی و سعادت  
ملت را در هر کجا که باشند بسزای  
اعمال زشت شان میرساند، اردوئی  
که تاریخ را آئینه اعمال خود قرار  
میدهد و هر گز قدمی برخلاف منافع ملت  
و کشور خویش برنمیدارد، اردوئی  
که بر سلاح و وسایط و مالز مه خویش  
تسلط و حاکمیت کامل داشته، وظیفه  
را خاص به لحاظ وظیفه انجام میدهد،  
اردوئی که ریاکاری و تظاهر و فساد  
و تملق را موربانه روح ملت دانسته  
با آن درهمه جا و همه وقت بمجادله  
و مبارزه برمیخیزد، اردوئی که با  
روحیه عسکریت و حرمت و اطاعت

منطقی بمقابل او امر و دستاورد آمران  
و بزرگان خود از هیچ گونه خطر و  
ملامتی نمی ترسد، اردوئی که  
فداکاران و خدمتگاران صادق و حتمی  
کشور را با چهره حقیقی و اصلی شان  
می شناسد و همه جاز ایشان قدر دانی  
و احترام بعمل می آورد، اردوئی  
که بمقاخر و مآثر نیک گذشتهگان  
باشهامت و شریف کشور، دلبستگی  
و پیوند ناگسستنی دارد؛ اردوئی که  
پیروردگار توانا و یکتا و خالق عظیم  
و قادر خویش ایمان قوی داشته،  
بمقدسات دینی خود با فکری روشن  
و قضاوتی سالم و خالی از هر گونه  
تعصب و کوتاه فکری، پندبندی کامل  
دارد، اردوئی که با تبعیض های نازوا  
بالمستحبات خالی از حقیقت، با نفاق و  
تفرقه از هر قماش که باشد، با جمل  
و یسوازی، صمیمانه و دلیرانه مجادله  
و مبارزه می کند، اردوئی که ( وحدت  
ملی ) را سر اوجه تمام فعالیت ها و  
عملیات خویش قرار میدهد و بالاخره  
اردوئی که سعادت و آرامی و بزرگی  
و کرامت خود را در آسایش و بیداری  
و راحت ملت خویش میداند، این  
چنین اردوئی است که میتواند مورد  
اعتماد مردم و مشرت آهنین ملت در برابر  
هر تجاوز و فشار متجاوزین و دشمنان  
کشور باشد .

اکنون وظیفه ما است که باحلول  
این روز های فرخنده و با آمد آمد

ایام سرور و نشاط بروح شهدای راه  
آزادی وطن و آنهایی که با بذل جان  
و مال و اندیشه و عمل خویش استقلال  
کشور را از چنگ غاصبان آزادی  
بکف آوردند درود و دعا بفرستیم و  
از گذشتهگان ناموری که دشت و دامن  
وطن را بخون پاک خود رنگین  
و گلگون ساختند به نیکی یاد کنیم  
و بروح پاک و همت مردانه ایشان تولا  
نموده، کاری کنیم که از عمل ما  
خدایخواستگاره لکه ای بر دامن تاریخ  
کشور نیفتد و آزادی و استقلال ما  
درخت باروری گردد که هر روز  
شاخ و بال آن بر پهنه این سر زمین  
سایه افکند و مردم ما از آزادی آنطور  
که صلاح کشور و سعادت قوم و  
ملت باشد خویش و صحیح تر و متکاملتر  
استفاده کنند .

بار دیگر با دعای خاص بروح  
اعلی حضرت شهید سعید محمد نادر شاه  
که در کنار ار استرداد استقلال  
کشور و نجات مملکت نقش یک سر باز  
فدا کار و قهرمان رشید تاریخ را  
بازی کرده اند ادعیه فر او ان میفرستیم  
و امیدواریم فرزندان کشور و  
بالخاصه صاحب منصبان اردوی افغان  
کارنامه های آن مرد مبارز را سرمشق  
حیات شخصی و اجتماعی خویش در  
دوران حیات قرار دهند .

پاینده باد استقلال کشور

قوی و نیرومند باد اردوی افغان

## عشق و آزادی

یکند کج که دوروز گار می جستم

دو چیز بود یکی عشق و دیگری آزادی

رای عشق جو حاجت تند چارم جان

ولی نثار کنم عشق را بر آزادی



شهسوار نیرداستر داداستقلال اعلیٰ حضرت شهید سعید محمد نادر شاه غازی که بقوت  
شمشیر و تدبیر این مرد بزرگ، منشور آزادی ملت افغان بجهانیان اعلام گردید .



ACKU

های برجسته تاریخ بشمار می‌رود. مدققین جهان با هزاران کنجکاوی و مطالعاتیکه در پیرامون زندگی و حیات روزانه این قهرمان بعمل آوردند به همه رموز او پی بردند که جزئیترین نقطه ضعیفی در اطراف حیات او پیش آنها نامعلوم نماند اما چیزیکه تا امروز مکشوف نگردیده و در باره زندگی ژان نقطه تاریک و سیاه باقی مانده است و شگفتی زندگی ژان دارک نیز گرد آن دور می‌زند همان (نדהائی) است که ژان بان معترف و تا باخرین دقیقه حیات نیز بان‌ها معتقد بوده است. آنرا ندای آسمانی می‌دانست و ایمان بان داشت.

### «فرانسه در شعله‌های جنگ»

فرانسه در همین اوان گرفتار جنگ معروف صدساله بود و هر گوشه آن در آتشی از محاربه و جنگ با انگلیس‌های سوخت، مردمی که در همان حین می‌زیستند یسای از آرامی و صلح نداشتند، این جنگ و خونریزی مهتم‌کنجی بود که (ویلیام فاتح) فرانسوی نژاد به سرزمین انگلیس از راه (بحیره مانش) عسکر پیاده ساخت و به تسخیر آنجا پرداخته و بعد هابه فرزندانش سپرد، آنها نیز چنانیکه خاک انگلیس را در حیطه تسلطه و اقتدار خود داشته و بر قسمتی از فرانسه حکمرانی می‌کردند بفر استیلائی تمامیت کشور فرانسه افتاده و آتشی افروزی این جنگ‌ها را دا من زدند، مردم فرانسه نیز عذ- بزرگی از طرفداران این مفکوره بوده و برخی هم تسلط انگلیس- ایتالیا و غیره را چندان اهمیت و ارزش نمیدادند، خود پیرو آزادی فردی بوده و زندگی را صرف برای خود میخواستند.

دران هنگام افکار وطن پرستی و آزادی طلبی معنی در نزد فرانسویان نداشت و ارزشی بان قائل

نبودند، اما با ظهور ژان دارک؛ طلیعه عشق بوطن دمیده شد و تخم وطن پرستی در خاک فرانسه زرع گردید تا آرزو مندان این نهضت قد علم نمودند.

شاه-زاده (دومین) که جوان ناتوان و خجول بود، در عینیکه عشق به سلطنت و تخت و تاج داشت مبارزه و محاربه را خوش نداشت و باز بچه دست، این و آن میشد و تحت افکار و نظریات دیگران قرار میگرفت، با همه اینها ولیعهد قانوتی فرانسه بود و اطرافیانش نشستن او را بر رویکه شاهی حق مسلم او میدانستند.

چهار سال از عمر ژان که به مصر و وقت کاکاها و مرغها و کمک با پدر و مادر در امور خانه بود توام باشتیدن (نדהا) سپری گردید.

پدرش (ژاک) از دیدن ژان به لباس مردانه در خواب و اشتراک او در جنگ با سپاهیان خیلیمها متعجب گردیده، باندازه این رویا بر بیچاره پیرمرد تاثیر نمود که فردا با اضطراب زیاد به پسران خود توصیه نمود که اگر چنین واقعه بوجود آید فوراً او را در آب غرق نمایند، بآنکه مادر ژان داستان روئائی پدر را برای وی حکایت کرد و گفته پدرش را در باره او به پسران خاطر نشان ساخت باز هم ژان درباره ندها یا مادر چیزی نگفت و یک قدم دیگر به اندیشه خود استوارتر شد، چه خواب پدر گفتار ندها را تأیید میکرد.

ژان شانزده ساله شده بود که نخستین فرصتی باو دست داد و به بهانه سرکشی و کمک بایکی از عموزاده گان خود (اوران لاسو) به مقرر وستائی آنها شتافت و به وسیله او، به شهر کوچک (وکولر) مجل فرماندهی سربازان هوأخواه دوفین (ولیعهد فرانسه) بود به نزد (روبرت د و بود ریکو) ره یافت، ژان آرزو

داشت که خود را در ته حمایت فرمانده قرار داده و بتواند با چند نفر سرباز به یاری دوفین قیام نماید.

در آن روز گار رسم بر این بود که مردم در اختلافت و دعاوی خود نزد فرماندهان نظامی شهرها مراجعه میکردند و آنها را رفع مینمودند، از این رو دیدن عمو (لاسوا) و ژان بان پیراهن ژنده برای فرمانده و گولر عجیب نبود.

ولی فرمانده (بودریکو) به هیچ وجه انتظار اینرا نداشت که آن دخترک مشکین موی، بان چشمان درخشانش، چنان خواهش شگفت انگیز ازو بکند، ژان از او خواهش نمود تا به وی اجازه دهد که بی درنگ به نزد (دوفین) برود و گفت فرمان دارد تا فرانسه را از جنگ انگلیس هانجات ببخشد و دوفین را بر تخت شاهی نشاند، و نیز توقع نمود تا بوی اسب و سلاح بدهد.

روبرت د و بود ریکو فرمانده از نگه حیرت زده ای که به ژان انداخت خنده ای کرد، اما ژان از خنده فرمانده ناراحت نشد و بجای خویش ایستاد و منتظر شد. آنگاه یک بار دیگر به سخن آمد و گفت اگر نمی‌خواهید چنین کمکی به من بکنید باید از ارسال پیام من به ولیعهد مضایقه ننمائید، ولیعهد باید مرا قتب خویش باشد و از اعلان جنگ فعلاً بادشمن خود داری ورزد، چه فرانسویان هنوز برای جنگ آماده نیستند، لطفاً به ولیعهد پیام بفرستید که پروردگار بزرگ مرا در بهار سال آینده به یاری او خواهد فرستاد.

این کلمات ساده فرمانده را به غضب آورد و با قهر فریاد کشید (زود از اینجا بیرون رو و او را از نزد خود راند).

بدین گونه نخستین سفر ژان به وکولر پایان یافت، اما دخترک



روستائی دلسرد نگر دید، صبر کرد تا عاقبت به اندیشه اش رسید. هنوز عید میلاد مسیح بود که خبر وحشت ناکی به گوش ژان رسید که اورلئان قلب مملکت فرانسه، بازوی رودخانه (لوار) و کلیه شهرهای جنوبی بزودی در معرض شدیدترین تعرضات دشمن قرار خواهد گرفت. درین حمله یا انگلیسها به اورلئان دست خواهند یافت و او را تصرف خواهند کرد و یائیکه لشکریان آنان به عقب رانده می‌شد، اگر چنین پیش آمدی رخ می‌نمود دشمن در اورلئان شکست می‌یافت و امید آن بود که فرانسه بسوی پیروزی پیش رود. اما امید شکستن دشمن در اورلئان بسیار ضعیف بود، چه مردم آن شهر به قحطی گرفتار و رساندن آذوقه نیز از حلقه محاصره دشمن به داخل شهر غیر ممکن بود.

این پیش‌آمد ژان را وادار به حرکت فوری نمود و روز ششم ژانویه ۱۴۲۹ که تقریباً روزهای اولین هفده سالگی او بود دومین سفر خود را آغاز کرد و مستقیماً بطرف (روبرت دو بودریکو) فرمانده و کولر شتافت

درین بار فرمانده با خوشونت نشان نداد و سخنان او را به خوبی شنید و دو هفته بعد از آن با استعانت و کهمک یکی از نجیب‌زادگان (ژان دومتن) فرمانده و کولر با اجازه حرکت را بجانب (دوفین) داد و هم اسپه با سوز و زره کاملی با و بخشیده و با پنج تن سیاهی او را حرکت داد. ژان برای اولین بار درین سفر لباس سردانه به تن کرد و بسوی دوفین که درین زمان در شهر (شینون) که تقریباً ششصد کیلومتر با کولر فاصله داشت بسر می‌برد. روز یازدهم مسافرت به شهر شینون مواصلت کردند و به محض ورود درین شهر پیام خود را به دوفین فرستاد و برای دریافت خبری از دربار سهرورز را بانتظار زیاد سپری ساخت و بعد از دریافت اجازه ژان فوراً روانه دربار شد ژان توسط یکی از درباریان به اطاق بزرگی راهنمایی شد که جمعی در آن می‌گفتند و می‌خندیدند. او ایستاد و منتظر شده تا کسی او را به (ولیمهد) معرفی بدار داما این عمل اجرا نشد و کسی هم با توجه نکرد عاقبت خود با قدرت دماغی و ادراک شخصی توانست پی به شخصیت ولیمهد

برد و او را در میان دیگران پیدا کند چنانچه او را با مشخصاتی که خود فکر میکرد پیدا نمود، بطرف او رفت و در نزدش زانوزد و سخنانی را که از قبل در نظر گرفته بود بر زبان آورد.

(ای دوفین بزرگوار، من ژان هستم دوشیزه اورلئان، خداوند مرا نزد تو رهنمائی کرده و پیام داده است که تو در شهر (رم) تاج گذاری خواهی کرد و پادشاه فرانسه خواهی شد). در این موقع دوفین (شارل هفتم) او را از زمین بلند کرد و از میان جمعیت به گوشه کشاند. با هم مدتی گفتگو کردند. دوفین امیدوار شد و امید تازه در جبین او درخشیدن گرفت. دوفین مردی بود که اصلاً نمی‌توانست برای مدت معینی عقیده واحدی را برای خویش حفظ کند و تحت عقاید دیگران نبرد و ازین رو به وسوسه دیگران ژان را به شهر (پواتیه Poitiers) فرستاد تحت آزمایش کشیشان و استادان قرارداد تحقیقت و راستی او در میان آید، مبادا که این دوشیزه روستا جادوگر و ساحری باشد.

در نتیجه آزمایش و امتحاناتی که از ژان بعمل آوردند، ماسورین آزمایشی در قبال گفتارهای او تسلیم شدند و گزارش دادند که این دختر ك پاك و دل جز حقیقت چیز نمی‌گوید و دامان او از آلودگی سحر و جادو پاك و منزه است و هم درخواست گردید تا درین موقعیت و خیم به ژان دارك هفده ساله اجازه داده شود تا مگر کاری از ساخته شود و برای نجات فرانسه و دوفین کاری از پیش برد.

سرانجام همه آزمایش‌ها به پایان رسید و اجازه رفتن به اورلئان را حاصل کرد. فرانسویانیکه آوازه ژان بگوش‌شان رسیده بود مشتاقانه منتظر بودند تا وی کار خویش را آغاز کند و آنچه از شجاعت و ایمان





والاحضرت مرحوم سردار شاه محمود خان غازی سپه سالار و الاحضرت مارشال شاه ولی خان غازی فاتح کابل که در معرکه استرداد استقلال افغانستان کار روائی ها وفداکاری های شان سر مشق افتخار آمیز برای ملت رشید افغان است .





اوشنیده بودند آنان را امیدوار کرده بود بایشان دل و جرات می بخشید . ژان خود را آماده رفتن به کارزار کرد و ساز و برگ جنگ فراهم آورد . او پیشاپیش لشکر یانش اسپ می راند و دو پیک ، یک کشیش همراه او بود و یکنفر مهتر مخصوص نیز برای اسپ خود همراه برد . برای اسپ او نیز زره مخصوصی معین کردند پرچم سفیدی به دستور ژان تهیه شد و یکنفر هم تبر زین کوچکی با و بخشید و شمشیری را که در کلیسای سنت کاترین نزدیک (تور Tours) پیدا کرده بودند بدستش سپاریدند .

### جنگ های ژان

ژان در آن روز هائیکه خود را برای لشکر کشی آماده میگردانم ای به فرماندهان انگلیس که در فرانسه بودند نوشت و از آنان خواست تا فرصتی هست به کشور خود باز گردند ، من به شما آزاری نمی رسانم و اگر باز هم در خاک فرانسه باقیماندید دیگر نمیتوانم از تنبیه شما چشم پوشی کنم ، چون من سوگند خورده ام که فرانسه را از دشمنان پاک سازم . اما مبرهن است که نامه ژان جز از خنده فرماندان انگلیس فائده نبخشید .

اولین مبارزه بزرگ ژان رساندن آذوقه به اورلئان بود ، و آرزو داشت تا اورلئان را از خطر حمله دشمن برهاند شهر اورلئان مدت ها بود که در معرض خطر عظیمی قرار داشت در میان دیوار های عظیم سنگی آن فرانسویان وطن پرست همه کوشش خود را بر کار می بستند و هفته ها گذشت که نگذاشتند نیروهای انگلیسی به درون شهر راه یابند . ژان بر آن شد تا پیش از هر کار نقشه طرح نماید و آذوقه را به شهر برساند . نقشه ژان ترتیب گردید و بزودی کاروان غله ، روغن و ماهی ، گوشت از راه شمال رود لوآر روانه اورلئان گردید

خار داری پای او را مجروح کرد و با برداشتن زخم سختی ، برای حمله شدیدتری به دوا ردوی دیگر انگلیس پرداخت . پدیدار شدن او در میان جنگجویان انگلیس ها را بو حشت انداخت و اوراتا پایه جادو گری پذیرفتند ، اما بخود می اندیشیدند که اگر ژان جادو گر است پس چگونه مانند مردمان معمولی زخمی می شود و اگر هم جادو گر نیست لابد از نیرو های غیر طبیعی برخوردار است .

آنروز جنگ ، شدت بیش از اندازه یافت ، انگلیسها با سرسختی از پایگاه خود دفاع می کردند . درین هنگام هوا تاریک شده بود ، آخرین روشنی های روز روی پرچم ژان می تابید و رنگ سفید آن در میان تاریکی به چشم سربازان انگلیسی و فرانسوی می افتاد ، انگلیسها با وحشت و هراس و فرانسویها با امید و آرزو بدان می نگر بستند ؛ منظره ژان با آن درفش سفید الهام بخش فرانسویان شد و نیروی آنان را باوج رسانید . انگلیسها ازین حمله جدید وحشت زده

و از پیش چشمان پر از تعجب و حیرت انگلیس که در کنار دیگر رود لوآر اردوگاه داشتند با نقص و برهم زدن نقشه ژان توسط فرماندهان فرانسوی و ریزش باران شدید به اورلئان رسید .

**جنگ اولین :** هفته پس از رساندن آذوقه به اورلئان ژان کار خود را آغاز کرد و یکبار دیگر نامه ای به اردوگاه انگلیسها فرستاد آنان را از آنچه میبایست بر سرشان آید آگاهی داد تا هرچه زودتر از خاک فرانسه خارج گردند . انگلیسها نیز به سخنان او پاسخ دادند و توهینش کردند .

بعد از گذشت روزهای عید میلاد مسیح ژان جا سه رزم به تن کرد و درفش سپید خود را برداشت ، بعد از گذشت از بالای سنگ فرشه های کوه های شهر به میدان نبرد درآمد . فرانسویان از دیدن او قدرت تازه یافتند و بی آنکه کشته زیادی بدهند در آن روز پیروز شدند .

روز دیگر در نبردی که بین ژان و انگلیسها در گرفت ، گلوله آهنین

بخشیدن به رویای دیرین خود یعنی نهادن افسرشاهی فرانسه بر سر دوفین باز نمی ایستاد. ژان احساس می کرد که وی می تواند مظهر فرانسه واحد شود و برای رسیدن باین هدف خود پیوسته می کوشید و نقشه طرح می کرد و به سه شهر (اوکسر - تروی - شالون) سفر کرد و راه مسافرت ولیعهد را بروم آماده ساخت و دوفین روز دو شنبه بروم وارد شد. مردم از او استقبال گرمی نمودند. صبح روز یکشنبه مراسم تاج گذاری دوفین در کلیسای بزرگ شهر بر پا شد و (دوفین) سر انجام افسر شاهی را با مراسم خاصی بر سر گذاشت :-



### جنگ های دیگر : ژان از

آنروزیکه روستای (دامرمی) را ترک گفته بود برآستی کار های خطیری کرده بود، ژان همیشه امیدروزی را در سر می پروراند که جنگ و ستیز به پایان رسد. اما چنین نشد و روزگار طرح دیگری ریخت و از آنچه ژان وحشت داشت و از تکوین خیانت می هراسید، اندیشه اش صورت حقیقت گرفت و در حالیکه بسوی پاريس در حرکت بود، در بین راه نه تنها لشکریان او برای نخستین بار به شکل جدی از طرف دوگ بر گندی شکسته شد، بلکه خود او نیز بار دیگر زخمی برداشت. پس ازین پیش آمد شاه دستور انحلال اردو را صادر کرد و به ژان نیز فرمان داد تا به در بار باز آید - ژان غمین و شکسته دل در یکی از معابد در برابر مجسمه جامه رزم را از تن بدر آورد و بنا بر فرمان شاه به در بار رفت و زندگی جدید خود را که اسارتی با جلال و شکوه بود آغاز کرد .

بعد از سپری شدن ۹ ماه شاه فرانسه از ژان در خواست کرد تا (بقیه در صفحه ۳۹)

بود به همین دلیل مثل همیشه از گرفتن تصمیم برای رفتن به (روم) و مراسم تاج گذاری انصراف داشت و در تصمیم عاجز می نمود .

وقتی سخن از دلیری و شهامت ژان در میان می آوریم باید دانست که شهامت در آنروز گار با امروز تفاوت بسیار داشت. جنگ ها هم مانند جنگ های امروزی نبود. نقشه جنگ، سوق و اداره در میان خود سپاهیان طرح می شد و جنگ تن به تن بوده و همه با هم می جنگیدند و میان افسر و افراد فرقی موجود نبود. یک دوک نامور و یک سپاهی ساده پهلوی به پهلوی هم قرار داشتند .

### (بسوی روم)

درین وقت دره لوار از دشمن خالی شده بود و فرانسویان (تالبو Talbot) سردار بزرگ انگلیس را دستگیر کرده بودند و (سر جان فاستولف Sir John Fastolf) سردار دیگر انگلیس بفرار مجبور شد. یکی از دلایل عظمت مقام ژان دارک مفکوره عالی است که آن بوجود آوردن فرانسه واحد بایک حکمران واحد بود، ازینرو لحظه ای از تحقق

شدند. پلی که از بالای آن خیال فرار داشتند فرو شکست و جملگی سقوط کرده غرق شدند - بدینصورت اورلئان آزاد شد و انگلیسها مغلوب شدند .

### جنگ های دیگر : محاربه

اورلئان تنها نبردی نبود که ژان در آن پیروز شد بلکه نخستین و از بسیاری لحاظ مهم ترین جنگ او به شمار میرفت. بعد ازین محاربه بود که به (دوشیزه اورلئان) شهرت یافت و تا امروز نیز به همین لقب در دنیا معروف همگان است. در آن روزهای که اورلئان پیروزی بزرگ خود را جشن گرفته بود، ژان برای دیدن (دوفین) رفت و ولیعهد او را نوازش کرده اما به درخواست ژان حاضر نبود روم رود .

ژان این پیشنهاد را از آنجهت کرد که می دانست فرانسه آنوقت به یک پیشوای واقعی نیاز فراوان دارد و تا اینکار عملی نشود، کشور فرانسه روی یگانگی را نخواهد دید. اما دوفین برای آنکه زندگی آرام و بسیار آسوده داشت و خوش و راحت





حاج مہاغلی محمد ہاشم میوندال صدراعظم  
کہ در تحولات انکشافی اخیر کشور مصدر کارروائی های  
موثر گردیده الله

# حربهای محدود گرم خطر ناکند!

فراموشی رفته باین نوع حربها اعتماد نمایند . زیرا حرب بخود قوانین وقواعدی دارد که بمثل جریانات آب ، هوا و آتش سیر طبیعی خود را باز یافت کردنی است .

ما اگر همین چهار حرب محدود را جدا جدا مطالعه و تدقیق کنیم خواهیم دید که حربهای موجود ، وبالخاصه حرب سرد تمایل به گرم شدن را نشان میدهد و اینها نه تنها بوضع سیاسی ، پسیکولوژی اقتصادی و عسکری دنیا تابع است بلکه چون حیات و ادامه کائنات مجادله است ، تمایل سردی بگرمی حرب نیز جزء قوانین مجادله عمومی بوده و هیچگاه از سیر طبیعی خود نمی ایستد . البته مفهوم زمان رول بزرگی را دارد ، مقصد اینکه حرب سردیک نوع مجادله منفی است که کتله های بشر را هیچگاه به هدف شان نمیرساند از آن رود حرب سرد جنبشهای دیورسیف و جرقه های حرب گرم محدود جامیگیرند و این نوع اوپراسیون ها کثافت پیدا نموده و در طول زمان معینه شکل حرب عمومی و توتال را بخود میگیرند . سوال اینکه آیا چه وقت این نوع حرب بوقوع خواهد پیوست . محتاج بسرعت انکشاف مجادله ما بوده ، بطور معین و یقین پیش بینی شده نمیتواند . بعقیده من این حرب جهانی و اتومیک شدنی است . با آنکه تمام ملل دنیا از آن خوف داریم مگر بسیار آرزوها

حربهای موجوده بانتهایی که از ده سال باینطرف گرفته شده است دو وصف معیزه آتی را بخود گرفته است :

آ) اوپراسیون دیورسیف .

ب) اوپراسیون محدود .

در ممالک روبه انکشاف که دارای لقاط کلید ستراتیژی عمومی میباشد این دو نوع اوپراسیون بیشتر بمشاهده رسیده و از طرف حامیان و طرفداران ملل مصاب به این مرض خسته کن در راه استحصال هدف حرب سرد پرورش و کنترل میشود . مادر طرف ۱۵ سال حربهای کوریا ، ویتنام ، هندو پاکستان و عرب و اسرائیل را مطالعه و تدقیق نموده ایم و این حربهای محدود زاده حرب سرد میباشد چنانچه من در کتاب حرب و ستراتیژی که نوشته ام این نوع حربها را جرقه های خورد و بزرگ حربهای سرد قبول نموده ام و اکنون نیز احتمال افتادن اینها را به قورخانه اتومیک زیده شده میروم . دول بزرگ و تمام ممالک بیطرف از حربهای محدود حمایت نموده و نمیخواهند این حرب شکل جهانی را بگیرد . زیرا در آن صورت حرب از چوکات برآمده و بحرب تبه کار اتومیک منجر میگردد . ما میدانیم که خوف وقوع حرب اتومیک بحربهای موجوده شکل غیر مستقیم ، دیورسیون و محدود را داده است اما مردم دنیا باید بخواهگاه



نویسنده: عبدالرؤف رسول  
تورن جنرال ارکان حرب



است که نمیشود و بسا ناخواستنی‌ها است که وقوع می‌یابد .

یک نکته قابل تذکار دیگری را نیز خاطر نشان مینمایم که هر قدری زمان بگذرد حرب جهانی شدیدتر و با وسائل و وسائط امحاء کار و تبه کارتر جریان خواهد کرد - ماهمه امید داریم تاخدای بزرگ لطفی بفرمایند تا احتمال وقوع حرب جهانی از بین برود مگر بعضی از شواهد و دلایل موجود اند که افکار عامه جهان را بخود متوجه ساخته اسباب نارامی و تشویش را بمیدان می‌آورند بالخاصه موجودیت مجادله بهر شکلی که باشد تمهید حربهای بزرگ و تبه کار را گذاشته و میگذارند و هیچگونه تدبیری را نمیتوان سنجد تا مجادله را از بین برد در خود انسان ، در عایله ، در مملکت ، در ممالک و حتی حیوانات نباتات و جامدات مجادله علامه حیاتی و عنصر اصلی هستی است بلکه قوانین و قواعد که بتوانند این مجادله را در راه صلح و سلام آورده بتوانند موجودند مگر ساختمان کائنات برای قبول این نوع قوانین وقتی مساعد میشود که از شرائط و احوال موجوده نشانی باقی نماند و این امر حتی با شروع حرب اتومیکه متقابل نیز ممکن نیست چون مجادله ، عنصر اصلی بقا میباشد و کنترل آن از قدرت و استعداد جمعیت های بشری امروزه خارج است لذا از صلح بیشتر بحرب منتظر بوده فرد و جمعیتی که حیات شرافتمندانه را آرزو مند است از هر چیز بیشتر برای مجادله بمقابل دشمنان دین ، وطن و شاه خود حاضر بایند بود ما برای تطمین خاطر قارئین گرامی از حربهای محدود که چگونه از حرب سرد منشاء گرفته اند بصورت مختصر بحث مینمائیم .

۱- حرب در کوریا .

مامیدانیم که بعد از حرب

۱۹۰۵ : ۱۹۰۴ در بین روس و جاپان کوریا بوسیله جاپانی‌ها اشغال و جزو خاک آن مملکت گردید و برای نفوذ یخاک چین پایگاه مستحکم و متین را تشکیل میداد ، چنانچه بندر پورت ارتور برای هر نوع توسعه امپراطوری جاپان پایگاه بزرگی را در آن وقت تشکیل میداد که آنهم بعد از شکست قوای بحری روسیه بدست اردوهای جاپان درآمد . بعد از آن روز احضارات حرب چین و جاپان شروع گردیده تا اینکه سی سال بعد اردوهای جاپان بغرض استیلای سواحل چین و مانچوریا بحرکت گذشته و تا اخیر حرب دوم جهان این حرب درام نمود .

بعد از حرب دوم جهانی جاپان تسلیم بلاقید و شرط را قبول و بدینصورت چین از اشغال جاپان خلاص و کوریا هم آزاد شد مگر کوریا طرف توجه ملل غالب قرار گرفت تا اینکه با شروع حرب سرد و روی کار آمدن حکومت مردم چین ساحه کوریا دوباره قیمت استراتژی را حایز گردید .

طرفین یعنی قوای غرب و شرق متوجه این ساحه گردیده و فعالیت های حرب سرد بالتوبه قرار آتی خود را نشان داد .

۱- حلول کمونیزم در کوریای شمالی .

۲- تقویه کوریای شمالی بواسطه دول بزرگ سوسیالیستی .

۳- تعرض آنی کوریای شمالی و انکشاف آن بسرعت نامترقبه

چنانچه جز سر پل محدودی در ناحیه پوسان چیزی باقی نمانده بود .

۴- اخراج قوای امریکاء در پوسان .

۵- تقویه این قوا از طرف دول ناتو .

۶- تعرض احاطوی قوای متفقین

و مؤفق شدن آن در صورتیکه جنبه

قوای کوریا شمالی را تثبیت و با

حمایه قوای هوایی و بحری از جانب جنبه مذکور اخراج اجراء گردید . این احاطه به اندازة شاه اثر و با ترتیب و جرئت موافقی اجراء گردید که مثل آن را در تاریخ حرب کمتر سراغ داریم این تعرض احاطوی اثر جنرال مک ارترو هیئت ارکان حربی آن بود .

۷- در اثر مؤفق شدن احاطه فوق قوای کوریای شمالی بسرعت عقب نشینی نمود .

۸- رسیدن قوای متفقین تا خط دریای یالو و حرب موضع .

۹- قرار مک ارتور برای وسعت حرب و در صورت لزوم استفاده از اثر ژئی اتومیک .

۱۰- حکومت امریکا این پیشنهاد را رد و مک ارتور به امریکا خواسته شد .

۱۱- ادامه حرب بشکل موضعی .

۱۲- آرزوی متار که تعیین خط موازی ۳۸ بحال حدود در بین دو کوریا .

بعد از مدت بیش از یکسال محاربات دو مدار درین ناحیه حرب گرم محدود و سرد گردید .

نتایجی که از حرب دو کوریا گرفته شد :

۱- هر طرفی که بصورت ناگهانی ویا قوه ضربه کافی تعرض نماید مؤفقت و ظفر بیشتر به آن طرف میل میکند ، چنانچه مؤفقت سریع کوریای شمالی شاهد آن است .

۲- کشف صحیح و تدابیر لازمه قبلی و سرعت حرکت مقابل بهترین چاره گریز از مغلوبیت قطعی میباشد چنانچه رسیدن قوای زمینی و هوایی امریکا از پایگاه های پاسیفیک کوریای جنوبی و با الوسیله حامیان آنرا از بزرگترین شکست نجات داد .

۳- جرئت ، ترتیب صحیح ؛ کوار-

دیناسیون قوای حربی عسکری درسه

حجم، پیرنسیب های تثبیت و تعرض بزرگترین ضامن کامیابی است. چنانچه در ماده سوم تعلیم نامه اول سوق و مجار به المان چنین مینگارند.

« برای استحصال مؤفقت های بزرگ جرئت و جسارت شرط است باید این جرئت نتیجه محاکمه منطقی باشد ».

یک چیزی که من درین ماده علاوه میکنم اخذ تدابیر قبلی و تأمین وسائط و وسائل لازمه موافق بشرائط واحوال وقت است.

۴- همکاری قوای سیاسی با قوای عسکری - مادر حرب کوریاها در تعیین اهداف حرب بین سیاست و عسکری خالیگاه های عمده را مشاهده میکنیم این خصوص برای کسانی که حرب در کوریا را با تفرعات آن ملاحظه فرموده باشند واضح تر معلوم است حرب جریان طبیعی دارد که باید سیاست و عسکری آنرا هیچگاه از نظر دور نداشته باشند و این هم بدوش سر قوماندانیت قوای مجموعی دولت تکیه میکنند.

۵- بعد از آنکه طرفین بقبول قطع آتش میل نشان میدهند ضربه های وارد شده و مؤفقت های بارزی که در جریان مجاریات نصیب طرفین شده در قبول شرائط صحیح خیلی حایز اهمیت میباشد باید در حربهای محدود فرود آوردن ضربه های امحاء کار و حسابی را نباید از نظر دور انداخت.

### II- حرب ویتنام ها :

این حرب خصوصیات و اوصاف معیزه دارند که مانعی توانیم آنها را تماماً با حرب دو کوریا تشبیه و مقایسه کرد زیرا درین حرب تنها امریکا بصورت مستقیم و با قوای عسکری خود از ویتنام جنوبی حمایت مینماید و یک نوع حرب دیورسیف

بشکل گریلا میباشد چون درین باب قسار ئین گرامی هر روز احوال میگیرند و از طرف دیگر این مجادله هنوز به نتیجه مطلوبه نرسیده حاجت به توضیح ندارد. چون در مجله شریفه اردو مقاله داده شده و این فدوی نظریات نا چیز خود را تقدیم داشته ام مراجعت قارئین محترم خود را به آن مقاله آرزو و استرحام نموده از تکرار عذر میخواهم.

تنها همینقدر میگویم که حرب ویتنام هائنتائج ممتاز ذیل را بممالک خورد و بزرگ دنیا بخشیدنی است آ- مجاریات با شکل اراضی، نوع مجادله طرف مقابل آب و هوا به انواع مختلف جدا شده. تدابیر، سلاح، تعلیم و تربیه و پسیکولوژی خصوصی را طلب مینماید.

ب) خورد شمر دن کتله های بااراده و مصمم در اراضی های نامساعد فائقت مالزمه و سلاح را بمشکلات حل ناپذیر مواجه ساخته میتواند.

ج) سیاست و عسکری باید در بدایت امر همکاری کنند. بالخاصه در هچچه حربهای خصوصی همکاری بیشتر و تعمق مزید استراتژیهای سیاسی و عسکری شرط است.

د) در حربهای دیورسیف و گریلا در اراضی مساعد حوصله، تدابیر خصوصی، گذر ز بان را به نفع خود استعمال نمودن و قبول ضربه های امحاء کار پسیکولوژیك شرط است اما کافی نیست.

ه) تصمیم و اراده ملل عاشق به ناموس، دین، شرف، مسلك، شاه، وطن و عنعنات ملی در هر نوع شرائط بالخاصه اراضی و اقلیم ناهموار بزرگترین حامی کامیابی و طلب مرحمت و کمک الهی است. بکمان این فدوی حرب اول افغان و انگلیس یک صد و بیست و پنج سال پیش تر به حرب موجوده ویتنام با شرایط خیلی

نامساعد برای قوای ملی افغانی شباهت دارد.

### III- حرب هند و پاکستان

ما میدانیم که طرفین راجع به مشروع بودن مجادله کتب زیادی نوشته اند که ما بحیث یک دولت بیطرف هر دو طرف را حق بجانب میشماریم اما فراموش نباید کرد که در حرب حل مسئله حق بجانب بودن و یا نبودن جاندار در حرب قانون «الحق لمن غنیه» از طرف بسا مردمان دنیا قبول شده است.

بهر صورت دعوای کشمیر در بین این دو دولت اسباب و علل حربهای پسیکولوژیك، سیاسی و اقتصادی را بمیدان آورده بود بالاخره حل ناپذیر ماندن این دعوا شکل حرب دیورسیف را بمیدان آورده و حلول قواء بشکل غیر مستقیم از هر دو جانب ادعاء شد که شرح و بسط آن از چو کات مقاله ما خارج است تا اینکه حرب بشکل ضربه دوجانبه در زمین و هوا در نقاط مهم استراتژیك با عین قوه و شدت در سراسر حدود شروع شد و تا مدت یک هفته استقامت ضربه های اصلی افکار مدیر استراتژی طرفین هیچ معلوم نبود. بعد از آن بصورت عمومی در دو ساحه زد و خورد های بزرگتر صورت گرفت.

۱- در منطقه امرتسر لاهور

۲- در منطقه سیالکوٹ و جمو

در ظرف ۲۲ روز تمام قوای زرهی و هوائی طرفین در اثر ضربه های عصبی از بین رفت تا اینکه دول، بزرگ لزوم عقدمتار که قطع آتش را بمیدان گذاشته و درین راه دولت اتحاد جماهیر اشتر اکیه شوروی ابتکار را درین مسئله بدست گرفته و با عقد کنفرانس تاشکند و وسطت بناغلی اسکسی کاسیگین این حرب خاتمه یافت گرچه چند روز دیگر عدم رضائیت جانبین افکار عامه دنیا را مشوش



میساخت مگر ضایعات ماتریال امکان  
ضرب و گرد ثانی را تا امروز از بین برد  
البته بعد از این تصادم تصادفی هر دو  
طرف برای جبران و تلافی نواقصات  
خود میکوشیدند مگر تصادم ثانی هر  
دو طرف را بحرکت با تامل و تالی بیش  
از حد مجبور ساخته است. چون این  
حرب در ظرف بیش از دو هفته به  
پایان آمده و اخبار مصادمات روز  
بسمع همه مردم رسیده آنقدرها به  
توضیح و تشریح محتاج نیست مگر  
باز هم نتایج عمده را که از این حرب  
باید بدست آورده باشم قرار ذیلند .  
( آ ) در حربهای محدود بین دو  
دولت خوردن ممالک و قدرت های بزرگ  
دارای سلاح اتومی بی طرف مانند  
راتر جیح میدهند که این سه فایده  
ذیل را تامین مینماید :

۱- قدرت هر دو طرف تجرب به  
میگردد .

۲- جرئت شروع بحرب بدین  
شکل از بین می رود زیرا حربهای  
امروزه تماماً بر نتایج پرورش دهنده  
آن تکیه میکند و دول خوردن از این  
محرومند .

( ب ) در حرب محدود ضربه اول  
هر قدر بیکه قوی و هدف آن درست  
انتخاب گردد اراضی بدست آمده به  
نفع آن دولت تمام میشود .

( ج ) در حربهای که طرفین دارای  
حدود طویل باشند توصیه قوت هادر  
استقامتهای استراتژی حیاتی و حساس  
طالع حرب را بطرف خود میلان میدهند  
این نوع توجیه قواء بر ای تطبیق  
پرنسیب های عمده استراتژی میداد  
قابل استفاده و اثبات تشکیل میدهد در حرب  
هندوستان و پاکستان این خصوص  
تماماً اهمال شده بود .

( د ) پرورش حرب را باید خوب  
تدقیق نموده و منابع پرورش دهنده  
وامکانات تقویه آنرا سنجیده و بعد  
از آن بحرب اقدام باید کرد .

هـ) در استعمال قوای قیمتدار  
از قبیل زره دار و هوایی باید پرنسیب  
تصرف قواء را با تمام خصوصیات آن  
تطبیق نموده به تصادمات بیمورد و  
استحصالی اهداف کم قیمت نباید از  
آنها کار گرفت .

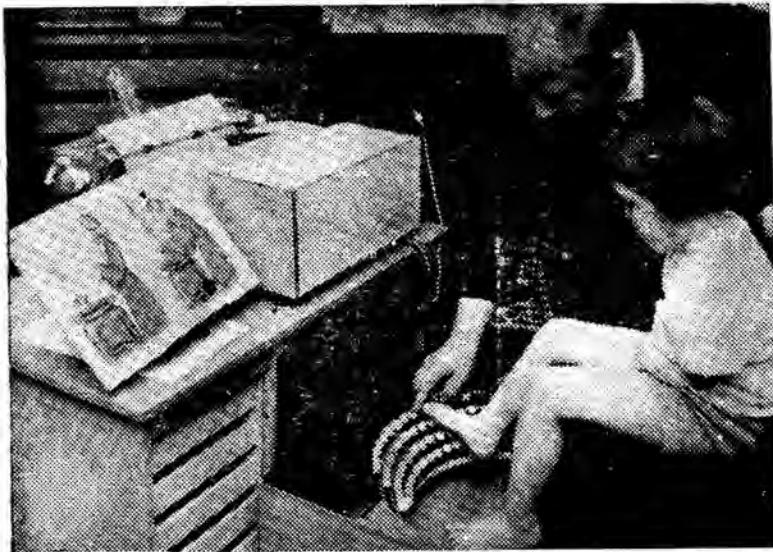
این بود نتایجی که از محاربات  
بیست و دو روزه پاکستان و هندوستان  
بدست آمده است البته این محاربات  
به تدقیقات عمیق تر و ملاحظه علمی تر  
محتاج است که در چوکات بحث ما  
کمتر گنجایش دارد تنها همینقدر  
خاطر نشان باید کرد که حربهای  
این ناحیه نسبت از تباط جغرافی که  
بامادارد حایز اهمیت بوده و اندازه  
قوای که درین حرب استعمال شده  
با قدرت سوق و اداره در ساحه استراتژی  
و تاکتیک بالخاصه اکمال آن خیلی  
مهم است .

در خاتمه همینقدر خاطر نشان

میکنم که باین حرب های محدود  
دل خوش نبوده کوشش کرده شود  
که منازعات ذاتالبینی از راه مفاهمه  
و مذاکره حل گردد و دنیا با حرب سرد  
گذاره کنند زیرا طوری که جریان  
حوادث نشان میدهد روز بروز محدود  
ماندن حرب گرم مشکل شده می رود  
با لخاصه در صورتیکه کدام حرب  
گرم محدود در جوار نقطه کلید  
ستراتیژی کره وی ( گلوبال )  
انکشاف نماید بدون شك بحرب  
جهانی منجر گردیده تمهیدتباهی نسل  
بشر امروزه گذاشته می شود از آن  
رو تدابیر ذیل باید طرف توجه ممالک  
خورد و بزرگ قرار گیرد .

- ۱- حل مسائل از راه صلح و سلام
- ۲- تشکیل بیکه قوه بزرگ  
بین المللی به امر جامعه ملل متحد
- ۳- حذر نمودن از حرب های  
محدود گرم .

## ار اختراعات جدید



اخیراً یک نفر انجنیر آلمانی ماشین تایپ جدیدی اختراع کرده  
است که بوسیله انگشتان پا میشود تایپ کرد. اگر چه این چنین تایپ  
برای کسانی که بادهست نمیتوانند تایپ بکنند قبلاً نیز اختراع شده بود ولی  
در اختراع جدید جوزلف ولف جان سامان جدیدی تعبیه شده که حتی  
اطفال معیوب هم میتوانند ازین نوع ماشین تایپ استفاده بکنند .

# سرکوبی اشرار

پیوسته گذشته

عشیرت، طرفداران.. تحت کنترل و تاثیر گرفته شود.

۳- ارتباط اشقیابا مراکز مذکور قطع و معاونت های شان جلوگیری شود.

۴- عقب، جناحین، ارتباط، مخابره مناقلات و مواصلات قطعات تأمین گردد.

۵- نظربه تشکلات اراضی اگر مغرزه های منظم بمقابل اشرار بحال منفرد و محکوم مانده باشند بر اصل قواه است تا عقب و پهلوهای مغرزه های مربوطه خود هارا تحت حمایه و امنیت بگیرند.

۶- محل های توقف و اطراق قطعات در روز کشف و قطعات جا بجا و بمقابل احتمال شبخونهای اشرار تدابیرترصد و امنیت اتخاذ باید گردید.

۷- حمله اشرار به آتش و ضربه های مقابل دفع و طرد و معنویات قطعات صیانت شود.

۸- حیلہ های اشقیاء دائما بنظر اعتبار اخذ و بحركات سرکوبی دوام داده شود.

اگر اشقیاء در اوضاع محاربه از خود مقاومت نشان دادند تفصیل ذیل بنظر اعتبار گرفته شود.

— بمقصد استحصال نتیجه قطعی

حتی الممكن از جنبه بمقابل اشقیاء تعرض نباید گردید ورنه به قطعات ضائعات زیاد وارد میسازند. پس بهتر است تا ذریعه قوای هوایی واسلحه



نویسنده مضمون

بادیگر گروپ های عقبی و غیره خود ارتباط تأمین مینمایند.

۴- در نقاط مختلفه آتش هادرداده صداها کشیده میخواهند که قطعه به استقامت های غلط سوق بشوند.

۵- در گرد و نواحی مترصدین و در پهلوها گروپ های کوچک را در کمین گاهها تعیین کرده و در وقوع مصادمه از جنبه محاربه معندانه نکرده قطعات را بالای خود کش کرده و گروپ های کمین از عقب و جناح به تعرضات اصلی گذشته و قواه جنبه نیز به محاربه برخو استه به محاصره و مغلوبیت قطعه می پردازند.

بمقابل آن اگر قطعات تدابیر ذیل را اتخاذ نمایند مفید و موثر واقع خواهد شد:

۱- قوت، مقدار، موجود، نوع و تعداد سلاح و مناطقی بود و باش اشقیاء کشف نمایند.

۲- مراکز حمایه اشقیاء (گروپ

زمانیکه اشرار خواه بشکل تعرض و یا فرار خود به قبول محاربه همراه قطعات مجبور شوند اکثر یا بدون حفر و اعمار تحکیمات از عوارض طبیعی استفاده کرده به ترتیبیکه پهلوهای شان به موانع طبیعی مستند باشد نقاط حاکم را اشغال و به مدافعه موقتی (مقاومت اشغال) میگذرند در اثنای مقاومت غنائم و مواشی خویش را جاه بجا کرده و در وقت شب یا تعرض و یا فرار میکنند. اگر خیال تعرض را داشته باشند با بعضی گروپها خطوط مواصله، مناقله عقبی و ارتباط قطعات را قطع و مانع اکمالات اعاشه جیخانه آب و تقویه قطعه گردیده همینکه ضعف قطعه را به نفع خود تأمین توانستند از پهلو و عقب طور شبخون (حمله ناگهانی) تعرضات احاطه وی، معاصره و از بین بردن قطعه مبادرت مینمایند. جهت اینکه خوتر مؤثر واقع شده بتوانند از مغاره ها، سترهای طبیعی و صناعی (یا اینکه ستره های سنگی بوجود آورده ماشیندار های خود را راجا بجا کنند) هم استفاده مینمایند علاوه تا مقاومت شان حائز خصوصیات آتی نیز میباشد:

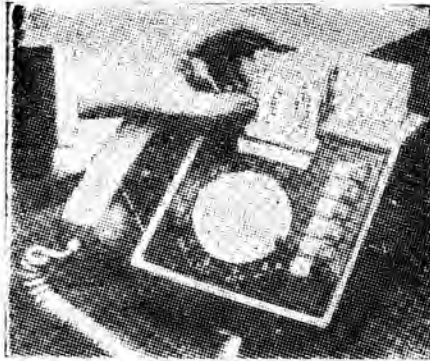
۱- در جنبه فواخ گروپ گروپ مواضع را اشغال میکنند.

۲- پیشروی خط اصلی محاربه مترصدین افزاز میدارند.

۳- بواسطه افراد سواره در دادن آتش و بوجود آوردن دود و غیره



## تلفون جدید



نوع جدید تلفون اتومات .  
 کلیه مشکلات انتخاب غلط و اشتباهات  
 احتمالی را از بین برده است . یکی  
 از کارخانه های اتوماتیک «بل» در  
 اضلاع متحده امریکا ، تلفونی بوجود  
 آورده است که باهمه پیچیدگی  
 تخنیکی آن ، خیلی بسادگی بکار  
 می افتد . منتها بجای دابل کردن  
 و حرکت دورانی نمره ها کارتهای  
 مربوط آن که دارای سوراخیکه  
 بهمین منظور تهیه شده داخل میگردد  
 و بایک فشار دکمه ، تلفون مورد  
 نظر بفوریت رخ میگردد . درانصورت  
 احدی نخواهد گفتم :

«بیخشد ، اشتباه کرده ام .»

دمدار ضعیف به سمتی و دمدار قوی  
 سمت دیگر رجعت میکنند .

۲- پل های رفتار خویش را به  
 استقامت های مختلفه ارائه ، تمثیل و  
 ترسیم مینمایند .

نظر به آن در تعقیب هم باید  
 قطعات کشفیات صحیح نموده بد  
 تعقیبات مؤثر پردازند . و هیچ وقت  
 کشف ، امنیت ؛ ارتباط و احتیاط اعمال  
 نباید شد .

گرچه مقاومت قطعات باعث شکست  
 اشرار شده میتواند ولی هیچگاه بخرابی  
 معنویات و خلاصی جبه خانه آن ها  
 اطمینان نباید کرد . زیرا که اوشان  
 دائماً معنویات خود ها را بلند نگاه  
 کرده و جبه خانه خویش را اکمال  
 و هر وقت به محاصره و احاطه و از بین  
 بردن قطعات میکوشند . از آنرو  
 اشغال نقاط حاکم و مقاومت های  
 عنودانه منجانب قطعات يك امر  
 ضروری پنداشته شود . زمانیکه اشرار  
 به عقب نشینی مجبور شوند به جبهه  
 فراخ شکل محاربات اشغالیه گذشته  
 و از دور انداخت میکنند و مواضع  
 صحیح کشف و در شب عقب نشینی  
 شان صورت میگردد .

فراموش نباید کرد که اگر اشرار  
 اضافه تر زخمی و کشته شوند و آنها  
 را جمع و برده نتوانند و یا همراهشان  
 زنها باشند خیلی باهه مقاومت و محاربات  
 معندانه می پردازند . لهذا باید این  
 مقاومت شان به آتش و حرکت  
 شکستنانده باید شد . ابراز غریب و ولوله  
 های شان یک نوع فریب بوده لازم  
 است که بمعنویات قطعه صدمه وارد  
 نکند . در حالیکه اشقیاخاطر اسیر شدن  
 را به بیند و عائله اموال خود ها را ترك  
 کرده فرار مینمایند اگر اوشان زخمی  
 ها مرده ها عائله و سنگین بار های خود  
 ها را نجات داده بتوانند ؛ و بصورت  
 قدمه دار و هریک گروه یکدیگر خود  
 را حمایه کرده قطعاً رجعت میکنند .  
 اگر اشقیای دارای اسپ باشند دمدار های  
 خود را از سواره ها تشکیل کرده  
 با ابراز مقاومت های موقتی بسرعت  
 از نزد تعقیب کننده های پیاده متفصل  
 و دور شده به رجعت اساسی اقدام  
 و بعضاً جهت خروج از حدود مملکت  
 بخاک اجانب رجوع مینمایند . جهت  
 فریب قطعات به برخی حیلها نیز  
 متوصل میشوند مثلاً .  
 ۱- قسم کلی شان بایک تعداد

جات ثقیله دست داشته شان تحت فشار  
 اخذ و به تعرض احاطه وی از بین برده  
 شوند . اما غافل نباید بود که اشرار  
 بهر قسمیکه شود راه های گریز را  
 پیدا و بحرکات وحشیانه فرار کرده  
 و یا در زمان و محل مناسب به محاربه  
 اقدام میکنند .

زمانیکه اشرار به فرار موفق  
 شدند تعقیب آنها بار آورنده بعضی  
 مشکلات است مثلاً .

۱- اشقیاء در بی راهی می جهند  
 ۲- اگر از رهبرد استفاده شود  
 بعضاً رهبلدها قطعات را در دام دشمن  
 می اندازد .

۳- در مناطقیکه اهالی (یا اجانب)  
 طرفدار اشرار باشند به انواع پروپاگندها  
 قطعات را که تعلیم و تربیه عالی  
 نداشته باشد گمراه میسازد .

علاوتاً اشرار تیره روز نقاط حاکم  
 را اشغال و در کمین بوده همینکه  
 گروه پهای کوچک تعقیب کننده  
 قطعات را بالای خود کشانیدند به حیلها  
 های متنوع قطعه را غافل ساخته به  
 حمله های ناگهانی قیام میورزند لهذا  
 در هر حال و وضعیت و خصوصاً در  
 محاربات اشرار جزئیترین اهمال که  
 باعث بی امنیتی و بی تدبیری باشد  
 سبب فلاکت قطعه شده میتواند .

ممکن بعضاً واقع شود که قطعه  
 غرض کدام مقصد از نزد اشقیاء  
 رجعت را قبول کنند در این احوال  
 و اوضاع احتمالات فریب کار پهای  
 اشرار و مقابل به آن تدابیر حمایه و  
 امنیت به نظر گرفته شود .

چه اگر امنیت و تدابیر اتخاذ  
 نشود اکثریاً قطعات به آتشها و  
 حمله های ناگهانی دشمن معروض  
 میشوند . در ظهور اشرار باید حتی الامکن  
 به استعمال تمام اسلحه جات خفیه  
 و ثقیله و بضر به های مقابل از بین برده  
 شوند . دیگر چاره ها نیز نظر به حال  
 و وضعیت تجویز و از بصیرت و ابتکار  
 استفاده باید گردید .

# نه څلویښت کاله پخوا

نه څلویښت کاله په خوا د دي خاوري مېړني - سپېڅلي غیرتي او با شهما ته زامن چه له خپل سر، مخان او مال غځه تیر لکه زمري د جنگ په ډگر کی په حریف باندي وروانگل او د ګران افغانستان په متجاوزينو باندي داسی یرغل وړ وړ چه سمه لاره ترینه غلطه او د لوي ماتي سره مخامخ کړل .  
هو ! دا دگران او خواږه هیواد ناقراړه درد و چه زمونږ ننگیالی پلرونه نارامه کړي نو دخپل حق په بحاي کولو له پاره ټول پښتني احساسات را وپاریدل په دښمن ئی توره لوڅره جوړه کړه او نړیو الوته وښودله چه د پښتو نوم دي د غیرت، شجاعت او تور زني . . . . . نو څرنگه چه زمونږ غیرتی او باهمت پلرونه خپله آزادی وکتله نورو نړیو الوته ئی د آزادی لاره وښودله - که څه هم د انگریزانو قوت له هر حیثه مکمل او مجهز و لیکن د هغه عالی همت په مقابل کښی چه مېړنیو پښتنو درلود هیڅ قوه او قدرت قادر نشو چه هغه سپېڅلی عزم او پښتني میرانه چه هرې پښتني مور خپل زوي د آزادی او شجاعت په شیدو روزلی دي او د وطن محبت او صیانت درس ور کړی دی مات او له عزمه ئی وگرځوي . صبر ثبات - توره - غیرت - میرانه او ایثار داد پښتنو فطري او اصلی وظیفه ده او د پښتني مور خاصه روزنه ده .

ګرانو او ډیرو محترمولو ستونکو اتاسی په پیاد وي چه د کابل فاتح والاحضرت مارشال شاه ولیخان غازی د جوزا په (۶) ورځ وفرمایل چه د صبر او ثبات او متین عزم په بنا اعلیحضرت شهید سعید (رح) محمدنادر شاه چه د پکتیا په مجاذ کی خپل حکیمان ته او مد برانه پلانونه طرحه او دخپلو فداکارو او مېړنیو وروڼو په مرسته او د وطن دوستو شاه پرستو پیا وړو پکتیا والود د زور و با تجربو قوماندانو په لار ښودنه پر - پاره چنار - تل - میرام شاه چه دانگریزانو مستحکمی مرچلی وي یرغل وروړ او په استعمار چیانو باندي رښا ورځ توره شپه کړه . او خپل آرزوګانی او سپېڅلی خواهشات چه ( آزادی او خپل واک ) ده د توري په زور ورباندي ومنله . او نړی ته ئی ثابتہ کړه چه توره چلبړي د استعمار رسیء شلبړي . نن دا تاریخی ورځ چه په هر کال کی د استقلال دحامی اعلیحضرت معظم همایونی ګران ټولواک لهخوا په خاصو مراسمو سره نمائندل کیږي ټول د وطن و ګړی ویاړ و او دخپلو مجاهدو پلرو پاک او مقدس روح ته درود او اتحیات لیږه .

نوراشیء اي د پښتني د مور زامنو مخان بیدار کړیء -

او دخپل خواږه هیواد خدمت ته مخان لاهم سنبال کړیء .

په ښه نیت او ښه اخلاق او علم مخان هښیار کړی

د وطن د ترقي لپاره ګله روز ګار کړی

په دښمن باند بار سو را نګار کړی

شهیدان په د رود او دعا ښاد کړی

په ساتنه د امانت (استقلال) مخان نثار کړی

ډګروال  
امیر محمد  
خاخی  
د توپو  
ګرافی  
لوی مدیر



# د خپلواکي نعمت

او د خپلواکي ګټه

-۱۰-

**انساني قدرت او د ژوند بشپړتيا**  
انسان د يو لوړ قدرت خاوند دی. چه پخپل ژوندانه کښې ډير و مهمو او حساسو کارو مصدر و ګرځي يواځي څه شي. چه ددې قدرت دپه کار اچولو سبب کيږي پخه عزم او ټينګه اراده ده او کله چه دا قدرت تر يو پخي ارادې لاندې په معقولو او ګټورو چارو و ګمارل شي انسان بايد پدې اړه اوسي چه ددې د کار د شروع په سر کښې د کار موفقانه ختم ته کتلای شي ځکه هغه لوي قدرت چه دانسان له ارادې څخه مينځ ته راځي د کار د ختميدو يواځني نښه بلله کيږي .

انسان ډير لوړ قدرت خاوند دی او کله چه دا عظيم الشان قدرت په مفيدو او ګټورو کارو په کار و اچول شي نه يواځي دا چه حکمت او اجتماع ته د بشپړو کارو مصدر کيدای شي بلکه ځان او حتی کورني او ماحول ته د دوږ ږني اسباب راغونډولای شي.

انساني قدرت ځانته بيل بيل خصوصيات هم لري چه يو له هغه جملې څخه شه، ګټور او په زړه پوري قدرت د اصلاحی قدرت دی چه ګټور قدرت محسو بيږي مګر هغه شه نوم چه پس له مرګه هم پاتي کيږي

زامنو او آينده نسل ته ئي وشودل چه تاسي هم ددې ګرني افغانستان د زمریانو زمان ياست او بايد د زمری په شان د خپل ګران ټاټوبي په ساتنه کښې بيدار او هوښيار اوسئ او د لوی خدای په استعانت او د سېيڅلي خاوري په برکت او د ګران ټولواک دارشاداتو په پيروي ځان په داسې شرايط سنبال کړئ چه هيڅ قدرت تاسي ته په بد نظر ونشي کتلای او ستاسي د خاوري تماميت ته خدای دی نه کړي څه صدمه ورسولای شي. هو! د ازموڼو د مجاهدو پلرو د آزادی ګټل يو معنوي درس هم ګټل کيدای شي او مونږ ئي متنبه کړي يو چه ژوند بايد په اباطلو صرف نکړو، تشریقاتي ژوند له مينځه يو سو او حقيقي ژوند ته ترجیح ورکړو، د تيوري او نظرياتو او تشوخبرو په ځای په عملی ګټورو کار و لاس پوري کړو، د افراطي عيش او عشرت د مذمت کولو نه علاوه د موجوده عصر پيشرفتنه او ترقی ته نظر و اچوو د خوب او خيال له تيارو څخه ځان بچ او دخپل سېيڅلي اسلامي شريعت د پخه اساسا تو تر رڼا لاندې ډيرو سختو او شديدو متقابلو ځوابونو ته معنوي، ځاني او مالي آماده ګي او تياری ولرو .

دا څر ګنده ده چه آزادی يو لوی نعمت ګټل شویدی ځکه چه د آزادی تر سيوري لاندې ژوند خپل بشپړ شرايط تکميلولای شي. حریت هر چاته موقع ورکوي چه د خپل ژوند په سنباليت کښې به آزاد ډول او بدون له کوم شرط او قيد څخه مجاهده او مبارزه وکړي او دانه يواځي چه آزادی د ژوندانه د چارو د اجرا او بشپړيدو په اياره کښې ښه اغيزه لري بلکه د آزادی د سېيڅلي سيوري لاندې انساني شرافت، پت او عزت، روحی آرامی، وجداني قناعت حرمت او حیثيت، ننگ او ناموس، ميرانه او شجاعت او داسې نور خپل اصلي معيار تر آخری حده مصئون او محفوظ ساتلی شي .

زمونږ مجاهد پلرونه چه د دې ګرانې نعمت د حاصلولو په لياره کښې دخپل ذاتی او فطری شجاعت او تور زنی څخه ئي کار واخستل او دخپل ننگ او عزت، شرافت او حیثيت دپه ځای کولو له کبله لوی او مقتدر دشمن ته ئي شکست ور کړ او خپل آزادی ئي و ګټل نه يوازی دنيا او الوته ئي ثابته کړه چه پښتنو هيڅکله د بلچا باداری نشي زغملی او د پښتو نوم دی د غیرت او شجاعت بلکه خپلو

دهغه قدرت په کار اچول دی چه خلکو ته گټه و رسولي شي - او اجتماعي بهبودی مينځ کښی وی چه ددی په واسطه هر گټور قدرت کولای شی د مملکت د ترقی سبب وگرځی او اصلاحی جنبی مينځ ته راوی - علم او معرفت ته ترقی ورکړی، تبعیضی حرکات او پیش آمدونه له مينځه یوسی، مرتجعین او منحرفین تنبیہ کړی - مداحان او غوره مالان نفرین، حیلہ گران مذمت او ددروغ اوچل او فریب خاوندان له ساحی څخه وباسی په همدی ترتیب هر قدرت کولای شی د مملکت ټول اسباب د ترقی راټول او موانع له مينځه یوسی .

هو! داؤ دینو قدرتو گټور نتائج او په همدی ترتیب هر قدرت کولای شی دیوه پخه عزم په واسطه یو جهان ترقی او اجتماعي بهبودی مينځ ته راوی .

بل قدرت دا چه منفی یا مضره قدرت بلل کیږی - د قدرت چه اکثر دجاه طلبی او حرص آز له مخی پیدا کیږی . دنورو د حقوقو د غصبولو په واسطه په نړی کښی او یا هم یوه محیط، جامعه او هر نحای کښی چه وی د نا آرامی او جنگونو باعث کیږی، که مونږ د تاریخ پانځی واپوو کوم کشالی او جنگونه چه دانسانانو ژوندنی تباہ کړیدی یواځی او یواځی دجاه طلب او غاصب او مظلوم او حق په جانب تر مينځ جنگونه شروع شویدی چه یوپه ظالمانه طور تجاوز کړی او بل خپل حقوق ساتلی او صیانت ئی کړیدی .

پس دی حصه کښی هغه قدرتونه چه دجاه طلبی په بنا مينځ ته راځی ډیر منفی او نارسیدلی قدرت دی او کوم قدرت چه د اجتماعي خیر او ښکړی او نوع دوستی په اثر مينځ

ته راځی ډیر مثبت او گټور قدرت بلل کیږی چه دداسی قدرتو باید ستاينه وکړو .

دینہ مرغہ ز مونږ په گران وطن کښی اکثریت د مثبتو قدرتو په لاس کښی دی او ددی له کبله ز مونږ اجتماعي ترقی د امیدواری وردی څه چه ز مونږ وظيفه ده دادی چه دخپلو لو یانو دار شادانو اورهنمائی گانو څخه گټه واخلو او پیروی وکړو او ددوی د گټور قدرت تر سیوری دخپل وطن ډیر مخ تگ او ترقی په لپاره کښی له پخه عزم او ارادی څخه کار واخو او دخپلو سپیڅلو قدرتو تر سیوری هر راز فدا کار بوته چمتو اوسو .

ومن الله التوفیق

### د حقیقت پیروی او مینه

څرنگه چه حق پخپله یو ثابت حقیقت دی چه هیچ امکان نلری په هغه کښی کوم بدلون راشی او یاد هغه په ثبوت کی اگر مگر او تسکنی واقع شی یعنی حق په هر نحای کښی حق دی د زمانی بدلون، نحای، وخت او اشخاص په هغه کښی کوم اغیزه نشی اچولای شاید ممکن وی یو کار او یا یوه نظریه حق ته ډیردی وی لیکن هغه بل ئی باطل و شمیري او یو دا چه حق په یوه محیط یو رنگ او په بل محیط کښی بل رنگ تعبیر شی اماد واقعی نقطه نظره او د حقیقت له مخی هیچ امکان نلری حق باطل او باطل حق وپيژندل شی هر څه چه دی هلته واقعیت او ثبوت موجود دی اگر که تراوسه د علماؤ د افکارو او نظریاتو د مسلک اختلاف په تناسب او یابل کوم سبب د حق او باطل په باره کښی او یا هم د خیر او شر په هکله لږ یا ډیر اختلافات به موجود وی اما

څرنگه چه لهما مطلب ددی موضوع علمی تحلیل نه دی بلکه یواځی غواړم بی ولی ډیرم او هغه دا چه که یو انسان یو وار یو شی د حق په نوم قبول کړ او که بیا هم له هغه څخه پیروی نه کوی او یا دهغه په حمایت کی نه وی گویا دیولوی گناه مرتکب کیږی .

هر څوک چه دین ته پابندی ښکاره کوی له هغه تشویش او ډار څخه خلاصیږی کوم چه د حق او باطل مسئولیت ده ته راجع کیږی اما دی په دی لاره کښی دینو خدمتو مصدر هغه وخت گیر کیږدی شی چه دانسانی وجایبو په اقتضا ډیر و زحمت کشیو او پخه افکار و اونظر یاتو د پکار اچولو په واسطه حقایقو ته ښه پاملرنه ولری. دین د حق او باطل په حقله داسی رنایئ اچولی ده چه ډیر لږ اشتباه په هغه کښی نه موندنه کیږی یواځی څه شی چه د مدینو خلکو وجیهه گر کیږدی ده هغه ده چه د دین په استناد له حق څخه پیروی او د ناحق په ضد مجادله وکړی .

او حق په هغه اندازه مقدس او بی آلاش دی چه هیچ داناوړه ژوندنه قبلوی کوم چه د شخصی منافو او نفسانی خو اهشاتو او اغراضو تر تحت الشعاع لاندی راشی .

د اهم ویلی شو چه حق او حقیقت هر وخت چه وی په اباطیلو باندی ډیر حاصلوی اوله مينځه ئی وړی او که له حق څخه پیروی وکړ شی معنوی گټه ورڅخه حاصلیږی او که څوک ئی مننه نه کوی ښه پوه وی چه دداسی لپارو په ذریعه حق و حقیقت ته څه نقص نشی اړولای یواځی دا ممکن کیدای شی چه داسی خلک دخپل ایمان وجدان او سلیم فطرت په مقابل به مسئول وگڼل شی . العیاذ بالله



# بخاطر وطن...

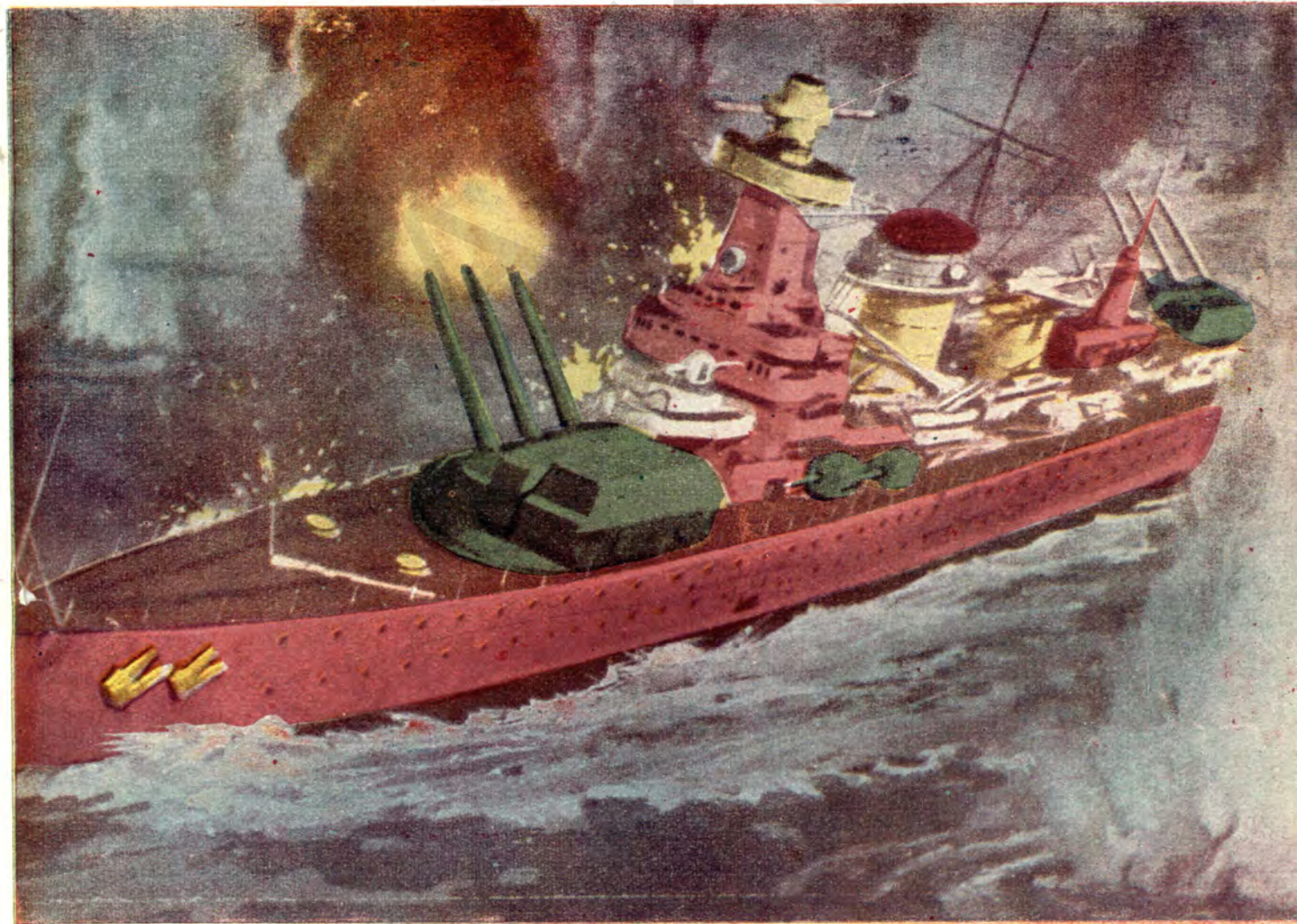
است راه خود رامی پیماید، تاریخ به هر موانعیکه بر بخورد توقف نمیکند و در چو کانت قانون اصلی حرکت پیش میرود اما چیزیکه برای همیشه جاوید میماند و آن اعمال بشریت میباشد که دایم از نسل به نسل دیگری در س میدهد .

آدمی از ابتدای پیدایش تا امروز بخاطر بر آوردن نیازمندی های بی پایان خود به حرب های مختلفی متوصل گردیده ، ناکامی ها ، پیروزی ها شکست و بدبختی های رامتحمل شده است

تاریخ باز گو کننده حوادث تلخ و شیرین بسیار است .. هر لحظه که سپری می شود صفحه نوینی در اوراق این همه حوادث علاوه میگردد . در حقیقت آنچه که در این صفحات نوشته شده و آنچه را که در طول جریان زندگی خود می بینیم زاده اندیشه های هم نوعان میباشد که بقسم پدیده های مختلفی گریبان بشریت را فرا گرفته است . کاروان زندگی بهر طور یکه



نویسنده مضمون





اما چیزیکه برای همیشه جاویدمانده و برای جهانیان درس شهامت و قهرمانی داده است همان پیکار بخاطر وطن، بخاطر آزادی و پیکار بخاطر افتخارات تاریخی و ملی بوده است.

حرب دوم جهانی با همه زشتی های خود پایان پذیرفت لیکن قهرمانی ها و دلیری های جوانان اکثری از ملل در خاطره ها برای همیشه جاوید باقی مانده و یقین است تا که زندگی موجود است و تا که تاریخ جریان دارد و این شهامت و خود گذری های آنها درس بزرگی را برای نسل های مابعد خواهد داد.

گر چه در جریان حرب عمومی اخیر در مقابل باصقین فاشیست ها بخاطر دفاع از آزادی و سر زمین خود جوانان اکثری از ملت ها که در جنگ شامل بودند قهرمانی های بزرگی از خود نشان داده اما آنچه را که جوانان جاپان در راه پیروزی ملت و وطن شان در تاریخ قهرمانی های جهان مخصوصاً در این پیکار بزرگ بیادگار گذاشته اند در قلوب تاریخ برای همیشه جاوید باقی خواهد ماند.

غرض از یاد آوری این موضوع در این نوشته مختصر این نیست که چرا دولت جاپان در حرب عمومی اخیر اشترک نمود؟ و چرا جوانان خود را در چنین سرنوشت سرد چار ساخت؟ .. آرزویم تنها تمثیل روحیه وطن پرستی سربازان جاپانی است که در مراحل اخیر جنگ دوم جهانی یعنی بعد از آنکه سقوط جاپان حتمی گردید میهن پرستان جاپانی از تسکینگی کار گرفتند که تاریخ هرگز نظیر آنرا ندیده است.

زیرا در آن هنگام پیشروی امریکا بسوی جاپان در هوا و دریا و حشمت آور و عظیم بود، پهنه اقیانوس آرام آنگونه از ۱۹۰۰ کشتی جنگی ۱۳۹ کشتی طیاره بردار با

۴۰۰۰ فروند طیاره عسکری و تعداد زیادی از سربازان بود، در حالیکه جاپان در مقابل این قوای وحشت آور مالک چیزی نبود و اندوه عمیق بر قلب جوانان وطن دوست جاپانی سایه افکنده بود و روحیه از خود گذری و شهامت شان اجازه نمیدادند که تسلیم شوند پس چگونه میتوانند از میهن خود دفاع کنند و چگونه ممکن است جلو پیشرفت های نیروی دشمن را بگیرند؟

همان بود بعد از تفکر زیاد چند نفر از پیلوتان از جان گذشته تصمیم خود را گرفتند و در یکی از پروازها طیاره خود را با تمام مواد منقلقه اش به بدنه کشتی دشمن اصابت دادند در نتیجه انفلاق عظیم و وحشتناکی بوقوع پیوست اینها با قدا کردن جان های خود کشتی و هزاران نفر سرباز و عمله آنرا از بین بردند مرگ اینها صفحه نوینی در تاریخ قهرمانی های سربازان جاپانی باز نمود. در حقیقت شهامت اینها برای ایجاد يك نیروی ضربتی بی نظیر و تاریخی گشته بود، متعاقب آن هزاران نفر جوانان جاپانی خود را کاندید میکنند اینها وظیفه دارند تا خود را در چنین ماموریت های بی بازگشت کاندید نمایند.

در رأس این ماموریت «اونیشی» یکن از صاحب منصبان دلیر و با شهامت جاپان قرار دارد، «اونیشی» هر کجا قدم می نهد این جمله معروف و تاریخی را بر زبان می آورد: «يك طیاره، در برابر يك کشتی بزرگ».

«اونیشی» تصمیم گرفته است پیلوتان جوان و داوطلبان جاپانی را یکجای گرد آورده آنان را برای انجام يك ماموریت متقدس آماده سازد. نام این ماموریت بنام «ماموریت بدون بازگشت» گذاشته است.

«اونیشی» در این ماموریت جوانانی رامیخواهد که عشق وطن

آنانرا مسحور و مجذوب کرده باشد. جوانانی رامیخواهد که در راه رسیدن به پیروزی از مرگ نهراسند جوانانی رامیخواهد که برای سربندی جاپان دست باعمال شهامت بی نظیر بزنند.

همان بود «اونیشی» در یکی از بیانیه های خود به این جوانان میگوید «جنگ در وضع موجود با روش معمولی بمرگ بی فایده سربازان ما منتهی می شود چون رجحان نیروی حریف بر ما قطعی است آنچه از این پس برای يك قوم ماندان اهمیت دارد، اینست که مرگی با فایده و شرافتمندانه به سربازان خود تحمیل کند من معتقد شده ام که عملیات خود کشی چیزی جز مظهر يك سبب فوق العاده نیست»

سخنان گیر ای «اونیشی» تاثیر عمیقی در روح و جان پیلوتان جاپانی میبخشد و هر روز بر مقدار این داوطلبان افزوده می شود.

در حقیقت این پدیده عظیم هول انگیز و شکست ناپذیر است که قوای بزرگ امریکا را دچار اغتشاش و شکستی بزرگ میسازد نیروی صاعقه آسمانی اینک برتر از تمام نیروهاست و اینها امید و آرزوی ملت جاپان میباشند و هر کدام شان، عشق عمیق در دل جاپانی ها گذاشته اند. جاپانی ها این گروه را «نسیم خدائی» نام گزارده اند چه عقیده دارند که آنان چون نسیم بهاری که بر درختان خزان زده می وزد بر قامت جاپان خواهد وزید و آنرا روح تازه خواهد بخشید عقیده دارند که این مشیت الهی است که عشق به قداکاری بخاطر میهن را در دل جوانان با شهامت کشور میافکند

آنان در زمان حرکت لباس پیلوتی بر تن میکنند. آنان بازو بندهای بدست راست و چپ خود بسته اند که روی (بقیه در صفحه ۱۲۴)



## تحلیل علمی

## حرب مهالک عربی با اسرائیل

۵ = ۱۰ جون ۱۹۶۷

مطالعه این مضمون جالب و عالی را بهمه خوانندگان مجله اردو وبالخاصه صاحب منصبانیکه آرزو دارند حرب عرب و اسرائیل را از نگاه عسکری تحلیل نمایند، توصیه می‌کنیم . (اداره)

حوادث جنگهای اخیر در شرق میانه بشریت را تکان داد . مردم در سرتاسر جهان منجمله مملکت عزیز ما باعلاقه مندی واضطراب جریانات را تعقیب و تفسیر کردند و هر که اطلاعاتی در زمینه داشت به تفکر و تبصره در موضوع پرداخت .  
بنده نیز خواستم در خلال این همه افکار و نظریات، مسئله را از نگاه علمی عسکری تحلیل نموده نتایج و در سبائی از آن استخراج نمایم . در نگارش این تحلیل به دو مشکل عمده برخورددم . اول قلت اطلاعات دقیق و مفصل و عدم موجودیت قدرت و منابع کافی برای رفع این تقیصه ، دوم حفظ بیطرفی و واقع بینی که مستلزم یک تحلیل علمی میباشد و مبارزه با احساسات و عقاید شخصی .  
اگرچه حرب اخیر اعراب و اسرائیل هنوز خیلی تازه بوده مواد کافی جهت نوشتن حقایق تاریخی حربی طور قاطع در هیچ جامیسر نیست ، باوصف آن بنده تا جائیکه مقدور بود کوشیده‌ام از منابع مختلفه و متضاد معلومات مورد ضرورت را حاصل و طرف استفاده قرار دهم .  
در راه رفع مشکل دوم آنچه بمن یاری کرد این قناعت است که حقایق مجبور نیست احساسات ما را تعقیب کند بلکه بر ماست تا آرزوهای خود را فقط آرزوهای خود دانسته با واقعیت‌ها طوریکه وجود دارند راه معامله را جستجو کنیم بهر اندازه در حصول این مرام توفیق یابیم بهمان اندازه در راه تکامل یک ذهنیت علمی که عامل مهمترین پیشرفت و ارتقاء بشر است پیشرفته خواهیم بود .

سال ۱۹۴۸ در تاریخ شرق میانه سال نهایت مهمی بود .  
در ۱۴ می سال مذکور به اساس فیصله سال ماقبل مجمع عمومی مؤسسه ملل متحد تشکیل دولت یهود در خاک فلسطین از طرف بن‌گورین اولین صدراعظم اسرائیل رسماً اعلان گردید .  
علت تشکیل این کشور اساساً زنده شدن احساسات ملیت یهودی در نهاد یهودیان با انحصار آنانیکه در اروپا ، از دست نژاد پرستان جرمنی و رژیم نازی زجر فراوان کشیده و

در تهیه ارقام و جریان وقایع مندرجه تحلیل  
هذا از منابع ذیل استفاده شده است :

روزنامه اصلاح شماره‌های متفرقه جوزا ۱۳۴۶  
مهنامه ارتش ایران شماره ۲ سال ۴۶ .

مجله عصر جدید چاپ مسکو شماره های  
۲۴ و ۲۳ سال ۶۷ .

مجله تایم امریکا شماره ۹ و ۱۶ جون ۶۷ .  
مجله نیوزویک امریکاشماره ۱۹۲۵ و ۲۶ جون ۶۷

سرویس خبرهای رادیو افغانستان

میلیونها نفرشان بالخاصه در سالهای حرب عمومی دوم به طور فجیع از بین رفتند میباشد. یهودیان ممالک دیگر عالم بالخاصه ممالک متحده امریکا، فرانسه و بعضی ممالک که بالاثرداشتن سرمایه های بزرگ در امور سیاسی کشور های مذکور تأثیر غیر قابل انکار داشتند از تأسیس اسرائیل حما یه کردند. برطانیه که در اول ظاهر آ به مفاد عرب ها به مقابل تشکیل اسرائیل در خاک فلسطین بایهودیان مجادلات خونین نمود بعد از آنکه قیمومیت و حاکمیت فلسطین را در ۱۹۴۷ به مؤسسه ملل متحد ترك کرد در صف دوستان اسرائیل جا گرفت ممالک دوست اسرائیل آنرا با کمک های مادی هنگفت و مهاجرت های یهودیان به فلسطین تقویه نمودند.

دلایل یهودیان جهت قانونی نشان دادن حقوق شان در سر زمین فلسطین بالای احساسات، عنعنه و کتاب مذهبی شان استناد میکنند. تا کنون هیچ دانشمند یهود دلیل قانع کننده برای تشکیل اسرائیل در خاک فلسطین داده نتوانسته دائماً کوشش کرده اند مقاصد خود را در پرده الفاظ و فرمایش تورات بیوشانند چون ممالک غربی و بالعموم نصرانیان به تورات عقیده دارند دلایل احساساتی و غیر منطقی یهودیان را نادیده میگیرند.

کشور اسرائیل بعد از تشکیل بالای کمک های اقتصادی و تخنیکی شخصی یهودیان ممالک مختلفه (دو هزار ملیون دالر) و ممالک دوست خود متکی بوده است در راس این ممالک امریکا قرار دارد که در ظرف ۱۹

سال بیش از ۱۶۰۰ ملیون دالر به شکل اعانه، کمک بلاعوض و سرمایه گذاری به اسرائیل تأدیه نموده. در سالهای اخیر جمهوریت اتحادی المان ۸۲۲ ملیون دالر از بابت غرامات خساره به یهودیان اروپا در دوران حرب عمومی دوم به اسرائیل پرداخته است بعد از آن فرانسه، برطانیه و بعضی ممالک دیگر اروپای غربی به سهم خود بینه اقتصادی و موقف سیاسی اسرائیل را استحکام بخشیده اند.

مردم اسرائیل که مرکب از عده یهودیان رنج دیده فلسطین و تعداد کثیر پناه گزینان زحمت کش و با احساسات از اروپا، امریکا و ممالک متعدد جهان بودند و در میان شان اشخاص عالم و رسیده به وفرت وجود داشت از این کمک ها به شکل بهترین استفاده کردند. مردم یهود قدرت خلاقه و حاصله احساسات مذهبی و نژادی خود را به شکل علمی ترین بکار انداختند بزودی از بیابان های خشک و ریگستان بایر فلسطین مزارع حاصل خیز و باغهای سرسبز ساختند فابریکه ها، تأسیسات آبیاری، عمارات مکاتب، شفاخانه ها آباد شد، سطح عایدات مردم بلند رفت چنانچه در سالهای اخیر سویه حیاتی مردم اسرائیل نه تنها با ممالک همجوار و مردم آسیا و افریقا قابل مقایسه نیست بلکه با ممالک ثروتمند اروپای غربی همسری مینماید.

از نظر اجتماعی اسرائیل يك کشور ما جرا طلب است ۲۷۰۰۰۰۰ نفر اسرائیلی را که از صدم مملکت مختلفه بازبان، عنعنات و احساسات گوناگون گردآمده اند از همه بیشتر ضرورت

ادامه حیات در برابر نفوس عرب که از نظر تعداد چهل برابر آنست (۱۱۰ ملیون) متحد و فداکار ساخته است.

### اوضاع عمومی ممالک عرب

ممالک آسیائی عرب که اکثراً بعد از حرب عمومی اول و تجزیه امپراطوری عثمانی بنام ممالک تشکیل و اسماً استقلال خود را حاصل نمودند از ابتدا به حمایه سیاسی، نظامی و کمک های علمی و اقتصادی غر بیان بالخاصه برطانیه و فرانسه متکی بودند ممالک عربی افریقای شمالی نیز در قرون اخیر تحت نفوذ و استعمار برطانیه فرانسه و ایتالیا در آمدند. در ممالک عربی که قرن ها در حال بیسوادی، فقر و نفاق زندگی کرده بودند جنبش های ملیت خواهی به بسیار آهستگی پیشرفت میکرد. اختلافات ذات البینی و قبیله پرستی عربها بالخاصه مداخله دول استعماری نگذاشت حس ملیت و اتحاد اعراب به قوام برسد ملل عرب در عالم بی اتفاقی و تعصب جنگ عمومی دوم را در حالی سپری نمود که اراضی ممالک شان در مصر، لیبیا، تونس، الجزایر، مراکش، سوریه و عراق صحنه محاربات خونین بین دول دیگر گردید که در تمام این گیرودار مردم عرب حیثیت تماشایی را داشتند.

متعاقب حرب عمومی دوم، ملل عرب با اوضاع داخلی نامساعدی بانهضت صیهونیت و تأسیس اسرائیل روبرو گردید نتیجه همان بود که در ۱۹۴۷ از تأسیس اسرائیل با وجود اعلان جهاد مداخله قوت های نظامی جلوگیری کرده نتوانستند. قوای عسکری یهود نونها که اکثراً

تحت اداره مؤسسه‌ها گانا، يك دستگاہ دفاع مخفی موجود و طور مكمل تشكيل هم نشده بود در حالیکه قوتهای عرب بیست چند آنها تفوق داشت موفق شد تهداب کشور اسرائیل را گذاشته ضربات سختی به قوای مصر اردن، سوریه، لبنان، عربستان سعودی تحمیل و آرزوی احیاء کشور عربی فلسطین شان را خنثی کردند.

با تصرف قسمت زیاد فلسطین از طرف اسرائیل به تعداد ۷۵۰۰۰۰ عرب که زندگی مادی و مذهبی خود را تحت تهدید دیدند مسکن آبا و اجداد شان را ترك کرده به شکل پناه گزین در سایر ممالک عربی ریختن گرفتند. نوزده سال است جمهوریت متحد عرب و اردنیة هاشمیة با حصول معاونت از مؤسسات خیریة بین المللی به اسکان، اعاشه و تأمین زندگی این آوارگان مصروف هستند و بابرور حرب اخیر تقریباً ۲۰۰۰۰ نفر دیگر به این تعداد افزود گردیده است که اکثرآ به اردنیة هاشمیة مهاجرت کرده اند.

در نومبر ۱۹۵۶ اسرائیل بار دیگر با حمله و کمک برطانیة و فرانسه که ملی ساختن کانال سویز از طرف جمهوریت متحد عرب در جولای

۱۹۵۶ ضرر به سختی به مفاد مسالی بالخاصه پرستیژ سیاسی و نظامی شان در شرق میانہ وارد نموده بود بالای جمهوریت متحد عرب حمله کرد نتیجه آن موفقیت قوای فایق اسر ائیل، برطانیة و فرانسه طی يك جنگ صد ساعته و اشغال شبه جزیره سینا از طرف اسرائیل بود. اما بالاخره با اثر فشار افکار عامه مردم جهان و مداخله سیاسی جدی اتحاد شوروی و ممالک متحده امریکا، اسرائیل تقریباً به سرحدات اصلی اش عقب نشینی نمود.

### اسباب حرب

اسباب حقیقی حرب اسرائیل با ملل عرب مسئله موجودیت و حق حیات اسرائیل از يك طرف و مخالفت شدید و تغییر ناپذیر ملل عرب با تشکیل و جا گرفتن قوم یهود در سرزمین عربیها از جانب دیگر است این موضوع لاینحل از روز تشکیل اسرائیل تا کنون که نوزده سال میشود يك حالت بحران و جنگ سرد دائمی را در بین دو طرف متخاصم بوجود آورده است علاوه بر تصادفات سرحدی بیشمار و سه جنگ بزرگ در ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ را سبب گردیده است یهودیان که اساساً به شکل متجاوز در سرزمین فلسطین جا گرفته به تناسب نفوس يك ساحه

کوچک ۲۱۰۰۰ کیلو متر مربع را در اختیار داشته در هر کیلو متر مربع ۱۲۲ نفر زندگی میکنند و همیشه به توسعه خاک خود ضرورت حس نمایند چون این توسعه فقط در خاک ممالک عربی هم جوار ممکن است با عکس العمل طبیعی شدید عرب بها مقابل میشود.

ملل عرب اساساً اسرائیل را هرگز به رسمیت نشناخته و به این عقیده اند که یگانه جزاء که اسرائیل مستحق آن است از بین رفتن آن میباشد و بس. علت ظاهری حرب ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل را تصادمات سرحدی سوریه و اسرائیل تشکیل میدهد. در نزدیک سرحد سوریه و اسرائیل با اساس فیصله ملل متحد يك منطقه بیطرف و غیر نظامی موجود بوده است اسرائیلیها در این منطقه همه ساله به زراعت گندم پرداخته برای این مقصد زارعین و تراکتورهای شان منطقه بیطرف را نقض مینمودند. سوریائیها که با بدست داشتن تپه های شمال غرب گالیله از نظر نظامی بالای منطقه سد کوتا ثیر و حاکمیت دارند خو استند بالاخره از چنین اقدام متجاوزانه جداً جلو گیری نمایند. مسئله در طول زمستان ۶۷-۱۹۶۶ به تصادمات سرحدی متعدد بین دو کشور منجر گردید. این تصادمات را سابو تناژ هائی در داخل خاک اسرائیل دنبال کرد که اسرائیل قوای نظامی سوریه را مسئول آنها دانست. بالآخر در مه می تصادم شدیدتری بین طرفین بوقوع پیوست که قوای هوائی نیز در آن اشتراك نمود. سوریه ادعای سقوط طیاره اسرائیل را و اسرائیل ادعای سقوط دادن طیاره سوریه را نمود.

دولت سوریه با اساس معاهده امداد متقابل نظامی که در نومبر ۱۹۶۶ با جمهوریت متحد عرب عقد کرده بود جلب همکاری و معاونت کشور مذکور را در رفع تجاوز خواستار



منظره از جمع شدن عساکر احتیاط اسرائیل و سوق آنها باستقامت سرحد



شد. بمقصد مجادله با تهدید اسرائیل بزودی احضارات حربی در ممالک سوریه و جمهوریت متحد عرب گرفته شد. ممالک عربی بالخاصه عراق که روابط صمیمانه با جمهوریت متحد عرب داشت و اردنیة هاشمیه که کشورش دارای طولانی ترین سرحد مشترک (۵۵۰ کیلومتر) با اسرائیل میباشد باین صدا لیبیک گفتند. ملک حسین پادشاه اردنیة هاشمیه با وصف اختلافات عمیق و قدیمی که با جمال عبدالناصر رئیس جمهوریت متحد عرب داشت باز دید سریع و غیر مترقبه از رقیب خود در قاهره بعمل آورد. بعد از دوو نیم ساعت مذاکره پیمان اتحاد نظامی بین آنها امضا و اردن قوای نظامی خود را که بقایای لژیون عرب و جنگجویان و با دسپلین ترین قوت نظامی عرب شمرده میشود در اختیار قوماندانی مشترک قوای عربی یعنی جمال عبدالناصر گذاشت ممالک کویت، عربستان سعودی، الجزائر، لبنان، سودان و لیبیا حمایتی بلا قید و شرط خود را از برادران عربی شان ابراز و هرگونه کمک انسانی، مادی و معنوی را بمقابل اسرائیل تعهد کردند. ملک حسن دوم پادشاه المغرب که یهودیان در کشورش با داشتن سرمایه های بزرگ نفوذ زیاد دارند بدون توجه به این موضوع، پشتیبانی المغرب را از آرزوی اعراب اعلان کرد. حتی حبیب بورقیبه رئیس جمهور تونس که دو سال قبل توصیه به رسمیت شناختن اسرائیل و تسلیم به واقعیت های جهانی را به ممالک عربی نموده و با جلسات جامعه عرب که هدف شان از بین بردن اسرائیل بود مقاطعه نموده بود یک روز قبل از شروع حرب شخصاً با جمال عبدالناصر تماس نموده حمایتی تونس را از هدف ممالک عربی و کمک نظامی خود را در حرب محتمله برضد اسرائیل اعلام نمود.

جمهوریت متحد عرب با اتکا به قوای نظامی قوی خود و تقویة روحی و معنوی جهان عرب، اقدامات آتی را در می-جون ۱۹۶۷ برضد اسرائیل بعمل آورد:

- ۱- بلو کاد نظامی خلیج عقبیه
- ۲- اخراج قوای صلح ملل متحد از شرید غزه.

محاصره بحری آبنای تیران که بندر ایلات اسرائیل در آنجا واقع بوده از نظر تأمین ارتباط یهود با ممالک آسیا و آفریقای شرقی بالخاصه اكمال مواد نفتی برای اسرائیل اهمیت



جمال عبدالناصر رئیس

### جمهوریت متحد عرب

حیاتی دارد با در نظر داشتن اینکه دولت یهود مدت یازده سال میشود از حق استفاده از کانال سویز محروم است اقدام مهمی جهت اختناق اقتصادی آن کشور بود. چونکه ۹۰ فیصد احتیاج نفت اسرائیل از بنادر خلیج فارس به ایلات نقل و از آنجا ذریعه پایب لاین به مملکت توزیع میگردد علاوه بر تجارت رو به انکشاف اسرائیل با آفریقای شرقی، هند و جاپان از همین راه صورت میگیرد. جمهوریت متحد عرب بانقب گذاری

در آبنای تیران که در حصه شرم الشیخ فقط یک و نیم کیلو متر عرض دارد و گزیه آن توسط کشتی های جنگی خود و همچنین تقویة شرم الشیخ که یک موضع مستحکم حاکم برمدخل آینا میباشد این محاصره را عملی کرد و اعتراضات ممالک غربی و دوستان اسرائیل مبنی بر آزادی رفت و آمد کشتی ها در آبهای بین المللی را نادیده گرفت.

اخراج قوای صلح ملل متحد از شرید غزه که جز خاک جمهوریت متحد عرب بود بنابر تقاضای حکومت مذکور و موافقه تالت سر منشی ملل متحد به سرعت زیاد عملی شد. اگرچه ممالک غربی از این رویه تانت انتقاد کردند ولی نامبرده موقف قانونی ملل متحد را در این مورد توضیح و آنرا یگانه راه حل معقول نشان داد.

ضرورت خروج قوای صلح مذکور اصلاً به منظور تکمیل احضارات حربی جمهوریت متحد عرب و هم تقویة موقف معنوی آن محسوس بود. از مدتها قبل جراید اردن از اینکه جمهوریت متحد عرب راساً با قوای اسرائیل تماس نداشته در عقب قوای صلح ملل متحد خود را ستر نموده انتقاد میکردند. کذا در صورت بروز جنگ برای اینکه قوای جمهوریت متحد عرب بتواند زودتر به کمک سوریه و اردن بشتابد باید موجودیت مانع قوای صلح از بین بر داشته میشد.

به این ترتیب اسرائیل به شکلی که هیچگاه در طی تاریخ نوزده ساله خود به آن مواجه نشده بود خود را بمقابل اتحادیه ممالک عربی مواجه یافت اتحاد اعراب با این سرعت و هیجان برای اسرائیل و حامیان او مایه تعجب و هراس گردید. این هراس از اعلامیه های مکرر ممالک متحده امریکا و برطانیه مبنی بر اینکه اعلامیه سه جانبه ماه می ۱۹۵۰ امریکا، برطانیه و فرانسه در خصوص تضمین سرحدات



جنرال رابن لوی در سیتز (چپ) و جنرال دیان وزیر دفاع اسرائیل (وسط) نزدیک دیوار مقدس یهود در شهر قدیم بیت المقدس

آنوقت شرق میانه که از طرف ایزنهاور رئیس جمهور سابق امریکا در جنوری ۱۹۵۷ و جانسن رئیس جمهور فعلی در اگست ۱۹۶۶ تأیید گردیده بود قابل انفاذ نمیدانند و آمدن قوای بحری امریکا و برطانیه در نزدیک سواحل اسرائیل واضح میگردد .

لذا اسرائیل که پلانهای سفربری و اوپراسیون مکمل و قابل تطبیق را همیشه حاضر داشته و وضع دشمنان عربی خود را خوب تحلیل و مناقشه نموده بود به مقصد بدست گرفتن اینسیما تیف و تأمین حمله ناگهانی به ساعت ۸۰۰ . وقت محلی تاریخ ۵ جون ۱۹۶۷ با مرکز ثقات در منطقه سینا بمقابل جمهوریت متحد عرب در حالیکه در جبهات اردن، سوریه، لبنان، بمدا فعه یا تعرض درجه دوم پرداخته بود به تعرض اقدام کرد .

### قوت های مسلح، تشکیل و قابلیت اردوها .

جدول ذیل ارقام منطقی ترین قوت های مسلح مهمه ممالک عربی

مملکت	تعداد قوای مسلح	تانک	طیاره	راکت
اسرائیل	۳۰۰۰۰۰	۹۰۰	۴۵۰	۱۰۸
(۷۱۰۰۰۰ دائمی)				
جمهوریت متحد عرب	۳۰۰۰۰۰	۱۲۰۰	۵۰۰	۱۰۰
(۱۹۰۰۰۰ دائمی بشمول ۵۰۰۰۰ دریم)				
سوریه	۱۱۵۰۰۰	۶۰۰	۱۴۰	
(۶۰۰۰۰ دائمی)				
اردنیة هاشمیة	۶۰۰۰۰	۲۰۰	۶۰	
(۵۰۰۰۰ دائمی)				
عراق	۸۰۰۰۰	۳۰۰	۲۰۰	
عربستان سعودی	۱۰۰۰۰۰	۰	۶۰	
لبنان	۱۱۰۰۰	۱۵۰	۵۰	
مجموع قوت های ممالک عرب	۶۶۶۰۰۰	۲۴۵۰	۱۰۱۰	۱۰۰

نوت: از جمله قوت های متذکره، قسم کالی قوای مسلح اسرائیل، جمهوریت متحد عرب و اردنیة هاشمیة در حرب اشتراک نموده اند. يك تعداد قوای پیاده عراق و کذا يك قطعه قوای هوایی الجزایر نیز در حرب مداخله کرده اند. علاوه بر قوای بحری نمبر ۶ امریکا با ۵۰ کشتی و ظرفیت انتقال ۲۰۰ طیاره، قوای بحری برطانیه با ظرفیت انتقال ۶۰ طیاره و قوای بحری اتحاد شوروی با ۲۰ کشتی نزدیک سواحل اسرائیل و جمهوریت متحد عرب وجود و در صورت لزوم حاضر به مداخله در حرب بوده اند .

قوماندان لوا در حرکات خود دارای قدرت قرار آزادانه بوده بالوای خود که سبک و در عین زمان مکمل است به هر گونه مانور اقدام نموده میتواند .

قوت های زمینی جمهوریت متحد عرب نیز اساساً به شکل ممالک غربی تشکیل گردیده در سالهای اخیر بالائر کمک های تکنیکی و علمی اتحاد شوروی، در آن تشکیل تعدیلاتی وارد گردیده است . قدمه مهم ترین سوق و اداره فرقه است که امور لوژستیکی را نیز تنظیم مینماید. چون فرقه یک قطعه جسیم و سوق و اداره آن پیچیده تر است اجرای مانور آن در اوضاع متحول و محاربات سریع مشکل تر میباشد .

سامان حربی و تجهیزات اسرائیل از ممالک غربی مخصوصاً ممالک متحده امریکا، برطانیه و فرانسه تأمین گردیده علاوه بر خود اسرائیل نیز به ساختن زره پوش، وسائط نقایه و اسلحه خفیه قدرت دارد. طیارات اسرائیل فرانسوی و از انواع میراژ ۳ سی جهت حمایه قوای زمینی میستیر، و ونور، و اوراگان شکاری و بمباردمان میباشد. تانک های اسرائیل کمته و از نوع شرممان که از طرف خود اسرائیل تعدیل شده و پاتن امریکائی که هر دو در حرب عمومی دوم استعمال گردیده و ستورین انگلیسی

میباشد. یک تعداد تانکهای ام ۴۸ امریکائی و موترهای زرهپوش ام ایکس فرانسوی که جدیدتر است هم در اردوی اسرائیل وجود دارد.

راکت‌های اسرائیل از نوع زمین هوا هاگ امریکائی میباشد که تجربه بالفعل مجاریه را ندیده است.

مالزمت حربی جدید جمهوریت متحد عرب و سوریه متحدالشکل و ساخت اتحاد شوروی میباشد. انواع طیارات میگ شکاری و بمبارد مان منجمله میگ ۲۱ و ایلوشن ترانسپورت در اردوی شان موجود است تانک‌های ۳۴-ت و ۵۴-ت روسی که از نظر قابلیت حرکت و ساختمان عمومی آن بهترین تانکهای عالم شمرده میشود در این اردوها وجود دارد. راکت‌های جمهوریت متحد عرب از نوع زمین هوا سام روسی و قسماً بنام القاهر اعمال مملکت خود شان میباشد.

در عین زمان جمهوریت متحد عرب قدرت ساختمان اسلحه پیاپی طیاره و مالزمت مخابره را به تعداد محدود دارا است.

مالزمت حربی اردنیة هاشمیه قسماً مالزمت کهنه انگلیسی که از لژیون عرب و حرب عمومی دوم مانده است و یک تعداد سامان حربی جدید انگلیسی و امریکائی میباشد. طیارات اف ۸۶ امریکائی که در حرب کوریا نتیجه خوب داده و تانک‌های شرمان و پاتن امریکائی در مالزمت حربی اردن شامل است.

### قابلیت اردوها :

بدان آنکه بتایر روایت تاریخی حضرت یعقوب (ع) بافرشته خداوند جنگ نمود و لقب اسرائیل را گرفت اولاده این پیغمبر بزرگ از جنگجوی پدر کمتر بهره بردند در مدت چهار هزار سال از آن تاریخ جهانیان از بنی اسرائیل حاصله شمشیر نمایان ندیدند. بلکه قوم یهود بشکل گمراه

و خود پرست در هر کنج و کنار عالم آواره گشتند. به پیشه‌های تجارت، صنایع، زراعت، علوم و سیاست پرداختند. اگر در حربها اشتراك کردند جز واردوهای ملی و منطقوی ممالک دیگر بودند، مانند لوی یهودی اردوی برطانیه در حرب عمومی دوم بنام مردم اسرائیل اصلاً آذارای خواص، روحیه و عنعنۀ عسکری نمیباشند و نه قوماندان و عالم عسکری پرورده اند. اما نوزده سال مجادله لاینقطع و ضرورت ادامه حیات در میان توده دشمنان عربی که علناً به قلع و قمخ شان کمر بسته اند ازین قوم سود خوار و دکاندار یک ملت عسکر بوجود ورد. در میان یهودین،



ملك حسين پادشاه اردنیة هاشمیه

ضابطان و افراد که در حربهای مختلف بالخاصه حرب عمومی دوم به وظایف کوچک در اردوهای دیگر جنگیده بودند وجود داشتند. این پرسونل هسته و رهنمای قوتهای عسکری کشور جدید تشکیل اسرائیل را بوجود آورد. جوانانیکه در اسرائیل متولد یا در طفلی با تاجا آمده اند و در عالم مجادله و دشمنی با اعراب بزرگ شده اند قوتهای نخبه اردوی اسرائیل را تشکیل میدهند.

دو جنگ بزرگ در ۱۹۴۷ و ۱۹۵۶ به مقابل عربها که از هر نقطه نظر برایشان تفوق داشت و تصادمات سرحدی بی شمار نوزده ساله برای پرسونل نظامی اسرائیل میدان تجربه عملی فراهم کرد. نواقص خود را

با استفاده از ذکاوت فطری طور واقع بینانه رفع کردند و باین صورت خود را آماده مجادله ساختند. و یک قابلیت ممتاز نظامی را دارا گردیدند. از نقطه نظر تعلیم و تربیه اردوی اسرائیل بالای اساسات ریالیست بیشتر استناد میکند به مواد تعلیم و تربیه که بالنتیجه تجارب حرب قیمت خود را نشان داده است اهمیت مخصوصه داده شده مثلاً وظایف تعلیم و تربیه انداخت را همه افراد تحت السلاح و احتیاط اسرائیل ولو در حیات مالکی باشد بصورت دوامدار اجرا و به اینصورت آمادگی دائمی خود را حفظ میکنند.

قوای عسکری عرب دارای جنسیت‌های مختلفه میباشد که به نسبت وسعت ممالک عربی از یکدیگر تفاوت دارد. اردوهای اردن، عربستان سعودی، سوریه و عراق که از کتله‌های بیابان گرد و جنگجو بوجود آمده، میتوانند با ترتیبات اکمال بسط سازند. اعتقاد اعراب بدوی به دین و مذهب با وجود گذشت زمان هنوز شکل قانائیک خود را تا اندازه حفظ کرده است که همین حس بذات خود در مجاریات گذشته اسلام به مقابل کفار اسباب ظفر و کامیابی شان بوده است. اردوهای جمهوریت متحد عرب که از فلاحین و شهر نشینان بوجود آمده بمقابل شداید طبعاً مقاومت کمتر دارند.

گذشته مسلحشوری و عنعنۀ نظامی اعراب در دنیا کمتر نظیر دارد. تاریخ درخشان حربهای اسلام زیب صفحات تاریخ میباید مردان تدبیر و شمشیر چون حضرت محمد (ص)، عمر (رض)، علی (رض)، ابو عبیده جراح (رض)، خالد (رض)، بن ولید، سعد (رض)، بن وقاص، طارق بن زیاد و عده دیگر نمونه شجاعت و اجرا کنندگان ستراژی عالی میباشند. در قرون معاصر



محاربات خونین امیر عبدالقادر به مقابل استعمار یون فرانسی و خدمات لژیون عرب تحت قوماندانی گلب پاشای انگلیسی قابل تذکر است . چون اسرائیل به مصرف حیات و دارائی عربها بوجود آمده، احساس مجادله در نهاد عرب بمقابل این دشمن ظالم و خطرناک نهایت قوی میباشد . در تقوئه این حس، حرب پسیکولوژیک و دامنه دار جمهوریّت متحد عرب تأثیر زیاد داشته است .

سوئیه تعلیم و تربیه نظامی در ممالک مختلفه عرب متفاوت است . عساکر عربی اکثراً نظر به قلت وسائط تعلیمی و عدم مراعات ریالیزم از نظر تعلیم و تربیه شهرت خوب نداشته اند . یگانه استثناً لژیون عرب است که از طرف انگلیس ها بیک سوئیه عالی دسپلین و قابلیت رسانیده شد بودند . عموماً چنان فکر میشد که از ده سال باین طرف داخل شدن وسائط جدید حربی و توجه حکومت عربی بالخاصه جمهوریّت متحد عرب و سوریه به امور عسکری و احضارات مقابله با خطر صیهوئیت سوئیه تعلیم و تربیه اردوهای عرب را ارتقا داده باشد اما واقعات اخیر ثابت ساخت که این ارتقا بیشتر در ساحه های نمایشی و تالیغاتی بوده حقیقت بینی و ریالیزم در تربیه نظامی کمتر مراعات شده است .

### قوماندان ها :

قوماندان قوای مسلح اسرائیل جنرال موشی دایان وزیر دفاع آن کشور میباشد . مشارالیه قوماندانی قوای اسرائیل را در جبهه سینا در ۱۹۵۶ نیز به عهده داشت . این شخص در اردوی برطانوی در سوریه در حرب عمومی دوم و وظیفه دیده و بالاثر به چشم چپ او رمی اصابت نموده و کور شده است . لوی درستیز اردوی اسرائیل جنرال اسحق رابن و قوماندان قوای

هوایی آن جنرال مورد چائی هود میباشد که هر دو در حرب اخیر نقش بارز داشته اند .

قوماندان عمومی قوای مسلح عرب جمال عبدالناصر رئیس جمهوریّت متحد عرب بود که شخصاً از قرارگاه خود در نقطه از سینا قوای جمهوریّت متحد عرب را در آنجا سوق و اداره نمود . نیلد مارشال عبدالحکیم عامر معاونی

قوماندانی قوتهای عرب را بدوش داشت . جنرال عبدالمحسن مراغه قوماندان جبهه سینا و جنرال صدقی محمود قوماندانی عمومی قوای هوایی را عهده دار بودند .

قوتهای مسلح اردن و سوریه اگر چه اسماً تحت امر قوماندانی عمومی قوای مسلح عرب بودند اما نفوذ رسمی و شخصی زمامداران آن کشورها



یک عسکر یهود در حال تعلیم و تربیه

بالخاصه ملك حسين پادشاه اردنيسه هاشميه وعدم وجود ارتباط متبن و مساعى مشتركه بين عربها اين قوماندانى عمومى را بيشتر شكل تيوريك داده بود .

### وضعيت جغرافيايى منطقه

#### اوپراسيون :

در مناطقى كه حرركات سال ۱۹۶۷ انجام پذيرفت از تپه هاى شمال غرب گاليله الى حوالى دمشق، غرب دريائى اردن و حوزة بيت المقدس، شريف غزه و شبه جزيره سيناء عبارت ميباشد . بصورت عمومى مناطق فوق براى اوپراسيون كلاسيك اردوها موانع تشكيل نداده اراضى براى حرركات موثر دار و ذره دار مساعد ميباشد . نمايان بودن اراضى و قلت نباتات مسئله ستر و اخفا را مهم و قابل

توجه ميگرداند . بناً با داشتن تفوق هوائى، ترصد و كشف دشمن بسيار آسان است . در تمام اين ساحه منبع آب فقط دريائى اردن و چاه هاى موجوده ميباشد لذا موضوع اكمام آب يك امر نهايت مهم براى قواى عمليات كننده محسوب ميشود .

تپه هاى شمال غرب گاليله بالاي دشت هاى مجاور محلات ترصد مساعدى بوجود آورده است . حوزة بيت المقدس و منطقه غرب دريائى اردن عبارت از تپه زار هاى آباد و داراي محلات مسكون ، قريه ها، مزارع و باغها ميباشد كه بالاستفاده از محلات مسكون و تپه ها نقاط مقاومت بوجود آورده شده ميتواند دريائى اردن كوچك و موانع اوپراسيون هاي بزرگ نميگردد شبه جزيره سيناء

ريگستان خشك و اراضى كاملاً هموار در شمال، اراضى بريده ، سنگزار و بعضاً كوهسار در جنوب ميباشد . بلندترين كوه موجوده جبل موسى است كه ۲۲۵۰ متر ارتفاع دارد . در تمام سيناء، راهها و معابر كافي موجود و مانع مهمى براى حرركات بنظر نميخورد .

اقليم منطقه خشك و بى باران است . در تابستان ، آفتاب سوزان و گرمى شديد داشته درجه حرارت از ۴۰ تجاوز ميكند .

#### پلانهاى سفربرى و حرركات .

موضوع سفربرى كه يك موضوع مغلق و كاميابى در اجراى آن به سويه تعليمى و رسيدگى ملت بستگى دارد در ممالكى بهتر تطبيق شده (بقيه در صفحه ۱۰۹)



دختران يهود در حال خدمت مسلح

# استعمار



از میر جمال الدین فخری ←  
بریدمن قوای راکت

میر روزگار طی سالیان متمادی مشحون از وقایع و ساجراهای قابل ملاحظه ای بوده که تا بلوهای رنگینی از شادیمها، تلخکامیمها، پیروزیها و شکستها را دربرآورد دیدگان ما میگذارد. با تعمق و مداقه کامل بمشاهده خواهد رسید که این تحولات و تغییرات مزمن همواره مستلزم رفاه و آسایش توده ها و اکثریت های اجتماعی که رجحان بیشتری نسبت به سایر جوامع داشته اند بوده است، زیرا جامعه ای که

دسر دار محمد (ولی) دوهم بریدمن

دچکی متابوعه غنچه

## آیا پوهیژیء چه...

— گوئیگان خبری کوی : د Bell Telephon C کمپنی یوه یوه الکترونیکي آله جوړه کړیده چه ددغی آلی په ذریعه سره گوئیگان خبری کولای شی. دغه آله گوئیگان انسان په خپل ستونی پوری نیسی هغه

وخت چه گوئیگان یواخی شونلوان اوژیبه بیوری نوصوتو امواج دده دخنجرى غنچه الکترونیکي آلی ته انتقالیږی او په داخل دالی کبني دغه امواج قوی کیری چه بالاخره خفیفه آواز په صحیحو خبرو تبدیلیږی .

— خوب غه شی دی او غومره د و ام لری؟ په مختصر تعریف سره خوب دمغز او اعصابو یو گډ فعالیت دی چه انسان په دغه عملیه کبني یوی خیالی صحنی ته داخلیری او دغه صحنه وروسته تر خوب یعنی کله چه انسان وینس شی هم په خاطر پاته کیری



اندک نیروی اضافه تر داشت بر جمعیت بی همه چیز چیره شده و با بیباکی شرم آوری بر آنها تاخته و با تدارک آرامی و آسایش خود، ملل مستولی را به فلاکت کشانیدند .

این تلاش بی پایان از دوران تشکیل اجتماعات بدوی تا کنون که عصر تسخیر فضا است با مفهوم واحدی عملی شده و برای برآوردن همچو مأمولی در هر زمان مطابق به ایجابات آن عصر به اقداماتی که مستوجب استحصال مظفریت باشد دست زدند .

هنگامیکه ملل مختلف جهان به میثاقها و اتحادیه های متعددی دست بردند راه پیشرفت و ارتقای مزید را بر روی ممالک امپریالیستی بستند آنها هم بی تانی به چاره هائی متوسل شدند که نتیجتاً توانستند مدت طولی تومن لگام گسیخته آمال شانرا در سر زمین مردمان کم رشد به تاخت و تاز درآرند، و به انجای مختلف مدتی چند اکثر ممالک را و به انکشاف



و عقب افتیده را متقاعد ساخته و بر آنها مستقیم و یا غیر مستقیم حکومت کردند .

اینها نام اصلی عملیات شانرا استعمار گذاشتند و چنان وانمود کردند که برای چنین ممالک کم رشد و بی همه چیز اصولا ماموریت متمدن ساختن آنها را عهده دارند و در آبادی کشورشان سهمیم بوده ، معاونت اخلاقی و رویه انسانی را بدینوسیله تأمین مینمایند چنانچه شایعات ضد استعمار، را تکذیب کردند .

بنابر تبلیغ مفکوره فوق اکثر ممالک جهان زیر یوغ استعمار تبیدن گرفتند و ممالک امپریالیستی به بهانه تنظیم و تسبیق امور کشور، مردم اصلی مستعمرات شانرا از بسی حقوق حقه آنها محروم ساختند . مگر حقیقت انکار ناپذیر چیز دیگری بوده هست ، مینی بر اینکه ممالک خورد رو به انکشاف جزمایه

ذیری نوی پلتنی چه دخوب د کیفیت په هکله نن ورخ تجربه شوی دی وائی چه انسانان او یعنی انواع د حیواناتو دوه ډوله خوبونه وینی :

دغه دوه ډوله خوبونه چه یوئی (Rombencefalic) رومبسنسفالیک) نومیری او پدغه ډول خوب کبئی د مغز داخلی قسمتونه ویده او خارجی پویشی ئی فعال وی ، په همدغه وخت کبئی انسانان خوب وینی. او بل ډول ئی (Telencefalic) تلنسفالیک) نومیری چه پدغه نوعه خوب کبئی دمغز پویشی بی فعالیتته او ویده وی او په دی اثنا کبئی خوب نه وینو.

پخوانی علماؤ هم په تجربه سره ثابتته کړیده چه خوب لیدل دغوډ نیو غځه بیا تر خود قیو پوری دوام کوی د خوب لیدلو په عملیه کبئی له یوی خوا غځه خوبی کیفیت حل کیری اوله بلې خوا غځه دوخت فهم دانسان غځه بیرته کیری. نو همدا کیفیت دی چه کیدای شی خوب لیدل یوایی

استعمار استعمار گران چیزی نبوده است .

ملل بزرگ و متمدن بر ملتهای که از نقطه نظر تمدن درجه پائینتری داشتند اولی باید باداری کند و دومی عوض ماشین آلات و دست افزار کار آله تولید باشند . و فقط وظیفه دارند هر چه بیشتر سرمایه ای به آنها بیندوزند .

دیپلوماسی عجیب ممالک - امپریالیستی که آرزو داشت بازار اقتصادیش را بنحوی از انجا در ممالک روبرو انکشاف و بدوی باز کند ، رونق گرفت و برای نیل باین میل از ابراز هیچگونه عملی ولو مغایر شعایر انسانی و منافی اساسات اخلاقی بود کوتاهی نکردند . یکی ازین ممالک که در دام استعمار گرانه یک کشور بزرگ و متمدن اروپائی گیر آمد و وطن عزیز ما افغانستان بود .

اگر نظری بتاریخ دو صد سال پیش

خو ثانی دوام ولری مگر خوب لیدونکی انسان ته دغه لناه زمانه یوه اوږده دژوند صحنه چه غوساعته یا غور و غمی بلکه لاډیره موده خیال در پیری .

۳-..... مغز ترچری لاندى :  
نن ورخ د صحت په نړی کبئی انسان پدی قادر شوی دی چه په خپل (پاتی په ۳۲ مخ کبئی)



افغانستان بیندازیم و دوران بابای بزرگ احمدشای درائی را مدنظر گیریم به نتیجه ای خواهیم رسید و متقاعد خواهیم شد که کشور افغانستان از نگاه تمدن و فرهنگ خویش بر بعضی ممالک اروپائی سبقت داشت و روشنترین ادوار تاریخی مارا این دوره تشکیل خواهد داد. و اگر کمی دقت را درین مورد مبذول داریم خواهیم یافت که علاوه بر پیشرفت بی سابقه کشور ما، موقعیت ستراتیژیکی آن از یکطرف و مجاورت با همسایه های بزرگ و دوست ما از جانب دیگر ساحه را بفعالیت بر تانویها تنگ ساخته بود، که این دو موضوع نظر دقت ممالک استعمار طلب را بخود جلب کرد و برای اینکه بر کشور پهناور هندوستان مسلط شوند ، میباید افغانستان را بدست داشته باشند ازینرو به اقداماتی دست بردند که بدانوسیله توانستند وضعیت نورمال و آرامش مستدام این سرزمین را مغشوش و مذبذب نمایند .

بناء قبل از آنکه خودشان باالفعل وارد افغانستان شوند نفاق خا نه جنگی ، تعصب ، تفرقه و بی نظمی را بین مردم ما شیوع داده تا آنکه عملا وارد این سرزمین شدند و محیط را موافق به فعالیتهای خود آماده ساختند .

آنها بایکار بردن این دیپلوماسی موفق شدند در اندک مدت افغانستان را بحال تذبذب در آورند و فعالیت هائی را که جهت پیشرفت و ارتقاء خود و رسیدن به تمدن واقعی خود ابراز میداشتند تحت شعاع قرار دهند تا آنکه عملیات امپریالیستی بر تانویها جامه عمل پوشید و کشور افغانستان را در اندک مدت از طریق اصلی منحرف و در زمره آلات و ادوات استعمار خود قرار دادند .

وضع بدین منوال ادامه یافت

مردم افغانستان که از اعمال قبیح و مستهجن آنها بستوه آمده بودند همواره با مجادله‌های خونین مجاهدین این سرزمین فعالیت‌های برتانیویها را اخلال و آنها را از هدفیکه مدنظر داشتند دور می‌ساختند .

مردمیکه سرشت طبیعی شان آمیخته با عزت نفس و آزادمنشی باشد مشکل است که زور و اجبار بتواند سد راه آنها گردد . همانطور که اعمال زور نتیجه ای را بار نخواهد آورد اعمال تجاوز و تسلط اجانب نیز نتوانست قیام مجاهدین افغانی را عقیم سازد .

آنها همواره به عملیات ضد استعماری دست زدند و در هر وقت و هر زمان تلفات سنگینی را متقبل شدند تا خسارات بزرگی بر پیگردشمن سرسخت و عالمگیر خود وارد آوردند . سالها این مجادلات ادامه پیدا

کرد ولی انگلیسها نتوانستند درین مدت آمال خود را بر مردم این سرزمین بقبولانند تا آنکه مردم غیور و دلیر افغانستان به منظور اساسی و آرزوی پارینه خود نایل آمدند . و اجانب استعمار جورا از سرحد جغرافیائی و سیاسی خود بیرون رانندند .

این مجاهدات غیورانه افغانها تا بدرد دل تاریخ مظنطن کشور افغانستان ثبت و لکه بزرگی بر دامن تاریخ امپریالیستی کشور متجاوز باقی خواهد ماند .

برتانیه که قسمت اعظم جهان را زیر تسلط و کامروائی خود در آورده بود استحصال استرداد استقلال تمامیت افغانستان درس عبرتی برای جهانیان محسوب میشود زیرا این اولین کشوری است که علیه برتانویها قیام کرده بود و شاهد موفقیت را در آغوش کشید .

مجاهدات مردم این سرزمین به تمامی ممالک مستعمره جوی جهان

ثابت ساخت که يك کشور کوچک وضعیف هم میتواند کشوری را به عظمت انگلستان از پا در آورد و از سرحدیکه به آن تخطی کرده بود دور براند افغانستان نخستین مملکتی بود که دست استعمار گران را کوتاه ساخت .

مرگ با افتخار از زندگی پرادبار بمراتب رجحان دارد ، انسان واقعی آنست که به اولی پیبوندنه آنسکه به دومی متوسل شود .

صفحات تاریخ کشور پر از گذارشات ایست که در هر سطر آن فروغ جاودانه، مجادله علیه استعمار تجلی میکند، هر صحنه ای از لای بلای تاریخ این کشور مشحون از مجاهدات دامنه دار است که همواره در راه فعالیت‌های ضد استعماری به انجام رسیده و اشمئزاز مردم این سرزمین را در برابر قوت‌های استعمار پستند ابراز داشته است .

مجاهدات و مجادله در راه تدارک و حفاظت استقلال آنقدر در عروق مردم این سامان سرشته شده که جزء خون و سواریت گرانبهای ماقرار دارد

آنچه در بالا اندکی از یادآوری شد سر نوشت جامعه ای بود که ظلم و بیاد مدتی بران حکمفرمائی داشت این وضع فجع تا قیام عاقلانه مردم افغانستان دوام یافت که بالاخره بوجه افتخار آمیزی پایان پذیرفت .

آنون که سالیان دراز زیست از آن معرکه ها سپری شده و به افتخار آن در سراسر کشور محافل خوشی و شادمانی برپا گردیده است بر ماست تا دست دعا بالا و به ارواح خجسته آن راد مردانیکه در راه بدست آوردن این موهبت ایزدی جان شیرین شائرمردانه وار فدا کردند درود بفرستیم و دین ایمانی و وجدانی خود را دوباره ادا سازیم و سوگند یاد کنیم تا این میراث تیا کانی را از صمیم قلب به مثابه جان در بدن حراست کنیم و به فرزندان خود که امور کشور را عاقبت بدوش خواهند گرفت گوشزد سازیم که تا خون در رقی و جان در بدن دارند در راه حفاظت استقلال و سایر نوامیس ملی شان از بذل هیچگونه فداکاری و ایثار دست بردار نباشند . (انتها)

## آیا پن‌شیرمی چکه هه



( ۳۱۵ مخ پاتی )

اکادمیک په نامه یادگیری پر مخ‌چی . دمغزدر گونود عملیاتودپاره په نوموړی موسسه کښی علمی کار گران نوی طریق کشفوی او انکشاف ورته ورکوی . دهغو سختو ضربو اثرات چه مغز ته رسیدلی وی په بریالیتوب سره محوه او معالجه کیری .

۴-... تحت البحری دعلم‌اؤدپاره: د شوروی انجنیرانو د ددو نوو تحت البحریود ساختمان نقشى جوړی کړیدی . چه دغه تحت البحری به دعلمی پلټنو دپاره استعمال شی . لمړی تحت البحری چه (Tinro I) نومیری (پاته په ۳۵ مخ کښی)

ساختمانی کیفیت مفصلا لځان پوه کړی اود انسانی ساختمان هر عضو په هکله ژوره پلټنه وکړی لټنه داچه دطب نړی ډیره پر مخ تللی ده، لځکه چه نن ور لځ کولای شی هره حصه د بدن معالجه او ترمیم کړی . مگر دمغزو د عملیاتو سره یواغی پوه او تجرب به لرونکی ډاکتران سرو کار لری . اولاهم پدغه ساحه کښی ډیری پټی لټنی موجود دی چه ددغو نقاو کشفول اود هغو کیفیت څر گندول یو آسانه کار ندی دمغزو د عملیاتو په شق کښی موققانه تجربی دمسکو په انستیتوت کښی چه Neurochirurgie دن - بور نیکا

# سلاحهای ویتکانگها

شفاخانه های نظامی آمریکا در سایگون از مجروحینی که بواسطه سلاحهای ویتکانگها مجروح شده اند مملو میباشد و بسبب از دیادوتصاعد این واقعات هم واضح است زیرا ویتکانگها در قسمت جنگ های غیر منظم ویا گریلا مهارت و بجزر کامل دارند و به عقیده بسیاری از مشاهیرین نظامی آمریکا که جنگ های ویتنام

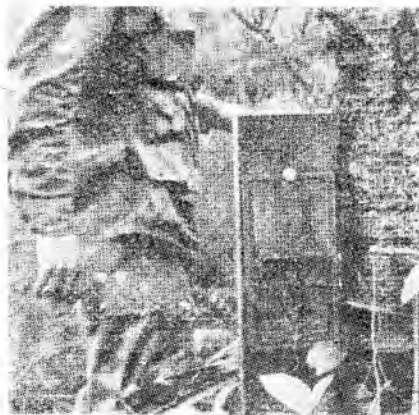


را بنام جنگ های تصاعدی و یا *Escalation - War* یاد می کنند تکتیک ویتکانگها را در این جنگ ها یک نوع تعرضات ضربوی با گریز ماهرانه از چندین قسمت به شهرها و پایگاه های نظامی ویتنام جنوبی می رانند که تکتیک مذکور باعث

نمونه از سلاحهای ویتکانگها

میشود تا دشمن را در چندین قسمت بحال مدافعه نگاه داشته و قسمت اعظم قوای خود را جهت محافظه و نگهداری خطوط مواصلاتی و مخابراتی و خدمات عقبی بگمارد و به این صورت دشمن را در مواضع شان با تکتیک های گریلابی از بین ببرند.

یکی از متخصصین تخریب امریکایی ستیز که مامور وظایف نظامی در ویتنام میباشد در مورد سلاح های ویتکانگها چنین میگوید «ا و در زندگی و حیات عسکری اش به تلکهای که از بسیار نزدیک غیر قابل دید بوده و توسط یک سیم که به یکی



دامهای خطرناک در مقابل سلاحهای مودرن قوای دشمن





یکی از مراکز تجمعی سر بازان امریکایی

از ساقه های مجوف نباتات وصل و آنهم مملو از مواد منفلقه باشد مواجه نشده است» چنانچه یکی از صاحبمنصبان دیگر امریکائی در مورد تلک های ویتکانگها میگوید که «در حین اجرای وظیفه محاربه در یکی از جنگلها دو عدد تلک از نوع بویی قبل از رسیدن به فاصله یک متری منفلق شد و هر دو تلک مذکور به فواصل دو الی سه متری پرتاب شدند لکن به دفعه دوم و سوم هم رهائی از آن مشکل بود .

ضایعات و تلفاتی که امریکائی هادر جنگهای ویتنام متحمل میشوند بصورت عموم قسمت اعظمی آن در اثر همین تلک های ویتکانگها میباشد .

چیزیکه بیشتر باعث تحیر خاطر عساکر امریکائی شده اینست که تقریباً تا الحال ۵۸۰ نوع از تلک هائیرا که ویتکانگها مورد استعمال

قرار داده اند بدست آورده اند و این تغییر نوعیت تلک ها باعث شده تا در هر حادثه و جنگ که با ویتکانگها به وقوع میرسد امریکائی ها از صورت ساختمان و مورد استعمال آن و قوف کاملی پیدا نکنند .

ویتکانگها در جنگهای گریلائی از بسط ترین سلاح ها حتی از تیر

تماس منفلق میشوند و یا اینکه برگ های درختان را زهر آلود ساخته و در اثر عبور باعث مرگ دشمن شود ، ویتکانگها در لباس مجروحین و مرده های دشمن مواد منفلقه را پنهان مینمایند و قتی که دشمن جهت نقل زخمی ها و مرده های خود می آیند بمجرد تماس یکجا بامجروحین و مرده ها ازین می روند .

و کمان نیز استفاده مینمایند آنها چنانچه در فوق تذکر بعمل آمد تلک های متنوع را با چنان مهارت ستر و اخفاء و کموفلاژ مینمایند که از اصل طبیعی اش هیچ فرق نمی داشته باشد . همچنین صخره های خورد - و ساقه مجوف نباتات را چنان از مواد منفلقه مملو میسازند که با اندک ترین



درین محل تفنگداران دریایی امریکا جابجا شده اند.

جسارت و مورال عساکر امریکائی در اثر همین نوع فعالیت ها و حرکات ویتکانگهارو به تزلزل است چنانچه یکی از عساکر امریکایی اظهار میکند «من ترجیح میدهم تا در جنگ های منظم بمقا بل عساکر ویتنام شمالی استخدام شوم نسبت به اینکه بمقا بل ویتکانگهار دا خل پیکار باشم» .

تاسیس مکاتب مذکور میگوید «معضله بزرگ عساکر امریکائی درین است که در هر پیش آمد با ویتکانگهار با تیرنگها و تلک های مختلف سرچار اند و تد ریس در مکاتب مذکور نمیتواند که باعث پیش بینی عملیات ویتکانگهار در مبارزات ویتنام شود»

جهت تخفیف ازین چنین حادثات و فریب های ویتکانگهار اضلاع متحده امریکا اقدام به تاسیس پنج مکتب مخصوص نموده است که در مکاتب مذکور طرق مبارزه علیه ویتکانگهار و عبور از جنگلات و مزارع برنج تدریس میشود ، لاکن از جمله کسانی که از چنین حادثات ویتکانگهار جان سلامت برده در باره

فیصله شوی .  
 په دغسی یوه تعمیر کښی با نیم ملیون نفره ژوند و کپرای شی او همدغه رنگه به په دغه تعمیر کښی مغازی مکتبونه ، تیاترو نه ، تریجکاوای او داسی نور لجا یونه موجود وی . نود حمل و نقل د سیستم پرو بلم به هم پدغه ښار کښی حل شی ، لکه چه حمل او نقل به عمودی جهت و لری ، وائی دغه ښارچه عموداً به ولایوی نظر و نورو ښاروته چه افقی حالت لری ډیر اقتصادی تمامیری .

**آیا پرو همپرو چک ۵۵۵۵**  
**د ۳۳ مخ پاتی**  
 دیوه پنځه سوه طبقه ای تعمیر د جوړولو نقشه ایستلی ده چه دغه تعمیر به دری کیلو متره جگوالی ولری .  
 نوموړی انجنیر د دغسی یوه تعمیر جوړول تحقیقوی او وائی چه تعمیر به ۱۵۰ ستری پایی ولری او هره پایه به ۱۳ طبقی لری . ټوله طبقی به په مخصوص ساختمان سیستم سره بو تر بله تړلی وی . تراوسه پوری د دغه تعمیر د ساختمانی موادو تهیه کول نه دی

۷د تنو دپاره به لځای ولری اودلیری ختیز په بحری سواحلو کښی به پلټنی په وشي . دغه تراو بو لاندی بیړی به یواځی ۳۰۰ متره په اوبو کښی ژوره دتلو قدرت ولری .  
 دوهمه تحت البحری 300-Bentos نوموړی . دغه تراو بو لاندی بیړی به دیوه لابر اتوار حیثیت ولری . پدغه تحت البحری کښی به علما تراو بو لاندی دوامداره پلټنی پرتابو لجا یونو باندی وکړی .  
 ۵- . . . . یو ښار په یوه تعمیر کښی یوه انگلیسی انجنیر Preshman

# ستر ایزی قوت‌های

## مودرن فرود آورده شده

یکی از عوامل موثر و عناصر اساسی تحول و انقلاب معاصر شکل حرب انکشافات شگفت انگیز میباشد که در قسمت قوت‌های فرود آورده شده بعمل آمده است. این جزوات‌های جوان که فرصت زیادی از اشتراک

قوت‌های فرود آورده شده برای انجام اشکال متنوع وظایف مهمه بصورت قابل ملاحظه مناسب و موافق می باشند و همچنان هیچوقت نمیتوانیم رول مهم و نقش غیر قابل انکار آنها را در اجرای وظایف چون: - هجوم بمقابل دشمن دخول کننده. - اجرای حرکات - هو تازی و تهاجمی.

توسعه داده است و از نگاه قابلیت تکنیکی و تکنیکی به نحو عالی و شایسته انکشاف کرده اند. قابلیت مانور و قدرت آتش آنها زیاد گردیده سرعت منزل و شعاع عمل آنها در حال رشد و تکامل میباشد که این موضوع بالخاصه از نظر وارد آوردن ضربات در ساحه های وسیع ملوث به رادیو اکتیف اهمیت فوق العاده کسب نموده است.

شان در معرکه های پیکار گیتی و عرصه های کارزار نظامی نمی گذرد بشکل بارزی بر قابلیت محاروی اردوهای مودرن افزوده است و در قایم شدن دکتورین های مودرن عسکری تشکیلات جدید قوت‌ها و تعلیم و تربیه قوای زمینی و هوایی رول عمده را ایفا مینماید. این قوت‌های جوان نقش خود را بسرعت در عملیات حربی



نکتن از پراشوتیست ها در لحظه که بزمین فرود آمده است.

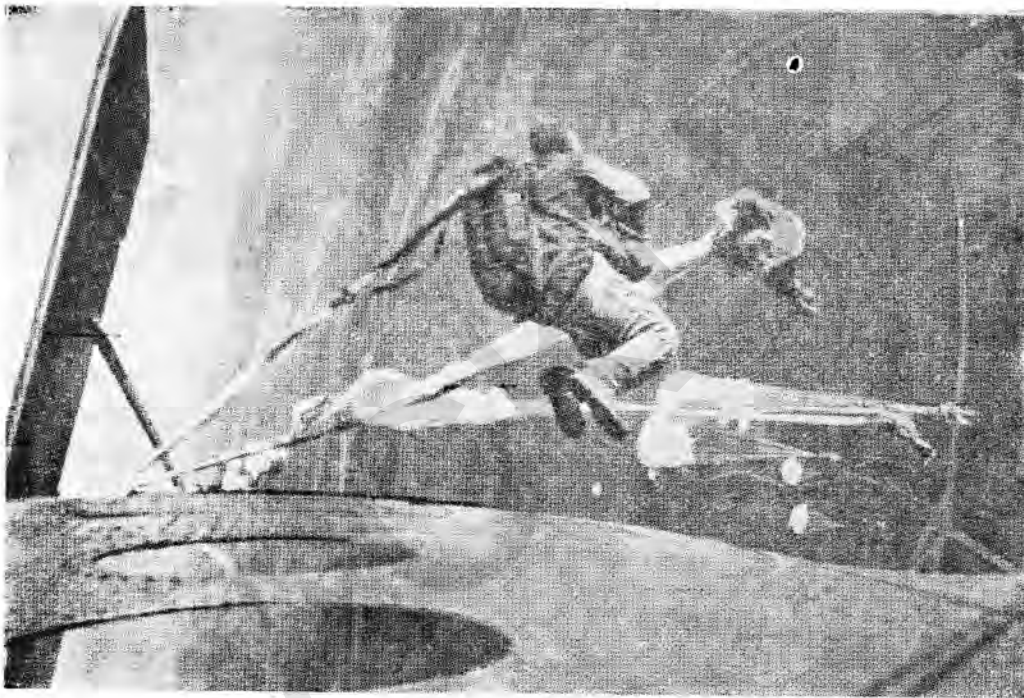


- تقویه قوت‌های محاصره شده .  
 - اشغال و تحکیم اهداف کلید و مهم نادیده بگیریم .  
 علاوه‌تاً این قوت‌ها منجیث یک احتیاط متحرک بشکل عالی قابل استفاده می‌باشند . قابلیت های محاربه‌ی جزوتام‌های فرود آورده شده اجازه میدهد تا آنها در تصادمات نوع کلاسیک ( *Conventional* ) به صورت خیلی موافق استعمال شوند . همچنان بدون شبهه و تردید میتوان

یسرعت ممکنه درمحل وزمان معینه مطابق آرزو طرف استفاده‌قرار گیرند . بلژیکی‌ها، بریطانوی‌ها و فرانسوی‌ها بکرات و مرات در اجرای حرکات نوع محدود خویش به استعمال آن مبادرت ورزیده اند .  
 برتری و رجحان این قطعات فرصتی خوبتر هویدا و بر ملا می‌گردد که آنها را با جزوتام‌های دیگر از نگاه شرایط مشکل انتخابی تعلیم و تربیه سنگین و نتیجه تجارب در حرکات

## رول و اهمیت قوت‌های فرود آورده شده در محاربات ذروی .

به استناد تعلیمنامه های مربوط پکت وارسا و با مدنظر گرفتن نظریات تیورسین‌های معاصر نظامی جهان و ستراتژی‌های حرب ذروی يك حرب اتومیک احتمالی آینده‌دارای دو صفحه خواهد بود :  
 ۱- مرحله کوتاهی که درطول آن ضربات ذروی روی جزوتام‌های



فوتوی از تمرین قطعات پاراشوتی اردوی شوروی

اظهار نظر نمائیم که قوت‌های فرود آورده شده برگزیده ترین نیروها برای اجرای حرب‌های محدود (*Limited War*) می‌باشند .  
 چنانچه استعمال غند پاراشوتی بریطانیا در بحرین، کانال سویز قبرس و چگونگی استفاده قطعات پاراشوتی بلژیک در کانگو برای نجات ورهائی سفیدپوستان شاهمدبازر این مدعای ماست و ازین نظر عقیده‌ما طرفداری نموده و آنرا تقویت مینماید .  
 قوت‌های پاراشوتی قادراند تا

تیپ کوماند و مقایسه نمائیم .  
 اساس موفقیت در محاربات گوریلائی روی باصقین و سرعت اتکا مینماید که با استفاده ازین دو عنصر اساسی تا اندازه جبران کمی قوت و اجرای محاربه مقابل يك قوت مکمل و مجهد دشمن ممکن می‌گردد .  
 افراد گوریلا برای توصل به پیروزی باید از هنر حمله ناگهانی و غافلگیر کننده و دفعتاً پدیدار شدن مستفید شوند که این منظور توسط قوت‌های فرود آورده شده بوجه احسن و نیکوئی برآورده شده می‌تواند .

حساس و نقاط مهم ستراتژی یکی و اقتصادی بعمل خواهد آمد ( در ظرف سه روز) .  
 ۲- به تعقیب صفحه اول برای از بین بردن قوت‌های باقیمانده دشمن قوای زمینی تحت حمایه سلاح‌های اتومی تکتیکی به حرکت خواهد گذشت . آنطور یکه دگروال (*E. Tsvetayev*) می‌نویسد در نتیجه ضربه های ذروی و آتش‌های حمایه اسلحه کلاسیک رخنه‌های وسیع و شکاف‌های بزرگ ایجاد



لحظات حساس پرتاب

خواهد شد که به مقصد انکشاف نتایج ضربات ذروی و اجرای محاربه آخرین و نهائی قوت‌های کلاسیک مورد استفاده قرار خواهد گرفت. ضربات اتومی انتقامی در يك حرب ذروی اساس قبول شده است، این ضربات ذریعه جزو تاسمهای ستراتیژیکی راکت، تحت البحری‌ها و طیارات ستراتیژیکی دور منزل بعمل خواهد آمد و همچنان جزو تاسمهای تکتیکی راکت طیارات تکتیکی، طیارات قوت‌های بحری در آن‌سهم خواهند داشت. به تعقیب ضربات ذروی و به نمایندگی از قوت‌های کلاسیک قوای فرود آورده شده در محلات لازمه فرود خواهد آمد.

سلاحهای اتومی که توسط طیارات استعمال میشوند در مبارزه مسلحانه حرکات زمینی منجیث مؤثر-ترین وسایط تلقی می‌گردد اما برای پیشرفت در ساحه عمقانی دشمن از جزو تاسمهای فرود آورده شده به پیمانده وسیع استفاده و بهره برداری خواهد شد. تا بدینوسیله نتایج ضربات ذروی را انکشاف داده و انهدام و تخریب کامل دشمن عملی گردد. هدف تعرض این قوت‌ها در ساحه محاربه قوای اتومی و دیگر جزو تاسمهای مهم دشمن خواهد بود. این تعرضات ذریعه تانک‌ها و زرهپوش‌های که از طریق هوا انتقال داده شده اجرا خواهد شد این تعرضات به اساس او امریکه از قرارگاه‌های قوت‌های اصلی داده میشود سوق و اداره خواهد گردید. در عین زمان به مقصد اخلاص سیستم مدافعه هوای دشمن میتوان حرکات پاراشوتی را در اعماق اراضی دشمن انتظار برد.

فرود آمدن در عقب دشمن از فعالیت‌های معمولی و عادی خواهد بود و برای این غایه جزو تاسمهای کوچک فرود آورده شده استخدام خواهد گردید. تعرضاتی که از عقب

نکرده اند همچنان اظهار نظر مینمودند که طیارات بی موتور خیلی بطی السیر بوده و سلاح آن هم نیرو مند نیست و برای تامین باصقین، سرعت و وحدت مساعی که پرنسیب واقعی پیروزی شمرده میشود باید با وسایط و تکنیک‌های نوین تجهیز و تسلیح شوند. در گذشته قدرت و سبکی اسلحه دو موضوع کاملاً متضاد بود، اما فعلاً موجودیت توپ‌های بی‌پسلنگ که دارای وزن کم، منزل‌زاد و قدرت آتش کافی هستند تا اندازه این پرابلم راحل نموده است. از طرف دیگر (بقیه در صحه ۴۶)

بالای دشمن بعمل خواهد آمد پدیده جدید و نوین را در صفحات تاریخ حرب و سیانس عسکری تبارز خواهد داد. به اساس مطالب فوق واضح و ثابت گردید که در يك حرب ذروی قوت‌های فرود آورده شده هوای رول بارز دارند و بالاخص یکی از اساسی-ترین و اصلی‌ترین عناصر اجراء کننده صفحه دوم حرب اتومیک محسوب می‌گردند.

\* \* \*

تاچندی پیش نظریاتی وجود داشت که قوت‌های فرود آورده شده هنوز هم طوریکه بایستی تکامل و انکشاف

# ژان دارک

( بقیه صفحه ۱۰ )

زیاد دوام نکرد چه یکی از فرماندهان کمپینی دستور بالا کشیدن پل را داد و راه فرار را بر ژان و سر بازانش مسدود نمود ژان با اینهمه دست از مبارزه نکشید دشمن حلقه محاصره را پراوتنگتر و از هر سو چهره های خشمگین و عرق کرده بر او ظاهر می شد ، شمشیرهای خون آلود بر او کشیده شد ، درین میان دستی دهانه اسپش را محکم گرفت ، دیگران شتل قرمز او را از هم دریدند و یکی از سربازان دشمن بر پشت اسپ او جست و دستهای او را از پشت سرش محکم گرفت و بدین ترتیب قهرمان بزرگ و نجات بخش فرانسه در میان عده بزرگی از دشمن اسیر گردید .

## در زندان

با آنکه ژان ویرا درانش درین مبارزه دستگیر شدند اما برگندی ها برادران او را در مقابل اخذ پول آزاد کردند ولی دوشیزه های گل آلود و ژولیده را بازرهی خون پر به زندان فرستادند و محافظینی بر آن گماشتند تا از هر حرکت او ممانعت کنند . عاقبت



تا دور از دیوار های شهر ، قایق هائی به آب اندازند وعده از سربازان را با سلاح های شان بسوی شهر برند خودش هم در نظر داشت با اسپ سفید خود حمله اصلی را رهبری کند . ساعت پنج بامداد بود که ژان ولشگریانش از اردوگاه پنهانی خود بیرون آمدند ، ژان مانند همیشه پیشا پیش سپاه اسپ می راند و درفش سفیدش در دست بود و شتل قرمزی زردوزی نیز روی زهرش به تن کرده بود .

درست در آن موقع که ژان بسوی کمپینی پیش می رفت فرمانده نیرو های برگندی به اردوگاه خویش باز می گشت . از بالای تپه ای ناگهان چشمش به ژان و لشگریانش افتاد که از پائین تپه می گذشتند . آنگاه غفلتاً خود را به سپاه ژان زدند ژان و لشکر کوچکش دیوانه وار به جنگ پرداختند ، اما در همین بین نیرو های امدادی برگندی ها از راه رسیدند و شماره آنان فزونی گرفت سپاهیان تازه نفس چنان به شتاب آمدند که ژان فرصت اجرای هیچیک از نقشه های خویش را نیافت ، جنگ شدت گرفت و جز از عقب نشینی چاره بر ژان باقی نماند . آنگاه به مردان خود فرمان داد تا از راهی که آمده اند باز گردند و خود در عقب همه قرار گرفت . ژان سه بار به قلب دشمن حمله برد ولی فائده نکرد . آنجا که ژان با برگندی های جنگید تا پل سابع شهر فاصله ای نبود و می اندیشید که اگر فشار دشمن زیادت گیرد راه عقب نشینی باز بوده و بعد از گذشتن از پل و برداشتن آن ، راه را بر دشمن مسدود خواهد ساخت اما این اندیشه اش

به عنوان فرمانده سپاه باز دیگر در باره به جنگ رود تا شهر ( سن پیرلو مویتیه *st.pierre-le - Moutier* ) تسخیر گردد . در آن هنگامی که شکست او ولشگریانش آشکارا به چشم می آمد ، درفش خود را به اهتزاز آورد و به سربازان فراری خویش نهمیب زد ( باز گردید ما امروز پیروز خواهیم شد ) .

سربازان اطاعت امر کردند ، به میدان باز گشتند و در جنگ پیروز شدند .

پس ازین ماجرا با وجود غلبه که حاصل داشته بود تیره روزی او آهسته آهسته فرار سید ، چه او نتوانست شاه را به خیانت برگندی ها متقاعد سازد ، دوفین می کوشید تا او را با هدیه هائی بچگانه خوشنود سازد و با دادن و دوختن جامه های فاخر سرگرم سازد .

آخرین پاداشی که شاه در آزاء خدمات او برایش داد اعطای نشان هائی به خانواده او در ( دا مرمی ) بود . سرانجام پسی از گذشتادن زمستان طولانی و کسالت بار ، بهار فرا رسید و سپاهیان دو باره روانه جنگ گردیدند ، ژان نیز با آنها همراه بود .

## اسارت

ژان سربازانش را بسوی شهر ( کومپینی *Compiègne* ) که در آن وقت یکی از شهر های مهم فرانسه بود حرکت داد و برای رهائی ان شهر از دست انگلیسها و برگندیهای متفق آنها نقشه دقیقی طرح کرد . هر دسته از سربازانش برای خود موضع معینی داشتند و در صدد بودند





آنچه ژان از آن هراس داشت بوقوع پیوست و انگلیس ها او را در مقابل ده هزار فرانک طلا از دوک لوکزا مبورگ تسلیم شدند و او را به شهر (روآن Rouen) انتقال دادند.

درین هنگام ژان به نوزده سالگی رسیده بود و درست سه روز بعد از تاریخ تولدش یعنی ۹ ژانویه ۱۴۳۱ او را به محاکمه کشانیدند. محاکمه او ۴ ماه طول کشید و به ژان اجازه داده نشد تا برای خود و کیلی انتخاب نماید تا به دفاع از وی بپردازد. محاکمه ای مذهبی بود و به همین دلیل پرسش های دشواری از وی نمودند که به آنها پاسخ گوید، اما در طول محاکمه ژان با جسارت و حرارت تام جوابات معقول از خود ارائه داشت و هرگز ضعف و عطالتی در وجود او ظاهر نگردید.

سر انجام بعد از پایان سه ماه محاکمه ژان به پایان رسید. دوسیه آن که یک دوسیه خیلیمها بزرگ و وزین بود با آخر رسید. پیر کوشون، اسقف بووه او را متهم بدوروغ گوئی کرده بود که سخنان این دختر همگی ساختگی، زیان آور، گمراه کننده است که شیطان یا ارواح خبیثه ای دیگری به او می آموختند.

پس از آنکه حکم محکمه درباره ژان اعلام گردید، دیگر کاری جز از سوزانیدن او باقی نماند، چه آنها این قهرمان بزرگ را مرتد شناخته بودند.

عاقبت روز اعدامش فرار رسید و با مداد روز سه شنبه، هنگامی که چند روز از نوزدهمین سال عمر او میگذشت او را در سیاستگاهی که ساخته بودند در محضر عده بی شماری از مردم برای سوزانیدن حاضر کردند.

بعد ازین شکست شهرهای فرانسه را یکی بعد دیگر ترک گفتند و بدست فرانسویان دادند. درین موقع انگلیس ها عم دست از جنگ کشیدند، اعلامیه صلح انتشار یافت و بدینگونه فرانسه وحدت خود را باز یافت و آرزوی ژان بعد از مرگش برآورده شد.

### از آن روز به بعد ژان بعنوان

دوشیزه قهرمان فرانسه شناخته شد. در تاریخ فرانسه بزرگترین موقعیت را احراز کرد. محبوب مردم گردید زادگاه (دامرمی او در دره موز) در نقشه به نام او اسم یافت و در نقشه های فرانسه در محل این ده نوشته اند (دامرمی لاپوسل) یعنی دوشیزه دامرمی یا زادگاه دوشیزه.

در قرن ما یعنی قرن موجوده پاپ بندیکت پانزدهم اعلام کرد که ژان، دوشیزه اورلئان جزو مقدسین است و باید ژان دارک مقدس خواند شود. خاتمه

ژان نگاه خود را به صلیب نقره ای که دور از نگاه داشته بودند دوخت و در حالیکه صلیب چوبی را محکم در میان دستان خویش می فشرد، در میان شعله های سوزانی که از گرمی قلوب یکعده مردمان پر کینه، بغض و تعصب منشأ گرفته بود و لحظه به لحظه فزونتر میشد سوخت و جان داد.

ژان جان خود را بیهوده از دست نداد بلکه با آتش سوزنده خود آتش نهضت های مقاوم را در گوشه و کنار فرانسه روشن نمود و آزادی تمامیت فرانسه را از جنگ انگلیسها بی گذاری کرد.

جنگ (کانستیلون) پیش آمد که در واقع آخرین نبرد جنگ های صدساله بود. درین جنگ (تالبو) سردار انگلیسی که در اورلئان اسیر ژان شده بود و انگلیسها آزادی او را خریده بودند تذبذب قتل رسید. انگلیسها

بقلم:  
عبد القدیر خلیق  
دگر وال ارکان حرب

# عروس

# آزادی

# افغانیان



نویسنده این مضمون

امروز که باز سالگره استرداد آزادی افغانیان و عروس آزادی در چهل و نه سالگی از طرف کافه ملت افغان تجلیل میگردد، یکبار دیگر خون جوانان و یا خود بهتر است گفته شود که خون پیر و بر بنای این خطه باستانی ز ادر عروق و شرائین آنها به شور آورده و یکبار خاطرات شور انگیز افتخارات تاریخی را در صفحه خاطرات ذکور و اناث این مملکت روشن می سازد.

بلی! یاد ایامیکه در آن جوانان و سالخور دگان و حتی ز نهای غیور این مهد آریا برای ضیانت ناموس ملی دست به شمشیر زده و پروانه وار خود را در آتش عشق آزادی سوختاندند، کشتند و کشته شدند، خون ریختند و خون هارا ریختند تا اینکه بالاخره عروس قشنگ آزادی را در آغوش کشیدند. افتخارات ملی ما غرور ما و مباهات ما و سرور و شادمانی ما از ناحیه است که این ملت کوچک کوهستانی مقتدر شد که در سایه فداکاری، عزم راسخ، وحدت فکر و عمل ننگ و غیرت ملی، شاهد موفقیت را توسط سلاح بس ناچیز آنوقت بکف آورده و یکی از مقتدرترین اردوهای جهان را به شکست جبران ناپذیری مواجه گردانید.

مثال استرداد استقلال افغانستان بهترین شاهد جگنجوئی و سلحشوری مردمان این خطه گردیده و از طرفی هم غرور ملی ما را ظاهر می سازد. ما در طول این دوره که رنگ آن را پارچه سبز بیرق ملی، تمثیل می دهد، یعنی از زمان بکف آوری شاهد آزادی تاکنون به ترقیات عالی مدنیت و اصل شده و بسا پرابلمهای خود راحل نموده و امید است که بسی دیگر از آنها به مرور ایام حل گردد، وطن معمور و علم و معارف در سرتاسر مملکت ترویج گردیده است. عده از جوانانیکه در خارج و داخل مملکت تحصیلات خود را پ پایان رسانیده اند، شب و روز مصروف اعتلا و ترقی وطن بوده میکوشند تا در زیر قیادت شاه جوان و ترقیخواه خود کساروان مدنیت این خطه را نیز با کساروان مدنیت جهانی همناو و هم آهنگ سازند. گرچه ناگفته نماند که زندگی در هر لحظه که پیش می رود پرابلمهای نوینی را خلق نموده ولی ناگفته نماند که استعداد و قدرت افغانها می تواند همه آنها را حل نموده و در پرتو نیروی ذاتی و عزم و اراده متین خویش پیروزی های لازم را بدست آورند. گویا چطوریکه در نبرد استقلال شاهد موفقیت را در آغوش کشیدند در حل پرابلمهای حیاتی نیز موفق گردیده و باغ و بوستان وطن را به گلزار بهشت آسا تبدیل نمایند. در آنوقت خواهد بود که روح شهدا آزادی شاد بوده و ثمره جانبازیهای خود را برای ترقی و تعالی اولاد های خود روحاً احساس می نمایند.

در خاتمه می گوئیم شاد باد روح فدائیان آزادی

معمور باد وطن و پاینده باد استقلال ما

زنده باد شاه جوان ما



# ما و آزادی ما

نویسنده این مضمون ←

ما در صفحات تاریخ چندین هزار ساله سرزمین باستانی خود خاطرات ابدی و فراموش ناشدنی داریم .

خاطراتیکه مبارزات و دلیری های نیاکان ما را تمثیل نموده و برای فرزندان باشهامت افغان درس قهرمانی داده است .

ما بخاطر افتخارات تاریخی و ملی خود پیکار های زیادی نموده ایم و در این راه رنج های بسیاری را متحمل شده ایم و قربانی های زیادی داده ایم اما هرگز نخواسته ایم که آزادی و نوامیس ملی خود را از دست بدهیم و بیگانگان را آقا و با دار خود گویم .

چنانچه تاریخ ما منعکس کننده این واقعیت هاست مخصوصاً مبارزات آخرین پیکار ملت افغان با بزرگترین و مودرن ترین نیروی استعمار برای همیشه در خاطره ها زنده خواهد بود .

زیرا همین مجادلات بود که نه تنها در سرنوشت ما بلکه در سرنوشت جهانیان مخصوصاً در جنبش های ملی ممالک آسیائی و آفریقائی تاثیر بسزائی وارد نمود . .

در آن هنگام نیاکان ما جزیک ایمان قوی و جزیک احساسات پاک و روحیه و طند و سستی مالک چیز دیگری نبود . در مقابل دشمن ، دشمنیکه با مودرن ترین سلاح مجهز بودند و در حرب اول جهان فاتح برآمده بود ، سرشار از یک غرور افتخار جهانی بود ، آنها مردم ما را بر روی مقدار واحصائیه و از قام بشمار می آوردند و چیزیکه متوجه نبودند جنبه معنوی و مورال ما بود ، باری ملت ما بجهانیان ثابت ساخت که کمیت در مقابل کیفیت ارزشی نداشته و مورال قوی یکقوم باشهامت در برابر سلاح و وسایط مادی و مقدار نفرات طرف مقابل تسلط و غلبه خود را عملاً آشکار می سازد .

ما اکنون در آستانه جشن استرداد استقلال وطن قرار داریم و روح ما در باره آزادی سر مست است ، ما بروان شهدای راه آزادی درود میفرستیم و آزادی و سربلندی و عظمت کشور و مردم خود را برای همیشه از بارگاه خداوند التجا میکنیم .

« ختم »

نگارنده

عبدالقدوس « صاحبزاده »

مدیر مکلفیت ولایت هرات



# چگونه حرب دوم افغان و انگلیس بوقوع پیوست

فرد را میتوان کشت اما ملتی را نمیتوان نابود کرد

توسعه امپریالیزم انگلیس برای حفظ خاك امپراطوری نیم قاره هند از شرق و جهانگیری روسیه تزاری از شمال و شمال غرب افغانستان را در بین دو سیاست متضاد دو دشمن مخاصم قرار داده بود که یکی جهت بدست آوردن سرزمین هند و دیگری جهت دفاع از آن تصاحب افغانستان را برای خود ضروری میپنداشتند. بهمین علت بود که انگلیس دوبار به افغانستان تجاوز کرد و در نتیجه سرزمین های اصلی این مملکت از دست رفت.

از دست انگلیس ها بیرون کشند چنانچه تعرضات ایران بالای هرات که به تحریک روسیه تزاری صورت میگرفت جزء همین پلانها بود. ولی انگلیس ها که قبلاً این خصوص را در پلانهای مشترک روسیه و ناپلیون (قبل از تعرض به مسکو) درک کرده بود همیشه میخواست سده محکمی بمقابل تعرضات احتمالی روسیه تعمیر کند، برای این منظور ساحه نفوذ خود را جانب افغانستان وسیع ساخت و در ۱۸۴۲ بعد از مرگ رنجیت حاکم پنجاب ایالت سند را صاحب گشت « البته اینکه چگونه انگلیس ها ایالت سند را صاحب گشتند و چگونه انگلیس ها رنجیت را در مقابل امیر دوست محمد خان تقویه مینمودند تا باعث از دست رفتن علاقه های صوبه جات و دیره جات گردیدمحتاج بحث علیحده است و درین مقاله نمی گنجد ». به این ترتیب انگلیسها

قرن صاحب شد، شکل جدیدی را برای افغانستان بوجود آورد، زیرا همچنانکه انگلیس میخواست نفوذ خود را در هند بیشتر سازد روسیه تزاری نیز جهت بدست آوردن سرزمین های جدید طبق وصیت نامه پطر کبیر بسوی آسیای مرکزی لشکر کشی مینمود.

وقتی راه پیشرفت روسیه تزاری از طرف انگلیسها در ایران مسدود گشت روسیه مجبوراً بطرف شرق و جنوب شرق یعنی بطرف افغانستان متوجه گشت. درین راه به تائی گام بر میداشت و در هر قدم متوجه عکس العمل انگلیسها بود تا در فرصت لازم با معاهدات دو ستانه شاهان افغانی را راضی برین سازد که وسایلی فراهم آرند تا قوای روسیه تزاری از بین خاکهای افغانی گذشته جانب هند پیش بروند و این گنجینه زر بقول پطر کبیر این انبار دنیا را

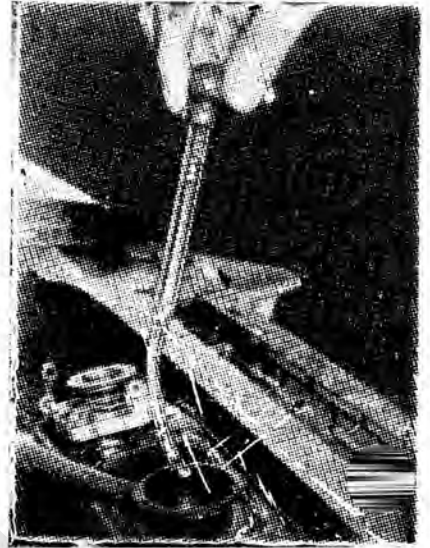
حادثات قبل از حرب دوم افغان و انگلیس و عقد معاهده گندمک بزرگترین

ضربتی بود که استعمار برپیکر متلاشی شده این مملکت فرود آورد که تا امروز التیام ناپذیر است.

چرا انگلیس جهت حفاظت خاك هند بسوی افغانستان رو آورد؟ چگونه و در چه شرایطی معاهده گندمک امضا شد؟ نتیجه معاهده گندمک چه بود؟

این همه سوالاتی است که به تمام آنها درین مقاله جواب داده شده است و خوانندگان گرامی را در جریان اصلی این وقایع میگذارد.

موقعیت ستراتیژیکی افغانستان در چار راه آسیای مرکزی در زمان کشور کشائی دول غربی شکل حساس به این مملکت داده بود. زمانیکه انگلیس برای تأمین منافع بیشتر و توسعه آرزوهای امپریالیستی خود نیم قاره هند را تقریباً بعد از دو



## مواد صیقلی جدید

اخیراً یک نوع زنگ پالک مخصوص حصص روشن و صیقلی بادی موثر و سایر ماشین آلات، اختراع گردیده است، بعضی حصص پیش روی و عقبی موثرها بمنظور تزئین و محافظه از یک نوع پارچه های فلزی سفید صیقلی و مصنوعی ساخته شده اند این پارچه های سفید و روشن در اثر گرد و خاک رطوبت، چرب شدن و سیاه شدن چرب و بده نمود معلوم میگردد. جهت رفع این نپاکی ها حالا از یک مواد جدیدیکه موسوم به (پنترول) میباشد کار گرفته میشود. یکمقدار ماده پنترول نخست به حصص فولادین و صیقلی ماشین آلات و یا موثر مالیده می شود.

پانزده دقیقه انتظار کشیده میشود که مواد مزبور در سطح فلز نفوذ بکنند. سپس بآله مالیده و پترهای ناپالک را پاک میکنیم اگر سطح پارچه های فولادین داغ و دوغ داشته باشد مواد پنترول داغ و لکه آنرا با پرده خفیفی می پوشاند.

خود را با افغانستان هم مرز ساختند و خط دفاعی هند را تا رود سند پیش آورد.

سر ادوارد هملی.

## Lt. G. Sir Edward Hemly

بتاریخ ۱۶ ماه می ۱۸۸۴ در حضور شرق شناسان بیانیه ایراد کرد و گفت که «بی شک طی قرن اخیر انگلیسها هیچگاه از نگرانی قدم بدم نزدیک شدن روسیه از میان آسیای وسطی بسوی هندوستان راحت نبرده است و دائم این دولت در هرجا پا گذاشت از آنجا پا پس نکشید، همواره در اقدامات خود موفق بوده زیرا سرو کارش با مردمی بود که از حکومت های خود دل خوشی نداشتند این موفقیتها آنقدر ادامه یافت که با وجود پیمان برلین؛ کو قمان با ۱۲۰۰۰ سپاه بسمت کابل حرکت کرد مستقیماً هندوستان را تهدید میکرد مخصوصاً اینکه روسیه رویه دیپلوماسی خود را با عملیات نظامی توأم اجرا میکنند برعکس سائیر دول اغلب اوقات سیاستمداران آن مطیع اردو هستند».

انگلستان بالاخره به این نتیجه رسید که در مقابل خطر پیشروی روسیه باید هر چه بیشتر ساحه نفوذ خود را بسوی افغانستان توسعه بخشد و خط دفاعی هند از کناره های رود اندس به دامنه های شمالی هند و کش پیش ببرد.

روی همین نظریه انگلیسها در ۱۸۴۷ به افغانستان تعرض کردند و جنگ اول افغان و انگلیس راه افتاد ولی بزودی با تحمل تلفات سنگینی از افغانستان بی و ن کشیده شدند ولی باز هم انگلیسها هیچگاه نسبت به افغانستان بی علاقه نماندند زیرا:

۱- انگلستان میخواست که برای کنترل دائمی افغانستان از خطر متحد شدن با روسیه افغانستان باید

بصورت مطلق تحت نفوذ انگلیس باقی بماند و با اقل شاهای در افغانستان سلطنت نماید که حافظ منافع انگلیس باشد «از بین رفتن امیر دوست محمدخان و روی کار آمدن شاه شجاع روی همین پلان صورت گرفت».

۲- اگر انگلیس به مرام فوق مؤق نگردد حتی الممكن سعی گردد تا حکومت در قبول نمودن سه نماینده دائمی انگلیس نژاد در شهر های کابل، قندهار و هرات متقاعد ساخته شود تا انگلستان بالای اوضاع حا کمیت بهتر داشته باشد.

۳- برای کنترل بیشتر بر امور افغانستان و جلوگیری از خطر پیشرفت احتمالی روسیه بطرف هند حکومت انگلیس باید سه شاه هراه سوق الجیشی سرحدات شرقی افغانستان «خبر، کرم، بولان» را همیشه بدست خود داشته باشد.

این پلان در زمان سلطنت هر شاهای که در افغانستان روی کار می آمد از طرف حکومت هند برطانوی روی دست گرفته میشد، خاصه وقتی پافشاری درین مورد بحد اعلی خود رسید که امیر شیر علی خان برای بار دوم به سلطنت افغانستان جلوس کرد. زیرا امیر شیر علی خان سیاستی را اختیار کرد تا موازنه دو قوای انگلیس و روسیه را بر هم نزند و با قبول سیاست بیطرفی - زیادتر مصروف امور داخلی گردید.

ولی حکومت انگلیس هیچگاه این روش او را قبول نداشت دائم فشار می آورد که وجود نمایندگان انگلیس را بدخل افغانستان بالای امیر بقبولانند این موضوع وقتی شکل جدی بخود گرفت که هیأت روس تحت ریاست جنرال استولیتون *G. Astoliton* بدر بار کابل آمد حکومت هند برطانوی از موجودیت هیأت روس بدربار کابل تلگرافی به لندن خبر

داد و همزمان با این واقعه سر نویل چهبر این از طرف حکومت هند برطانوی بصفت، نماینده انگلیس به امیر معرفی شد و نامبرده بطرف پشاور حرکت کرد. درین هنگام شهزاده عبداللہ پسر امیر فوت کرد که امیر را از قبول نمایندگی انگلیس بدر بار کابل موقتاً متصرف ساخت و در مکتوب به کمیسر پشاور چنین نوشت:

« آمدن سفیر روس بدر بار کابل یک امر عادی بوده باین ترتیب که شما سفیر خود را جبراً بالای ما میقبولانید اورا پذیرفته نمی توانیم » این مکتوب وقتی به کمیسر پشاور رسید دو مکتوب جداگانه که دور از آداب نزاکت و دوستی بود به صدر اعظم و حکام سرحدی افغان چنین اطلاع داد.

« هرگونه مقاومت در مقابل هیأت انگلیس در موقع ورود شان به خاک افغانی یک دشمنی بمقابل حکومت انگلیس تلقی خواهد شد ».

لار دلیتن *Lord liton* ویسرای هند که از ابتدا حل مسایل رابادولت افغانی از راه دیپلماسی چندان مورد علاقه نمیدانست کوشش داشت تا زمینها برای یک لشکر کشی و تعرض مساعد سازد زیرا وی آرزو داشت که با اشغال معا بر سه گانه سوق العیشی سرحدات شرقی افغان همیشه خود را از شر امیر رهائی بخشد، چهبر لین و کیوناری در راه عزیمت به افغانستان به علی مسجد رسیدند اما ما مورین سرحدی افغان با کمال احترام از ورود شان به خاک افغانی مناعت کردند، ویسرای هند ازین موضوع به شدت انتقاد کرد و در مکتوب تاریخی ۱۶ اکتوبر ۱۸۷۸ از لندن خواهش کرد تا بصورت فوری امر اعلان جنگ را به مقابل امیر داده بلافاصله افغانستان اشغال نظامی گردد ولی لندن در جواب نوشت که « رد نمایندگی انگلیس از طرف امیر آنقدرها شدید

نیست که سبب اعلان جنگ گردد بلکه با الفاظ مودبانه از امیر علت این امر استفسار گردد » همان بود که بتاريخ ۳۱ اکتوبر ۱۸۷۸ التیما توم شدیدی بنام امیر از طرف ویسرای هند بنابر عدم قبول نمایندگی انگلیس و بی احترامی به آن فرستاده شد و مدت ده روز بان مهلت گذاشتند ولی این مدت برای حل چنین مشکل به امیر خیلی تنگ بود، با وجود انهم جواب آن به پشاور ارسال شد ولی این وقتی بود که قوای آماده باش انگلیس در سرتاسر سرحدات شرقی افغانی به تعرض گذشته بودند.

امیر بطرف مزار رفت تا از روسها کمک اخذ کند ولی اجل مهلتش نداد و در همانجا دفن گردید و نظر به امر قبلی امیر یعقوب خان که پس از ۸ سال از حبس رها شده بود زمام امور را بدست گرفت، چهبر لین با عساکر معیشتی خود بتاريخ ۱۰ نوامبر ۱۸۷۸ خیبر را تجاوز کرده و تا جلال آباد پیش آمده بود.

این تجاوز امیر یا بزم چیزی دیگری غیر از یک تجاوز بیره همانه و غیر عادلانه نبود، که جزئی ترین دلیلی بران موجود نیست، این خصوص را از خطابه دیزائلی صدر اعظم وقت انگلیس بخوبی استخراج کرده می توانیم: وی در ۲۰ نوامبر ۱۸۷۸ یعنی بیست روز بعد از تجاوز انگلیس بر افغانستان در مجلس عوام آشکارا گفت که « مقصد ما از جنگ با افغانستان تصحیح سرحدات بود که میخواستیم بجای سرحد عارضی سرحد عملی داشته باشیم » و سپس در ۱۳ فبروری ۱۸۷۹ در موقع افتتاح پارلمان انگلستان اظهار داشت که « حکومت ملکه انگلیس مسرور است که موضوع مداخله مادر افغانستان تکمیل شده، ما اکنون سه شاهراه که افغانستان را با هند ربط میدهد بدست داریم که

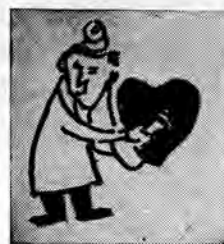
همیشه مملکت ما مالک آن خواهد بود ما مقصدی را که این لشکر کشی برای آن بعمل آمد تا ساین کرده ایم و چنان سرحدی را بدست آورده ایم که امیدواریم امپراطوری هند ما را غیر قابل تجاوز خواهد ساخت » مولف کتاب علل جنگ افغان و انگلیس می نویسد « بالاخره پرده بر افتاد نه آمدن سفیر روس بدر بار کابل و نه عدم قبول نمایندگی انگلیس بکابل هیچکدام علت اساسی لشکر کشی انگلیس نبوده، بلکه آمدن سفیر روس بکابل بهانه ای بود که زیر این پرده انگلیس نیت های مستعمراتی خود را

پیش برد ». از دوی نمبر ۱ انگلیس که تا جلال آباد پیش آمده بود در همانجا توقف کرد و نظر به تجارب گذشته مراقب اوضاع بود، اردوی نمبر ۲ از راه دره بولان تحت فرماندهی جنرال ستیوارت *G. Stewart* به قندهار و هم چنان اردوی نمبر ۳ از راه کرم تحت فرماندهی جنرال را برتس *G. Roberts* به گردیز مواصلت کرد و به اینصورت مواقع سه گانه سوق العیشی سرحدات شرقی افغانستان را تحت کنترل خود در آوردند.

وقتی یعقوب خان در کابل شاه شد برای تحکیم بنیان حکومت خود حاضر گشت تا با انگلیس مصالحه نموده و قرارداد امضا نماید و انگلیس ها نیز حاضر شدند تا این قرار داد را در گندمک امضاً نمایند همانجای که ۲۶ سال پیش از دوی الفستین *Alfenston* در آنجا تباہ گشت و پرچم انگلیس ها بدست افغانها سرنگون گردید و به عقیده خود به این ترتیب شرف و حیثیت که برطانیه آنرا از دست داده بود دوباره اعاده کند غافل از اینکه « در برگ گل دوباره کی آرد گل آب را » امیر یعقوب خان برای این منظور



## عکسبرداری.....



### از داخل قلب

علمای جاپانی برای اولین بار موفق شدند از داخل قلب عکسبرداری نمایند. این عکس برداری بوسیله امواج مافوق صوت و بکمک دستگاه مجهز علمی صورت گرفت. دکتر «موتونائوتانا کا» استاد پوهنتون «توئوکو» واقع در شمال شرقی جاپان در یک جلسه عمومی صحی چگونگی این آزمایشات جالب و بینظیر را فاش کرد.

این دکتر و همکارانش موفق شده اند به بعد سه میلیمتر از داخل قلب عکس بردارند بدون اینکه سایر اعضا بتوانند مانع دیدن کامل عکس قلب گردند.

دکتر تانا کا برای اینکه عکس کامل و از هر جهت منطبق با واقعیت باشد آنرا بوسیله امواج الکترونیکی قلب نگار «کاردیو گرام» تهیه نموده است.

این عکس ها سبب می شوند که پس از این دو کشوران بتوانند از نزدیک کار اعضای داخلی قلب را مورد بررسی قرار داده و بتوانند بیماری های قلبی را که بوسیله اشعه ایکس و سایر وسایل شناخته نمی شود تشخیص داده و معالجه نمایند.

در اواخر ماه می ۱۸۷۹ به گندمک عزیمت کرد و در تحت فشار قوای انگلیس که هر آن آماده پیشروی بطرف کابل بودند معاهده دیکته شده انگلیس ها را امضا نمود.

بموجب این معاهده ننگین که در تاریخ کشور ما از آن بیدی یاد میشود:

۱- ولایت سیال کوت و علاقه فوشنج «پشنگ قندهار» تا صیل، کورک و علاقه کرم تا ابتدای جاجی و دره خیبر تا کنار شرقی هفت چاه ولوزی کوتل به انگلیس واگذار شود.

اما واگذاری علاقه کرم، پشنگ و سیبی دایمی نبوده بلکه حمایت شان به انگلیس تعلق داشته مالیات بر عهده امیر خواهد بود. اداره و باز نگهداشتن خیبر و مچنی وظیفه حکومت افغانی است.

۲- نماینده سیاسی دائمی انگلیس در کابل اقامت داشته امیر حفاظت جان و مال او را بدوش خواهد داشت فعلا برای این منظور ترلیوی کیوناری به این عهده تعیین میگردد.

۳- حکومت افغانی بدون اشاره و استیذان انگلیس با هیچ دولت خارجی داخل تماس نشده و بدون تصویب انگلیس با هیچ دولت داخل جنگ نخواهد شد.

به اینصورت تمام مطالبات استعماری انگلیسها از طرف امیر قبول شد و در مقابل هیچ خواهش از انگلیس نه نمود، انگلیسها بعد از عقد این قرارداد از راه جلال آباد الی مواضع اشغال شده خود عقب نشستند در حالیکه کیوناری با گارد محافظ خود بسوی کابل رهسپار شد.

ولارد لیتن Lord Liton به آرزوی دیرین خود رسید.

از آنجائیکه هیچگاه این معاهده

ننگین روی مصالح ملی بنا نشده بود بزودی انعکاس آن در روحیه ملت افغان ظاهر گشت. کیوناری خلاف روح قرارداد منعقد با از حد فراتر گذاشت و در امور داخلی حکومت افغانی مداخله میکرد. روزیکه عساکر جهت گرفتن معاش بطرف بالاحصار رو آوردند کیوناری موجودیت

این همه عساکر را حمل بر قیام افغانها نمود در حالیکه هیچیک ازین عساکر سلاح با خود نداشتند، کیوناری بدون تحقیق موضوع استفاده از عقل سلیم و اندیشه درست و ملتفت شدن به عواقب وخیم اقدام خود به عساکر گارد محافظ خود امر داد تا بالای افغان ها آتش نمایند درست در مرحله اول این آتشباری بیخردانه چندین افغان از زمین رفتند ولی این وضع به روحیه عساکر افغانی تحمل ناپذیر بود و با سرعت به قشله های خود برگشتند و سلاح آتشبار و انتقام جوی خود را برداشتند. اکنون در قلب هر کدام این افغان های مبارز و انتقام جو، شعله های انتقام زبانه میکشید و هیچ قدرتی نیز نبود تا مانع این اقدام افغانها گردد، آتش جنگ با فیر از طرف گارد کیوناری شعله ور شد و از هر طرف افغانهای خشمگین و انتقام جو بطرف بالاحصار هجوم آوردند کیوناری که وضعیت را وخیم دید چاره دیگری برای جبران این لغزش و اشتباه خود نداشت قیصله کرد تا خود و همراهان خود را یکجا آتش زند. همان بود خود، همراهان و تمام لوازم و پولیکه جهت تفرقه انداختن بین افغانها از آن کار میگرفت یکجا آتش زد و خود را فدای اشتباه غلطی ساخت که در تکب آن شده بود این خبر به جنرال رابرتس G. Roberts در کرم رسید و رابرتس با قوای دست،

داشته خود بطرف کابل مارش کرد و هم چنین به ستیوارت و جنرال برایت امر داد که بسوی قندهار و جلال آباد به پیشروی خود شروع کنند . یعقوب خان جهت عذرخواهی درنواحی لوگر نزد رابرتس رفت ولی درعوض پس شد رابرتس بسوی کابل به عجله پیشروی میکرد و بالاخره کابل را اشغال نظامی نمود انقلابیون و آزادیخواهان را زجر و شکنجه کرد و قتل و قتل زیادی راه انداخت و در کابل حکومت نظامی مطلق تأسیس نمود .

ستیوارت بولان را پشت سر گذاشت و به قندهار رسید و هم چنان ۶۰۰۰ عسکر دیگر تحت اداره جنرال برایت به جلال آباد مواصلت کرد .

رابرتس هم چنان در کابل به دیکناتوری و دهشت افگنی خود دوام میداد تصمیم گرفت درعوض انتقام کیوناری بالاحصار را تخریب کند و به ساکنین این منطقه مدت دو روز مهلت گذاشت تا این محل را تخلیه کنند و به محض پوره شدن موعد معینه در حالیکه هنوز ساکنین آنجا کاملاً کوچ نکرده بودند با منتهای قساوت قلب و بیرحمی بالاحصار این مرکز اداره افتخارات و پرورشگاه مردان پرافتخار تاریخ افغان را با خاک یکسان ساخت ، هنوز هم عطش انتقام رابرتس فرو نشست و برای از بین بردن و تحویل هر نفر مجاهد ملی ۵۰ روپیه جایزه گذاشت به اینصورت کار قتل عام مجاهدین ملی از طرف رابرتس بالا گرفت ، رابرتس جهت از بین بردن قیام‌های ملی افغانها به آخرین چاره نیز دست برد و محلاتی را که تحت اشتباه وی بود و بیم آن رفت که مرکز

تجمع سران مجاهدین باشد به بهانه کشیدن جاده‌ها در شهر کابل امر تخریب آنرا داد و بدین ترتیب خانه‌های زیادی از اهالی را منهدم ساخت .

صدای این ظلم و غارتگری رابرتس به پارلمان انگلیس رسید و بصورت فوری به حکومت هند امر داده شد تا رابرتس را از حکومت کابل بر طرف و در عوض ستیوارت را بجایش تعیین نمایند . هنوز رابرتس از کابل خارج نشده بود که قیام مؤثرانه افغانها در سراسر مملکت شروع شد و مجاهدین ملی بنای پیشروی را بطرف کابل گذاشتند جنگ‌های میهنانه و مبارزات آزادیخواهی را بر ضد انگلیس ها شروع نمودند .

در همین گیر و دار رابرتس در کابل حصار شد و همزمان با این واقعه امیر عبدالرحمن خان از بخارا بکابل رسید . انگلیس ها که منتظر فرصت بودند بشاهی افغانستان او را قبول کردند و فیصله نمودند که از افغانستان خارج شوند رابرتس با عساکرش بسوی قندهار حرکت کرد و خیال داشت که آخرین چال استعماری خود را نیز بکار برده ایالت قندهار را بصورت قطع از افغانستان جدا و به حکومت هند مربوط سازد اما قهرمان میوند عساکر ستیوارت را در قندهار محصور ساخت و این کار انگلیس‌ها را از فکر انتزاع قندهار منصرف ساخت زیرا فهمیدند که دست و پنجه نرم کردن با افغانهای که تشنه انتقام ، انتقام وحشتناک که از دشمن دیرینه خود هستند کار آسانی نیست و باید هر چه زودتر از این معرکه پاپس بکشند . رابرتس بنستیوارت و عساکرشان بسوی هند عقب نشستند و قندهار را به حاکم امیر عبدالرحمن خان تسلیم دادند .

به این صورت مامی بینیم که برای تحقق نیت‌های استعماری و امپریالیستی خود انگلیس به چه نیرنگ‌های دست نزد و در زیر این پرده چه نیت‌های شوم مستعمراتی خود را پیش نبرد . این مقاله کوچک بما ثابت میسازد که خاک‌های اصلی این سرزمین بواسطه چه اثرات های سیاسی انگلیس از دست رفت برای اینکه منافع دولت انگلیس در هند از خطر تهلسکه تعرض روس در امان باشد برای حفظ آن باید مملکت قربان گردد و تصادف اینکه افغانستان در خط السیر آن واقع بود و این افغانستان بود که باید فدای منافع استعمار میشد تا اینکه سرزمین امپراطوری هند و انگلیس غیر قابل تجاوز گردد .

در نتیجه تعرض دوم انگلیس بر افغانستان بالاحصار کهن کابل این گنجینه تاریخ پرافتخار افغان تخریب شد و از بین رفت ولی از آنجا نیکه ملت افغان نخواست هیچگاه شاهد این غارتگری امپریالیزم باشد تصمیم گرفت که روی خرابه‌های این دیر کهن و باستانی بناء تعمیر کند تا اولاد این سرزمین سرد خیز در آن درس شادت و از خود گذری و وطن پرستی بیاموزند و پرچم داران آزادی مملکت باشند که مردمان آن درین راه قربانی‌های بی شماری را متقبل شده‌اند و این گفته را بر مردمان جهان ثابت سازند که **شخص را نمیتوان گشت اماملتی را نمیتوان نا بود کرد** منابعیکه از آن در نوشتن این مقاله استفاده شده :

- ۱ - افغانستان در قرن ۱۹ تالیف سید قاسم رشتیا چاپ کابل .
  - ۲ - افغانستان تالیف احمد توکل چاپ ایران .
  - ۳ - عروج بار کزائی ها ادوارد الایس پیرس .
- ترجمه پژواک - صدقی چاپ کابل

# ستراتژی قوت‌های مودرن فرود آورده شده

بقیه صفحه ۳۸

سرعت طیارات از ۱۰۰۰ کیلومتر در ساعت تجاوز نموده و طی رات بزرگتر باتوناژ و ظرفیت زیاد تر با سرعت مافوق صوت اعمال گردیده که میتواند به مسافت خلی بیعد (هزاران کیلو متر) پرواز نماید و میتوان گفت که اکنون اردزهای کامل باتمام وسایط و وسایل لازمه در مسافت دور طوری منتقل شده میتواند که از تمام شبکه های ترصد و سمع و یا ضبط امواج دشمن محفوظ و در امنیت باشند .

استعمال طیارات نقلیه باربردار برای فرود آوردن قوت‌ها وقتی امکان پذیر است که حاکمیت مطلقه هوائی وجود داشته باشد. با توجه به همین حاکمیت هوائی بود که متحدین موفق شدند در آرنهم (Arnhem) در جون ۱۹۴۴ و همچنان در امتداد دریای راین در طی تعرض میونستر (Munster) و بالاخره در هالند شمالی حرکات بزرگ فرود آمدن قوت‌ها بر اساسات متین بنیان گذاری و پی ریزی شده و در ساحه عمل با پیروزی و موفقیت توام گردید .

در باره استعمال قوت های پیماده از کاب شده هوائی باید به دو نکته عطف توجه گردد :-

یکی مسأله استعمال کنلوی طیارات بی پیلوت که برای اولین مرتبه در برما و بعداً در جزیره سیملی و ایطالیاعملی شد . و دیگری که اهمیت آن افزون از حد است روش و طریقه تاکتیکی است که برای نخستین بار از طرف فیلد مارشال مونتمگرمی



فعالیت یک هلیکوپتر قوای هوائی امریکادر محاربات ویتنام

بمعرض تطبیق گذارده شد .

تکتیک آخرین عبارت ازین بود که قوت‌های پراشوتی برخلاف شرایط معمولی (که پیش از شروع حرکات زمینی فرود می آیند) بعد از آغاز تعرض بر فراز اهداف پرتاب میشوند و اهداف آنها باید مواضع آتش طوچی و مجلات فومانده و ترصد دشمن باشد ؛ برای معرفی مزید مابین قوت‌های جوان را به سه دسته تقسیم می‌نمائیم :

- ۱- قطعات فرود آورده شده

برای حرکات دسته جمعی .

- ۲- جزو تانمهای مخصوص هوائی بنام S-A-S- که بصورت گروپهای کوچک فعالیت مینمایند ؛

- ۳- پراشوتیست‌های منفرد برای وظایف خصوصی .

## قطعات فرود آورده شده

بصورت عمومی این قطعات دارای مزایای ذیل می باشند :

- ۱- تحرک ستراتیژیکی زیاد
- ۲- قابل ز: اجرای حملات ناگهانی

(باصقین) .

- ۳- مجبوریت دشمن بمنظور جدا ساختن قوت برای محافظه و حراست مراکز حیاتی و نقاط مهم ستراتیژیکی از خطر آن .

- ۴- ایجاد تاثیر بزرگ معنوی و روحی بالای اردو و ملت خصم .

بدر نظر گرفتن مزایای فوق معایب و نواقص آتی رانیز دارا میباشد

- ۱- محدودیت تحرک تکتیکی روی زمین به نسبت عدم موجودیت وسایط کافی حمل و نقل و موتور یزه

- ۲- داشتن ارتباط به سرباط هوائی (ایجاب مینماید که حتماً باید حاکمیت هوائی موجود باشد و شرایط جوی و مترولوژی مساعدت نماید)

- ۳- لزوم گماشتن تعداد کثیر قوای هوائی و برکناری آنها از وظایف معمولی آنها .

- ۴- سرعت از بین رفتن قوت‌ها در روی زمین (در صورت عکس العمل دشمن به نسبت دارا بودن اسلحه خفیف و مشکلات رساندن مواد لوژستیکی و قوت های تقویه) .

## موارد استعمال در تعرض .

- ۱- هجوم بمقابل استحکامات و تاسیسات منفرد بصورت غافلگیر کننده و ناگهانی .

مثال تاسیسات منفرد این امایل (Eben Emael) . . نقطه اساس

کرت (Lucrete) و پل موبردیزک .

- ۲- از بین بردن قوت‌های استیاط تکتیکی نزدیک دشمن قطع خطوط اکمال و ارتباط و اجرای هجوم از عقب دشمن .

مثلاً سیملی (Sicile) نورماندی (Normandie) ویزل (Wesel)

برما و فلپاین .

## در تعقیب .

تصرف و اشغال نقاط مهم و حساس بمقصد حداعظم استفاده از تعقیب . چنانچه در آرنهم (Arnhem) اجرا شد .

سماعت دشمن از استفاده نقاط مذکور (مثال آنچه در کورت (Corinthe) واقع شد) . . (بقیه در شماره آینده)



# حرب گامی مستقبل



-۲-

## ستراتیژی عسکری اتحاد جماهیر شوروی

### تحقیق و تحلیل حربهای ماضی و تخمین و مطالعات راجع به حربهای مستقبل

در سپتامبر سال ۱۹۶۲ در اتحاد جماهیر شوروی از اثر *Croye naya-Stragi* کتابی بنام ستراتیژی عسکری منتشر شد. کتاب مذکور در بین سالهای ۱۹۵۳ الی ۱۹۶۰ توسط یک هیئت متشکله پانزه عضو جنرالان

۲- ستراتیژی عسکری دول غرب  
 ۳- توسعه و انکشاف ستراتیژی نظامی اتحاد جماهیر شوروی،  
 ۴- ماهیت حرب مدرن .  
 ۵- مسایلی که در متشکل ساختن نیروهای مسلح به آنها روبرو میگردد  
 ۶- اصولهای سوق و اداره حرب  
 ۷- احضارات و آمادگی دفع و طرد يك مملکت در مقابل يك تجاوز  
 ۸- اصول و طریق رهبری در نیروهای مسلح  
 در خصوص یکی از انعکاسات محتویات مقدمه کتاب مذکور که در ایالات متحده امریکا به طبع رسیده است

مبصرین و متفکرین جهان غرب از تحقیقات و مطالعات که انجام دادند مفکوره و نظریه های مختلفی را در مطبوعات منتشر ساخته اند قناعت جمع کثیر آنها در مورد مطالب و مفهوم افکار ستراتیژی محتویات کتاب مذکور برین است که مطالعات و ملاحظات رسمی اتحاد شوروی را تصویر و منعکس میسازد.  
 کتاب مذکور بحال هشت قسمت ترتیب شده و به موضوعات آتی جدا و مطالعه گردیده است .  
 ۱- کنسپت های عمومی ( مفهوم و تصورات عمومی )

و ضابطان که معادل به پایه پروفسران بودند تحت ریاست رئیس ارکان حرب نیروهای مسلح اتحاد شوروی مارشال واسیلی سکولو فسکی (*Vasly - Sokolovsky*) حاضر گردید . انتشار کتاب مذکور در ممالک بیلاک غربی در حال تأثیر و عکس العمل های عمیق را تولید کرد در مورد مطالب این اثر در مطبوعات جهان خارج تحلیل دقیق و مطالعاتی زیادی انتشار یافت. در ایالات متحده امریکا کتاب مذکور ۳ بار ترجمه و در عین زمان در روزنامه جمهوریت ( ترکیه ) نیز منتشر گردید

يك متفكر چنين اشاره ميکند :  
 در نظريه Raymonol - Garthoff که در فوق ذکر است علاوه شده که در مطالب محتويات مذکور پرنسيب های ستراتيژيکی عسکری از قبيل خصوصيت حرب مدرن، مسايل ذيعلاقه دو کتورين سوق و اداره واورگانيزاسيون حرب بصورت دقيق و اساسی مورد بررسي قرار گرفته ميشاشد .  
 به عقیده مذکور اين اثر جديد تکميل و مشرح ترين نسخه کتاب را تشکيل ميدهد که در مورد ستراتيژي روسيه بعد از کتاب (ستراتيژي) که از جانب جنرال Cvechin در سال ۱۹۲۶ منتشر شد توصيف شده است. شخص (Garthoff) مطالعات خویش را راجع به دو کتورين عسکری اتحاد شوروی چنين توضيح ميکند:  
 دو کتورين عسکری اتحاد شوروی بعد از دوره مارشال ستالين بحال دو صفحه جداگانه و تماماً تيدل انکشاف و تکميل يافته است. صفحه اول فکتورهای (حركات دائمی) که پرنسيب های حرب ماضي را ترک قرار داده و بجای آنها پذيرفتن پرنسيب (باصقين) که اهميت بزرگي را کسب نموده احتوا مي دارد اما در يك حرب طولانی تاثیر عوامل اقتصادي، مورال که در پوتنسيل عسکری حائز اهميت نتيجه قطعي ميشاشد قبول وهم در نظر گرفته شدن آنها توصيه شده است اين صفحه از زمان روی کار شدن مارشال ژوکوف به پست و وزارت دفاع ملی شروع شده و سالهای ۱۹۵۳-۱۹۵۵ را در بر ميگيرد، يعنی درين دوره پرنسيب های باصقين، عوامل اقتصادي و مورال مورد نظر و قبول محافل نظامی و غير نظامی قرار گرفته ميشاشد. صفحه دوم را نظر به (سياست جديد عسکری) تشکيل ميدهد و اعتبار از بيانیه جون سال ۱۹۶۰ خروسچف که در محضر شوراي عالی اتحاد جماهیر شوروی ايراد نموده آغاز ميشود .

فکر سياست جديد عسکری در ماه ستامبر سال ۱۹۵۹ به کمیته مرکزی حزب کمونسنت به منظور تصويب و قبول تقديم و در آنجا در اطراف آن بحث و مذاکره بعمل آمد. و در پايان جلسه و کمیته مذکور به دو فکريزير توافق نظر حاصل گرديد بصورت اساسی تر نظريه اول را دوام دو کتورين موجود و از نقطه نظر تشکيلات محافظه وضعيت موجوده نیروهای مسلح است نظريه و تز دوم عبارت از بلند بردن و افزايش دادن قوت های ذره وی وراکتی و کم ساختن در مقدار قوت های ديگر ميشاشد تز اول از طرف افسران نظامی و دومين از جانب خروسچف مشاورين شخص موصوف پيشنهاد گرديد ولی بخاطر بايد داشت که مارشال مالينوفسکی وزير دفاع و از جمله رفيقان نزديک ترين خروسچف در زمان توضيح نظريه معلوم بازهم محتاطانه به لزوم افزايش دادن قوت های کنوانسيونل اشاره نموده است نتيجتاً در پايان کار مشاهده ميشود که از زمان ستالين به بعد در اتحاد شوروی دو نوع دو کتورين عسکری به نظر ميرسد .  
 یکی (محافظه کار) و ديگري (زا ديکال) و يا مدرن ميشاشد بعد از توضيحات فوق الذکر بصورت عمومي فصل های منظور نظر را به ترتيب و بصورت جداگانه بررسي نموده و اقسام مهم از آنها را تحت غور و تعمق قرار داده و در نهايت به استخراج بعضی نتايج از مطالب مذکور مساعی بعمل آمده است .

کنسپت های عمومي (ادراک و تصورات)

درين قسمت بصورت عمومي توسعه و انکشاف تاريخی ستراتيژي عسکری و موضوعات ذيعلاقه اين فصل و از نقطه نظر حرب ذره وی مطالعه و تحقيقات صورت گرفته است .

ستراتيژي عسکری در تحت

شرایط حرب مدرن .

(به مقصد تحقق پذيرفتن هدف بزمان کمترين انهدام و نابود ساختن نیروهای مسلح و پوتنسيل اقتصادي

دشمن و تخريب و شکستادن عزن دفاعی آن را با تامين نمودم کوردیناسيون میان حرب های متوجه شده راکتی سرگلوله دار اتمی و حركات نیروهای مسلح تازه اهداف عمقانی دشمن) بیک پرنسيب قبول کرده ميشود. از مفهوم فوق نتيجه گيري ميشود که در پرنسيب و قواعد زمان گذشته حرب تعديل و تغييراتی ظهور نموده است و اينک شرح بعضی از اينها.

۱- تاسيس تمرکز و تجمع قوت های

متفوق در محل نتيجه قطعی به شکل تجمع و تمرکز آتش اتمی بعمل خواهد آمد بدین صورت تاسيس و بوجود آوردن مرکز ثقلت آتش اضافه تر از یک مرکز ثقل ممکن خواهد شد «ماميدانيم که در حرب در محلی که نتيجه قطعی گرفته ميشود در محل مذکور تجمع و تمرکز قسم عظيم قوا و وسايط و غيره ايکه پرنسيب ميشاشد و در یک محل توصيه ميشود اما در شرایط حرب اتمی بوجود آوردن چندین مرکز ثقلت آتش اتمی وجود دارد . مترجم »

۲- ميدان حركات شامل تمامی

اراضی ممالک دشمن بوده و ياساحه های تمامی ممالک بلوک را با التمسقر بالای اقسام فضای آنها را احتوا خواهد کرد (با اينکه در مطالب کتاب کدام تذکار نشده ولی ميدان حرب ماهيت شمول تمام دنيا را بخود اختيار خواهد نمود )

۳- تعين حدود ياساحه های محاربات

را سلاححانی بلکه موقف و موقعيت اهداف ستراتيژيکی تعين و تثبيت خواهد نمود .

۴- تعبيرات و اصطلاحات حركات

مانند . سقربری ، تحشد ، ستر و پيشرفتن از محلات تحشد در حرب های مستقبل کهته ديده ميشود از این جهت است که در موضوعات و پلانهای زمان صلح طوری آمادگی واحضارات اتخاذ بايد شد که در حال شروع مخاصمات با پلانهای سفر یک دم به عمليات آغاز گردد .

۵- مانور ستراتيژي در تحت

شرایط حرب ذره وی بصورت لخشنايدن

وانتقال آتشهای اتمی از یک استقامت و یا هدف بدیگر هدف و یا استقامت اجرا خواهد شد .

۶- پرنسیب هائیکه در میان ستراتیژی و سیاست مورد قبول واقع شده است قرار آتی میباشد .

الف : صلح به گفته لنین (سیاست سبب و علت. حرب بیک واسطه آنست) در حالیکه به این توصیه های لنین و فوق نموده پرنسیب های آتی الذکر را قبول کرده اند .

۱- طبیعت و ماهیت هدف سیاسی در سوق و اداره حرب بصورت مطلق و قاطع مؤثر واقع میشود .

۲- تابعیت ستراتیژی عسکری به سیاست دولت نه تنها از نقطه نظر تامین و غایه و مقصد ستراتیژی ضرورت دارد بلکه در عین زمان جنبه و استقامت عمومی آن را نیز تعیین و تثبیت میدارد .

۳- سیاست ستراتیژی عسکری شرایط مساعد را حاضر و آماده میسازد. سیاست دولت علاوه بر تعیین و انتخاب اهداف ستراتیژی، در عین زمان به منظور حصول و بدست آوردن اهداف مذکور به ایجاد و خلق کردن زمینه و شرایط مساعد نیز مساعی و فعالیت بخرچ میدهد .

ب : در زمان حرب. نظریه گفته النگلوس بعد از آنکه حرکات عسکری در بر و بحر آغاز یافت. پس حرکات مذکور تابع خواهش و آرزوهای دیپلوماسی نشده بلکه تابع قوانین خویش میباشد و این قوانین در حالیکه وظیفه را بحال توتال به تهلکه و خطر روبرو نسازند اجلال نمیگردند .

از بیانیه مذکور برمی آید که اکثر ملاحظات ستراتیژی برای سیاست استقامت داده و بدین وسیله سیاست و زمان حرب به منظور تحقق پذیرفتن بیک سلسله مرام و غایه های سیاسی اصل بدست آوردن هدف منتخبه ستراتیژی را پیروی نموده و طرز عمل خود را نظر به این اساس عیار میسازد .

۷- در اثنائیکه هدف حرب تعیین و انتخاب میگردد. در مقابل فکتور

منابع اقتصادی و تخریب صنایع که توسط سلاحهای تخریب کننده هستوی منهدم و نابود ساخته میشوند. اهمیت فکتور انهدام و امحاء نیروهای مسلح دشمن افزوده شده است (جهت مدافعه این تزمثال های عددی از مغلوبیت المان در حرب دوم جهان. به منظور مؤثر بودن اهمیت فکتور امحای نیروهای مسلح نسبت به فکتور انهدام و تخریب قدرت اقتصادی را نشان داده اند در صورتیکه یک حرب در بین غرب و شرق ظهور کند فکتور پوتنسیل متفوق اقتصادی بلوک غربی که یک فکتور حائز اهمیت و نتیجه قطعی میباشد بناه از نقطه نظر تحایل غربی ها یک مفکوره پنهان کردن ویی اهمیت پنداشتن این قدرت عظیم اقتصادی مطالعه میشود .)

۸- اساس افاده النگلوس در مورد موضوع مناسبات بین ستراتیژی و اقتصادی (هر حرب حاصله و نتیجه مناسبات میان مسایل سوسیال و اقتصادی است) توضیح شده میباشد. شرایط اقتصادی غایه حرب و اصول و وسایط متعلق به سوق و اداره آن را بطور عمومی ستراتیژی حرب را تعیین میدارد مصارف حربها بطور مداوم در افزایش بوده و در جهان که لیست ها نتیجه تجدداتی را که در ساحه تجارت، صنایع و در ساحه مواصلات به میدان آمده است علت و اسباب افزایش بخشیدن حربها را در ساحه های تاثیر و شدت فراهم ساخته میباشد .

بطور مثال- نصف سالانه بعضی حربها از جنس روبل طلائی چنین نشان داده شده است .

حرب کریمیه از ۱۸۵۳-۱۸۵۶ ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ روبل .

حرب روس و ترک ۱۸۷۷-۱۸۷۸ ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ روبل .

حرب روس و جاپان ۱۹۰۴-۱۹۰۵ ۴۲۰,۰۰۰,۰۰۰ روبل .

حرب اول جهان ۱۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ روبل .

در حرب دوم جهان در تکنالوژی انکشاف و توسعه عظیم و بسز رگ رویداده، در حالیکه در حرب اول جهان قوه است. موتور بهر نفر عسکر

به  $\frac{1}{3}$  اصابت میکرد اما در حرب دوم جهان این مقدار به قوه ۲۰ افزایش یافته .

۹- در اهمیت افزایش یافتن مناسبات بین فکتور مورال و ستراتیژی یک نظریه نیز به میدان کشیده شده است. ستراتیژی که تنها استکی به تفوق نیروهای سادی باشد ملل را به پیروزی و ظفر رهبری نکرده، ازین جهت است که تقویه و بهدارج عالی رسانیدن مورال و معنویت از عوامل مهم و ایجابات لازمی بشمار می آید از توضیح فوق الذکر فهمیده میشود که در امور ارزش و اهمیت رول تعلیم و تربیه سیاسی مردم غیر نظامی و نیروهای مسلح استادگی و برورسی توصیه میشود .

۱۰- در موضوع مناسبات بین دو کتورین عسکری ستراتیژی بعضی پرنسیبها نیز وضع شده میباشد .

الف. کر کتر و خصوصیت ملی دو کتورین عسکری (دو کتورین عسکری تابع ساختمان بنیان سوسیال مملکت با وضعیت اقتصادی سیاسی و کلتوری آنست) توضیح شده است . علاوه برین در فورموله ساختن دو کتورین سذکور وضعیت جغرافیائی، مناسبات بین الدول وهم کر کتر ملی مردم در نظر گرفته میشود.

ب : ستراتیژی عسکری مربوط به دو کتورین عسکریست از دو کتورین عسکری مفکوره های عمومی گرفته میشود. فعالیت و عملیات در صورتی آغاز میگردد که ماهیت حرب مستقبل. وضعیت آماده گی واحضارات عسکری مملکت، تشکیلات نیروهای مسلح مطالعه و غور شده وهمچنان در بالای مسایل و پر و بلم های دیگر که در اصول های محاربه تاثیر میبخشد غور و تعمق بعمل آید .



# بزرگترین حملات

## ستراتژیکی قوای متفقین

در حربه عمومی اخیر

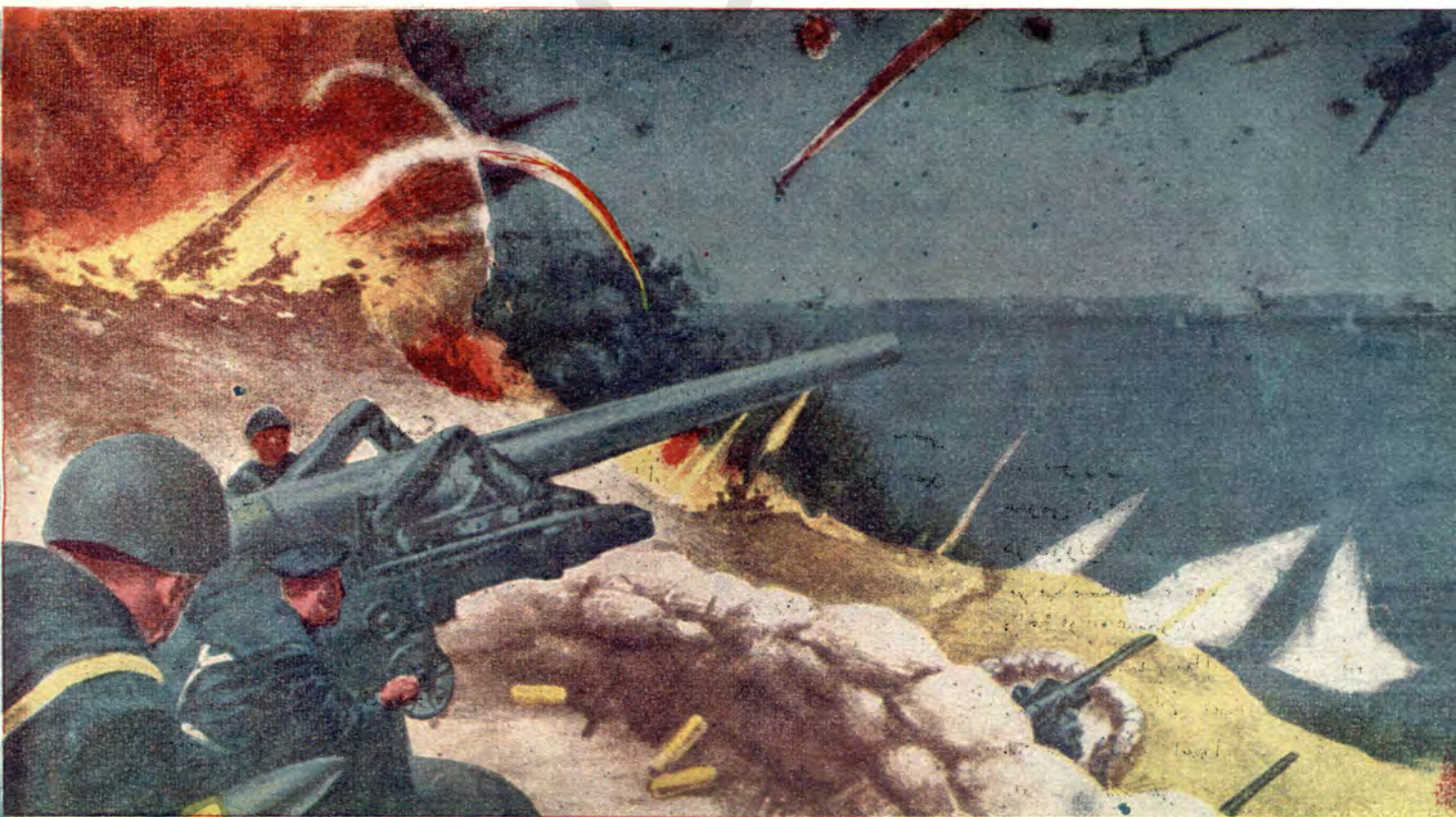
تهیه وترتیب میرمحمد ابراهیم از ق م



در ژانویه ۱۹۴۴ بیش از چهار سال از حربه عمومی دوم سپری شده بود در طول این مدت المان نازی و متحدین آن با پیروی از دوکتورین حربه های برق آسا دایره حملات خود را در چوکات پلان های ستراتیژی وسعت داده اروپا و قسمتی از افریقا را اشغال نموده بود و آرزو داشت بر جهان حاکمیت داشته باشد .

لیکن سال ۱۹۴۴ زمانی بود که المان نازی به اشتباه بزرگ خود پی برده بود و دیگر قادر نبود چون سابق حملات برق آسای خود را ادامه بدهد و شهرها را یکی بعد دیگر در تحت تصرف خود در آورد .

اینک نوبت به متفقین رسیده بود و دوایت آیزنهاور در رأس



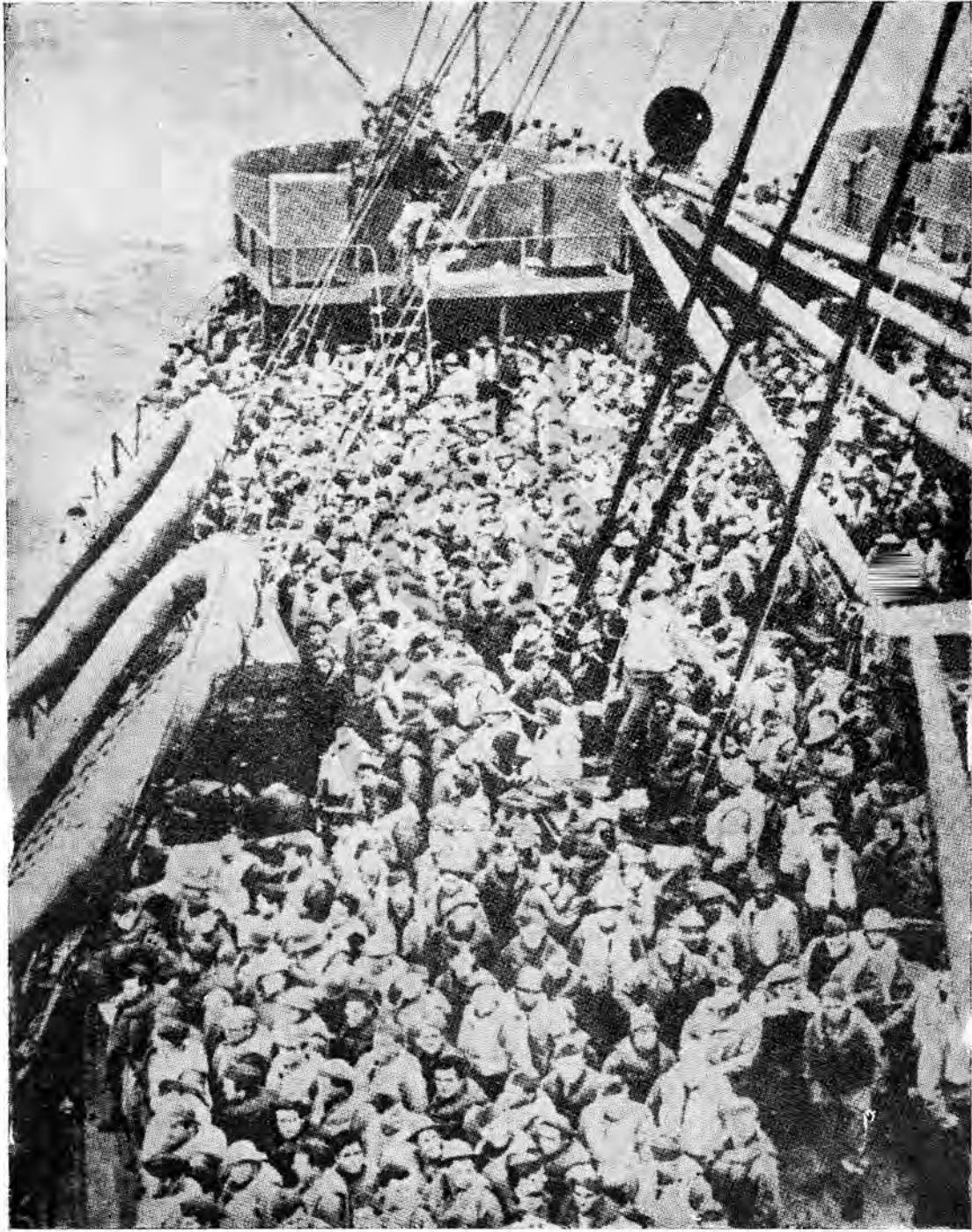
صحنه از فعالیت های قوای توپچی در حربه عمومی اخیر



قوماندانی قوای متفقین قرار گرفته بود این ستراتیژیست بزرگ با همکاری دیگر قوماندانان ورزیده از ملیت‌های مختلف پلان بزرگترین حملات سوق الجیشی قوای متفقین را بالای قوای نازی طرح نموده و قوای خود را زاپه حمله آماده ساخته بود. این حمله، حمله به نورماندی بود.

بود. نورماندی منطقه ایست در شمال فرانسه و ساحل دریا، در اینجاست که یکی از بزرگترین حماسه های بشری به وقوع می پیوندد و صفحه ای نو در تاریخ جنگ گشوده میشود. پیاده کردن سرباز، سهمات و اعاشه در این نقطه کار آسانی نیست. آیزنهاور عقیده دارد که ساده کردن کار،

نورماندی باید در سه مرحله کاملاً مجزا صورت بگیرد.  
 ۱- به هر تسمیکه می شود خود رابه ساحل رساند.  
 ۲- باید به نوبه خود یک سلسله استحکامات وسیع دفاعی برپا ساخته کم کم دشمن را بعقب راند.  
 ۳- پس از ایجاد یک احاطه



سربازان قوای متفقین در حال حرکت بسوی نورماندی که در بین کشنی دیده می شوند





### فعالیت قوای راکت در حرب عمومی اخیر

وسیع دفاعی به دشمن باصقین نموده او را سریعاً به عقب نشینی مجبور نمود .  
عملیات قسمت اول این نقشه ، برای متفقین کار دشواری نبود . زیرا آنان استادی کاملی در پیاده کردن  
قوا در مواحل دارند از طرفی این نیروها توسط قوای هوائی و بحری حمایه خواهد شد اما چگونه میتوان در قلب  
دشمن درجائیکه او از مدت هاپیش موانع مستحکم و غیر قابل نفوذی ساخته است پیشروی نموده و در آنجا  
جایجا شد . فقط یک معجزه و یک شاهکار می تواند این اشکال بزرگ را بر طرف سازد متفقین بخوبی میدانند  
که آلمان ها از مدت ها پیش خطوط راه ریل و موتر و غیره طرق ارتباطی فراوانی از شهر های داخلی به ساحل  
دریا تعبیه کرده اند اگر آلمان ها از حمله به نورماندی یا هر ساحل دیگری آگاه شوند در زمانی کوتاه خواهند





سربازان نازی ناگهانی به پرواز هزاران طیاره قوای متفقین موجه می‌شوند

ژوین امکان پذیر نیست. از طرفی قبل از ماه اوت در یای ماناش هوا و موقعیت مناسبی برای اینکار ندارد از طرف دیگر نگاه کردن سه میلیون سرباز در چنین شرایط هم مشکل است بالاخره ماه ژوین اندک اندک فرامیرسد در آخرین هفته ماه دستور آیزنهاور این است .

«سربازان سوار بر کشتی‌ها شوند»  
ازین روز است که انتظار بزرگ آغاز میشود. سربازان چون گله گوسفندان بروی هم انباشته میشوند و مجبورند در گرما، ترکم انسان‌ها بوی عرق و جای نا راحت روزهای خود را بشب و شب‌ها بصبح آورند .  
در این حمله متفقین سه نقطه اصلی حیاتی در ساحل نورماندی در نظر گرفته اند که در حقیقت هدف اصلی بوده

بکار شدند. اسلحه مهمات و دستگا‌ه‌های حیرت‌انگیزی اختراع شده، عجیب‌ترین آنها دو بندر گاه مصنوعی بود که متفقین مایل بود آنها را به نورماندی ببرد. این دو بندر گاه از شاهکارهای جنگی به حساب می‌آید و جزو شگفتی‌های عالم تکنیک و مهندسی است اینک در سایه ابتکار قوماندانان قوای متفقین مشکلات عظیم طرح حمله به نورماندی از پیش پا برداشته می‌شود حال مسئله مهم و اساسی تعیین روز و ساعت حمله است این روز بی شک در سر نوشت همه دنیا تاثیر خواهد داشت اعضای قرار گاه مرکزی متفقین عقیده دارند روز حمله همان وقتی باشد که روس‌ها بسوی برلین هجوم خواهند آورد . ولی حقیقت اینست که بسبب یخ و برف زمستان این حمله قبل از ماه

توانست جملگی قوای خود را چون سدی عظیم در مقابل پیشرفت متعرضین متاومت کنند از طرفی ایجاد استحکامات و پیشروی در خاک‌کی که در اختیار دشمن است ، دشمنی که تا سرحد افسانه‌ها قوی و نیرومند است کار آسانی نیست آلمان‌ها این حقایق را میدانند و سخت بخود میبالند «هتلر» بصدای بلند خطاب به ملت خود میگوید :

— اگر بر فرض مجال متفقین پای به فرانسه بگذارند پیش از هشت ساعت نمیتوانند مقاومت کنند .

اما مگر نه اینست که هتلر هم گاهی اشتباه میکند و این اشتباه سر نوشت آلمان را سیاه و تیره خواهد ساخت؟! همان بود برای پیاده کردن به نورماندی و حصول پیروزی ، تمام متخصصین و مهندسین عسکری دست



مارشال رومل بزرگترین - تر اثربخاست  
 حرب دوم جهانی که دفاع نورماندی  
 رانیز بعهده گرفته بود

شده قبل باید تا یک ربع دیگر حدود  
 صد طیاره بمباردمان مواضع توپ هارا  
 بکوبند و سپس افراد پرا شو توست  
 تعرض را آغاز نمایند. ولی از بخت بد  
 بمبارد صد طیاره تاثیر نمی کرد و حتی  
 یک توپ را هم نمیتوانست از زمین ببرد  
 از جانب دیگر هنوز وسایل کار آمد  
 پرا شو توست ها فرانسیده بود .

«گرمن» آتوی» قوماندان این  
 قوا سراسیمه و وحشت زده می رود مانده  
 است. چه بکند و چه تصمیمی بگیرد . اما  
 گاهی حب وطن دوستی و از جان  
 گذشتگی باعث خلق شاهکارهائی  
 بی نظیری میشوند در نتیجه سربازان  
 پرا شو تی کم کم بسوی مواضع های  
 مدافعه سربازان نازی به حمله آغاز  
 میکنند اما در مسیر حرکت شان نقب  
 گذاری شده و عبور از آنجا فوق العاده  
 وخیم و خطرناک میباشد و باعث تلفات  
 یکسده زیاد میگردد .

اطراف مرویل پراگنده میگردند .  
 بسیاری میمیرند. اما هم آنانی که زنده  
 مانده اند نباید از حرکت باز ایستند بلکه  
 باید فعالیت کنند و طرح تخریب را  
 بانجام رسانند. این سربازان قبلا در  
 موضوع سوت ها بعضی شفرها را تثبیت  
 کرده بودند. برای اینکه یکدیگر را پیدا  
 کنند مجبوراً سوت بزنند. از اینرو  
 هر سرباز شروع به سوت زدن میکند  
 و در آن منقطه صدای سوسکها  
 پرا شو توست ها آرا مش را برهم  
 میزند. گوئی میایون ها سوسک در  
 سراسر جنگل به آواز خوانی افزاده  
 اند. باتلاش پی گیر قوماندانان آن  
 سربازان پرا شو تی گرد هم جمع میشوند  
 و به یازده دسته تقسیم میشوند هر کدام  
 ازین دسته ها دارای وظیفه مخصوص  
 هستند پاک کردن مین ها و پیشروی  
 بسوی مواضع توپها و مواضع مدافعه  
 دشمن و نریدن سیم های خاردار اینک  
 آنان در انتظار فرا رسیدن طیارات  
 بی موتوری هستند که بایستی جیب  
 توپ ضد تانک، روشنی انداز، خراب  
 کردن سیم خار دار، دستگاه کشف  
 مین را بدست بیاورند .

اما تا آن زمان اثری از طیارات  
 بی موتور نیست طبق پلانهای طرح

و نام رمزی این سه هدف ساحل «شمشیر»  
 ساحل طلا و ساحل «جونو» المهر و می  
 است. تحت البحری ها با استفاده از  
 تاریکی شب آرام بالای آینه و مردان  
 قور باغهای در حالیکه هر کدام  
 بوسیله بی سیم مخابراتی دقیق مجهز  
 شده اند، شنا کنان خود را به ساحل  
 میرسانند و در آنجاست که از پس  
 یک بوته گل، پشت یک بلندی، پای  
 یک دیوار و هر نقطه دیگر اوضاع  
 سواحل را به تحت البحری مخابره  
 میکنند و آنان بلافاصله متفقیین را  
 از اوضاع نورماندی آگاه میسازند .  
 زمانیکه سیمه دم فرا میرسد و آفتاب  
 سرسبزند، متفقیین تصمیم خود را گرفته  
 است. سحرگاه وقتی نسیم صبحگاهی  
 صورت انسانرا نوازش میدهد حمله  
 بزرگ تاریخ شروع میشود و حمله  
 که در سرنوشت بشر و ول مهمی را بازی  
 نموده و جریان حرب دوم جهانی را  
 تغییر میدهد. در این حمله پیکارهای  
 خونین بین طرفین چه در هوا چه در  
 زمین بوجود می پیوندد، پیکارهاییکه  
 در تاریخ جنگهای نظامی هرگز نظیر  
 آن دیده نشده است افراد پرا شو تی  
 دچار چانس بد میشوند آنها میان  
 باطلاق ها، رود حازه ها و جنگل های



قوای متفقیین حین پیاده شدن در ساحل نورماندی



چهره یکتا از جنگجویان قوه متفقین در نورماندی

در این جریان چند تن بعنوان مأموریت بی بازگشت و وظیفه میگیرند و داوطلب مرگ میشوند و در نتیجه خود را فدا ساخته و راه را بروی دوستان خود باز می کنند. سپس در سرا سر قریه که پیاده شده اند بین سربازان نازی و متفقین جنگی خونین شروع می شود.

سربازان از جان گذشته متفقین بعد از زد و خورد های زیاد موفق میشوند حصه از نورماندی را اشغال نمایند. و اینها طبق پلان های تثبیت شده شروع به آماده ساختن میدان هوایی برای طیارات بی موتور میشوند سراسر مزارع نورماندی پوشیده از درخت، بوته و موانع بسیار است. از اینرو پراشوتیست ها با بیل و کلنگ و هر آنچه در دست دارند تنه درخت ها را می برند. بوته ها را میکنند و زمین را آماده میسازند طیارات بی موتور یکی پس از دیگری بر زمین می نشینند و سیل سربازان آماده تسخیر را پیاده میکنند. باین طریق قوای پراشوتی که افتخر ابدی نصیب شان خواهد گردید از طریق هوا به اروپا رسیده جای پای سربازانی را که قرار است از راه دریا

دقیقه باقی مانده است بالاخره وقت معین فرا میرسد نخست ۳۲ تانک ذو حیاتین (آمقیبی رسید) وظیفه آنها که بحدیث پیشقراول استعمال شده بودند خراب کردن استحکامات و پاک کردن ماین ها بودند متعاقب آن بمبارد وحشتناکی توسط توپچی صورت میگردد. هر کدام هدف های معینی از ساحل نورماندی را در نظر گرفته اند و از اینرو صدای وحشت انگیز آنها از چپ و راست بر می خیزد. آسمان خاکستری رنگ و افق نیمه تار در اثر آتش توپ ها روشن می شود و دود غلیظی که از دهن میل توپ بیرون می آید سر به آسمان میکشد بدینصورت هزاران خروار آهن و پولاد مذاب بر سر مدافعین ساحل و استحکامات سواحل «شمشیر، طلا و چونو» فرو میریزد و این منظره وحشت و هراس عظیم درد سربازان متخاصم ایجاد میکند لحظه بعد نه هزار طیاره بمبارد مان غول پیکر در پهنه آسمان نورماندی ظاهر میگردد. تعداد آنان بقدری زیاد است که انسان تصور میکند نمی تواند تماماً در آسمان جای بگیرند طیارات گروپ گروپ پیش می آیند

بر خشک پای گذارند باز میکنند. آنان باید برای چند ساعت حتی بقیمت جان خود دشمن را متوقف سازند و انتظار کشته یار بکشند کشته ها نیکه قوای نیرو مند هتلر را در نورماندی نابود خواهند ساخت. این زمان، قوای بزرگترین اردو های ملل در دوازده میلی ساحل «یوتا و اومه» قرار دارد ساعت شش و نیم صبح است یعنی بزمان پیاده شدن این قوا فقط یک ساعت و ۵؛



حمله بسوی نورماندی ...





حین اشغال مواضع سربازان نازی توسط قوای متفقین

و بمباران عظیم و وحشتناکی را در سراسر استحکامات آتلانتیک آغاز میکنند . سه صد هزار بمب پر قدرت در سراسر ساحل منفجر می شود و هنگامه ای عظیم از انفجار آتش ، دود و خاکستر پیا میگردد . اما هنوز توپ های آلمانی که در ساحل قرار دارند ساکت هستند متفقین تصور میکنند تمام سواحل نورماندی بشدت کوبیده شده و استحکامات به حفره های عمیقی تبدیل گشته است که مدفن سربازان و توپهای آلمانی است . اما حقیقت جز این است کشتی ها و قایق ها همانگونه بساحل نزدیک میشوند ولی از مدافعین آلمانی یافیر توپها خبری نیست ! آیا پمپره داران ساحل همگی نابود شده اند ؟ آیا جملگی توپها همگی از کار افتاده اند ؟ .. جنرال برادلی معتقد است که هیچ قدرتی نمیتواند در مقابل این بمباران پر عظمت و نیرو مند مقاومت

کند و در هیچ یک از مبارزات تاریخ بشری قوای با این همه قدرت آتش نگشوده است شاید از همین روست که بسیاری از صاحب منصبان و سربازان باور داشته اند که توپهای آلمانی در اثر بمباران هزار طیاره غول پیکر کاملاً منهدم گشته اند .

اما وقتی قایق ها و کشتی های متفقین به صدمیلی ساحل میرسند انفجار عظیمی رخ میدهد و این انفجار فیر هزاران توپ آلمانی از جانب ساحل است ... این است تراژدی بزرگی که قوای متفقین به آن روبرو میشوند . در حالیکه هرگز آنرا انسان پیش بینی نکرده بودند . وحشت سراسر دریا را در خود می پیچد و این تک سربازان به واقعیت تلخ جنگ روبرو میگردند اما با وصف آن سربازان نازی دیگر قادر نبودند تا آخرین ایحانات مقاومت کنند و قوای سه ملیون نفری متفقین را به عقب نشینی مجبور سازند همان بود خط آتلانتیک در هم شکست .. و بزرگترین حملات ستراتیژیکی قوای متفقین در حرب عمومی اخیر به موفقیت خاتمه پذیرفت و جریان حرب دوم جهانی تغییر داد و رویاهای هتلر را محو نمود . ( ختم )



فعالیت قوای زره دار در این پیکار خونین

# پرتابه های فضاوردی

## مملکت جاپان



اولین قمر مصنوعی که اساس مراحل جدید تحقیقات فضای لایتناهی را گذاشته بتاريخ ۴ ماہ اکتوبر سال ۱۹۵۷ توسط دانشمندان اتحاد جماهیر شوروی بمدار زمین قرار داده شده است. ازان وقت به بعد تعداد زیاد مختلف النوع اقمار مصنوعی از زمین بسوی فضای خارجی پرتاب گردیده. در ابتدا اقمار مصنوعی توسط متخصصین شوروی و سپس توسط دانشمندان ایالات متحده امریکا به مدار زمین قرار گرفته است. در

خلال سال های که گذشت چندین صد اقمار مصنوعی و راکت های فضاوردی زمین را بصوب فضای لایتناهی ترك گفته اند.

اولین قمر مصنوعی ساخت مملکت فرانسه بتاريخ ۲۶ نوامبر سال ۱۹۶۵ که بنام «A-1» یاد میگردد از میدان پرتاب همگیر (واقع در الجزایر) به کمک راکت سه مرحله ای بسوی فضا پرتاب گردید. مرحله اول راکت باانجن جت که در آن مواد سوخت مایع استعمال میگردد مجهز شده بود. قوه کشش انجن مذکور به حدود سی تن بوده و به تیزاب آزوت کار میگردد. انجن های که در مرحله های دوم و سوم این راکت تعبیه شده بود با باروت کار میکردند. قمر مصنوعی مذکور دارای وزن ۴۲ کیلو گرام بوده ارتفاع اعظمی پرواز آن ۱۷۸۰ کیلومتر و ارتفاع اصغری آن از زمین ۵۲۸ کیلومتر نشان داده شده؛ میلان خط السیر آن راکت ۳۴ درجه و ۳۹ دقیقه در مدار بوده است. قمر

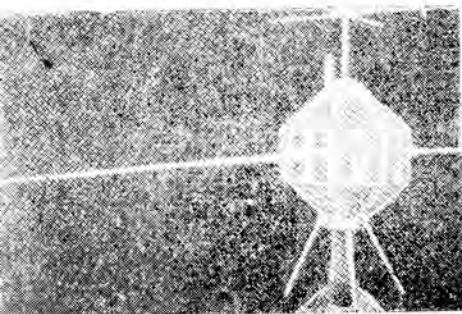
مصنوعی فرانسوی در مدت یکصد و هشت دقیقه و یازده ثانیه یکبار به اطراف زمین گردش میکرد. قمر مصنوعی دوم فرانسوی که موسوم به «FR-1» بوده با وزن ۶۰۰۸ کیلو گرام بتاريخ ۶ ماه دسامبر سال ۱۹۶۵ توسط راکت «سکاوت» ساخت امریکائی به مدار قرار داده شد. سیومین قمر مصنوعی فرانسه بتاريخ ۱۷ ماه فروری ۱۹۶۶ از میدان پرتاب «همگیر» به فضا پرتاب گردید. نام قمر مصنوعی مذکور «DI-A» بوده و وزن آن به ۱۹ کیلو گرام میرسد که توسط راکت موسوم به «دیامان» بمدار قرار داده شده بود. در حال حاضر در فرانسه کارات طرح و تهیه راکت های نیر و مند تری تحت مطالعه قرار دارد و در گوانای فرانسوی یعنی در خطه درجه ۳ دقیقه عرض البلد شمالی یک میدان برای پرتاب نمودن راکت ساخته میشود. موقعیت این میدان پرتاب راکت اجازه میدهد تا اقمار مصنوعی در مدار خط استوائی توسط



راکت موسوم به «لامیدا نمبر ۳» که در جاپان ساخته شده نظر را به خود جلب میدارد.

توانستند به اندازه ۲۵ کیلو گرام بار مقید را به ارتفاع یکصد و هشتاد کیلو متر و ۶۰ کیلو گرام بار مقید را تا ارتفاعات ۳۵۰ الی ۴۰۰ کیلو متر از زمین به هوا انتقال دهند. طرز اکمال شده نوع راکت های «لامبدا - ۲» یعنی «لامبدا - ۳» به اندازه ۱۴۰ - ۱۵۰ کیلو گرام بار مقید را به ارتفاعات یک هزار - یکم هزار و یکصد کیلو متر به فضا بلند برده بود اجرای امور آینده مربوط به مودرنزی ساختن این گونه راکت ها ادامه دارد. راکت های که مراحل تکمیلی را پیموده می توانند به ارتفاع چندین هزار کیلو متری زمین طی طریق می نمایند.

در حال حاضر تحقیقات طبقات علیای اتمو سفر بطور منظم توسط دانشمندان و متخصصین مربوطه جاپانی در جریان میباشد. متخصصین جاپان در اجرای امور سال جیوفیزیکی بین المللی بطور فعالانه اشتراک داشتند و ضمناً توجه زیاد و خاصی توسط ایشان در حل پرابلم های فزیک طبقات علیای اتمو سفر معطوف گردیده بود. یک تعداد استیشن های زمینی به منظور مشاهدات تشعشعات مقناطیسی جریانات زمینی، تشعشع آسمان شب و درخشندگی های قطبی در ساحه مملکت جاپان تاسیس گردیده است. اندازه جنبش های کوچک جریانات زمینی، تشعشعات آرام مقناطیسی

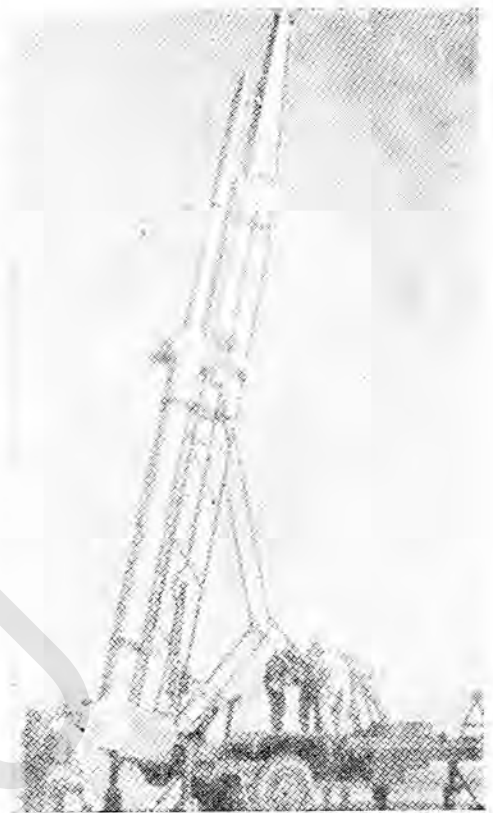


یک قمر مصنوعی را که در جاپان ساخته شده مشاهده می کنید.

های فضائی از سطح زمین بمدار قرار داده شود. کارات عملی تحقیقاتی توسط چنان مراکز بزرگ علمی جاپان تحت اجرا گرفته میشود (که عبارت از: یونیورستی توکیو (گروپ تحقیقات کنند ه تخنیک راکتها)، یونیورستی کیو تو، یونیورستی ناگویا (یعنی انستیتوت فیزیک پلازماها) لابراتوار تحقیقات رادیوئی (توکیو) و غیره میباشد. دانشمندان جاپانی قدم اولی خود را در سال ۱۹۵۸ درین رشته برداشته بودند، یعنی مقدمات این کاروقتی فراهم گردید که یک راکت موسوم به «کیه ۶» برای اجرای تحقیقات پر و گرام سال بین المللی جیوفیزیکی به ارتفاع ۶۰ کیلو متر از زمین پرتاب گردیده بود. بعد از پرتاب راکت موسوم به «کیه - ۶» یک راکت دوم مرحله ای موسوم به «کیه ۸» که طول آن ۱۲ متر و وزن ۱/۴ تن بود از زمین به هوا پرتاب شد. این راکت تا ارتفاع ۲۰۰ کیلو متر از زمین به هوا اوج گرفته بود. در عین زمان کارات ایجاد راکت نوع «لامبدا» توسط دانشمندان یونیورستی توکیو به جریان افتاد. اولین راکت موسوم به «لامبدا - ۲» که دارای طول ۱۶/۵ متر و وزن ۶/۵ تن بوده به فضا پرتاب گردیده که به اندازه ۲۰۰ کیلو گرام بار مقید را تا ارتفاع ۲۰۰ کیلو متر از زمین بلند ساخته بود.

راکت های موسوم به «کیه ۶» و «کیه ۸» که قبلاً ایجاد گردیده بود نیز توسط دانشمندان مراحل تکمیلی خود را طی کرد.

اینگونه راکت های متذکره بعد از اکمال گردیدن ایشان بنام «کیه - ۸» و «کیه - ۹ - م» مسمی گردیدند که با انجام پرتاب خود



راکت «کیه - ۹» جاپانی را مشاهده می فرمائید. این راکت برای تحقیقات فضای خارجی در نظر گرفته شده.

چنان راکت های صورت بگیرد که دارای قوه نسبتاً کمتر باشد. دانشمندان جاپانی نیز روی ایجاد راکت های که امکانات قرار دادن قمر مصنوعی ساخت آن دولت را وعده میدهد مشغول فعالیت میباشند. چنین پیش بینی به تصور میرسد که پرتاب قمر مصنوعی ساخت دولت جاپان در ماه جون سال ۱۹۶۷ که عبارت از اسمال است از میدان پرتاب «کاگوسیماسپیس سنتر» بکمک راکت حمل کننده موسوم به «میو - ۵» صورت خواهد گرفت. به همین ترتیب جاپان بعد از اتحاد شوروی، ایالات متحد آمریکا و فرانسه به حیث چهارمین مملکت دارنده پروژه فضانوردی اخذ موقع می کند که باقوه خود راکت را بوجود آورده و بکمک آن ممکن می گردد تا پروژه





مرکز فرمان‌دهی میدان پرتاب راکت‌ها را درین جامی ببینید که در موقع ضرورت پرتاب راکت از محل دور دست بوسیله آلات اتوماتیکی کارات آن اجرا میشود.

پرتاب قمر مصنوعی جاپانی در نظر است که به کمک راکت حمل‌کننده چهار مرحله‌ای موسوم به «میو-۴» عملی گردد. وزن راکت مذکور در حال پرتاب آن از زمین در حدود ۳۹ تن بوده و کشش عمومی انجن‌ها در موقع بلند گردیدن (به شول هشت عدد انجن پرتاب‌کننده) به اندازه دو صد تن میباشد. سیستم اداره‌کننده خط السیر در آن وجود ندارد. در مرحله چهارم راکت یک آله بنام اوتوپیلوت نصب میگردد که سمت یابی راکت را با افق محلی متوازیاً تأمین نماید.

این راکت اجازه میدهد که در حدود یک صد کیلو گرام بار مفید به مدار دایروی تا ارتفاع ۴۸۰ کیلو متر قرار داده شود. بتاريخ ۳۱ اکتوبر سال ۱۹۶۶ آزمایشات پرواز اینگونه راکت‌ها صورت گرفته است. در حال حاضر کارات ساختمانی نمونه‌های آزمایشی قمر مصنوعی انجام گردیده و آزمایشات آن در آلات مخصوصی که بنام «پاروکامره» یاد میشود عملی شده است.

وزن قمر مصنوعی جاپانی هفتاد کیلو گرام و قطر پوش آن ۷۵ سانتی

و طوفان مقناطیسی تحت مطالعات دقیق قرار گرفته است. مشاهدات خیلی مهم نامساوی بودن انتشار درخشندگی‌های آسمانی از نقطه نظر دینامیک حرکات بادها در اتموسفر علیاباه ارتفاعات مختلف اجرا گردیده و درخشندگی‌های خیلی دل‌چسپی در قسمت عرض البلد پائین قطبی توسط دستگاها ثبت گردیده است.

با تذکر از پیشرفت دانشمندان جاپانی در رشته تحقیقات فضای خارجی باید قبل از همه موفقیت‌های آنان را در اجرای مطالعات و تحقیقات راکت‌ها به کمک فریکونسی‌های رادیویی و وسایل پلازمیکی مورد توجه قرار داد. هم‌چنان در امور طرح و ایجاد دستگاها علمی و کمکی که برای نصب کردن به راکت‌ها در نظر گرفته شده و بالخاصه در مسایل ظریف بودن آلات موفقیت‌های زیادی نصیب دانشمندان آن مملکت گردیده است.

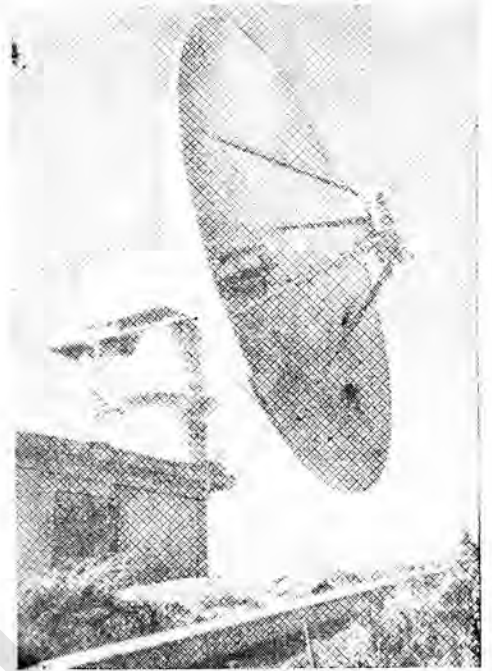
در قبال تحقیقات راکت‌ها طرح امورات زیاد نظری و بالخاصه در رشته هایدرو دینامیک مقناطیسی نیز در زمان حاضر تحت مطالعه و اجرا قرار دارند. مودل‌سازی جریانات

ساحه مقناطیسی (مگنتو سقیر) در شرایط لابراتوار تحت عمل قرار گرفته است.

اجرای آزمایشات راکت‌های تحقیقاتی مواد فراوان تجربی را برای پیشبرد تحقیقات‌های آینده و بعضی پروژهای که ازین وقت به بعد روی دست گرفته میشود بدسترس دانشمندان قرار داده است. متخصصین جاپانی برای آماده کردن عمل ایجاد و پرتاب قمر مصنوعی زمین اقدام نموده‌اند. طوریکه در فوق ذکر گردید



درین عکس متخصصین جاپانی بملاحظه میرسند که مشغول نصب کردن پارچه‌های راکت «لامبدا-۳» می‌باشند.



يك آنتن نوع پارابوليكی از سیستم رادیوتله متریک دیده میشود.

متر میباشد. پوش و یا کاور این قمر مصنوعی که شکل آن بطور کروی میباشد از مواد فلزی و پلاستیکی ساخته میشود. در بین کاور قمر مصنوعی بطری های آفتابی قرار میگیرد سیستم تله متریک مودیشن کودهای انگیزشی را مورد استعمال قرار میدهد.

برای آنکه در موقع قرار گرفتن قمر مصنوعی بمدار پیش بینی شده اطلاعات مورد ضرورت اخذ شده بتواند و مدار مذکور در قسمت خارج از قابلیت دید رادیوئی به تناسب نقطه زمینی (که عبارت از محل نصب آلات زمینی میباشد) واقع میگردد از آن جهت آلات حفظ کننده (تیپرکاردر) در جمله وسایل سیستم تله متریک این قمر مصنوعی افزوده شده است. برای تعیین ساختن وضع زاویوی قمر

مصنوعی در فضای لایتناهی آلات سیستم اندازه گیری ساحه مقناطیسی به قمر مصنوعی تعبیه شده که اشتباه این سیستم به اندازه مثبت و منفی دو درجه پیش بینی میگردد.

متخصصین جاپانی در نظر دارند که این قمر مصنوعی را به مدار دائروی قرار دهند. ارتفاع مدار گردش قمر مصنوعی ۴۸۰ کیلومتر و میلان سطح مدار در قسمت خط استوا به اندازه ۳۱ درجه در نظر گرفته شده است. مدت گردش قمر مصنوعی متذکره در اطراف زمین در حدود ۹۰ دقیقه خواهد بود. ایام گردش و موجودیت این قمر مصنوعی بطور فعال تخمیناً یک سال در فضای لایتناهی پیش بینی گردیده است.

برای اجرای امورات اندازه گیری در ناحیه فعال خط السیر قمر مصنوعی نقاط مشاهداتی آن (یعنی وسایل ترصدی آن که عبارت از تلسکوپ ها باشد) در جزایر نزدیک به ساحل قرار داده میشود؛ همچنان آلات مکمل شنا کننده تله متریک برای اجرای این گونه امور مورد استفاده قرار می گیرد.

علاوتاً امکانات استفاده گیری از راکت های نوع «میو» برای پرتاب کردن وسایل قضا نوردی بسوی سیارات زهره و مریخ و بوجود آوردن سیستم های اقمار مصنوعی برای مقاصد مخابراتی و جهات یابی تحت مطالعات و بررسی دانش مندان جاپانی قرار دارد.

در جریان کارات طرح و ساختمانی

راکت حمل کننده موسوم به «میو ۴ س» چنین کاری در نظر گرفته شده بود که بتاريخ ۲۶ ماه مارچ ۱۹۶۶ راکت چهار مرحله ای آزمایشی نوع «لامبدا - ۴ س» که وزن آن به هشت

ولیم تن میرسید به فضا پرتاب گردد. مرحله چهارم راکت اخیر الذکر با وسایل داخل آن دارای قطر (۳۳ سانتی متر) و شکل کروی بوده و طبق پیش بینی دانشمندان باید بمدار قرار میگرفت. وزن مرحله چهارم مذکور بشمول بار مقید آن به اندازه ۳۰ کیلوگرام بوده است. در مقطعی که برای گنجاندن وسایل تعیین گردیده یک آله بنام اکسیلیرو متر (یعنی مسافه سنج)، حرارت سنج و وسایل تله متریک، آلات رادیوئی برای اندازه گیری خط السیر و هم چنان بطری های که برای اجرای کار ده ساعته در نظر گرفته شده بود تعبیه گردیده است. پرتاب این راکت بعد از سپری گردیدن چند وقت تایک زمان نامعلوم به تعویق انداخته شده است.

بتاریخ ۲۱ سپتامبر سال ۱۹۶۶ دانشمندان جاپانی راکت یک مرحله را به منظور اجرای آزمایش های سیستم راهدار رادیوئی تعیین خط السیر که طبق پلان دانشمندان جاپانی باید در موقع پرتاب شدن راکت «لامبدا ۴ س» مورد استفاده قرار بگیرد بطور مؤفقتانه پرتاب نمودند. عملیات پرتاب این راکت بتاريخ ۲۵ ماه سپتامبر صورت گرفته و اخیراً از سبب موجودیت نواقص در سیستم اداری به ناکامی انجام یافت.

## اخبار علمی کوچک و خواندنی



وسیستم کانستکتور های آن در وقت ضرورت یعنی در موقع خطرناک بطور اوتومات انجن را از کار باز می ماند مساعد بودن تراکتور از نظر صنف بندی آلات آن بدست آمده یعنی عرض جناحی این تراکتور نسبت به ارتفاع آن بیشتر میباشد. علاوه بر آن متخصصین ساختمانی «فیات» گنجایش یعنی سیت مناسبی را برای ماشین کار ساخته است که از بین تراکتور در هر لحظه ضرورت میتواند بدون کدام موانع خود را دور انداخته از خطر رهایی یابد که این موضوع جهت نجات دادن ماشین کار از خطرات آبی خیالی مهم بشمار میرود.

های علمی راجع به پرابلم های مربوط به فیزیک اتمو سفر علیا با اشتراك متخصصین خارجی در جاپان بطور منظم دایر میگردد. چندین نوع مجلات علمی ماهوار به زبان انگلیسی به چاپ میرسد که از آثار و مطبوعات بین المللی در آنها استفاده می شود.

تحقیقات های که توسط دانشمندان جاپانی صورت میگردد ثمره بزرگی را در امور مطالعاتی و تسخیر فضای خارجی فراهم میسازد.

تراکتوریکه در تپه ها بالا شده میتواند و فعالیت آن زیاد است.

کمپنی «فیات» ایطانوی تنهادر کارات موثر سازی که در تمام جهان معروفیت دارد خود را مصروف نساخته است. اخیراً دریکی از نمایش گاه های و مایل جدید تخنیکیکه در شهر مسکو دایر گردیده بود این کمپنی چندین نوع تراکتور های چین دار و تایر دار خود را که برای اجرای کارات در شرایط کوهی و مناطق بلند ساخته شده بمعرض نمایش قرار داد. توجه زیاد متخصصین ساختمانی جهان را یک مدل تراکتور چین دار نوع «C-451» که عکس آنرا در این صفحه ملاحظه میکنید جلب نمود موقعیت مرکز ثقل این تراکتور که در قسمت تحتانی آن طرح گردیده اجازه میدهد تا میلان زاویه به حدود ۳۷ درجه کار کند

اخذ موقع کرده است. متخصصین تحقیقاتی جاپان در آزمایش های که توسط راکت ها و اعمار مصنوعی برای تحقیقات فضائی در ایالات متحده امریکا صورت میگردد، در طرح و مطالعه اطلاعات مربوط به سیستم های تله - متریک که از پروژه های فضا نوردی امریکا اخذ میگردد و همچنان در ترصد و تعقیب از خط السیر اعمار مصنوعی سهم می گیرند. کنفرانس ها و سیمینار-

همه انواع راکت های ساخت مملکت جاپان که تا این زمان بوجود آورده شده بمواد سوخت جامد کار میکند (تنها مرحله چهارم راکت نوع دمیو-۴س) از این امر مستثنی بوده است زیرا که مرحله چهارم مذکور دارای هشت عدد انجن بوده و به مواد هایدروجن کار می نماید. ترجمه ای که به مواد جامد داده شده به شرایط مشخصات جاپانی نسبت داده میشود از سبب متراکم بودن زیاد نفوس در مملکت جاپان یافتن چنان میدان پرتاب راکت ها که از خانه های نشیمن و غیره لوازم حیاتی آزاد و برای پرتاب کردن راکت ها قابل کارآمد باشد خیلی مشکل دیده میشود. اما راکت های که به مواد سوخت جامد کاری نمایند ضرورتی را برای پرتاب خود در مسایل مربوط به وجود داشتن میدان های وسیع و بزرگ ندارد (یعنی اینگونه راکت ها ایجاب تجهیزات و میدان وسیعی را برای پرتاب ندارند) علاوه بر آن که ضرورت به محل وسیع ندارد اینگونه مواد سوخت از نقطه نظر بهره برداری و پیش آمد به آن قابل اطمینان و مصئون دیده شده است.

در ضمن این تذکرات خود لازم دیدم که چند سطر در باره اشتراك دانشمندان جاپانی در اجرای همکاری های بین المللی تحقیقات های فضای لایتنهای تحریر نمایم. دولت جاپان یکی از عضو کمیته بین المللی شورای اتحادیه های تحقیقات فضای خارجی، قدر اسبون فضا نوردی بین المللی و غیره موسسات بین المللی و بین الدول که مشغول پرابلم های فضا نوردی هستند



درعکس هذا مرکز پروژه های فضانوردی جاپان بملاحظه میرسد که در ناحیه موسوم به « کاگوسیمای » واقعیت دارد. برای اجرای امور ساختمانی این پروژهها پنج قله کوه را « بریده اند ». میدان ها در ارتفاعات مختلف اخذموقع کرده. اینگونه تفاوت در بلندی میدانها اجازه داده که دستگاههای رادار و وسایل تله متریکی بآنتنهای آن وهمچنان تجهیزات مربوط به بسته کاری و آزمایشی از قرار سیستم زاویه سه گانه درچنین جاها نصب گردد. وسایلی که در مرکز میدانها موقع گرفته توسط موا دیکه آنرا متخصصین جاپانی بنام « ساندویچ » یاد می کنند طرح و آباد شده. اسامبقای تخته ها از مخلوط از بست و قسما فولاد تهیه گردیده است. در نتیجه امکانات افزایش عمومی تجهیزات بدست آمده. علاوه بر آن مقاومت اینگونه تجهیزات در مقابل امواج یعنی جنبشهای که از اثر انفجار وارد میگردد نسبت به تجهیزاتی که از کانکریت تهیه میشود بیشتر بوده و وزن آن نیز از ساختمان مواد کانکریتی کمتر میباشد. تعمیرات پروژهها کلکین بکلی ندارد. سیستم تیولیزیونی صنعتی مراکز مختلف را بانقاط مراقبتی و کنترولی بوسیله شش الی ده لین مخابراتی وصل میدهد. کارات مربوط به اصلاح و ترمیم آلات و وسایل میدان های پرتاب توسط



مقامات اداری که از آزمایشات صورت میگردد) اجرا و تأمین میگردد. عملیات پرتاب را کت ها بطور کامل اوتوماتیکی میباشد. (انجام)

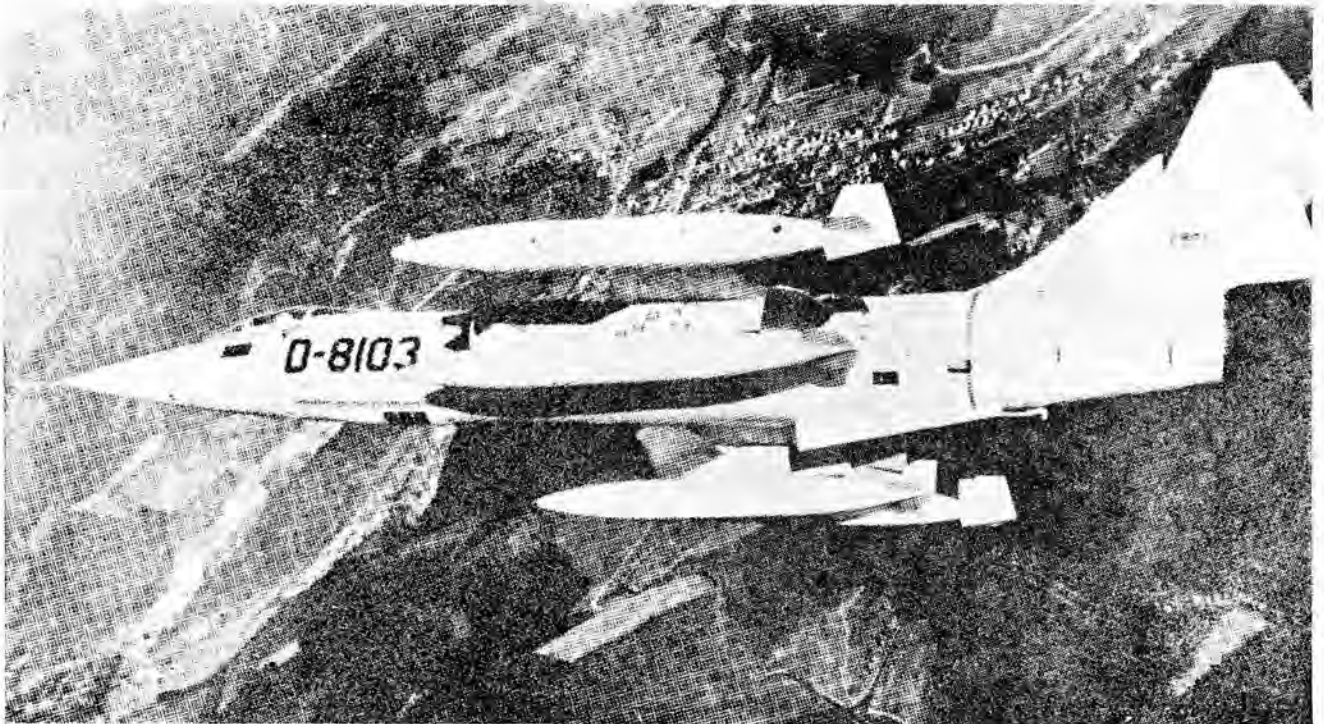
مقامات اداری که از آزمایشات صورت میگردد) اجرا و تأمین میگردد. عملیات پرتاب را کت ها بطور کامل اوتوماتیکی میباشد. (انجام)

# مصارف نظامی ممالک بیطرف

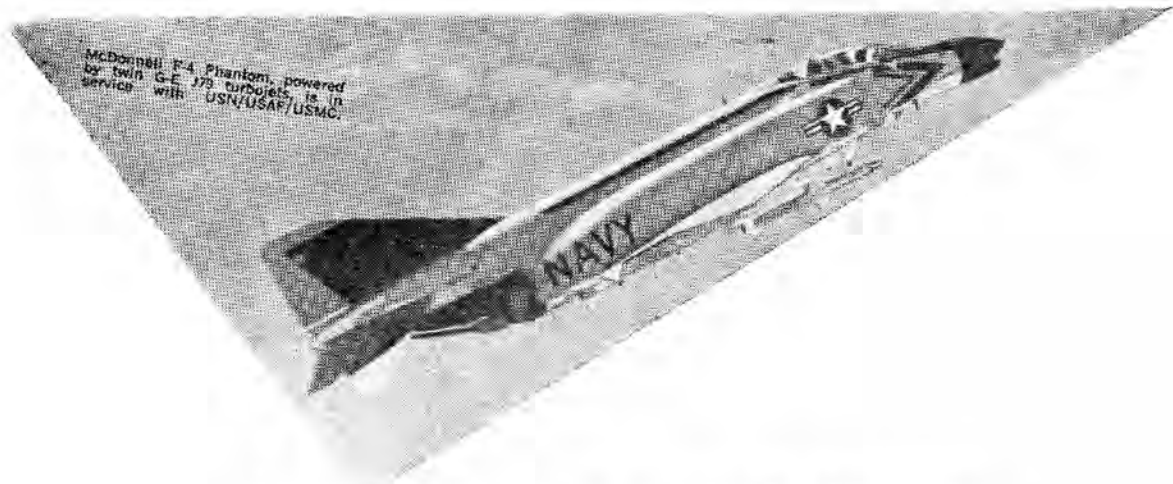
زمینی (۴۱۰۰۰) آن در سرحدات مملکت متمرکز می باشند، اسلحهٔ ثقیلهٔ قوای زمینی هند و ستان اکثرآ از برطانیه تولید گردیده است. نیروهای بحری هند و ستان مشتمل از (۱۷۰۰۰) افراد نظامی بوده که وسایط حربی از قبیل دو کشتی اکتشافی، شش کشتی مخرب و پنج کشتی مجهز با وسائل دفاع هواء سه کشتی ضد تحت البحری دو کشتی جنگی چار وسایط ساحلی انفلاق دهنده کشتی های بزرگ دو کشتی طیاره بردار و نه کشتی دیگر

جمله (۸۷۹۰۰۰) نفر افراد نظامی مملکت را تشکیل می دهد، مصارف نظامی قوای سه گانه هند در سالهای ۱۹۶۶ و ۶۷ (۱۷۱۰۰۰ ۰۰۰) دلار پیش بینی شده است. هندوستان دارای نیروهای زمینی، بحری و هوایی بوده که به تعداد (۸۰۷۰۰۰) افراد نظامی در قوای زمینی شقوق مخ-تلف را از قبیل گروپ پیاده، کوهی و قوای مرکزی مجهز باتانک های مختلف دفاع هوا، دفاع تانک را تشکیل و ایفای خدمت می نمایند، از سر جمع افراد نظامی

تمام ملل بیطرف جهان برای حفظ منافع ملی و جلوگیری از تجاوز استعمار تدابیر لازم نظامی و حربی را اتخاذ و از این جهت خود را پیش از پیش تقویه می نمایند، برای اینکه در مطلب روشنی انداخته شود بودجه مصارف نظامی هر یک ممالک بیطرف را با احصایه وسایط حرا بی، اگر آنها و معیار نیروهای نظامی شان شرح می گردد، هندوستان یکی از ممالک بیطرف آسیائی بوده و دارای نفوس (۴۹۵،۰۰۰،۰۰۰) نفر می باشد از آن



طیاره نوع (F-104G) جنگی که قوای هوایی اکثر ممالک به داشتن آن ضرورت احساس می نمایند.



### طیارات نوع (F-4) که در نیروی های بحری از آن استفاده می گردد.

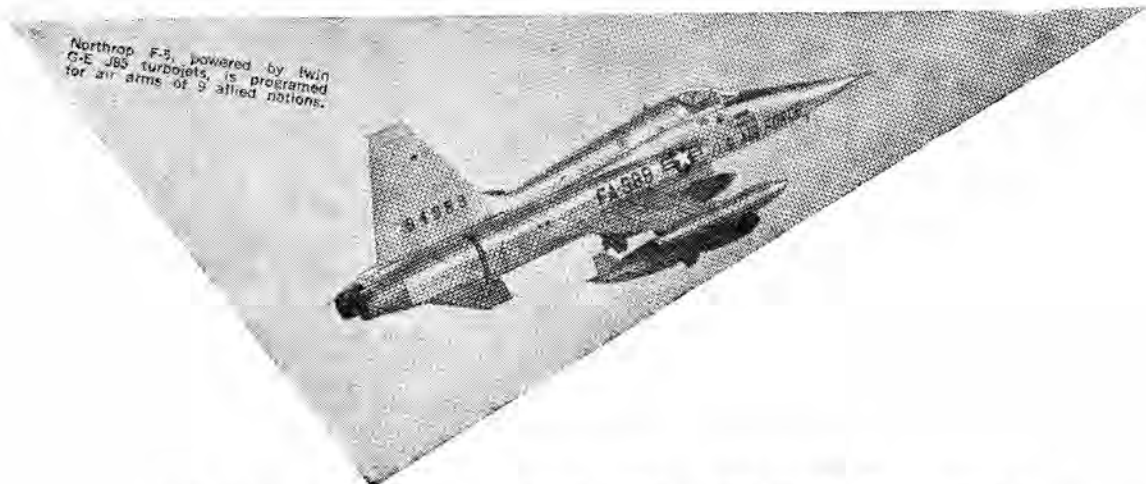
و (الویت ۳) تحت استفاده شان قرار دارد، همکذا بعضی مرمی های رهبری شده نوع (SA-2) و شش عدد طیارات مجهز با اسلحه ثقیل و هفت گروه طیارات مجهز با سلاح خفیف نیز بدسترس این قوا وجود دارد. تا عندالموقع از آن استفاده به عمل آید اندونیزیا:

اندونیزیا نیز از جمله معالک بی طرف محسوب و دارای نفوس ۱۰۵۰۰۰۰۰ نفر بوده که از آن جمله ۳۵۲۰۰۰ نفر آن شامل خدمات مقدس عسکری می باشند. دوره مکلفیت در اندونیزیا انتخابی و طور دایمی گرفته شده است و مصارف نظامی آن به ۹۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار تخمین شده است.

طیارات اکتشافی و عکس برداری نوع (PR-57) دو گروه طیارات Mig21 دفاعی چار گروه طیارات جنگی (M-IV) و شش گروه طیارات مدافعوی نوع (Gm-1) شش گروه طیارات جنگی و شکاری به منظور اجرای حملات بالای زمین از نوع (F-56) و یک گروه طیارات پیش قراول، سیزده گروه طیارات نوع (C-114C-47) (IL 14) (An-12) (آتر) (هیرنز) (کاربوس) به منظور نقلیات فضائی چار گروه طیارات کوچک اکتشافی و مخابرویی و شش گروه هلیکوپترها از نوع (MI-4) (S-55) (هوندز)

به منظور دفاعی در دست دارند و همکذا قوای بحری هند شامل دو گروه طیارات که هر گروه دوازده طیاره دارد و عندالموقع توسط قوای بحری از طیارات مذکور که در آن یک عده هلیکوپترها نیز شامل است استفاده به عمل می آید.

پرمونل فنی و اداری نیروی هوائی هندوستان که به (۵۵۰۰۰) نفر بالغ گردیده و به تعداد ۷۵۰ طیارات نظامی از قبیل سه گروه طیارات نوع کانبیرا (BI) بم انداز بم های خفیف و سبک، سه گروه طیارات جنگی و بم انداز از نوع اورینگن (Ouragans) و ویمپایر (Vampire) یک گروه



طیارات نوع (F-4) که اکثر معالک بی طرف از آن در قوای هوائی استفاده می نمایند.



آن بصورت گروپ ها و یا طور دسته جمعی تحت اداره قوماندا نان ار دو در هنگام لزوم از آن استفاده به عمل می آید. متباقی طیارات مربوط نیر و های هوائی را (۶۰) عدد طیارات جنگی که در آن جمله (۱۸) طیاره (MIG-21) نیز شامل بوده و (۲۵) عدد طیارات بم افکن نوع (B25) (B26) و ۲۰ عدد طیارات آذوقه و کمک رسان و هکذا (۶۰) عدد طیارات مختلف از قبیل (IL-14) (C-130B) (C-47) و (AN-12) به منظور نقلیات فضائی و (۳۵) عدد هلیکوپترهای امریکائی و اتحاد شوروی

وسائل و وسایط حربی از قبیل کشتی های جنگی مجهز با ماشیندار ثقیل و هشت عدد کشتی مخرب و ده عدد کشتی جنگی حامل ماشیندار خفیف و دوازده عدد تحت البحری های ساخت اتحاد شوروی؛ هجده عدد تحت البحری های دیگر (۵۴) عدد کشتی های سریع اکشافی و شکاری که با تفنگ، ماشیندار و راکت ها مسلح اند. سه عدد تحت البحری های کمک رسان و هفت کشتی بزرگ مورد ضرورت قوای هوائی و هفت کشتی دیگر به منظور نقلیات و (۶۴) عدد (ویس) های محار بسوی و هکذا

در نیر و های زمینی اندونیزیا یا (۲۹۰۰۰۰) افراد نظامی شامل اند که تعداد مزبور در شقوق مختلف حربی به گروپ های متعددی منقسم گردیده و به جاهای لازمه متمرکز می باشند از جمله افراد مذکور بعضی تولی ها را برای وظایف مخصوص نیز گماشته اند، قوای زمینی اندونیزیا مجهز با تانک های زره دار؛ دافع هوا، دافع تانک و موتر های مختلف مورد ضرورت که اکثر موتر های آن از ممالک اروپای شرقی توریید گردیده و هکذا تانک های دست داشته شان که عموماً از نوع (AMX-13)



طیاره نوع (F 104) که قوای هوائی هسپانیه و غیره از آن استفاده می نماید .

برای امور دفاعی تشکیل داده است .

بنا بر تقویه بیشتر قوای هوائی، اندونیزیا یک سلسله مرمی های ثقیل و مرمی های رهبری شده که از قرار گاه های قوای هوائی به اهداف مطلق و به پرتاب میگردد نیز تحت استفاده این قوا قرار گرفته است .

قدرت های امنیتی و ژاندارم اندونیزیا که تعداد (۱۱۰۰۰۰) نفر ژاندارمین و (۲۰۰۰۰) موتر های مختلف و (۴۰۰۰) پرسونل اداری رضا کار در پیشبرد امور محوله حصه دارند مصارف شان از سر جمع تخصیص

مقامات بحری از چند عدد طیارات نوع (IL-28) و هلیکوپتر های (MI-4) در هنگام لزوم استفاده می نماید .

هکذا تعداد افراد نظامی که در قوای هوائی اندونیزیا مصرف خدمت می باشند به (۲۰۰۰۰) نفر بالغ گردیده و علاوه بر (۲۰۰۰) نفر دیگر در امور پاراشوتی نیز تحت تربیه و تعلیمات حرب قرار دارند. افراد قوای هوائی اندونیزیا به پنج حصه تقسیم و در مواضع مختلف متمرکز می باشند. مجموع طیارات هر پنج ساحه (۵۵۰) طیاره بوده که دو صد طیاره

و (RPT-17) بوده از اتحاد جماهیر شوروی خریداری شده است سلاح های ثقیل و خفیف و انواع دیگر سلاح های شان از مودل سلاح ممالک شرقی خصوصاً اتحاد شوروی می باشد؛ قوای مذکور از شبکه را دار در امور محوله نیز استفاده می نماید .

قوای بحری اندونیزیا را (۴۰۰۰۰۰) نفر پرسونل نظامی تشکیل و (۲۵۰۰۰۰) نفر آن صرف در نیروی های بحری و متباقی در کشتی های بزرگ که تحت استفاده قوای هوائی به منظور عملیات طیارات و غیره کار گرفته می شود مصرف خدمت می باشند؛ از

## اسرائیل:

مصارف نظامی اندونیزیا صورت می‌گیرد.

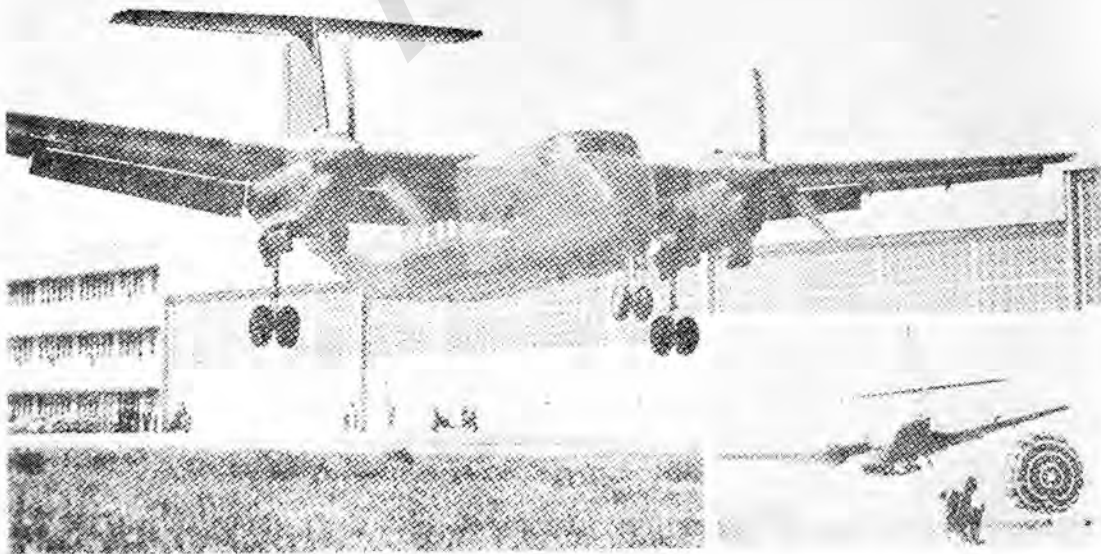
از جمله ممالک شرق میانه که در پکت‌های نظامی شمولیت نداشته اسرائیل است. نفوس آن (۲۶۵۰۴۰۰۰) نفر بالغ می‌گردد که از آن جمله (۷۱۰۰۰) نفر زن و مرد افراد نظامی اردو را تشکیل داده و دوره خدمات عسکری را برای مردان (۲۶) ماه و برای طبقه انانث (۲۰) ماه تثبیت نموده اند. بنا بر پراپلم‌های سرحدی که اسرائیل به آن مواجه می‌باشد امکانات قوی می‌رود که امور نظامی را در مملکت اسرائیل توسعه بخشند و تعداد افراد نظامی را به (۲۷۵۰۰۰) نفر بالا ببرند به اساس آن بودجه مصارف نظامی را بین سالهای ۶۶ و ۶۷ در حدود (۴۴۷۰۰۰۴۰۰۰) دلار پیش بینی شده است.

قوای مسلح زمینی اسرائیل اکنون به (۶۰۰۰۰) نفر بالغ است که علاوه بر آن (۲۰۴۰۰۰) نفر

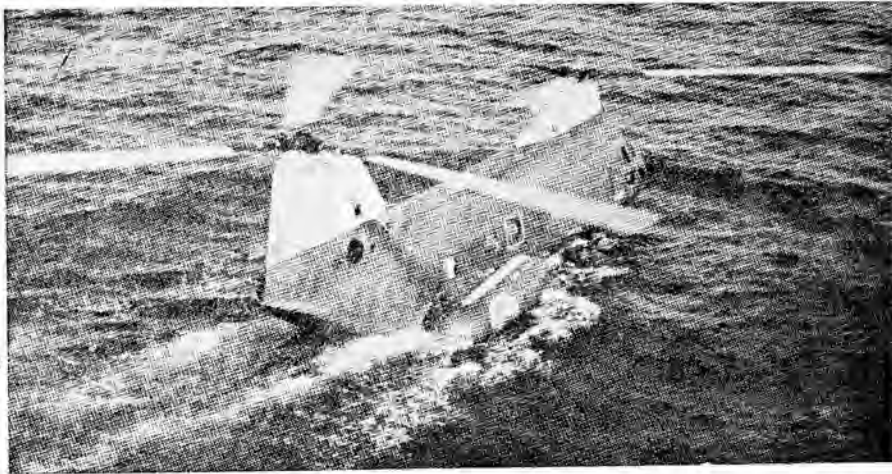
ترخیص شده طور احتیاط نیز آماده می‌باشند. عساکر قوای زمینی اسرائیل از چار فرقه متشکل بوده و در هر فرقه آن (۴۰۰۰) افراد اردوی اسرائیل شامل خدمت میباشد. در حال حاضر یک فرقه آن دوره انفرادی را می‌پیماید. مقامات نظامی اسرائیل بنا بر ضرورتی که محسوس می‌نماید یک بر سه حصه افراد نظامی تعلیم یافته که قبلاً مرخص گردیده بودند احضار و در تعداد نیروی زمینی خویش افزایش بعمل آورد و یک سلسله سلاح‌های از قبیل (۲۰۰) عدد تانک نوع (Patton) و (۲۵۰) عدد تانک دیگر از نوع (M5) (M7) و (۱۵۰) تانک مارک AMX-13 و تقریباً (۲۰۰) تانک نوع (M-4) Sherman و هکذا (۲۵۰) عدد ماشیندارهای اتومات به سائزهای مختلف ۱۵۵ ملی‌متر و ۱۰۵ ملی‌متر و توپ‌های دافع تانک ۱۰۶ ملی‌متر که ذریعه موثرهای جیب مخصوص به نقاط

مطلوبه حمل می‌گردد و راکت‌های نوع (SS10) (SS11) را در اختیار قوای مذکور گذاشته شده است. اکثر نیروهای زمینی به منظور مدافعه تعرض خارجی و محافظت دائمی در سرحدات مملکت متمرکز می‌باشند و متباقی عساکر نظامی در قرارگاه‌های عسکری اقامت دارند.

اردوی بحری اسرائیل که تقریباً (۳۰۰۰) نفر دارد مجهز با سلاحهای حربی از قبیل دو کشتی مخرب و کشتی بزرگ حامل وسایط دافع هوا و چار تحت البحری‌های سریع سرعت و سه کشتی بزرگ که منجیت میدان هوایی از آن استفاده میشود و یک کشتی اکتشافی و هکذا (۱۴) عدد طیارات کوچک اکتشافی مربوط قوای بحری میباشد. در قوای هوایی اسرائیل در حدود (۸۰۰۰) پرسونل فنی و اداری در حال خدمت دیده می‌شوند هکذا قوای مذکور از (۳۵۰) عدد طیارات



انواع طیارات کارابوس (Caribous) در حال پرواز که در قوای هوایی اکثر ممالک بیطرف از آن کار گرفته میشود



هلیکوپتر های نوع *VIRTOL*

مختلف از قبیل طیارات  
بیم انداز بم‌های خفیف  
نوع (*V2A*) و سه گروپ  
طیارات جنگی و مدافع  
از نوع (*M111CJ*)  
که بعضی حامل راکت  
های مخرب فضائی بوده  
و یک گروپ طیارات  
جنگی نوع (*SM*) و  
دو گروپ طیارات شکاری  
ویم افکن از نوع  
(*Ouragans*) که هر  
گروپ دارای (۲۰)  
عدد طیاره بوده و

(۶۰) عدد طیارات خورد و بزرگ برای  
توسعه و فرا گرفتن تعلیمات بیشتر در  
امور قوای هوائی و دو گروپ طیارات  
نوع (*N*) (*S*) برای نقلیات فضائی  
و دو گروپ طیارات هلیکوپتر از  
نوع (*S55*) ، (*S58*) و (*SF*)  
و هکذا یک دسته طیارات کوچک از قبیل  
طیارات (*Pipercub*) و (*Hawk*)  
که با راکت‌ها و مرمی‌های مختلف  
مجهز اند در امور دفاعی از طریق  
فضا استفاده به عمل می‌آید .

### مالیزیا :-

مملکت بیطرف دیگری اتحادیه  
مالیزیا بوده که طبق احصائیة  
نفوس شماری نفوس اتحادیه مذکور  
را (۹۴۰۰۰۰۰۰) نفر تشکیل میدهد  
و از جمله نفوس مملکت (۳۰۱۰۰)  
نفر افراد نظامی که آنهم خوش برضا  
در حلقه‌های اردو شامل شده اند  
امور محوله مقامات دفاعی را پیش می‌برند  
به اساس آن مصارف نظامی اتحادیه  
مالیزیا بین سالهای ۶۶ و ۶۷  
(۱۲۶۰۰۰۰۰۰) دلار تخمین گردیده  
است. مالیزیا در امور دفاعی خویش  
متشکل از قوای زمینی، بحری و  
نیروهای هوائی بوده که هر کدام  
آن مصارف هنگفتی را ایجاب میکند .  
قوای زمینی مالیزیا که در آن

باسلاح خفیف و شش عدد وسایط انفلاق  
دهنده کشتی های جنگی طرف مقابل  
که در سواحل نصب گردیده و هکذا  
ده عدد طیارات اکتشافی و یک کشتی  
بزرگ طیاره بردار که قوای هوائی  
از آن استفاده بعمل می‌آرد و هشت عدد  
(ویسل) های مدافع نیز به تصرف  
این قوا بوده تا عندالموقع استفاده  
گردد .

نیروهای هوائی اتحادیه مالیزیا  
به منظور استحکام امور دفاعی خویش  
(۲۰۰۰) افراد نظامی و شش دسته  
طیارات مختلف از قبیل یک گروپ  
طیارات کوچک جنگی نوع (*CLAI*)  
و سه گروپ طیارات اوسط نوع  
*Coribous* و *Herald Twin-P*  
به منظور حمل و نقل فضائی  
و دو گروپ طیارات هلیکوپتر نوع  
(*A-3*) و یک تعداد طیارات دیگر  
به منظور ارتباط مخابراتی بین طیارات  
و استیشن های زمینی تحت استفاده  
قوای مذکور قرار داده است .

تعداد افراد ژاندارمه و محافظین  
امنیتی داخلی که مصارف شان از  
سرجمع مصارف کل نظامی برآورد  
می‌گردد به (۲۳۰۰۰) نفر بالغ  
گردیده است .

(بقیه در شماره آینده)

(۲۶۰۰۰) نفر افراد نظامی شامل  
خدمت بوده و از آن جمله نه گروپ  
افراد مسلح گارد سلطنتی را تشکیل  
و چار گروپ افراد مسلح دیگر در  
مناطق (ساراواک) و (صباح) متمرکز  
میباشند. هکذا دسته های افراد مسلح  
باموترهای زره دار نوع (*Perret*)  
و دو دسته دیگر مجهز با سلاح ثقیله  
به اندازه (۱۰۵) ملی متر به حال  
حاضر در مراکز نظامی قرار دارند .  
عساکر پیاده اتحادیه مالیزیا متشکل  
از پنج گروپ عمده که دو گروپ آن  
در مناطق بورنیو استقامت دارند  
می‌باشد. چندی قبل یک دسته این افراد  
مسلح در سنگاپور نیز متمرکز بوده  
و درین اواخر از آنجا بیرون کشیده  
شده و در سرحدات اتحادیه مالیزیا  
متمرکز گردیدند تعداد محافظین  
سرحدی اتحادیه مالیزیا بالغ به  
(۷۰۰۰) نفر میباشد و تعداد قوای  
مرکزی آن کشور را (۲۷۰۰۰)  
عساکر تشکیل میدهد .

مقامات ذیصلاح دفاعی اتحادیه  
مالیزیا (۲۱۰۰) نفر از افراد اردو  
را برای اجرای امور دفاعی بحری  
استخدام نموده و علاوه بر آن وسایط  
و سلاح‌ها از قبیل یک کشتی مجهز



# فداکاری و شهامت

سپیدی صبح بتدریج ظاهر میشد. باران میبارید و قطرات درشت آن روی شیشه‌های پنجره تماس میکرد، ماریا پس از بیست و چهار ساعت خدمت مداوم روپوش سفید پرستاری را از تن بدر آورد و دستش را زیر شیر آب گرفت. درست و قتیکه میخواست شفاخانه را ترك بگوید، پرستاری باعجله خود را باو رساند و گفت:

بازحمت دست بزیر بالش خود برد و نامه‌ای را بیرون کشید و گفت: لطفاً این را برای من بخوانید نامزد سرباز مجروح پس از بیان خوشحالیش از دانستن آدرس او نوشته بود که وی اگر هم ناقص‌العضوی بیش نباشد برایش مثل سابق محبوب و عزیز است و بزودی شخصاً بدتبال او خواهد آمد. پس از اتمام نامه، ماریا گفت:

دیدم که من حق داشتم!  
بیمار گفت: آری، شما حق داشتید  
ماریا گفت: پس استراحت کن تا زودتر بهبودی یابی.  
بعد ماریا از شفاخانه خارج شد و بسوی خانه اش روانه گردید. تمام هوش و حواس او متوجه شوهر محبوبش گریگوری چرنوف بود. دلش میخواست یکبار دیگر لبخند شیرین او را که بزبانی خورشید صبحگاهان بود ببیند.

\* \* \*

تورن گریگوری چرنوف پس از مدت مدیدی بهوش آمد. ابتدا نمیدانست چرا چرا دران بیابان خلوت و روی برفها افتاده، اما صدای شلیک گلوله توپی از دور بگوش رسید همه چیز را برایش روشن کرد، نیمه شب او با اتفاق دوستانش بدشمن تعرض ناگهانی را شروع کرده بودند

منکه امیدی بزنده ماندن ندارم بفرض مجال زنده بمانم، زندگی باین وضع ناگوار بجه دردم میخورد. او، واسیلی! چرافکر کسانی را که با دلی امید و درانتظار بازگشت تو هستند نمیکنی؟

بیمار بآس گفت: ماریا، با صداقت بمن بگو که اگر مثل من در جنگ یک چشم و یک دست و پای خود را از دست میدادی چه میکردی؟ پرستار جوان از این سوال غیر منتظره بخود لرزید و گفت نمیتوانم با صداقت باین سوال پاسخ دهم. ولی من هم شوهری دارم که درجهٔ جنگ است. شاید وضع او نیز درین وقت بهتر از تو نباشد، اما من عاجزم در صورت ناقص شدن او، دستهایم را بجای دستها و چشمن خود را بجای دیدگان او بکار اندازم.

از این حرف امیدی در قلب بیمار جان گرفت و پرتو آن در چشم منحصر بفردش ظاهر گردید ماریا دانست که به نقطه حساسی دل او انگشت گذاشته لبان بیمار حرکت خفیفی کرد و گفت: ممکن است نامزد من نیز مثل شما احساس کند! آیا ممکن است؟

ماریا گفت: اگر جز این بیندیشد قابل دوست داشتن نیست. بیمار

ماریا، بیا دوباره حال او بدتر شده من اصلاً نمیدانم که چه باید بکنم؟ ماریا باناراحتی مجدداً روپوش خود را بتن کرد و پس از پیچیدن راهرو طویلی که با فرش قرمز رنگی پوشیده شده بود باطاق رسید. چند دقیقه در آستانه در ایستاده و بدرون نگریست. بیمار که سرپایش در باندهای سفیدی بسته شده بود دائماً قریاد میکشید و سعی میکرد دخیوشتن را از دست دولفر پرستار که او را نگاه داشته بودند برهاند.

زن جوان خود را باو رساند و با تشدد گفت: دیگر چه خبر شده؟ بیمار که با دیدن او قدری آرامتر شده بود گفت: تنها بگذارید!

ماریا بدو پرستار مزبور اشاره‌ای کرد و آنها از در خارج شدند. سپس روبه بیمار کرد و بالجن سرزنش آمیز گفت: واسیا، از مرد جوان و معقولی مثل تو شایسته نیست که دست بچنین حرکات ناشایسته‌ای بزندی. دیروز تو بوندهایت را پاره کردی و امروز واسیلی چشم منحصر بفردش را باو دوخت و گفت: آخر چرا نمیگذاری این چند روز آخر عمر راحت باشم؟ منکه از این همه دوا و تزریق و غیره خسته شدم. چرا مرا بحال خود نمیگذاری؟



## هیگر و اسکوپ میکرو س



ایجاد این نوع میکرو اسکوپ یک قدم دیگر در راه مطالعات تحقیقاتی در طب و کیمیا و بیولوژی میباشد مکر و اسکوپ مذکور توسط دستگاه زاتیس ساخته شده است و دارای یک سطح بزرگ و هموار میباشد که مرکز آن یک سوراخ دارد در قسمت تحتانی این سطح دستگاه عدسیه ها و نورافکن های آن قرار گرفته است در غیر آن از میکرو اسکوپ عادی چندان تفاوتی ندارد. فایده این میکرو اسکوپ در اینست که میتوان مستحضرات مورد معاینه را بدون اینکه تغییر محل داده شود و بروی لام شیشه ای هموار کرده و تلویز کرد با طرف اصلی آن توسط آله مطالعه نمود دستگاه برق آن دارای یک تغیر دهنده اتوماتیک بوده بطوریکه ضرورت آله را تامین میکند. درجه رویت اشیا نزد این آله به سه اندازه مختلف میباشد آله مذکور برای انتقال و فوتوگرافی مستحضرات نیز مساعد میباشد.

لیکن هنوز بیش از چند دقیقه از شروع حمله نگذشته بود که وی بر اثر انفجار مہیبی بر زمین غلطیده و دیگر چیزی نفهمیده بود اما حالا ، حالا در این بیابان مستور از برف چه میکرد ؟ آیا مرده بود ؟ آه : مرده که احساس ندارد . اگر زنده بود پس چرا نمی توانست خود را حرکت بدهد ؟ کوشید دستش را حرکت بدهد ولی احساس کرد که یک قسمت از جثه اش متعلق بخود او نمیشد ، مثل اینکه کوهی بر ویش افتاده بود و پستی و بلندی های آن مانع میشد که او بهتر بیند. مایع غلیظی قطره قطره بصورت او میچکید بسختی تکانی بخودش داد. درد شدیدی سراپایش را فرا گرفت .

صورتش بشدت درد میکرد و چشمانش بخوبی نمیدید و تاریک بود فاصله اشیا را از هم تشخیص نمیداد سعی کرد افکارش را در نقطه متمرکز ساخته و بهتر با طرف بنگرد . آنچه که وی در وهله اول کوهی پنداشته بود جسد سر بازی بود که برویش افتاده بود و قطرات مایعی که بر صورتش میچکید ، خونی بود که از زخم های بدن آن سر باز روان بود سرش را با زحمت بلند کرد و به تپه مقابل نگریست تپه مزبور پوشیده از نعش سر بازان مرده بوده سعی کرد بفهمد آیا آنان روسی هستند یا آلمانی ؟ اما دانستن این موضوع در آن هنگامه مرگ و زندگی چه نفعی بحالش داشت چرا چشمهایش بخوبی نمیدید ؟ کوشید یکی از چشمهایش را که بنظرش بسته میرسید از هم بگشاید ولی نتوانست گوئی از روز ازل بیش از یک چشم برای او نیا فریده بودند .

بعد ها هم میتوانست باین چیزها رسیدگی نماید. فعلاً بهتر بود برضعف خویشتن غلبه نماید تا اینکه یک نفر

بدرش برسد بانعام کوششی که بخرج داد ، بتدریج ابرسیاهی بر صفحه ذهنش سایه افکند و دیگر چیزی نمی فهمید هنوز از دور صدای مرگ آسای گلوله های توپ بگوش میرسید \* \* \*

— ماریا! سرطیب شفاخانه شما رامیخواهد .

ماریا بسرعت دستی بگیسوانش کشید و بسوی دفتر روان گردید . در طول راه زیر لب زمزمه کنان آواز میخواند . وقتی که باطاق سرطیب رسید پیر مرد از جای برخاست و پس از سلام باو دست داد سپس بالحن عجیبی شروع بدلداری ماریا کرد. پرستار جوان باین کلمات موحش آشنائی داشت و میدانست قبل از وارد کردن شربته قطعی اول آنهارا بزبان میآوردند از این رو پرسید گر یگوری ؟

سرطیب با تاثر سری تسکین داد و سپس تلگرافی را بجانب او دراز کرد .

ماریا که دیگر هیچ چیز نمی فهمید گفت لطفاً برایم بخوانید پیر مرد فورمول معمولی را چنین قرات کرد : «تورن گر یگوری چرنوف در حال دفاع از آزادی و استقلال وطن خود با مرگ افتخار امیزی جان سپرده است !» ماریا از این کلمات نامفهوم سرد زیور و اصلاً معنی اینها را نفهمید . سرطیب شفاخانه مجدد کوشید باو دللداری دهد . ولی ماریا پس از کسب اجازه خارج شد دیگر پس از مرگ گر یگوری هیچ چیز برایش ارزش نداشت مرگ و زندگی برایش بی تفاوت بود .

بارنگی پریده افتان و خیزان چون مستان در طول راهرو براه افتاد . ناگهان چهره آشنائی (رایا) بر ابرش ظاهر شد . رایا با وحشت دستهای او را گرفت و پرسید :



ماریا چرا اینقدر رنگت پریده ؟  
چه شده ؟  
— گریگوری مرده ! گریگوری  
من مرده !

اشک چون سیل از دو چشم رایا  
سرازیر گردید . دلش میخواست  
بغض دیوانه کننده ماریا نیز بترسد .  
در همه نوبت ماریا باطابق بیمار شماره  
۷ احضار کردند ماریا بدانجا رفت  
و باچشمائی که سابقاً نور امید از آنها  
میتابید به بیماری نگریست که بیمار آخرین  
لحظات حیاتش را میگذرانید و مرتباً  
ناله میکرد ماریا کیسه یخ را روی سر  
او گذاشت .

باخود فکر کرد که صبح روز  
دیگر تلگرافی هم بخانه این مرد  
مخایره خواهد گردید که « بامرگ  
افتخار امیزی جان سپرد ! » از این  
فکر ناگهان بیاد آورد که گریگوری  
او نیز مرده است چپچ بلند از دل  
پر کشید که همیشه های پنجره را  
بلرزه در آورد .

در بیرون تاریکی و سکوت  
مطلق بر همه جا حکمفرما بود  
پرستار جوان اندکی پیشانی  
ملتمه خود را به شیشه سردتکیه داد  
و سپس به بیمار نگریست . او مرده بود  
ماریا پس از فرا خواندن یک پرستار  
دیگر از شفاخانه خارج شد .

دکتر (ورنتزوف) در خارج بدو  
پیوست و با شفقت پرسید: بکجا  
میروید ؟

ماریا گفت ، خودم هم نمیدانم  
دکتر گفت: پس بیائید به خانه ما  
برویم .

دکتر، ماریا را در منزلش روی  
چوکی نشاند و شروع بدلداری داد  
و نصیحت او کرد اما ماریا بانگ  
برداشت. آخر گریگوری مرده ! در  
این هنگام بغضش ترکید و اشک چون  
سیلابهای تند بهاری از گونه های  
مهتابییش سرازیر گردید .

دکتر نفس راحتی کشید . خطر از  
سر ماریا گذشته بود .

\* \* \*

ماریا دفتر خاطراتش را ورق  
میزد . ناگهان در لابلای صفحات  
آن چشمش به بنفشه ای برخورد . آن  
بنفشه را او و گریگوری در یکی از  
روزهای خوش سال گذشته در یکی  
از جنگل های (بریوز و فلکا) چیده  
بودند . با دیدن آن بنفشه تصمیم گرفت  
یکبار دیگر به (بریوز و فلکا) برود و با  
دیدن آن، عشق از دست رفته و خاطرات  
شیرین گذشته اش را تجدید نماید فکرش  
را باچنان صدای بلندی بیان کرد که  
مصاحبش گفت منم موافق هستم .

تازه ماریا فهمید در تمام این مدت  
دکتر (ورنتزوف) در کنارش بوده  
است وقتی که در ایستگاه از ریل پیاده  
شدند، دکتر گفت: من در اینجا میمانم  
تا شما مراجعت کنید. زن جوان در میان  
برف و یخ براه افتاد و سپس از مدتی به  
«بریوز و فلکا» رسید، افسوس که دیگر  
اثری از آن ناحیه زیبا برجای نمانده  
بود و کوچکترین علامتی از حیات  
در آن حوالی بچشم نمیخورد . همه جا  
مرگ و تباهی و ویرانی حکومت  
میکرد. آخر دیومسبب جنگ از آنجا  
نیز گذشته بود، بجای مدرسه و کارخانه  
های زیبای (بریوز و فلکا) تحکیمات  
تخریب شده مختلفی دیده میشد .

\* \* \*

مامورین سیار شفاخانه جسد نیمه  
جان گریگوری را با یکدسته از  
زخمیان دیگر در ریلی گذاشته و به  
شفاخانه فرستادند. به مجرد ورود به  
شفاخانه یکدست گریگوری را قطع  
کردند . کاش مصیبت فقط به همین  
جا ختم میشد . افسوس که او چشم  
راستش را هم از دست داده و یک پایش  
نیز ابداً قادر بحرکت نبود .

وقتی که درست در اطراف ماریا  
و خودش فکر کرد دید بهتر است که

## اتوی اتومات :



این ماشین اتومات درخزان  
۱۹۶۵ طرح گردید قرار دادن آن  
راست و مایل نظریه وضع نشستن  
شخص امکان پذیر است پایه فشار  
آن عریض بوده و بهر شکل قرار  
گرفتن بکار انداخته شده میتواند .  
قسمت فشار دهنده آن تغیر پذیر  
است و این برای قسمت های ضیق  
البسه مانند یخن و کف ها و غیره  
مناسب میباشد . قدرت تولید بخار  
آن عالی است حرارت آن قابل تغیر  
می باشد و با آن میتوان پارچه های  
مصنوعی مانند نایلون و امثال آنرا  
نیز اتو کرد . این اتوی شیک ، سبک  
و قابل انتقال و هر نوع زحمت را  
که قبل برین برای اتو کشیدن لباس  
بایستی متحمل می شد از بین برده  
است .

با وجود ناقص خویش دیگر مزاجم  
زندگی او نشود. ازین رو تصمیم  
گرفت خویشتن را فردی خانواده‌ای  
معرفی نماید. دیگر همه او را شخص  
بیکس می پنداشتند و فقط ماریا را با  
کمک حافظه در برابر دیدگانش  
مجسم میکرد و با او برآز و نیاز مشغول  
می شد.

یکروز در خارج اطاق صدای  
آشنای بگوشش رسید. از بیمار پهلوش  
پرسید: این صدا از کیست؟  
— آه، تو (سونیا) پرستار مهربان  
اینجا را نمیشناسی؟

او خیلی خوب (سونیا) را میشناخت  
از این حرف دلش لرزید. اما همان  
طوریکه فکر میکرد سونیا او را بجا  
نیامده یا اینکه او چنین پنداشت:  
چندروز بعد وقتیکه سونیا با قاشق  
بجلق او دوا میریخت آهسته گفت:  
— گریگوری، باید ماریا را خبر  
کرد.

— چه گفتید؟ نام من گریگوری  
نیست. من...

خودت را بان راه نزن. من همیشه  
ترا فردشجاعی می پنداشتم نمیدانستم  
که اینقدر ضعیف و جیون هستی؟  
گریگوری، با تمام زرنگیش، بازی  
را باخته و نقشه‌ها پیش نقش بر آب  
گردیده بود.

\* \* \*

وقتیکه ماریا بخانه آمد مادرش  
با شادی بیحد و حصری تلگراف  
دوستش سونیا را بدست او داد و گفت:  
گریگوری زنده است! بگیر  
و خودت بخوان.

ماریا از تلگراف سونیا که نوشته  
بود گریگوری زخمی در بیمارستان آنها  
بستریست چیزی دستگیرش نشد.  
مادرش که حرکت عجیب و خشک  
او را دید پرسید ماریا چرا ساکتی  
و چیزی نمیگویی؟

نمیدانم، اصلاً خودم هم نمی فهمم.  
فقط یک نفر بود که در حل این معما  
میتوانست با وی یاری نماید و آن یک نفر  
هم د کتر ورتزوف بود ماریا بسرعت  
خویشتن را به شفاخانه رسانید. اما  
هنگامیکه پشت در اطاق گریگوری  
رسید د کتر نیز همایش بود، د کتر  
گفت خیلی باید مواظب رفتار و گفتار تان  
باشید. درست است که گریگوری  
میتواند بشنید و راه برود اما روحیه اش  
خیلی ضعیف است. از طرف دیگر  
ظاهر او اندکی تغییر یافته امیدوارم  
متوجه این چیزها باشید.

ماریا که گوئی پتکی به مغزش  
کوبیده بودند به ملایمت در اطاق را  
کشود. مردی که در آنجا نشسته بود  
یک دنیا با گریگوری جوان وزبیا و با  
نشاط و فرق داشت. آخرین مرد زشت  
ولاغر و یک چشم و یک دست و لنگ  
کجا میتوانست محبوب او باشد؟

زن جوان بر جایش خشک شد. اما  
دانست که نباید وضع را ادامه دهد. از  
این رو جلو پای گریگوری در روی  
زمین زانو زد و برای اینکه احساسات  
اصلی خویش را پنهان نماید چشم  
هایش را برهم نهاد.

گریگوری که متوجه واقعیت شده  
بود گفت: ماریا مرا بخش، من  
نمیخواستم به نزد تو بیایم ولی د کتر  
و انتزوف مرا باصرار بدینجا آورد.

در صدایش یک دنیا غم و درد وجود  
داشت. ماریا تمیدانست چه بگوید.  
دیگر همه چیز یعنی عشق، جوانی، امید  
آرزو برای او پایان رسیده بود.

دلش میخواست از دست گریگوری  
و از دست خودش و از دست همه بگریزد.  
در اطاق باز شد و د کتر از ماریا خواست  
خارج شود تا اوزخم های گریگوری  
را پانسمان نماید. زن جوان ظاهر  
اعتراض کرد لیکن قلبش باز بانس  
همهنگی نداشت آخر دیگر گریگوری

اواز دست رفته بود. این مرد ناقص  
چگونه میتوانست جای گریگوری را  
در قلب وی اشغال نماید؟

ماریا بی اختیار بسوی اطاق واسیلی  
مریض اولی که او را دلداری میداد  
کشیده شد. مرد جوان پس از سلام  
و احوالپرسی از او خواست که یکبار  
دیگر نامه نامزدش را برایش بخواند  
و قتیکه ماریا به وسط نامه رسید مرد  
جوان با غضب نامه را از دست او  
گرفت و گفت: دیگر نخوانید من خسته  
هستم و میخواهم بخوابم. بعد پشتش  
را بزن جوان کرد.

ماریا دانست که دیگر آن شور  
و نشاط سابق در آهنگ صدای دلشیش  
وجود ندارد و همه چیز او و حتی  
صدایش عوض شده است.

واسیلی حق داشت.  
\* \* \*

رایا دروازه اطاق ماریا را گشود  
و گفت: نامزد واسیلی بدنبال او آمده.  
آیا اجازه میدهی که وی را به لارا همنائی  
نمایم؟ ماریا که تصور میکرد چند دقیقه  
دیگر باید شاهد عشق و ضعف دختر  
جوان باشد گفت: هر طوریکه دلت  
میخواهد رفتار کن. چند دقیقه گذشت  
و خبری نشد. ماریا با کنجکاوی بسوی  
اطاق واسیلی شتافت مدتی در پشت در  
گوش داد. صدای خنده واسیلی  
و نامزدش از درون اطاق بگوشش میرسید  
و قتیکه ماریا در اطاق را گشود دختر  
جوان وزیبائی را دید که با بیخیالی  
جوان ناقص را در آغوش گرفته و بی  
دربی صورت لاغر و فرورفته او را  
میبوسید.

دخترک پا کنهاد، ماریا و فیسقه  
و ایده آل و همه چیز او را به مسخره  
گرفته بود. شفاخانه دور سرزن جوان  
میچرخید. تازه فهمیده بود که معنی  
حقیقی فدای داری و عشق یعنی چه.  
\* \* \*

خانم قد بلند و مؤقری در راه و جلو  
ساریا را گرفت و از او خواست که  
ویرا بدقت راهنمایی نماید. و تکیه  
آندو بدقت رسیدند خانم مزبور گفت:  
من خانم دگر من آنوخین هستم،  
آمده بودم شوهرم را ببینم.

رنگ از رخسار ساریا پرید. دگر من  
آنوخین همان بیمار شماره ۷ بود که  
در برابر چشمان او جان سپرده بود.  
ساریا از پشت زن جوان به سرطیب  
شفاخانه اشاره کرد. ولی اوبی آنکه  
متوجه آن اشاره شود بخانم آنوخین  
گفت: تأمل بفرمائید الان عرض  
میکنم دفتری را گشوده و سپس گفت:  
دگر من آنوخین روز پنجم دسامبر  
در گذشته است.

زن جوان فریاد کشید: مرده؟  
مرده؟ مرده؟

صدایش آنقدر بلند بود که تمام  
پرستاران و دکترها بدان سوشناقتند.  
ساریا از اطاق خارج شد. هنوز طنین  
صدای خانم دگر من در گوشمهایش  
موج میزد:  
مرده؟ مرده؟ مرده؟

ناگهان زیر لب گفت: ولی  
گریگوری من هنوز زنده است! زنده  
است! از این فکر روح تازه ای در کالبد  
بیجاننش دمید. یکبار دیگر زنده شد.  
دیوارهای بیمارستان در اطرافش  
برقص در آمدند. پرنده ای در خارج  
با بیخیالی آواز عشق و امید سر داده  
بود.

آنشب ساریا و گریگوری دانستند  
که مدار اصلی تمام بیمها، امیدها،  
شادیها، غمها، جنگها، آشتیها  
و بالاخره همه و همه چیز عشق است.  
«ختم»

# پیام

## سر باز افغان از تل

اثر سایر هراتی

سر باز فدا کار وطن بودم وهستم  
چون شیر بکم سار وطن بودم وهستم  
من دشمن اغیار وطن بودم وهستم  
چون غنچه بگلزار وطن بودم وهستم  
رنگین چمنی دارم و آرامگهی هم  
خونین کفنی دارم و آرامگهی هم  
گر جان بره حفظ وطن رفت ز دستم  
کی دشمن ناموس وطن داد شکستم  
تا جان به تنم بود و شمشیر بدستم  
شبخون زدم و صد صف دشمن بشکستم  
مردانه فدا گشتم و نامرد نمردم  
خالک وطن خویش بدشمن نسپر دم  
در شام غروسی خود از پهلوی همسر  
رفتم بسوی جنگ بفرمان سرافسر  
بوسید سراجین وداع مادر و خواهر  
مردانه نهادم سر خود بر سر سنگر  
جان دادم و خالک وطن از دست ندادم  
من اسلحه خویشتن از کف نهادم  
فرزند فدا کار و جوان توام ای خالک  
یکفرد زد لبخستگان توام ای خالک  
چون «سایر» قربان شدگان توام ای خالک  
من نیز ز گلگون کفنان توام ای خالک

قربان تو و نام تو و شان تو گشتم

قربانی تو بودم و قربان تو گشتم

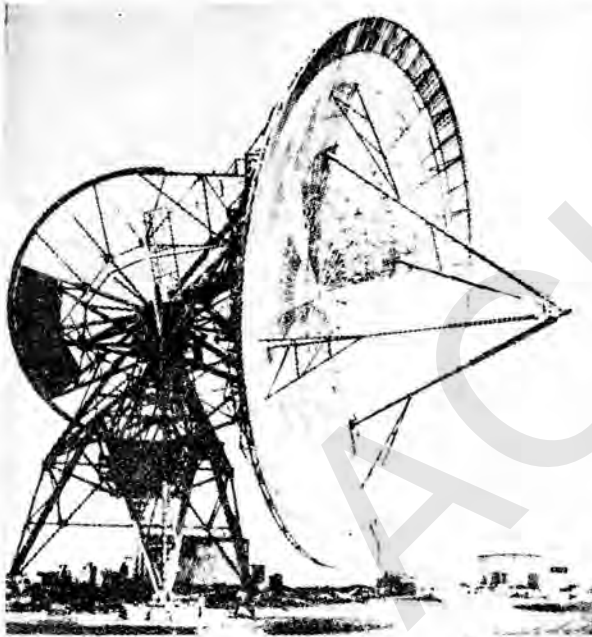


# ارتباط مخابره، تعقیب

و رهنمائی اقمار، کشف مخابره وی در فضای دور دست



تلمتری در استعمال معاصر خویش بدوآ به استفاده بیسیمی اطلاق نموده که اندازه گیری را بیک محل بعید انجام داده و این ساحه را بمنظور امتحصال ثانی به بعضی محلات قریب ارسال نماید. معلوماتیکه ذریعه آن بدست آمده ممکن بیک شکل جهت استفاده ویائیت و یا استعمال آن در ماشین مغز الکترونیک موافق باشد.



در کشقیات خلأئی بدون انسان تلمتری وسایط هرآله خلأئی را توسط هدایت نمودن معاونت نموده ایقای وظایف آن را حین پرواز اكمال مینماید و قتیکه يك آله خلأئی بارسال معلومات های تلمتری در اثنای پرواز موفق نمیگردد سائسدانان خلأئی را از برداشتن عوارض آن مطلع میسازد در پرواز انسانی اشارات تلمتری پیغام های را که توسط کیهان نوردان واپس ارسال میشود آن را اكمال و اجازه استعمال ماشین های مغز الکترونیک را بروی زمین که حمل و نقل آن بالای و سائیل خلأئی نسبت ثقلت زیاد مشکل میباشد میدهد.

تغذیه لازمه برای ارسال اشارات تلمتری از اقمار مصنوعی و وسایل تحقیقاتی خلأئی نسبت بتغذیه بیسیم و تلوزیون های تجارتي بی نهایت کمتر میباشد اشاره مرسله سه واته مرینردوم بالای زمین از مسافت ۵۳۰۹ میلیون میل بعید اخذ گردید.

يك سبب آن که چرا همچو ساحه مخابره بعید با اینچنین تغذیه قلیل تأمین میگردد اینست که سیستم های بیسیم های زمینی که با وسائیل خلأئی تأمین ارتباط مینمایند دارای اخذه های فوق العاده حساس میباشد. طور مثال انتن های که بقطره ۸۵ فوت بامرینر دوم تأمین ارتباط مخابره نموده تقریباً ۲۰۰۰۰ دفعه اضافه تر حساس از انتن تلوزیون میباشد.

انتنی که قطر آن (۸۵) فوت بوده وظیفه آن تعقیب اقمار به خلا میباشد و در دشت و مرا واقع استرالیا موقعیت دارد.

وجود دارند. یکی آن هم اینست که بعقب سیستم نظام شمسی بسی ستاره ها و دیگر اجرام سماوی وجود دارند که امواج رادیوئی را از خود نشر و بتأمین ارتباط کامل با وسایط خلأئی يك کار مشکل میباشد عامل دیگر عبارت از بعد مسافه میباشد امواج رادیوئی سرعت ۱۸۶۰۰۰ میل فی ثانیه معادل با سرعت ضیاء میر مینماید.

مطالعات رادیو تلسکوپ نشان داده است که با مرسله های طاقت مکفی و اخذه های حساس میتوان بمسافه های بین السیارات تأمین ارتباط نمود. (رادیو تلسکوپ وسیله است که غلظت امواج رادیوئی را که خارج از محیط ارضی در اتموسفر تولید میشود اخذ تشدید و اندازه مینماید)

بنابراین در زمینه پرابلم های نیز

میگیرد از آنگاه مسلکی بنام تعقیب  
یاد میشود .

مؤسسه فضائی ملی و خلائی (ناسا)  
ایالات متحده امریکا بمقصد تعقیب  
اقمار از سه شبکه ذیل زمینی حصول  
معلومات مینماید :

- ۱- شبکه اقمار سائنسی .
- ۲- شبکه عمق خلا .
- ۳- شبکه پرواز با انسان .

شبکه اقمار سائنسی : عبارت از  
شبکه نیست که در اثنای سال  
جیو فزیک بین المللی جهت تعقیب  
و جمع آوری- معلومات اقمار مصنوعی  
سائنسی بدون انسان مانند قمر مصنوعی  
اکسفلورر تاسیس گردیده و معلومات  
های لازمه از آن ذریعه این شبکه  
از سال میگردد .

شبکه عمق خلا: از اختلاط سه  
عدد رادار و استیشن های ارتباط که  
در سه منطقه ( ایالات متحده امریکا  
استرالیا و جنوب افریقا) موقعیت دارد  
بوجود آمده تا تمام و سایر خلائی  
را برای دوامدار تحت ترصد قرار دهد،  
این شبکه ذریعه سلسله های طاقت،  
بلند و آخذهای حساس مجهز گردیده  
ارتباط را بصورت لاینقطع با واسطه  
خلائی که بمهتاب و دیگر سیارات  
سیر مینماید حفظ کند .

شبکه پرواز با انسان: این شبکه  
وظیفه مخصوص داشته که ضروریات  
لازمه پروژه هر کیوری را تأمین  
نموده قابلیت ارسال سریع معلومات  
ها و تعقیب اقمار را نسبت بشبکه اقمار  
سائنسی دارا میباشد .

زیاد میباشد) و یا منابع  
دیگر تغذیه الکتریکی  
تطبیق گردد و سایر  
ذره وی بنام ( ستاپ )  
زیاده تر این مشکل را  
مرفوع میسازد .

و سایر خلائی بدون  
انسان ممکن بایک و یا  
زیاده تر سلسله تجهیز  
شده ارسال را ذریعه  
فره کانس بسیار بلند  
و یافره کانس ماورای  
بلند بیک تعداد کانال ها  
ارسال نماید و سائل  
تحقیقاتی خلائی با انسان  
مالزمه متنوع ارسال را  
با خود حمل تا در همه  
احوال اضطراری از  
آن استفاده و رزند .

مثلا پرواز های  
مرکیوری با انسان سیستم  
های کثیر ارتباط را  
با خود حمل نمود. درین واسطه مالزمه  
فره کانس ماورای و فره کانس  
بلند برای استعمال صد وجود  
بوده و دو شبکه فره کانس ماورای  
بلند تلمتری وجود داشت .

بر علاوه این یک سیستم دو طرفه  
صدائی علیحده برای حالات اضطراری  
بنام ترا نیورهای فره کانس بلند  
و فره کانس ماورای بلند وجود  
داشت .

### تعقیب اقمار :

عملی که بمقصد جستجوی حرکات  
اقمار و ابراکت توسط رادار بیسیم  
و ترصدات فوتو گرافیک صورت

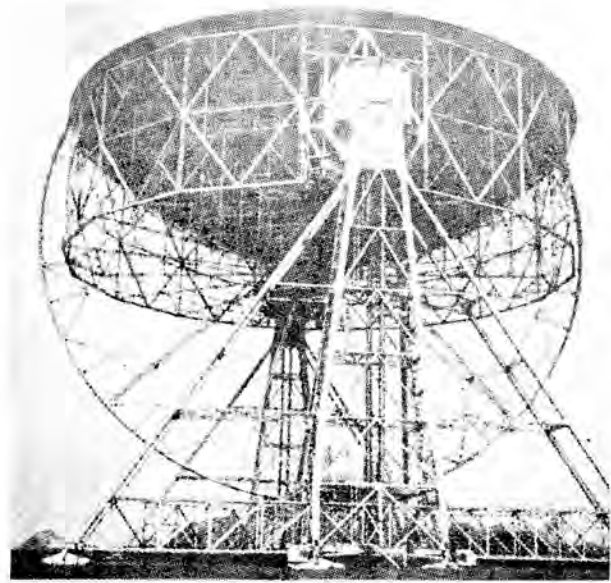


این رادیو تلسکوپ برای تعقیب اقمار در خلا  
استعمال میشود. منعکسه ( ۶۰ ) فته آن میتواند  
به سه استقامت حرکت نماید .

هر گاه راپور از زمین بزهره که  
قریب زمین است ارسال گردد یک  
زمان پنج دقیقه ئی را در بر خواهد  
گرفت همچنان اگر یک راپور از زمین  
بیک واسطه خلائی که نزدیک پلوتو  
باشد ارسال گردد در آن صورت پنج  
ساعت را الی موصلت خویش در  
بر خواهد گرفت .

اشاراتی که ذریعه واسطه خلائی  
نشر میشود استیشن های زمینی را  
مجال داده تا آنها بیک درجه صحت  
عالی تعقیب نماید .

قدرت تغذیه ممکن از بطری های  
کیمیای پاپریو ده های متبدل زمان  
از بطریهای آفتابی ( که دارای عمر



راديو تلسكوپى كه قطر آن (۲۵۰) فـت بوده و در جودرل بنك انگلستان موقـعیت دارد بـسی اقمار مصنوعی ایالات متحده امریكا و وسایط تحقیقاتی خلائی را در عمق خلا تعقیب می نماید .

و محاسبه ناسا بر كز پرواز خلائی « گودارو » ناسا در « گرین بلت » قریب واشنگتن (D.C) و مركز كنترول پرواز خلائی با انسان بكمپ كنیدى و مركز اكمل وظیفوی در « هوستون » تكز اس مربوط بوده كه در آن ( قابلو ) « خطوط زمینی » و « بیسیمها » استعمال میشوند . حینیکه این شبکه بیسیم به « تلی تاپ » فعالیت مینماید . در بسا احوال توسط ارتباط مخابره صدائی نیز تقویه میگردد . در زمانیکه و سائل خلائی بالای هر استیشن عبور میکنند يك پیغام ذریعه كنترول كننده پرواز در آن استیشن بمرکز مخابره و بمرکز كنترول كیب كندی و هوستون بصورت فوری ارسال میشود و مركز مخابره پیغام را بدیگر استیشنهارایی میکند .

شبکه پرواز خلائی همیشه در حال تبدل بوده تا ایجابات ضروریه پروگرام جمنی واپولورا بحسن صورت تسكافو نماید . بر علاوه در شبکه عمق خلا وسایط دیگر مخابره نصب میشود تا در پرتاب اكسیلورر در مهتاب معاونت و در بازگشت آن واپس از مهتاب طور سالمانه استفاده گردد . مركز قوماندان در پروژه جمنی واپولو بیک مركز مكمل كنترول ایفای وظیفه خواهد نمود .

### رهنمائی در خلا

اموریکه بمقصد هدایت حرکت کشتیهای فضائی و وسائل دیگر خلائی در انتخاب يك راه معین پرواز و یامسیر معین صورت میگردد آنرا بنام « رهنمائی در خلا » یاد میکنند . در كشف خلا از چندین نوع اشكال رهنمائی استفاده میشود یکی آنهم سیستم « رهنمائی عطالتی » بوده كه مكمل مستقل از معلومات های خارج واسطه خلائی میباشد و در وضعیت فعلیه زیاده تر این سیستم قابل اعتماد میباشد .

رهنمائی عطالتی يك متود تعین محل و سرعت بدون در نظر گرفتن خطالسیر دوری واسطه میباشد .

- ۱- كیب كنیدى - فلوریدا باجزیره باهاما- گراند ترك - سان سلوا دور ، آنتیگاه .
  - ۲- برمیو دا .
  - ۳- جزایر كنری .
  - ۴- كانودر نا یجریا .
  - ۵- كار نارفون در استراليا .
  - ۶- جزیره كانتون .
  - ۷- جزیره كوائی واقع هوائی .
  - ۸- پونتار گیلو و واقع كالیفرنیا .
  - ۹- گار ماس در مكسیكو .
  - ۱۰- وایت سند در نیو مكسیكو
  - ۱۱- كورپوس خرسی در تكز اس .
  - ۱۲- اگلن در فلوریدا .
- استیشن های این شبکه مشتمل بر كشتیهای است كه محل آنها نظر به ایجابات وظیفه نشان داده شده بلكه از نقطه نظر جغرافیائی جا بجا گردیده تا تعقیب مكمل و اجرای مخابره تلمتری را در بین ۳۵ درجه شمالی و ۳۵ درجه جنوب طول البلد كه خطالسیر پرواز های پروژه مركزیوری - جمنی واپولو میباشد تامین نمایند . تمام پوست های تعقیب توسط شبکه ارتباط عمومی بمرکز مخابره

بر علاوه این يك سیستم تلسكوپك كره وی بین المللی از طرف « رصلخانه استر و فز - یكسی سمتسو - نین » تحت استفاده قرار داده میشود . استیشن های تعقیبی این شبکه های چهار گانه بداخل مناطق مختلف تمام گیتی موقیعت دارند . كه اینهم بحساب شبکه چهارم آمده و جمعاً تعقیب و تأمین ارتباط خلائی امریكا توسط این چهار شبکه تأمین میگردد .

### تعقیب پرواز های با انسان :

تعقیب ، هدایت و كنترول كشتی های خلائی توسط شبکه پرواز خلائی با انسان تأمین گردیده و شامل دوازده پایگاه زمینی تعقیبی و استیشن های استحصال معلومات يك مركز ماشین مغز الكترونیک و مركز محاسبه پرواز و استیشن سیار تعقیب و كشتی تلمتری بوده كه جهت ایفای وظیفه طور مطلوب موجودیت آن ها حتمی میباشد . این دوازده استیشن زمینی در ایالات متحده امریكا و شش مملكت خارجی موقیعت داشته و سلسله آن عبارت است از :





مراکش- در بن عکس که توسط یکی از کیمهانوردان از کشتی فضائی اخذ شده انحنای زمین بخوبی از آن معلوم گردیده که بطرف (چپ پائین) آن کوه های اتلس ارائه و بحر اتلانتیک با ابر های ضخیم پوشانیده شده و انحنای آبی در افق توسط اتمو سفر بوجود آمده است .

رهنمائی نیم عطالتی نیز وجود داشته و دارای عین وسایط و تکنیک رهنمائی عطالتی بوده صرف با داشتن بعضی وسایط بمقصد اخذ اطلاعات دیگر فرق جزوی دارا میباشد . ممکن این از زمین و یا از وسایط خود واسطه رهنمائی و یا میتوان بشکل تعقیب ستاره باشد .

بادی سرعت معین آن تاثیر میکند . این قوا عین قوایی است که در احین حرکت اتوموبیل و یا تزیید سرعت آن در چوکی تحت تاثیر قرار میدهد از نگاه تیوری رهنمائی عطالتی را میتوان یک واسطه در هر نقطه بهمحل کائنات اخذ نماید .

این سیستم باخذ اشارات بیسیم و یا مقیاس و اندازه گیری هیچ نوع مربوط نمیشد و سالیط اصلی آن عبارت از سرعت سنج وسایط مغز الکترونیک (حافظه دار) و گرسکوپ میباشد . این سیستم مربوط باندازه گیری سرعت واسطه بوده که قوای وارده



واحد از واحدهای فضاپیما مخابراتی یکی از مراکز تعمیرات اقماری و تجهیزات آن

در مدت کوتاهی پس از این که از باعث دور خوردن اقماری وجود می آید و یا صرف عبور آن در آسمان و همچنان با صحت فوق العاده کامل شکل آنرا تشخیص نماید.

عکسها میتوان با وسیله مقدار زمان که مکرر پس در آن صورت میگیرد بعد مسافت واسطه خلائی را با سرعت آن که در هوا سیر، چرخ و یا بگرد مسجور خویش دور میخورد معلوم نماید.

### مرا فولوژی خلا:

اقمار مانند جمعی و یا اجینا و یا مرسای های رهبری شده قاره پیما که شکل آنها یک بیجان بعید شونده میباشد. طور مثال جینیکه نولک مخروطی یک جسم چرخنده سیار مانند اقماری مستقیماً یک استیشن را دار زمینی نمایان میگردد (بشکل دیده می شود) رادار صرف قسم خورد مقطع آن را (دیده) و پاس منعکس شده به تمام استقامت ها پراکنده شده و فهمیدن آن در رادار نسبتاً ضعیف میباشد. و تکنیکه امواج خط السیر (مجرک) با طراف

ازین امواج و حریمت موضوع را برای مدت طولانی حفظ کرده نمی توانند به مجرد پرتاب یک وسیله خلائی انجام شوروی بیک مدار - سائمدانن قوای هوایی ایالات متحده امریکا سرعت مدار آنرا تعیین و همچنان وزن، شکل و حتی وسیله آنرا تشخیص مینمایند این وظیفه مخصوص کشف ذریعه «تحلیل علامت را دار» به نام «RSA» ممکن گردیده و در مستقبل روزی خواهد بود که با وسیله این تخنیک کوچک ایالات متحده امریکا از تهاجم ناگهانی نجات یابد.

با کمک «RSA» سائس دانان میتواند خصوصیت های اقماری خارجی را از ساختن ثانی شکل پس های رادار که از یک استیشن تعقیبی دو باره انعکاس مینماید بسازد زیاد تر این کار ذریعه اندازه نمودن وسعت (امپلچود) و یا انعکاس طاق پس های منعکس شده صورت گرفته، آنها میتواند بزرگی قمر مصنوعی را توسط تحلیل نمودن تبدلات در امپلچود پس (تبدل آنی و لتاز) یا امپراژ را

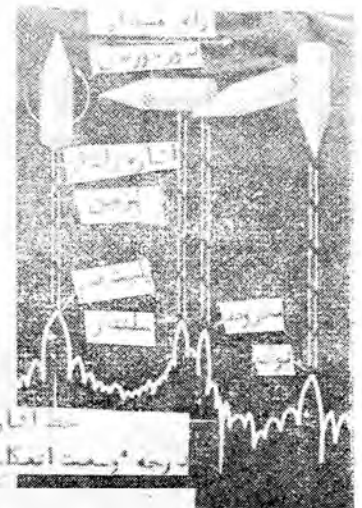
یکی از ضروریات اساسی سیستم عکسهای دانستن موقع اصلی پرتاب میباشد هرگاه به آن تعقیب - ستاره علاوه میشود در بین صورت از باعث ثابت بودن ستاره و تثبیت آن بصورت قبلی میتوان محل و اندازه را تقریباً حساب نمود.

در صورت امکان از رهنمایی پس، اجزای متمایز آن در خود واسطه آخته باشد که قابلیت قبول هدایت را از استیشن های زمینی داشته و امریکه از طرف سیستم کنترل داده میشود آنرا بمحل اجراء نگذارد. اجزای سماوی اشعه انفرودر اشعه میکنند این اشعه ها میتوان ذریعه واسطه فوتوالکترونیک کشف و تبدلات انفرودر را به تبدلات و لتاز تبدیل نماید. این تغییرات اطلاعات رهنمایی را تأمین و آنرا بنام رهنمایی انفرودر میکنند.

### کشف مخابراتی

#### تشخیص کردن در آسمان:

طوری که معلوم است روس ها قبل از پرتاب اقماری مصنوعی خویش همیشه تفصیلات آنرا آشکار نمیسازند بعد



#### RSA: تحلیل کننده اشاره

رادار شکل اهداف چرخنده را در خلا توسط انعکاس اشاره را دار تشخیص مینماید.

رادار دور میخورد- مقطع را دار آن از دیاد گردیده در نتیجه انعکاس هم قوی تر میشود. زمانی که سطح هموار عقبی اقمار با انتن رادار مواجه میشود پلس های انعکاس کننده غلیظ شده می رود شکل متبدل که بروی پرده رادار تشکیل میابد، برای خط السیر اجسام چرخنده بینظیر بوده بیک علامه قارقه سائس دانان میتوان آن را تشخیص و زیاده تر سائس دانان آنرا طوری تعریف میکنند که این کار مانند اگر اقولو جست ها که از تحریریدی صاحب آن را تشخیص میکنند میباشد. حینیکه علامات رادار اقمار ایالات متحده امریکا تشخیص گردید سپس کشف تبدلات وسایل خلائی نسبتاً تسهیل میگردد. در ماه جون سال ۱۹۶۶ و تیکه آله (RSA) بمقصد کشف تبدیل آنی چهار عدد آله قمر مصنوعی محرم قوای هوایی ایالات متحده امریکا از محل اصلی خویش استخدام گردید این آله موفق شد تا ثابت بودن آن را در محلش کشف نماید. زمانی که سیستم تلمتری آن از تصدیق موضوع موفق نشد- بک لغزش در مقدار جاذبه وی قمر مصنوعی بوجود آمد بصورت فوری آله (RSA) بیک تغییر را در شکل رادار تشخیص و باثبات رسانید که لغزش در محل آن بوقوع پیوسته است مطالعه اشارات منعکس شده از رادار نمبوس

اول قمر مصنوعی مترو لوژی که دور میخورد همچو معلومات کشف توسط تلمتری ممکن نبود. تحلیل اقمار مصنوعی اتحاد شوروی بیک تجربه است. یکی از سائس دانان تحقیقاتی RSA ایالات متحده امریکا درین موضوع چنین ابراز نظر مینماید باموجودیت همه مشکلات یکی از سائس دانان موسسه رادیوئی امریکا در سال ۱۹۵۸ از تحلیل علامه رادار برای تعریف سپوتنک دوم استفاده نموده بود. زمانی که روس ها بالاخره بیک مدل قمر مصنوعی را نمایش داد سکیچ که از تحلیل علامه رادار بدست آمده بالکل صحیح و موافق آن بود. حتی در سکیچ سپوتنک آن منعکسه مخصوص رادار سپوتنک شامل بود - این وضع ایالات متحده امریکا را ب نتیجه اصل ساخت که شبکه تعقیب اقمار اتحاد شوروی حاوی بسی رادار های طاقت پست حرب عمومی دوم جهان میباشد. انکشاف ما لزمه (RSA) و تخنیک آن فعلا اجازه آن را به تحلیل کنندگان میدهد که معلومات های فوق العاده مکمل و اشد محرم را در مورد وسایل خلائی و مرسی های رهبری شده بالستیک قاره پیمای اتحاد شوروی حاصل نمایند. بسی قمر مصنوعی که تا اکنون تحلیل شده اند موسسه رادیوئی امریکا می خواهد تا بیک کتلاک علامات رادار



منظره داخلی مرکز تعقیب اقمار ایالات متحده امریکا که به وسایط مختلف و مودرن مخابره مجهز میباشد.

اقمار مصنوعی که فهمیده شده اند، بسازد. سائس دانان که برای قوای هوایی ایالات متحده امریکا درین زمینه تحقیقات می نمایند اشارات زیاد را بوسایل پیچیده کیمیا نوردان ارسال و از آن واپس منعکس ساخته تا در دوران تجرب به خصوصیت منظره رادار آن را اکمال نمایند. حتی بسی قور مولها را در مورد اشکال مختلف اقمار وضع نموده اند ایشان باین تجارب خویش امیدوارند تا بکروزی برای تشخیص اشاره رادار بماشین حساب پروگرام را ترتیب تا بدینوسیله این کار را سریع تر نسبت بیک نفر انسان در زمینه انجام داده بتوانند این امور بسیار پیشرفت مینماید.

در اخیر اظهار مینماید که تحلیل با ریاضی پیشرفته و فوق العاده مشکل میشود.

با موجودیت مشکلات ریاضی قوای هوایی ایالات متحده امریکا می خواهد تا آله «تحلیل کننده علامه رادار مغز الکترونیک» و بالا اقل نصف تحلیل بشری و نصف تحلیل مغز الکترونیک را طور مختلط طور ممکن انکشاف دهد در صورت حدوث حرب ذره وی زمان بسیار قلیل در مواصلت بیک بمب ذره وی که توسط مرسی های رهبری شده بالستیک قاره پیمای تاب میگردد و تحلیل علامات رادار آن ذریعه انسان موجود خواهد بود صرف ماشین های مغز الکترونیک از اثر تحلیل علامات رادار آن حمله مرسی های مذکور سریعانه تشخیص تا بالاخره اثر ا تقاطع نموده و ذریعه مرسی های رهبری شده تدافعی تخریب گردد.

### منابع تغذیه الکتریکی در وسایط خلائی :

ایجاب مینماید که بصورت عمومی وسایل خلائی کم ثقلت، بسته کاری خوب و مالزمه طویل العمر که قدرت الکتریکی را بسویه معین تأمین نمایند باشند. بسی وسایل خلائی ایالات متحده امریکا ذریعه بطریهای آفتابی که انرژی آفتابی را بانرژی

(بقیه در صفحه ۹۲)



# درود بر تو، ای روح آزادی

از :

دیونوسیوس سولوموس

ترا می‌شناسم از آن شراره تند و تیز  
که از دم تیغ کار زارت میدرخشد .  
ترا می‌شناسم از آن چشمی که پرتو نگاهش .  
همچون رب النوع فاتح برفراخنای زمین حکم  
میراند .

توئی که از طنین ندای قهرمانان که در آفاق  
پیچید جهیده ای ،

تمامی دره های یونان را باروح کهنسالت  
که متزلزل نشده است تقدیس کن ،

ای روح آزادی، بر تو درود باد، بر تو درود  
جاویدان باد

.. هر گاه دستهای تو با آن حال اندوهناک و تلخ  
آهنگ نومیادی را مینوازد ،

ماه چنان امید وارو چشم بر اهیم  
که هر با مداد نوید آزادی را از باد

صبا بشنویم .  
... ای آزادی! ای توئی که ملکوتی و مرگ

ناپذیر هستی  
تو این قدرت بزرگ را داری که اراده

مایشا خود را بکاربری  
و من که بر پا ایستاده و نفس خود را

در سینه بند کرده ام  
ترا که آغشته بخون میخرامی و خاموشی ،

تماشا میکنم .  
... آری، ای آزادی کشور ما از شجاعت

و قهرمانی توتیک باخبر است .  
چون تا کنون کسی ترا در خطه مان مغلوب

نکرده است ،  
هیبت اقیانوس نمیتواند رنگ از چهره تو برداید،

و پیوسته مواهب تا زهای بوجود پر بهای  
تو میافزاید . . .



## ستاپیره داریم

گرانه و طنه ستا خد متگاریم  
تو یک پر لاس کبئی ستا پیره داریم

د تا پیه مینه تو یوم وینه  
ماتیه شیرینه ، دادی تیاریم

د تا فرزندیم ، عشق کبئی دی بندیم  
په زره درد مندیم . در ته نثاریم

تایه ودان کرم ، قربان به جان کرم  
عهد و پیمان کرم ، بچی د پلاریم

نه می عزت ئی ، ته می جنت ئی  
ته می شوکت ئی ، په دی اقراریم

غیرت لرم مه ، همت لرم  
هیبت لرم مه او ذوالفقاریم

تل لاس په نام یم ، ستاپه سلام یم  
په احترام یم ولار بیدار یم

ته می لیلای ، زه د مجنون یم  
خکله پیتون یم او فدا کار یم

ته می ئی شمع زه دی پتنگ یم  
عشق کبئی دی رنگ یم ، در نخنی چاریم

ته ز ما گل ئی زه دی بور ایم  
په تاشید ایم ، او گرتاریم

زه دی عسکر یم ، د تاجو هر یم  
تیر له خپل سریم ، ستا خو کیداریم

## رهنمای زندگی و وارستگی یعنی آزادی واقعی

از دیوان :

لسان الغیب حافظ

سر بازادگی از خلق بسر آرم چون سر و گر دهد دست که دامن ز جهان بر چینم

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود زهر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

گدای کوی تو از هشت خلد مستغنی است اسیر عشق تو از هر دو عالم آزاد است

من همان دم که وضو ساختم از چشمه عشق چار تکبیر ز دم یکسره بر هر چه هست

تساز پرورد تنعم نبرد راه بدوست عاشقی شیوه رساندن بلاکش باشد

## چهارده ضرب المثل از چهارده ملت

- ۱- تبلی دام شیطان است .  
« یو گوسلاوی »
- ۲- قضاوت صحیح هنر است .  
« یونانی »
- ۳- فردا را که دیده است ؟  
« هند »
- ۴- وعده دوست زیاد میکند .  
« لهستانی »
- ۵- کار جاده سعادت است  
« فرانسوی »
- ۶- آدم مومن عجله نمیکند  
« عبرانی »
- ۷- کولی، کولی را بوسه ندهد  
« ترکی »
- ۸- زن ناداری ، غم ناداری  
« عربی »
- ۹- اسپ از تو ، زین از آن  
« سویدی »
- ۱۰- هر چه ترس کمتر خطر کمتر  
« جاپانی »
- ۱۱- قمار باز شریک دزد است  
« روسی »
- ۱۲- عشق نمک زندگی است  
« چینی »
- ۱۳- بعد از غم ، شادی می آید  
« انگلیسی »
- ۱۴- کیسه گداه هرگز پرنه میشود  
« ایتالیایی »

## کشور های کم جمعیت

مالي؛ هزار نفر، آيسلند ۲۰ هزار نفر، مالت، لوکزامبورگ، کویت ، دو مینیکن هر يك ۳۰۰ هزار نفر ، گابون ۴۰۰ هزار نفر، قبرس ۵۰۰ هزار نفر ، مورتانیا ۷۰۰ هزار نفر ، تریلندا و تو با گو ۸۰۰ هزار نفر ، کنگو برازاویل ، افریقای مرکزی گوستاریکا؛ ژامائیک، لافس، مغولستان پاناما ، لیبی و پارا گوئه هر يك « يك میلیون نفر » آلبانی ، توگو ، اردن ، نیکارا گوهر کدام يك میلیون و ۵۰۰ هزار نفر ، داهو می ، چاد ، ال سالوادور ، هوندوراس ، زلاند جدید ، سومالی ، آیرلند ، اسرائیل ، اورو گوئه وسیرالئون هر کدام ۲ میلیون نفر و بالاخره کشور های بوروندی ۲۴۵ میلیون نفر ، نروژ ، سنگال ، نیجر ، زامبیا و گینه هر يك دارای سه میلیون نفر جمعیت میباشند .

# لطایف

### قطب الدین علامه معروف

روزی براهی میرفت شخصی از بام افتاد و برگردن مولانا آمد چنانکه مهره گردنش آسیب دید !

چند روزی بدان سبب بستری گردید . روزی جمعی از اکابر بیعت او آمدند و گفتند : مخدومنار اچه حال افتاده است ؟

گفت : چه حالی از این بدتر باشد که دیگری از بام میافتد و گردن ما میشکند ؟ !

معروف است که سر (شیخ سعدی)

بیمو و طاس بوده است ( العبهده علی الراوی ! ) روزی بایکی از علماء سرگرم مباحثه و مشطره بوده است . عالم مزبور که مغلوب شده و بدون برهان و دلیل مانده و در برابر تیغ زبان سعدی در مانده بود به پر خاش پرداخته که : من بقدر موی سر تو درس خوانده ام .

سعدی قوراً کلاه را از سر برگرفته و بحضور گفت :

سر مرا بنگرید تا پایة فضیلت آقا بر شما معلوم گردد !!

## امتحان

سلطان محمود غزنوی چون میدید که در باریان نسبت باو اظهار اطاعت و علاتمندی زیادی ابراز میدارند خواست امتحان کند تا ببیند که چه اشخاصی در گفتار خود صادق اند ؟ روزی بقصد شکار از شهر بیرون رفت وعده زیادی در رکاب او بودند همینکه فرسنگی از شهر دور شدند شاه ایستاد و مقداری سکه طلا و درو گوهر بجلو همراهان ریخت و خود بسرعت اسب تاخت و از آنجا دور شد چون فرسنگی رفت بعقب خود نگاه کرد دید که فقط ایاز دنبال شاه آمده و بقیه در اثر جمع آوری ثروت از شاه غافل مانده اند پس :

باو گفت کی سنبلت پیچ پیچ زیغما چه آورده ای ؟ گفت : هیچ !  
آنوقت شاه دانست که فقط ایاز است که باو صادقانه علاقمند است و لذا پیش از پیش باو مهر ورزید .



نویسنده مضمون

# شب خون



پشتون « زهدی »

معلمه انگلیسی لیسه شاهدخت مریم

به اجساد برادران خود که عمه در خون  
 های شان غرق بودند و آنها را تازه  
 از جا هائیکه بشهادت رسیده بودند  
 جمع کرده بودند تا بدبار شان نقل  
 بدهند مینگریستند . یک پارچه شور  
 و یک دنیا شجاعت می شدند و  
 می خواستند هر چه زود تر بالای چونی  
 های استعمار گران پلید حمله کنند و  
 دود از دمار شان بر آورند و از خون  
 های ناپاک شان زمین هارا آبیاری کنند  
 تا دیگر فکر و اندیشه زمین گیری  
 و دست درازی بحقوق دیگران را از  
 دماغ خویش بیرون سازند !!!  
 اما پیران پخته کار و میدان دیده  
 فیصله نموده بودند که در دل شب  
 آنگاه که قوای دشمن بخواب باشند  
 حمله برند و شبخون زنند .  
 بگفتا جوانی که به سینه اش  
 زخمی برداشته بود تفنگش را برداشته  
 اظهار داشت :  
 دیگر حوصله ام سر رسید ، دیگر  
 تحمل کرده نمیتوانم ، میخواهم به  
 تنهائی بروم و گلوله های آن  
 شیطان صفتان را بسینه ام استقبال کنم  
 و از شجاعت و آزاد منشی افغانیان  
 در تاریخ جهان نام و نشانی بگذارم .  
 جوان «مجاهد» دیگر درنگ نکرد  
 تفنگ خود را بروی دست گرفت و

روشنائی آفتاب آهسته آهسته  
 به ضعف می گرائید و نور آن از  
 گیتی دامن میپچید و هوا از شات  
 سوزندگی خود می کاست .  
 اما گلوله باری و آتش ریزی  
 دشمن بیشتر و تیز تر می شد .  
 تا اینکه آفتاب در عقب کوه  
 های بلند و سر بفلک غروب کرد  
 و روشنائی جایش را بتاریکی  
 گذاشت !!!  
 جنگ و پیکار و باران گلوله  
 یواش یواش خاتمه یافت و غرش توپ  
 و تفنگ خاموش گردید و سکوت  
 دل انگیزی سر تا سر دشت را فرا  
 گرفت ؟  
 قوای دشمن بچونی های خود که  
 در همان نزدیکی ها آنها را بر پا کرده  
 بودند رفتند و مجاهدین بیک عده  
 فداکارانیکه تازه برای مبارزه حاضر  
 شده بودند پیوستند و به جرگه  
 پرداختند و تدبیر گرفتند ، تدبیریکه  
 نام و نشان افغان و افغانیت را در  
 جهان بلند و درخشان سازد و پرچم  
 آزادی و آزادگی فرزندان آریا را  
 بر فراز ممالک بزرگ عالم در اهتزاز  
 آورد .

\* \* \*

جوانان مجاهد و فداکار وقتی

غرش توپ ها بلند بود ، آشیندارها  
 آتشباری میکرد ، گلوله های تفنگ  
 چون باران بزمین میریخت !!!  
 مجاهدین ، آنانی که از خاک خود  
 از آزادی و حریت خود ، از ناموس  
 و وطن خود دفاع میکردند در آفتاب  
 سوزان و گرمای شدیدی در مقابل  
 مجهز ترین و قوی ترین قوای دشمن  
 بمبارزه می پرداختند .  
 قوای دشمن محلی را در اختیار  
 داشت که دارای آب زیاد و وسایه های  
 فراوانی بود !!!  
 اما مجاهدین با قوای کم ، اسلحه  
 ناچیز و لباس غیر جنگ می جنگیدند !!!  
 گلوله باری و کشت و خون  
 ادامه داشت . قوای اجنبی تیراندازی  
 های مجاهدین را به سرعت برق جواب  
 می دادند و چون باران گلوله  
 می ریختند .  
 از تعداد مجاهدین ساعت بساعت  
 کاسته می شد زیرا در هر لحظه و در  
 هر چند دقیقه جوان رشید و فداکاریکه  
 بخاطر دفاع از حق و حقوق مشروع  
 خود می جنگید هدف تیراندازی دشمن  
 قرار میگرفت و در همانجا «در سنگر»  
 جام شهادت را سر میکشید و جان  
 می سپرد !

\* \* \*



حرکت کرد. مجاهدین وقتی دیدند نمیشود او را از عزمش باز داشت لذا همه از جا برخاستند و آهسته آهسته آماده شده و او را تعقیب کردند رفتند و ماهرانه رفتند و در نزدیکی چونی های عساکر استعمارگران آنجا که پیره ها پاسبانی میکردند خود را بزمین انداخته همه چون رمه گوسفندی به زحف و چارغوک بحرکت پرداختند و پیشرفتند هنوز چیزی نمانده بود که به چونی ها برستند که یکی از پاسبانان دشمن بانان متوجه شده خواست فیر کند که «مجاهد» جوانیکه به سینه اش زخم برداشته بود و هنوز از آن خون جاری بود او را هدف قرار داده از پا در آورد .

درینوقت پاسبانان دیگر نیز متوجه شدند اما هر یک هدف تیر مجاهدین قرار گرفته و بزمین افتادند .

آنگاه مجاهدین چون سیل خروشان و مانند شیران غران خود را به چونی های استعمارگران رسانیدند ، هنوز آنان بستر های خواب شانرا ترک نگفته بودند که انبار اسلحه و مهمات حربی آنها را آتش زدند و خیمه های او شان را سوختند .

بعدهر یک از مجاهدین چندین نفر از قوای استعمارگران را بجهنم فرستادند و چنان جزای اعمال شوم آنان را بکف دست شان گذاشتند که ...

یک تعداد معدودی از آنها فقط بالباس هائیکه به تن داشتند از آنجا گریز کردند !!؟

\* \* \*

صبح شد نور و روشنائی پرده های تیرگون شب را درید مجاهدین بسوی شهر و دیار شان روانه شدند اما «مجاهد» آن افغان شجاع که پدیده آینده فتح و پیروزی و پیشوای مجاهدین

بود ، قدرت راه رفتن را نداشت ، بخود می پیچید از دهنش خون می آمد و دقیقه بدقیقه رنگش زرد و وحلش خراب میگردد و رفتنای او مردم دهکده او وقتی او را بان وضع وخیم یافتند و سائلی که او را نقل بدهند آماده کردند تا مجاهد را بخانه اش رسانند و برای اقوام و مردم دیارش از فداکاری فتح و پیروزی شجاعت و ایثار و خود گذری او افسانه گویند .

\* \* \*

مجاهدین همه فاتح و سربلند به دهکده ها و خانه های شان رفتند و «مجاهد» را به منزلش رسانیدند و از شجاعت او بمادر و نامزدش حکایت کردند مجاهد دیگر از حال رفته بود قدرت حرف زدن را نداشت فقط چشمان او برق می زد و نفسش بیلا و پائین حرکت میکرد و بس .

مجاهد بجز مادر سرسفیدی که عصای پیری و قوه قلب او بود و نامزدی که او را چون جان دوست میداشت کس و کوبی و پول و مکتبی نداشت !!! وقتی مادرش او را بان حال خراب دید داد و فریاد بر آورد و روی و مویش را کند و سر روی فرزندش را ، فرزند فداکار و خون آلودش را غرق بوسه کرد و خودش را بروی او انداخت و او را در آغوش کشید ...

بعد برخاست و پزچه ای را که به روی او انداخته بودند برداشته و جستجو کرد که فرزند مجاهد او در کدام حصه از بدن خود جراحت برداشته ... وقتی جراحت را بروی سینه او یافت مجدداً دیدگان او را بوسیده گفت .

«فرزندم» .

اکنون اگر چه ترا از دست خواهم داد و آواره و سرگردان خواهم شد

اما بمرگ تو افتخار میکنم و شیر مرا شیر جانم را وحق و حقیقتم را که بالای تو دارم بتو بخشیدم .

زیرا توحق و حقوقی را که خاک و اجتماع تو بالای تو داشت جدا کرده و چون یک فرزند واقعی وطن از آزادی و حریت آن دفاع کرده ای .

هنوز چند دقیقه ای از آوردن مجاهد نگذشته بود «جمیله» دختریکه جمال جمال او ، حسن و زیبایی و صفای او و فداکاری ایثار و سیرت و اخلاق او و رفتار و حرکات او در میان دوشیزگان دهکده ممتاز بود ، خود را بالای بستر «مجاهد» رسانید و خویش را بروی او افکند و دست هایش را به خون های روی و سینه اش مالید !!؟

مجاهد برای آخرین بار معشوق زیباییش را ، نامزدنازینش را در روی سینه خود یافت و یک لحظه آری فقط یک لحظه کوتاه در دوش او در پرتو عشق او ، در سایه محبت او ، در گرمی و حرارت دست های سفید و قشنگ او فراموش کرد و تبسم خفیف و شرینی که بجهانی می ارزید دور لبانش چرخ زد و شمع حیات او خاموش گردید . بلی !

مجاهد جلودیدگان مادر و نامزدش جان داد و روحش به آسمانها پرواز نمود !!!

اکنون چهل و هشت سال ازین واقعه می گذرد ، اما آنجا در میان آن دهکده هنوز افسانه فداکاری «مجاهد» راریش سفیدان به شیوائی و جذابیت زیادی برای اطفال و جوانان حکایت می کنند و مردم دهکده گاهگاهی به آرام گاه مجاهد که بیری سرخی بالای آن در اهتزاز است رفته بروح او دعا نموده و روانش را شاد تمنای می کنند .

«ختم»

# مردی که در فضای خارجی

## استیشن داشت!!

نیپون اشاره به پرده آبی رنگی نموده گفت: بلی! گمان میرودم مقصد شما نیز همین چیز بوده است.

اندریو که چنین فلم ها را سال ها قبل تماشا کرده بود جواب داد: من چنین یک جسم کوچک سماوی را روی پرده های تلویزیون مدت ها قبل مشاهده نموده ام.

(کشتی فضائی هر دو کیهاننورد از دماغه تحقیقات فضائی بفضا پرتاب گردیده و بعد از مدت کمی بمدار معینش قرار میگیرد.)

ازین نقطه دورسگول ها و صداهاى شبیه سگنل های رادیوئی پیوسته شنیده می شود... بهتر است هرچه زودتر بالای سیاره مطلوب فرود آئیم.

بسیار خوب - اندریو کنترل پینل را رها نموده و راکت بصورت اتومات به فضا اوج میگیرد - نیپون نیز کنترل پینل را رها کرده بارفیش می پیوندد.

نیپون بعد از سقوط اولین راکت نوع «تایتان سیاه» همواره پدراس بود و از فرود آمدن یا اوج گرفتن بلرزه می آمد. هنوز لحظه بیش مپری نگردیده بود که نیپون خویشتن را به پهلو زده گفت: منزل اقامت

«جارج» و «ماریا» را از همین جا میتوانیم مشاهده نمائیم.

اندریو - اندیشه مکن بزودترین فرصت بخانه بر خواهیم گشت! (بست دقیقه بعد هر دو کیهاننورد خویشتن را در پای یکی از استیشن های فضائی مربوط با قمار مصنوعی می یابند).

\* \* \*

نیپون - این اقسام راکت ها از نوع راکت های «تایتان» بنظر نمیخورند! (این را بگفت و عینک های سیاه آفتابی اش را در چشم گذاشت. - چه چیز هست که در چشمان

شما دیگرگون می نمایاند؟! آسمان و فضای لا یتناهی! - در برابر چشمان من بجای رنگ آبی برنگ بنفش جلوه می نماید.

- بهر حال خوش هستیم از اینکه اکسیژن صاف و شفاف را از بوتل ها تنفس نمایم.

- لطفاً به بینید در کجا هستیم؟ تمام اطراف و نواحی ما را فضای بی پایان و لا یتناهی احاطه نموده است! اندریو - آخر بگو! ایشان کجا شده اند و به کجا رفته اند؟ زیرا تصور میکنیم یک لحظه بعد با ما خواهند پیوست.

- بچه منظور و مقصد؟! - برای اینکه از امور تحقیقاتی اقماروارسی و بررسی نمایند.

پس قبل از همه بهتر است بخانه شان رفته و جای را با ایشان یکجا صرف نمائیم.

(سفینه هر دو کیهاننورد در یکی از حصص ساحلی سیمارات نزدیک تر پیاده میگردد). لحظه بعد عراده چون موتر تیز رفتار از دور نمایان گردیده و بعد از یک، توقف مختصر هر دو فضانورد با ملحقات و اثاثیه خویشتن بصوب نا معلومی بحرکت افتادند.

اندریو: این یکی از آرزوهای دیرینه ام بود راهی که موترشان دران بحرکت بود از یک سبزه زار خیلی انبوه عبور نموده و تا حد اخیر باریک مینمود برگ های درختان خرما در هنگام حرکت بسر و روی هر دو کیهاننورد تماش میگرد، رنگهای مرغوب شگوفه های درختان و مناظر زیبا و دلکش دامهای هر دو فضانورد را هر لحظه در لرزش و تپش می انداخت.

- خواص جارج و ماریا از چه قرار می باشد؟

جارج يك سردان شمند و متخصص علوم فیزیک و بیولوژی بوده است سروکارش با امواج رادیویی و علم حیه میباشد .

اکنون شاید او را در اتاق کارش مصروف کشف اشعه نوین بیا بیم .

من از دور یک تاور ، برج مراقبت و ترصد ، را مشاهده میکنم . شاید تاور کورین بوده باشد .

\* \* \*

(در عرض راه در بین بته های انبوه عمارت سفید رنگی جلب توجه می نماید که بام آهن پوش آن با بتن های گوناگون و متنوع تزئین یافته است) . حین ورود در جوار و قرب عمارت هیچ کس صدا های ایشان را پاسخ نداده و جواب شنیده نشده . و لاجرم هر دو هوانورد مجبور گردیده داخل عمارت گردیدند اینسو و آنسو را از پاکشیده ولی جزئی ترین اثری از جارج و مار یا نیافتند . امکان دارد او به برج مراقبت و ترصد رفته باشد .

شاید آنها اگر مارا میدیدند حتمی و ضروری برج را ترك گفته و بسراغ مامی شتافتند بیا که موضوع را از سكرتر او معلومات كنیم . سكرتر او عبارت بود از يك ماشين بزرگی که در یکی از گوشه های اتاق جا داده شده بود .

اند ریو با هستگی تام موج آنرا دور داده و هر دو فضا نورد به آهنگ مخصوصی چون صدای یک طفل نوزاد گوش دادند ولی دیری سپری نگشت که آهنگ مد کور بیك صدای بیم مانندی مبدل گشته و چون نطق ماهری به حرف زدن شروع کرد . میخواستیم بعد از ختم یک هفته باغ بروم و بروز هفته دو باره باز خواهیم گشت .

امروز کدام روز و تاریخ چند است .

کمی صبر کن تقویم را به بینم . اندریو جدول را روی دست

گذاشته و آنرا با دقت تام مورد مطالعه قرار میدهد .

— نمیتوانم روز و تاریخ واقعی را از روی این تقویم دریافت نمایم .

— یعنی چرا ؟

درین تقویم در طرف یکماه شش روز جمعه و هفت روز پنجشنبه نشان داده شده است که به عقیده من این هیچ امکان ندارد .

— بلی این از لحاظی میباشد که سیاره ما بسرعت خارق العاده در حرکت است و روی مدارش میچرخد .

من هم عین فکر و اندیشه را در دل می پرورائیم — این تقویم را شاید جارج خودش طرح و ترتیب نموده باشد .

— هوش کن تشویش متما جارج و مار یا هرگز بچنین کاری مبادرت نخواهند ورزید .

آیا گاهی هم این نشان و مارک آبی را مشاهده نموده اید این همان روزیست که جارج و مار یا باراکت شان به فضای خارجی پرتاب گردیده اند نشان سرخ علامه پرتاب و مارک سبز روز بازگشت ایشان را اقامه میدارد .

\* \* \*

( بروی بام عمارت آهن پوش بعضا آلات و ادواتی جلب توجه میکنند که در برابر تشعشعات رادیویی مقاومت و عکس العمل خارق العاده را از خود نشان میدهد ) .

این يك محل خیلی زیبا و خوش آیند است مثل هوای وطن مادر زمین ، هوای دور و پیش مان معطر و گوارا میباشد . ( لحظه بعد آهنگ دلنوازی چون صدای وایلون از يك فاصله نسبتا دور بگوش میرسد ) .

— این چه صدائی بود که شنیده شد!

— شاید صدای خواندن پرندگان!

— صدای پرندگان! شما چه

میگوئید . . . من هرگز پرند درین نواحی نمی بینم .

— من هرگز درین چنین يك موضع بصورت تنهائی زندگی نخواهم کرد (دقایق و ساعات زود گزر می گذرد و دامنه کشت زار و سبزه زار راپرده تاریک و ظلمت شب فرا میگيرد) .

سردی و برودت شب فضای اتاق و محوطه عمارت را دیگرگون ساخت نیبون به یکی از اشعه های دور دست اشاره کرده گفت :-

شاید جارج ازین نوع تشعشعات نیز استفاده مطلوب بدست آرد!

اندریو دفتراً جلوسخن را از او گرفته و چنین اظهار داشت : شاید روزی چون جارج و مار یا تعداد کثیری از بیولوجست ها و دانشمندان درین سرزمین امرار حیات و اقامت نمایند ، از جد اول دیوارهای منزل جارج و مار یا برمی آید که ایشان درینجا مصروف رسانیدن کمک بهوا نور دان بوده اند . هوانوردا نیکه چون من و خودت صرف برای یک یاد و شب درینجا بسر میبرند چیزی را که در روی کره زمین مشاهده میکنی زاده همین کار و فعالیت دانشمندان استیشن های فضائی بوده است .

( صدای نیبون در تاریکی و ظلمت شب آهنگ خاصی را بخود گرفته میکوشد سوال دیگری بر ریفش حواله نماید ) .

اندریو با نظر قهر آمیزی سوی نیبون دیده و هیچ نگفت .

اندریو هفت سال بود که با ما اور کیهانوردی سروکار داشت در حالیکه از اشغال نیبون درین مسلک صرف دو سال میگذشت اندریو میدانست که پدر و دحیات گفتن در راه تسخیر ماورای جوانقدر یک حادثه یا واقعه شگفت انگیز و یاس آوری نمیشد لیکن همچو یک حادثه در برابر چشمان نیبون خیلی هازنده و تراژیدی مینمود .

ایشان هر دو باین آرزو بودند که از راکت تیتان سیاه نتیجه مطلوبی بدست آید و مجدداً بصورت سالم بزمین باز گردند .



## آله قشمار خون جیبی



بالاخره آله قشمار خون جیبی کوچک  
بازار آمد. درجات طرف چپ  
اندازه قشمار را بصورت تخمینی  
و درجات طرف راست اندازه مذکور  
را بصورت دقیق تعیین میکند و الهای  
آن بصورت اتومات فعالیت نموده  
بطوریکه فشار هوا و حرارت بالای  
آن مؤثر بوده نمی تواند شیشه آن  
مقاوم و توسط قشمارتون سیلاب و بپ  
از جایش حرکت نمی کند. طرح این  
آله در آلمان صورت گرفته است.

(صدای بلندی شنیده شده و  
جارج با چهره بشاش و خندان وارد  
سالون میگردد.)

— جارج! اینقدر وقت کجا بودید؟  
— در یکی از پروژه های کیهان  
مصرف فعالیت بودم.  
— چه نوع پروژه ها؟

— پروژه های تصفیه نمودن  
اکسیژن و امور تحقیقات بیولوژیکی.  
بعد از سپری گردیدن یکشب  
دیگر هر دو کیهانورد با جارج خدا  
حافظی نموده عزم زمین می کنند.  
کشتی حامل هر دو کیهانورد درست  
در یک فرصت مناسب در یکی از  
سواحل پرتاب راکت های قاره پیما  
واقمار مصنوعی بصورت مصون بزمین  
می نیشند و چشمان دو ستان و  
خویشاوندان شان روشن میگردد.

بلی چرانی! ولی فعلاً در زمینه  
کدام تصمیمی روی دست نیست.  
— شما چه میگوئید؟  
— چیزیکه در ذهن شماست!  
\* \* \*

(هنگام همینکه آفتاب اولین اشعه  
طلایی اش را نثار جهانیان مینماید  
اندربو بصورت غیر مترقب تصور  
میکند شخصی در عقب پرده یکی از  
کلکین ها وی را بسوی خویش کش  
مینماید.)

نیپون درین هنگام در اتاق طعام  
مصرف نوشیدن قهوه و دیدن یک  
البوم هوانوردان بوده که فوتوهای  
کلیه اشخاصیکه قبل از ایشان از  
استیشن فضائی دیدن نموده اند در  
گنجاییده شده است.

— این فوتو مربوط «جان سرمیت»  
می باشد (آهسته باخود میگوید).  
نیپون از زیر چشم به اندربو  
نظر اندازی نموده و دوباره بدیدن  
البوم مشغول می شود.

— میخواهم یک کاپی این البوم  
قشنگ و زیبا را باخود ببرم!  
— اگر ممکن باشد چرانی!؟

(اندربو درین موقع بصورت غیر  
مترقب وارد سالون طعام شده و در  
گوشه مصرف نوشیدن قهوه میشود  
و چنین اظهار عقیده می نماید!)

— آیا مصر را دیده اید؟  
— بلی - دومرتبه.  
— چه وقت؟  
— فقط مدتی قبل.

نیپون با آهستگی شانهایش را تکان  
داده میگوید:

— مردی را از طریق آئینه های  
اتاق از دور مشاهده می نمایم که به  
بسیار عجله جانب مایان در حرکت  
است و از طرز رفتارش برمی آید که  
شاید جارج باشد!

— او حالا در برج مراقبت مشغول  
کارش است شما سهو کرده اید.

\* \* \*

تطبیق این مفکوره از نظر من  
و خودت خیلی ها دور می نماید. گمان  
میکنم جارج و ماریا مصروف تحقیقات  
در باره راکت های آدمخوار شده  
باشند، راکت های آدمخوار و وظایف  
بسی عجیبی را انجام میدهند که از  
آنجمله یکی هم تصفیه اکسیژن از  
هوای گرد و بخار آلود بوده است.  
راکت های آدمخوار اکسیژن صاف  
را از عناصر مختلف گرفته بعد از  
تصفیه دوباره آنها را می نماید.

در همچو شرایط هر لحظه بیم آن  
میرود که بارندگی و سایر عوارض  
جوی مشکلات و موانعی را در راه  
تسخیر فضای خارجی ایجاد نماید.  
اگر اتوموسفر فاقد اکسیژن باشد  
در آن صورت بدیهی است که بارندگی  
زیادی رخ داده و این خود مشکلاتی  
را در عرض راه بوجود خواهد آورد.

معلوم میشود که جارج و ماریا  
در یکی از گوشه های این استیشن  
فضائی مصرف کار باشند اندربو  
بعد از استماع این جملات خود رابه  
پهلوی زده و به فضای تاریک محوطه  
خویش نظر اندازی نمود. نیچون  
میخواست بهفهمد که چگونه جارج  
مؤفق گردید زندگی اش را درین چنین  
یک سیاره عجیب و غریب دنبال نماید؟  
او هکذا فکر میکرد که جارج مصدر  
فعالیت های مثبت گردیده و کلیه  
کارهایی را که انجام داده برای  
خیرو بهبود فضانوردان بوده است.  
این فرود آمدن ما را در همچو  
یک استیشن خارجی بایست کمیدی  
خواند.

چطور؟  
زیرا انسان جز اینکه انعکاس  
صدای خویش را خودش بشنود  
عکس العمل دیگری وجود ندارد.  
نیچون خنده اسرار آمیزی نموده  
بصدای بلندی گفت:

آیا امکان دارد انسان پشک ها  
را نیز درین جا تحت تربیه بگیرد؟

# آزادی ما بمهای خون پران ماست

در دنیای امروز اصل زندگی شرافتمندانه و موقف نیک جهانی رامللی داراست که با داشتن استعداد آزادی کامل صاحب يك تعداد زیاد صلاحیت های مشروع بوده و در اعمار زندگی داخلی و رفع مناقشات بین المللی عادلانه سهم گرفته می تواند بهمین اساس پروبلم هائیکه ناشی از اعتلای سویه زندگی کشور بمنظور رفاهیت يك زیست مرفه که از طریق تشبثات مربوط به حصول منافع ملی که مطابق ایده های مردم بدرجه اول آرزو

میشود تعلق به ملتی دارد که از نعمت آزادی کاملاً برخوردار باشد .  
در آسیای مرکزی افغانستان باستانی که با داشتن حیثیت آزادی و شخصیت، بین المللی خویش در بین این جهان پر آشوب ، مقتخر است. امروز مردم آن ورودچهل و نهمین سالگه استرداد استقلال کشور عزیزشان را بار دیگر جشن گرفته و با تجدید و استقبال شایانی از بن عید ملی در هر گوشه و کنار وطن به شادی و مسرت می پردازند. شور و احساساتی که مردم مانسبت به استقلال خویش درین روز های فرخنده ابراز میدارند ایامی را بیاد میدهد که امپریالیزم غرب استقلال ما را به مخاطره انداخت و تمناداشت که شئون ملی و عنعنوی مردمان این سرزمین را که در عمر تاریخ با مجد و شرف زندگی نموده است بانقوذ استعمار جوی خویش تهدید بدارد چه در همان آوانیکه قدرت استعمار گران رفیع تر شد و بسا سرزمین های عالم را در قید اسارت خویش محدود ساخت دستبرد و تصرف بوطن عزیز ما هوا و هوسی بود که در افکار امپریالیستی نقش خیال گرفت چنانچه برای تعمیل مفسکوره ناقص خود ها بدون آنکه به عاقبت کار بیندیشند عملاً دست بکار شده و با يك قدرت گرم شروع به پیکار نمودند .  
اما از آنجائیکه آزاد زادگان این کوهسار در طی اعصار مفتخرانه زندگی نموده و هیچ گاه اهانت و بردباری را قبول نکرده است و بر علیه قوای امپریالیزم که با سلاح و وسائظ مدرن همان وقت مجهز بودند مردانه وار

## آله اندازه گیری

### ارتقاعات



با این آله ارتقاعات را از قبیل بلندی کوه ها بدون اینکه نیازی بصعود باشیم معلوم نموده میتوانیم ، آله مذکور توسط کومپانی زایتس ایگون آلمان ساخته شده و در نمایشگاه صنایع هانور بمعرض نمایش قرار داده شد و ضمناً مورد استقبال زیاد قرار گرفت ، آله مذکور کوچک و ساده بوده بسهولت قابل ترانسپورت بوده و کار آن نهایت دقیق میباشد .

نویسنده

مید عبدالرشید برهانی  
دوهم بریدمن دافع هوا

قیام نموده و باضرب به سنگینی چنان شکستی را بر او شان تحمیل نمود که دوباره روی نیاورده و در بساط خاطر شان جز از ندامت خاطرۀ دیگری باقی نماند .

گرچه امپریالیست های آشوبگر در بادی امر و جریان کر از هیچ نوع فتنه گری چه از نگاه قوای عسکری و چه از نقطه نظر فعالیت های سیاسی دریغ ننمودند مگر مجاهدین فولادین همت مامتکی به عزم واراده آهنین خویش به فعالیت های شان پایان داده و آن هارا از خاک خویش مطرود نمودند .

نتیجه این نبرد ملی که صدها جوان کوه پیکر مابخاک و خون غلطید و جسد های مجاهدین ملی در دریای خون شنا مینمودد بالاخره به شاهد گنار آزادی عوض گردیده شهدای راه آزادی استقلال را به ما امانت و خونریزی را در راه وطن و آزادی به نسل افغان درس عبرت گذاشتند .

بدلیل وافرایی که موجود است حس وطنخواهی و ملیت پروری گرچه در عرق و خون همه مردمان ملل یک وصف قطری بشمار می آید اما مردم ما ازین نیرو استفاده نموده در صحنه عمل از آن مستفید گردیده است که افتخار آزادی امروز ما بهترین دلیل این امر میباشد .

به همین ترتیب ملت باشهامت افغان در بحرانی ترین مواقع زندگی حتی در آوانیکه میگویند شیرازه وحدت ملی مادر اثر عواملی متزلزل بوده پدران افغان در صورت بروز نیت سوء و تقابل به حوادثیکه شرف افتخار و

خواسته های ملی ما را تحدید نموده است گردهم آمده متحدانه به مدافعه گذشته اند که اوراق تاریخ ما را زیادتر این نوع مقالها احتوا میدارد بهر حال در سر زمین شرق افغانستان نخستین ملتی بود که در پیکر استعماری غرب رخنه در آورد و راه را برای بساملی که از فقدان آزادی در رنج اسارت و استثماری غرب حیات بسر می برد باز نموده است مادر حالیکه به تفرعات صحنه جنگ محاربه استقلال داخل نشده و نتیجه قطعی قربانی های مردم افغان به استرداد استقلال افغانستان عزیز اعلام

ای افسر نو جوان افغان  
افسوس که نام تو ندانم  
کافیست بفکر بنده نامت  
سر با ز غیور آریا نسا  
آزاده جوان بست و غزنین  
نوباوه باد غیس و کابل  
کههدامن و ننگرهار و لغمان  
و ابسته به میان و قندز  
چون کوچه تند و تیز سرکش  
از سیل گرفته درس جنبش

از تیغ تو روز جنگ و میدان  
اعداد شده مضطر و هراسان

حقا که تو عسکری فداکار  
ثابت شده اینک پانگیری  
میراث گذشتگان کنی حفظ  
خیزی بدفاع ازین کهستان  
از ضربت تانک و توپ و هاوان  
ما شینگن تو بر یزد آتش  
تا دست تو است و قبضه تیغ  
از بهر ثبوت ابن حقایق

تا کس نفند بشبهه لاف  
دانند که حرف من بود صاف

اکنون که ستم زد دست دوران  
از شدت در دو سوزش تن  
بالا رفته ز حد عادی  
که سرفه ز کف ر بوده طاقت  
که درد سرو فشار اعصاب  
آفت بدل و جگر رسیده  
چون آفت سینه گشته مزمن  
گردید برون تونف خون

گویند که نقل دم بکار است  
ور این نکنند کار زار است

بینم که غبار غم نمایان  
دل شسته ز زندگی من  
الحق که نمانده است امید  
است از رخ اقر با و یاران  
احباب و برادران و خویشان  
جز لطف عمیم ذات منان

ای ضابط با صفا و ایمان  
زان نامه شده بدون عنوان  
فرزند دلیر کوهساران  
پرورده بلخ و غور و پروان  
هلمند و تخار و زابلستان  
کاپیسی و پکتیا و بغلان  
فراه و هرات و جوزجانان  
دل داده اوگر و بدخشان  
چون پنج متهن شده خرامان  
آموخته سختی از کهستان

آماده جنگ و رزم و پیکار  
از عرصه سردهی و ایشار  
با گرزگران و تیغ خونخوار  
بر روی عدو چو شیر نیزار  
خصمت سازی زبون و ناچار  
بر دشمن بد سگال کهسار  
بدخواه وطن بود نگو نثار  
یک واقعه را نمایم اظهار

تن خسته و ناتوان و کم جان  
چون مار بدور خویش پیچان  
مقدار تب و شمار نبضان  
معروض نموده تن به نقصان  
که سستی پا وضع و غشیان  
ششها دیده ز درد تاوان  
خون همزه سرفه یافت جریان  
از حوزه قدرت طیبیان



گردیده است باید بگویم که حصول این عطیه گرامی و یانعمت آزادی را که امروز در قبال آن همه تمنیات مردم مابه اساس خواسته های مشروع خودشان تکوین می گردد باتسکیتیک و پرستیژ مدبرانه اعلیحضرت شهید سعید محمد نادر شاه غازی که در رأس مجاهدین ملی مابحیث یک قوماندان باشهامت ویک رهبر مبتکر قرار گرفته بود نصیب ملت افغان گردیده است استقلال وطن عزیز ما که از وجود آن تامينات زندگی ملی ما مهیا میباشد موضوعیست که مردم افغانستان آن را بهتر درك نموده ویک لحظه زندگی

شرافتمندانه را بر عمری از زندگی بردگی در طول تاریخ ترجیح داده است. چنانچه شکست فاحش انگلیس ها در افغانستان، احساسات آزادی دوستی شهامت و قهرمانی ای که در دوران نبرد از مردم مابظهور رسیده است بر همه مردم دنیا و اضح و آئینه سان بوده حتی خود انگلیس ها به آن اعتراف دارند .

مردم افغانستان عزیز که از وجود آزادی کامل خویش غرور ملی داشته و تحت قیادت پادشاه محبوب خویش که بارهبری خردمندان شان اردو و ملت افغان را به ترقیات بزرگی نایل آورده و کوکب بخت شان مؤجد نهضت های نوین و حامی افتخارات ملی ماست در حفظ و بقای آزادی خود ثابت و متین بوده حفظ استقلال وطن عزیز را سر مشق همه فعالیت های حیاتی خویش می گمارند چنانچه در قانون اساسی کشور که باتوشیح شهریار جوان ماشرف تزئین یافته و شامل حال مردم گردیده است حفظ تمامیت خاک و صیانت استقلال افغانستان اصل اساس این وثیقه ملی را متشکل می سازد .

در خاتمه بحیثیک منسوب اردوی شاهی افغان که در راه وطن و وظیفه درس فداکاری و سر بازی گرفته بروح پناک اعلیحضرت شهید سعید بانای آزادی وطن، و آن راد مردانیکه در معر که استقلال وطن عزیز شربت سرگراچشیده و آزادی را برای ما بودیعہ گذاشته اند اتحاد دعا نموده و بروح مبارک شان همیشه و خاصتاً درین روز های متبرک جشن آزادی که محرک انقلابات و احساسات و وطن دوستی ماست اطمینان میدهم که در حفاظت و نگهداری این امانت عظیم شان مانند آن ها از ریختن خون خود دریغ نکرده و تا وقتیکه جهان عمر دارد آنرا پایدار نگاه خواهیم نمود .

حزن الم است ویاس و اندوه  
در حال چنین خراب تاپید  
یعنی که زسوی تو پیامی  
کز راه فتوت و مسروت  
با اینکه نباشد آشنایی  
از خون صفا و خالص خود

مصرف بجات من نمایی

با همت خاص آریایی

با اینکه مرا است حالت زار  
با اینکه بمنع کار و کوشش  
با اینکه بتن توان نباشد  
فکرم که توان کار دارد  
در بردن دست سوی خامه  
اینست که میکنم ز اخلاص  
ای مرد مبارز و دلاور !  
زین قاصد و زین پیام باشد  
شاید که دلاوران افغان

سر بازی زادگان کشور

زین واقعه میشود مصور

لیک ای پسر عزیز افغان  
خون چم و قاتل ضحاک است  
این خون کنشکای کبیراست  
این خون یمن الد وله باشد  
این خون شهان غور و سوریست  
خونیست که ثبت کرده هرجا  
خونیست که ریخته بیوند  
خونیست که ریخته بسه جنگ  
خونیست عزیز و ناب و صافی  
بگذار که وقت رزم و پیکار

در راه وطن نثار گردد

صرف ره افتخار گردد

عبدالغفور احمد پیر وانی

# عمیات

## جاسوسی

### ن

### ناوارا

### رون

ترجمه و تلخیص  
عنایت الله «مایاره»  
از ق. م.

پنج تن از جاسوسان پر مهارت انگلیسی در  
حرب دوم جهانی وظیفه میگیرند تا ماموریت معروف  
تخریب توپهای «ناوارون» آلمانی را بر عهده بگیرند  
و این توپها دایم راه پیشرفت کشتی های متفین را  
بسوی ایتالیا مسدود میساختند و صدها فروند آنها را  
در قعر آبهای متلاطم مدفون ساخته بودند و هیچ  
کشتی ای قادر نبود که از آن منطقه عبور کند.  
جاسوسان ورزیده، در حالیکه لباس عسکری  
خاکی به تن کرده اند از اسکندریه خارج و بوسیله یک

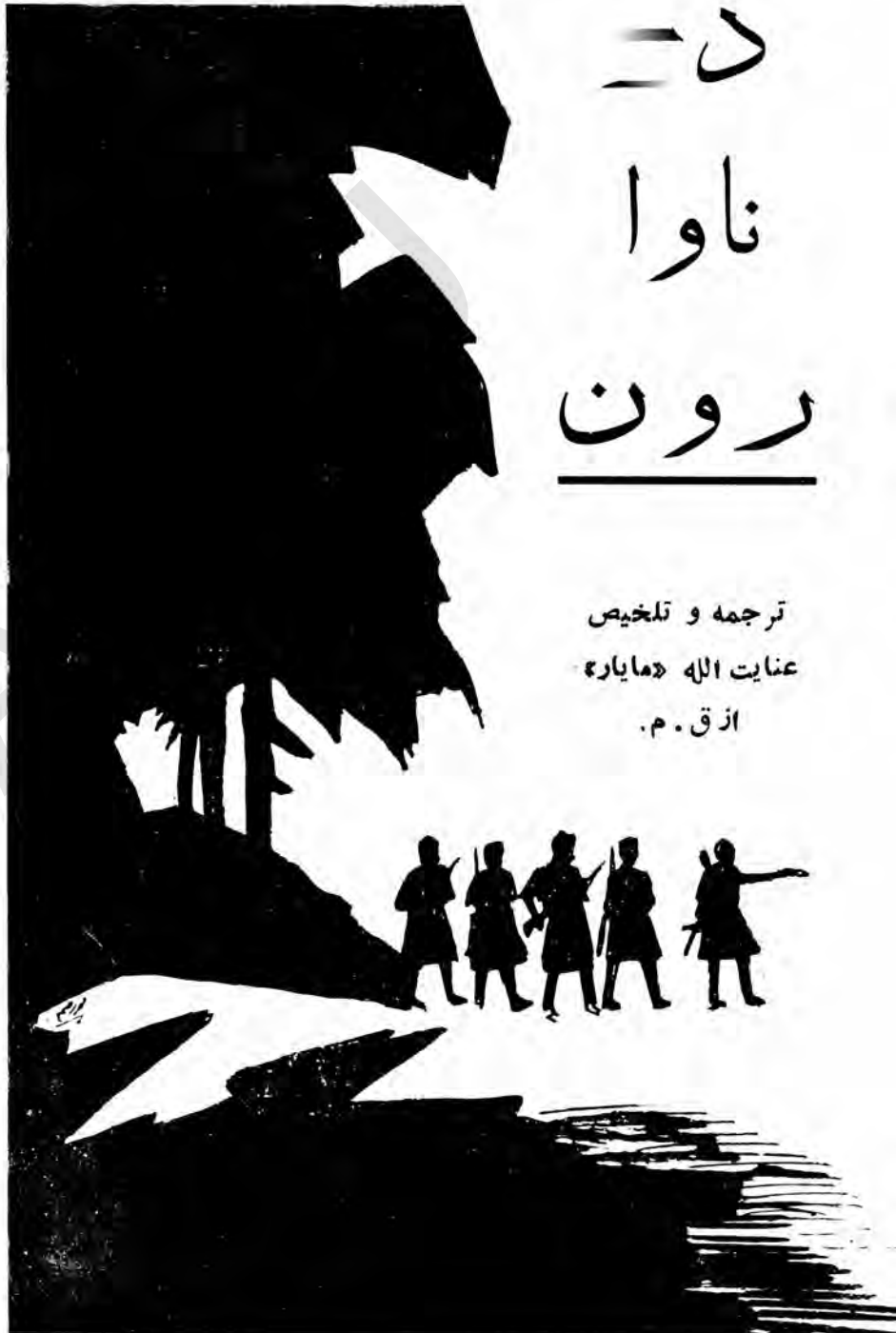
قایق موتوری خود را به وسط دریا  
میرسانند در آنجا یک طیاره مخصوص  
دریائی در انتظار آنان است. پنج  
مامور سوار بر طیاره میشوند و طیاره  
دریائی بصوب «کاسل روسو» به  
پرواز درمی آید.

این پنج تن در بین طیاره جا می  
های خود را عوض کرده، یونیفورم  
صاحب منصبان دریائی را می پوشند  
و بلافاصله طیاره در نزدیکی «کاسل  
روسو» بر آب نشسته، قایقی نزدیک  
می شود و آنها را به بندر هدایت  
میکنند و در آنجا یک دگروال انگلیسی  
که بانقشه قبلی در آنجا آمده است،  
از پنج جاسوس استقبال میکند و آنها را  
بدرون یک کلبه ماهیگیری در ساحل  
دریا می برد. در این کلبه اطلاعات  
جامع تری پیرامون این ماموریت به  
این جاسوسان داده خواهد شد...

«مالوری» قوماندان جاسوسان  
او امر لازم را از دگروال انگلیسی  
دریافت میدارد. همراه این او امر  
نقشه کاملی از جزیره «ناوارون» و  
قلعه معروف آن در اختیار «مالوری»  
گذاشته می شود... دگروال انگلیسی  
بالحن آمرانه ای خطاب به آنان  
میگوید:

«ماوسایل کامل را برای این  
مسافرت مهیا کرده ایم. شما باید  
در طول این مسافرت با احدی تماس  
نگیرید. بعد از ورود به جزیره  
«ناوارون» باید خود را به قصبه  
«مارگارینا» در چهل میلی شمال شرق  
جزیره برسانید. این قصبه درون  
دره باصفائی قرار گرفته و در آنجاست  
که میتوانید بایکی از جاسوسان بومی  
ما که نام مستعارش (لوکی) است  
تماس حاصل کنید.

«لوکی» به زوایای پنهان قلعه  
ناوارون آشنائی دارد و میتواند  
شمارا تا شهر ناوارون و قلعه ببرد.  
شما درین مسیر طبق امر باید مکرراً  
لباس خرد را عوض کنید و رنگ یرنگ





پاك كردن كلکين ها و آئينه ها  
برای خانه ها و اوكر ها يك كار  
تكليف دهنده است ولی از هم كلکين  
های عادی همیشه پاك کرده میشود  
در حالیکه آئينه های خیلی بزرگ در  
خانه های نشيمن مودرن خیلی مشکل  
است برای رفع این جنجال آلّه ساده ئی  
اختراع گردیده که مشکل از يك  
دسته متحرك میباشد در اخير آن  
قسمت پهن دارای را بر قرار دارد  
که آب را یکسان بروی شیشه هموار  
میکند آبوقت . بروی آن يك پرده  
اسفنج جاذب قرار داده میشود که  
حاوی يك طبقه چرم نرم میباشد و این  
طبقات شیشه ها را از هر نوع کثافت  
پاك میکنند . گبرای کوچک آن سبب  
تبدیل کردن عاجل طبقات مذکور  
میگردد باین وسیله ساده ارزان وسبك  
در طی يك ساعت میتوان تمام پنجره های  
يك اتاق را تطیف کرد .

خود فوق العاده حاکم است ، خطاب  
بدوستان خود میگوید احتمال دارد  
آلمان ها باشند .  
و آنگاه با دور بین شروع به

جابجا میسازند . این مالزمه ها عبارت  
از کیسه البسه کهنه ، غذا ، چراغ  
پریوس ، کفش های کوه نوردی ،  
چکش ، گل میخ ها ، تبر های کوه نوردی ،  
طناب مخصوص سیعی ، دستگاه  
بی سیم ، دو تفنگچه ماشيندار ، يك  
تفنگچه موزر ، چراغ جیبی و انواع  
مختلف ماین ها بچشم می خورد . قایق  
موتوری به حرکت می افند و سر نشینان  
را به وسط دریا به محلی که يك طیاره  
دیگر دریائی در انتظار است  
میرساند ...

طیاره دریائی به پرواز در می آید  
و سواری های خود را به نقطه دور  
دستی میرسد ، در آنجا يك کشتی  
جنگی در حالیکه در بین آن کدام  
سواری موجود نیست بچشم می خورد  
ساختمان این کشتی بقسم کشتی های  
تجارتی ساخته شده است ، جاسوسان  
بعد از آنکه در بین این کشتی سوار  
می شوند آرام در دل آب های شفاف  
دریائی «اژه» پیش می رود . هوا  
آرام و صاف است باز ملایمی می وزد  
و از جانب جزایر مجاور بوی عطر  
گل و ریاحین بارغان می آورد .  
آنان لحظه به لحظه به جزیره ناوارون  
تزدیک میشوند . اما دریای آن  
حدود بوسینه افراد مترصد و مؤظف  
آلمانی محافظت می شود . پس از  
يك روز راه پیمائی يك طیاره دریائی  
آلمانی از بالای کشتی اینها عبور  
میکند ولی به تصور اینکه این يك  
کشتی تجارتي یونانی است اما وجود  
این طیاره جاسوسان را فوق العاده  
مضطرب میسازد . اما قوماندان این دسته  
پنج نفری عقیده داشت که نباید به  
آنان فرصت داد و می باید تا آخرین لحظه  
پیش رفت .

در غروب آفتاب وقتی تاریکی  
نامحسوسی بر دریا پهن می شود ، يك  
کشتی آلمانی از دور ظاهر میگردد  
«مالوری» در حالیکه بالای اعصاب

شوید . این مسئله برای اغفال دشمن  
است تارد پای شمارا گم کنند .  
زمانیکه جاسوسان سرگرم سخن  
گفتن هستند ، ناگهان «آندره» روی  
يك کاغذ سفید جمله ای مینویسد و به  
دست یکایک از دوستان خود میدهد .  
روی این کاغذ نوشته شده است :  
«لطفاً به سخن گفتن خود ادامه  
دهید . . .» بعد از آن از جای برخاسته  
آرام آرام بطرف در می رود . بایک  
حرکت سریع در را باز میکند ناگهان  
دوستان او مرد ژولیده موئی را  
می بینند که گوش خود را به در  
چسبانیده ، مشغول شنیدن گپ های  
جاسوسان است . آندره به او فرصت  
نداده ، وی را بدرون میکشد و در  
مقابل دیدگان وحشت زده دوستانش ،  
کارد تیز خود را در دل وی جا  
میدهد ...

دگروال انگلیسی با همان آرامش  
قبلی به سخنان خود ادامه داده ،  
میگوید :

آقایان ملاحظه کردید که در  
هر قدم جاسوسان دشمن بد نبال شما  
هستند . باید کاملاً جوانب احتیاط  
را رعایت کنید ، و گرنه سرنوشت  
شمانظیر سرنوشت سیاه صدها تخریب  
کار قبلی خواهد بود که هرگز  
موفق به خاموش کردن توپهای ابدی  
ناوارون نشدند ...

جاسوسان انگلیسی اینبار درون  
کلبه کالاهای خود را عوض کرده ،  
لباس های ژولیده و پاره پاره ماهیگیران  
یونانی را برتن میکنند . ریش های  
خود را بلند جور نموده و «مالوری»  
و «استیونسن» نیز ریش مصنوعی بخود  
می بندند . بدینترتیب در حالیکه  
قیافه ظاهری خود را کاملاً تغییر  
داده اند سوار بر قایقی که سرعت  
حرکت آن فوق العاده زیاد است  
می شوند . اینها نخست مالزمه های  
خود را که همراهی خود دارند خوب



ترصد میکند. نمی بیند که آلمانی است بسرعت بجانب آنان می آید.

«مالوری» فریاد میزند: خود را به هر کار مشغول کنید. هر کس به کاری مشغول می شود. یکی تو را ماهگیری می بافت، دیگری هم کالای خود را می دوزد... کشتی آلمانی به کشتی نزدیک شده، درد و متری متوقف می شود. روی عرشه کشتی يك سرباز آلمانی عقب ماشیندار ثقیل خود را آماده ساخت و سه سرباز دیگر در حالیکه هر کدام يك تفنگچه ماشیندار بدست آماده قرار گرفتند قوماندان کشتی آلمانی در حالیکه رو به «مالوری» کرده است با لهجه انگلیسی خطاب می نماید:

شما کی هستید؟

اوصاحب منصب زیر کی است. زیرا برای غافلگیر کردن سرنشینان کشتی که ظاهراً به آن همه ریش و بروت قیافه یونانی ها را دارند انگلیسی حرف می زند. اما جاسوسان انگلیسی مردان ورزیده و با تجربه ای هستند. «مالوری» دست روی گوش نمود میگردد و زبان یونانی میگوید: چه میگوئید؟

صاحب منصب آلمانی اینبار با تلاش و کلمات ناقص زبان یونانی از آنها در باره مقصد و مسیر شان سوال میکند.

درین لحظات حساس «مالوری» به زیر کرتی خود که در حال دوختن آنست، يك تفنگچه ماشیندار بحال آماده باش دارد... و در زمانیکه صاحب منصب آلمانی مشغول صحبت است، آتش بر روی او و سه سرباز دیگر میکشاید آنان قبل از آنکه بتوانند کوچکترین عکس العملی از خود نشان دهند، در آب دریا سراسرنگون میشوند و در همین فاصله کوتاه «آندره» و «استیونس» با پرتاب چند بمب دستی کشتی آلمانی را منفجر

## ارتباط مخابره، تعقیب و رهنمائی اقمار، کشف

بقیه صفحه ۷۹

سلول های احتراقی: درین زمینه تحقیقات دامنه داری جریان دارد تا اکسیجن و هیدروجن را با الکتریک و آب تبدیل نماید.

۴- سناب (سیستم قدرت تغذیه احتیاطی ذره وی) این سیستم بمقصد انکشاف انرژی ذره وی با الکتریک تحت تجربه قرار داده شده که از دو نیم وات الی ۱۰۰۰ کیلووات قدرت الکتریکی را تولید خواهد نمود این سیستم قابلیت تغذیه الکتریک تمام کشتی فضائی بین السیارات را دار خواهد بود. جهت اكمال مقاصد مختلف یکی ازین ریاکتورها بخلا پرتاب گردیده است که حین دور خوردن و یا داخل شدن با تموسفر محترق میشود و یا خیر. فی الواقع این سیستم میتواند به پروگرام های بیسیم، تلوزیون اقمار مصنوعی ارتباط مخابره و دیگر اقمار مكملاً تغذیه الکتریکی را تأمین تا آنرا به مسافت برده باخته ها واستیشن های مخصوص زمینی ارسال نماید.

الکتریکی مبدل مینماید تغذیه میشود و بنام (وسایل فتو الکتریک) یاد میشوند.

بر علاوه این ایالات متحده امریکا طرق زیاد تغذیه الکتریک و سابل خلائی را تحت مطالعات دقیق قرار داده است این تتبعات در موارد ذیل صورت میگیرد:

۱- انکشاف بطری های آفتابی: سیستم های بطری های آفتابی را بمقصد تزئید قابلیت حاصله و انکشاف مقاومت در مقابل خطرات تشعشعی تحت تجارب و تحقیقات متنوع قرار داده است.

۲- سن فلور: درین پروژه يك منعکسه مانند چتری انکشاف داده شده است. این آله حرارت آفتاب را بيك نقطه معین بالای سیماب تمرکز داده تا آنرا بجوش آورده بعداً آن را در يك توربین رهنمائی کرده تا جنراتور الکتریکی را بجرکت بیاورد این منعکسه قطر ۳۲ فوت را دارا خواهد بود.

حقیقت تلخ بوقوع می پیوندد. ولی جاسوسان با استفاده از تخته چوب ها در حالیکه وسایل کوهنوردی و انفجار را روی پشت خود حمل میکنند در پای صخره عظیم جزیره پیاده میشوند باران بشدت می بارد و آنان کاملاً لذاتر شده اند زمان نیز کم است و باید بدون فوت وقت خود را به سطح جزیره برسانند. ارتفاع این جزیره صد خطوه است. باید این پنج جاسوس با مهارت از آن بالا روند. قوماندان آنها «مالوری» عقاب کوهستان هاست او ریسمان کوهنوردی را با زحمات زیاد در بالای صخره محکم میکند و بدین وسیله جاسوسان از طناب بالا می روند. اما «مالوری» بالای صخره

و غرق میسازند ازین پس ماموریت اینها حالت خطرناکی را گرفته است هر لحظه امکان دارد قوای آلمانی فرا برسند. زیرا وقتی نتوانند بوسیله رادیو با قایق مغروق آلمانی تماس بر قرار کنند، به عقبش خواهند آمد اینها مجبور شدند که با سرعت هر چه تمامتر کشتی را بسوی ساحل «ناوارون» پیش ببرند، روز بعد کشتی در نزدیکی های صخره های ناوارون میرسد، اما دریا طوفانی است. امواج کشتی را چون پر کاهی نازی میدهد امکان نزدیک شدن به صخره خیلی کم است زیرا در بک لحظه ممکن است موجی آنرا به صخره کوبیده و جا بجا متلاشی سازد. سر انجام این

تا گه‌ها متوجه می‌شود آلمان‌ها یک محل ترصد بالای صخره تیار کرده‌اند... «مالوری» چند لحظه خود راوی طناب محکم میکند و در انتظار فرصت مناسبی است که پهره دار آلمانی پشت باو کند... سرانجام این لحظه فرا میرسد و او با یک کارت تیز از عقب پهره‌دار را از پای در می‌آورد. آنها با اینکه چندین بار خطر پرتاب شدن از صخره و سرگ‌ایشانرا تهدید کرده است، بالای جزیره رسیده، در انتظار عملیات بعدی هستند در همین موقع تیلفن اطاق‌کک محل ترصد بصدا در می‌آید. این

زنگ را پور خیریت است تا پهره دار هر يك ساعت یکبار سلامت خود و اوضاع محیط را پور بدهد. «مالوری» لحظه ای بفکر فرو میرود حال اگر کسی جواب تلفن را ندهد، آلمانها بلاشک برای جستجو به آن حدود خواهند آمد. چه باید کرد؟ درین میان باید یکی از پنج تن فداکاری کرده، در آنجا باقی بماند و گزیده هارا معطل کند و درین فاصله دیگران به پناهگاهی برسند. و مالوری بخوبی میداند که در جنوب شهر ناوارون غارهای متعددی در دل کوه وجود دارد که میتواند آنها

را بخوبی جای بدهد و از افشا شدن درامان دارد. «استیونس» که هنگام صعود از صخره پایش بسختی مجروح شده و تقریباً قادر بحرکت نیست، داوطلب مقاومت و مبارزه می‌شود زمان بسرعت می‌گذرد و دیگر چیزی به آمدن گزیده های آلمانی باقی نمانده است خرابکاران از دور صدای گزیده های آلمانی را که با موزه های سنگین خود راه می‌روند، میشنوند. آنان نور چراغ جیبی های پر نور خود را در جهات مختلف حرکت میدهند و پیش می‌آیند سر باز آن آلمانی بالا پوش های چرمی بلندی پوشیده، کلاه بزرگی بر سر گزارده‌اند تا از گزند باران در امان باشند یکی از آنان که ظاهر قوماندان آن چند نفر است بزبان آلمانی فریاد میزند: تمام نقاط بالای صخره را جستجو کنید.

چهار جاسوس، پس از جمع آوری وسایل آرام براه می‌افتند و بقطب نما و نقشه بجای غارهای ناوارون رهسپار می‌گردند. اما «استیونس» برای اغمال گزیده های آلمانی با فیر چند مرمی آنان را بسوی خود متوجه می‌سازد. و درین فاصله است که دیگران گریخته خود را به پناهگاه می‌رسانند. «استیونس» مرد مبارز و ورزیده ای است با استفاده از تار یکی، بحال خیز و خزیده از آن حدود می‌گریزد و خود را بیارانش می‌رساند آنان يك شبانه روز در آن غار سرد و تاریک باقی می‌مانند و با اینکه «استیونس» سخت زخمی است با اینحال مقاومت میکند. دوستان او عقیده دارند که باید «استیونس» را کشت زیرا او هر قدر وفادار و راز نگهدار باشد، در صورت اسارت نمی‌تواند در مقابل نازی‌ها مقاومت کند. زیرا آنان ماده ای خفته‌اند به نام «سکوپولانین» که با تزریق در رگ اسیران، آنان را وادار به سخن گفتن مینمایند. با اینحال

### بزرگترین چشم مصنوعی بسوی ماورای جو



اخیراً رصدخانه پالومار آمریکا واقع در کالیفورنیا در تلسکوپ عظیم خود یکک آئینه پاره بولیک خیلی بزرگ را قطر پنج متر نصب کرد تا با آن دانشمندان بتوانند مسافت بعیدتری را در کیهان مشاهده کنند و از احوال ستارگان مطلع گردند. در حقیقت با این تحول جدید قوی‌ترین چشم مصنوعی بسوی ماورای جو برای دریافت مسایل کیهانی بازمی‌گردد.

## منبع اکسیژن برای کیمهان نوردان



قرار دادند .

بدو مثل همیشه حیوانات بعوض انسان تحت تجربه قرار داده شدند عکس فوق یک کوبای کوچک را در یک محفظه بزرگ شیشه‌ای که مملو از نباتات است نشان میدهد . محفظه مذکور کاملاً مسدود بوده و تنها حاوی نور آفتاب میباشد تا یکمک آن نباتات عملیه اخذ یک گاز و آزاد نمودن گاز دیگر را اجرا بتواند .

برای پرواز های طویل المدت کیمهان نوردان یک مسأله مشکل عبارت از تهیه اکسیژن تنفسی است . اخیراً دانشمندان در صدد یافتن یک منبع برای حل این مشکل افتاده اند . خاصیت اخذ کاربن دی اکسید توسط نباتات و آزاد نمودن اکسیژن توجه دانشمندان را در ویانا بخود جلب نموده و آنها اسکان این را که نباتات را بیحیث مواد اکسیژن در ماورای جو بکار برده شوند تحت مطالعه

یونیفورم صاحب منصبان المانی را برتن کرده ، سوار بر تیز رفتار بنز می شوند و بصوب قلعه « ویا گوس » که همان قلعه ناوارون است حرکت مینمایند هر سر باز جلو می آید « مالوری » بالمجه غلیظ آلمانی او را عقب می زند سرانجام وارد قلعه می شوند اما چند لحظه بعد قوماندان آن قلعه که از ورود دو صاحب منصب ناشناس آگاهی یافته است افراد را به جستجوی ایشان می فرستد . « مالوری » بلافاصله به در آهنی که در مدخل جای توپ ها و یک مقدار مهمات آن قرار دارد نزدیک میگردد این دروازه فولادی با عظمت بوسیله دو بهره دار قوی هیکل محافظت می شود . « آندره » و « مالوری » در حالیکه کمی گل بصورت خود مالیده اند تا دیده نشوند ، در تاریکی پیش

بامید پیروزی از کشتن او صرف نظر میکنند . « آندره » روز بعد لباس سفیدی بر تن میکند . این لباس بخاطر کمو فلاژ در برف است زیرا در دامنه جبال « کور کوستوس » که از کوه های جزیره ناوارون است برف ضخیمی باریده و تا دهکده « مار گارتیا » زمین آکنده از برف است آندره اسکی های سفید را به پا کرده تفنگچه موزر ۷۹۲ میلیمتری را با خود گرفته با دور بین دستی بطرف قریه مار گارتیا روانه می شود آندره نشانچی ماهری است و خود را با هر گونه خطر آماده ساخته است . زیرا در سراسر جزیره ناوارون نیرو های آلمانی از وارد شدن افراد مشکوک با خبر شده اند ولی بدستی نمی دانند کجاستند؟ چند نفرند؟ و برای چه منظور آمده اند؟ نازی ها به تلاش افتاده اند و در سراسر جزیره ناوارون به جستجوی تخریب کاران پرداخته اند .

« آندره » در یک شکاف کمین کرده است . ناگهان این فکر به خاطرش میرسد که باید برای ایجا در عب وهراس و آشفتگی در صفوف آلمانی ها قوماندان جزو تام نازی را بقتل برساند از اینرو قوماندان آنها را از شکافیکه در یکی از حصه های صخره که کمین کرده بود هدف مرمی خود قرار میدهد و مرمی را به پیشانی آن اصابت میدهد ازین لحظه است که ناامنی و وحشت غریبی در میان سربازان پدیدار میشود و درین میان آندره فرصت میابد از چنگ آنان بگریزد . تخریب کاران بدینسان از طرف شب وارد قصبه « مار گارتیا » شده با شخصی بنام « لوکی » که دارای اطلاعات کافی در زمینه توپ های ناوارون است ملاقات مینمایند او پنج تخریب کار را به پیشه ای که در پنج یاردی قلعه قرار گرفته است رهبری میکند آنجا « خرنوب » نام دارد و از آنجاست که حساس ترین قسمت عملیات آغاز می شود . « لوکی » یک تیز رفتار بنز سیاه برای آنان مهیا ساخته است « مالوری » و « میلر »

می آیند دو بهره دار بنشیندن صدای پدای مشکوک نور چراغ قوی را در فضا و زمین بحرکت در می آورند تا افراد مشکوک را پیدا کنند . ولی « میلر » قبل از آنکه بهره دارها بتوانند کاری انجام دهند با تفنگچه بیصدا از پای در می آیند و دسته کلید را از کمر آنان باز کرده ، در عظیم فولادی را میگشایند آندو بسرعت وارد می شوند . در کنار در آسانسور برقی عظیمی وجود دارد که به محل مهمات توپها پائین می رود و آلمانها بکمک آن ، مرمی های که هفت تن وزن هر کدام آنست بالا می آورند . در این فاصله آندره و دوستانش سایر سربازان آلمانی را در خارج قلعه متوجه خود ساخته اند تا « میلر » و « مالوری » هر چه زودتر ماموریت



## ماشین جدید قلبیه

### که پل های آن بشکل بیچ است



در مسابقات جهانی سرعت قلبه - کاری زمین که در سال گذشته در مملکت «نارویژ» اجرا گردیده پل های بیل ماشین جدید ساخت کمپنی «فیس کارس» فنلندی مقام اول را احراز کرده است. این پل ها ریکاردهای سابق را به عقب انداخته پل های مذکور ( که عکس آنرا سلاخه میکینید) در یکی از ستیندهای نمایش گاه و سایل تخنیکي زراعتی در شهر مسکو بمعرض تماشا گذارده شده بود.

صفت شاخص پل های آن ماشین ساخت کمپنی «فیس کارس» در شکل گیراهای آن به نظر می آید قلبه کردن اطمینان بخش زمین وامحای نباتات بیکاره از آن در موقع قلبه به نسبت آنسکه تسمت خاك بریده شده به زاویه ۱۸۰ درجه غلطانیده میشود اجرا میگردد. برای اینسکه در وقت قلبه از سرعت زیاد کار گرفته شود متخصصین کمپنی «فیس کارس» پل ها را به شکل مار بیچ و دراز ساخته اند. جای قابل بحث در این ماشین این است که در سال ۱۸۶۴ کمپنی «فیس کارس» یک نوع پل های را که به حیث «اجداد» این پل ها میتوان نام برد در یکی از نمایش گاه های دولت روسیه در شهر مسکو نمایش داده است که آنهم مانند این ماشین موفق به اخذ مدال طلا شده بود.

آلمان هادر را باز کرده، به جستجوی جاسوسان می پردازد. لکن آنان گریخته اند، فراریان بطرف یک کشتی آلمانی حرکت میکنند، روی کشتی مذکور یک بهره دار آلمانی موجود است او با حیرت به قلعه که حوادثی در آن روی داده است مینگرد و متوجه این پنج تن که آرام در تاریکی شب درون آب شنا میکنند، نیست. «آندره» از عقب او را میگیرد و کارد تیز خود را در پشتش فرو میکند. جسد بهره دار باتمام سنگینی خود در آب می افتد. اینسکه همه آنان سوار بر کشتی براه میافتند... آلمانی ها بداخل قلعه راه یافته اند و افراد مؤظف همه در محل کار خود حاضر شده توپ ها را آماده فیر بجانب کشتی فراری میکنند. ولی واقعه ای که «میلر» پیش بینی کرده، اتفاق می افتد... وقتی آسانسور برای آوردن مرمی ها پائین می رود در اثر اتصال آسانسور و جرعه الکتریکی چنان انفجاری رخ میدهد که تمام فضای ناوارون پر از آتش و دود میگردد و بدنبال آن انفجار های پی در پی دیگر رومیدهد... این انفجار مربوط به مرمی های توپ است که توسط فدا کاری پنج نفر تخریب کار زنده و سینه پرستان باشهامت توپ های ابدی ناوارون از بین می رود، آنان از دور شاهد انفجار قلعه هستند که بصورت ستونی از دود و آتش بهوا صعود میکند و درون دریا سرتگون می شود، توپ ها نیز نا بود میگردد و بدین ترتیب افسانه توپ هاییکه عظمت ابدی یافته بودند، پایان می پذیرد. توپ هاییکه ده ها کشتی را به قعر دریا فرستاد. توپ هاییکه چون هیولای عظیم غیر قابل تصرف، غیر قابل دسترسی و غیر قابل انهدام تصور می شد... در وسط دریا قوماندان انگلیسی انتظار این پنج نفر تخریب کار ازجان گذشته را میکشید وقتی که آنها به کشتی قوماندان انگلیسی پیاده می شوند آنها می شنوند: اینسکه راه تصرف ایتالیا و نجات یکصد هزار و دوصد سرباز انگلیسی باز شده است.

خود را بی پایان برسانند. داخل دیپو که در دل یک صخره عظیم کنده شده و در واقع بصورت غار سیاه و پر عظمتی است، توپ های الکتریکی ناوارون قرار دارد. این توپ ها روی یک پایه عظیم محکم گردیده اند و بجلو و عقب میروند. مقابل میل توپ هادر یچه در دل غار کنده شده که میل ها از آن بیرون می آید و در یار اتحت نظارت میگردد. «میلر» در تار یکی شب، شیخ موحش توپهای ناوارون را می بیند کنون او احساس عجیبی دارد. بالاخره توانسته است این توپ های غیر قابل تصرف را لمس کند. او از نزدیک می بیند که این دو توپ تنها عظیم نی، بلکه هیولا می باشند. «میلر» بسرعت نگاهی به اطراف می افکند تا نقشه خود را به مرحله عمل در آورد درین میان آسانسور نظر او را بخود جلب میکند این آسانسور برای حمل مواد منفجره است. هر روز چند بار بالا و پائین می رود و مرمی توپ ها را به بالا حمل مینماید «میلر» یک سیستم انفجار الکتریکی با کما یک باطری میسازد که رشته اتصال آن در خود آسانسور است. بطوریکه وقتی آسانسور کاملاً پائین بیاید و به انتها برسد، در اثر بسته شدن اتصال الکتریکی و برقرار شدن اتصال در فلز انتهای آسانسور قیوز الکتریکی منفجره و ماده منفجره، منفلق میگردد، دست بکار میشود و از طرف دیگر «مالوری» طناب سیمی یکصد یاردی را که سر آن چنگک دارد، در بالای دریچه توپ محکم میکند تاراه فرار باز باشد. در این میان ناگهان صدائی زمزمه و صحبت آلمانی ها از پشت در بگوش میرسد... موقع باز شدن در سالن توپ ها، زنگ خود کار الکتریکی اطاق ناگهبان بصدا در آمده و آنان چون به هیچ وجه قادر به باز کردن در نشده اند، مشغول بریدن قفل بادستگاه مخصوص میباشند... «میلر» کار خود را بعد از یک ساعت تمام میکند و زمانی که «مالوری» و «میلر» و سایر دوستانش از راه خارج بوسیله طناب خود را به ساحل میرسانند،

# د افغانستان او انگلیس

## دریمه جگړه او دخپلواکی دجگړې اقدام

دخپلواکی جگړې د اقدام په لړۍ کې د گران هیواد د منظم عسکری قوې د سرحداتو په لورې په دريو اساسي گروپو مؤظف شوی وی لکه خيبر، غزني، خوست او قندهار. دخیبر قوا دجنرال صالح محمدخان او مرکزي گروپ (غزني او خوست) داعلیحضرت شهید سعیدمحمد نادرخان تر قیادت لاندې او د قندهار گروپ د سپین ژیری عسکری مشر عبدالقدوس خان چه دی دامیر عبدالرحمن خان ښه پوځ مسلکری وه تر امر لاندې سوق کړلی شوی وی.

د شورشی قبایلو تعداد دوه سوو زرو تنوته رسیدل ددوی جگړه له غلیمه سره په پارتیزانی توگه اجرا کیدله په داسی حال کې چه یوازی جارحه وسله او توپک ور سره وو بیانی هم انداخت په نښه لگیدل نه په هوا.

دافغانی قوماندانی پلان دخپلواکی په جگړو کې ددعنعناتو او تاریخ سره سم په آنی توگه یو ځای تعرض وه په دی اساس چه دیر زریه سرحد کېښی دپښتنو قبایلی اینه جاریانو سره ځان یو ځای کړی ولی دا پلان د بعضی مشکلاتوله کبله مکمل اجرا نه کړای شول.

دوسیچ اوپراسیون دسرته رسولو دپاره په منظم اردو او قبایلی ایله جاریانو کېښی تر هر څه لمړی گډه مساعی او قوی مخاږبه وی ارتباط ته اړه وه ولی په اردو کېښی تخنیکي

ماشیندارو او یو تعداد زیاتو توپونو له خوا تقویه شوی وو په استقامت دخیبرنی موضع نیولی وه. بر سیره پردی انگریزانو دلشکر کشی په آخر کېښی سرحداتوته د افغانانو د مقابلې سره دری سوو څلوېښت زرم لمراردو چه اوه سوو پنځوس زره افراد او څلور سوو پنځوس زره بارکش حیوانات په کېښی موجود وو هم مؤظف کړی شوی وو.

په سرحداتو کېښی د انگریزی او افغانی قوا وو د اردو گانو تعادل دتعداد له نقطه نظره یوازی دقبایلی زلمو دقیام په توگه برابر کیدای شوی. هغه قبایلی وگړی چه په سرحداتو کېښی او سیدل دهغی مینی سره چه له خپلواکی سره درلودله د انگریزانو په ضدنی په دیر جوش او خروش شورش شروع کړل.

د کابل په منطقه کېښی اساسی احتیاطی قواو موجودی وی په فراه اوهرات همدارنگه په بدخشان کېښی پخوانی منظمی قواوی په هغه ځای کېښی په خپل حالت پاتی وی. دهغه وخت ټولی منظم او مسلح قواوی تقریباً پنځو سوو زرو تنوته رسیدلی. دهغوی له پلي څخه اته پیرش زره برچه لرونکی پلي او اته زره توری لرونکی پليو او دڅلورو زرو توپچی څخه تشکیل شوی وو.

دانگریزانو قوت دافغانی عسکرو په مقابل کېښی څو څو ځله دعددله مخی دیر او تخنیکي برتری نی هم ډیره لوړه وه. په شپږم دمی ۱۹۱۹ کال کېښی یوازی د ضربی قوتونه دغلیم چه په منطقه د لاهور پنهی، پېښور او دخیبر په خوله کېښی ووله دوه وښتو پلي کند کواوشپږ سواری غنله وسره چه په یو سلو څلوېښتو دروندو

مخاېره وی وسایل نه وه اودا کمالاتو سیستم هم په ډیره ټیټه سویه کښی اجراء کیده خصوصاً وسله .

د جگړی عملیات په دریم د می ۱۹۱۹ کال کښی د افغانی سرحدی ساتونکو اوانگریزانو په منځ کښی دخیبر په دره کښی ونښتله وروسته له دی افغانی منظمو عسکرو سرحدته ورو دانگل اودباغ منطقه ئی ونیوله بیا یو ځای د شنوارو مهمند و قبایلی زلمو سره دلنهی کوتل مخ کښی غونډیو ته مخ کښی له انگریزی برغل کزانو نه ځانونه ورسول او هغه غونډی ئی ونیولی - انگریزی حکومت مجبور آ ډیر ژر دلنهی کوتل دتحکیم دپاره یوه لویلی عسکر دلاریو په توگه تر قوماندانی د جنرال گر و کرا *I. φ'pokopa* هلته ورسول .

انگریزانو په مقصد دسرکوبی دیاغیانو او ساتلو د پیښور په منطقه دخیبر کښی په افغانی نهم کنلک تعرض وکړل د انگریزانو تعرضی

قوه له دوو فرقو غځه تشکیل شوی وه او په هوئی قوتو سره حمایه کیدل په دی اساس د انگریزانو پلان داسی وه چه یوه اساسی قوی ضربه دخیبر په منطقه کښی اجرا کړی او په منظور دتحدیدول دکابل په استقامت د جلال کوت په لوری پرمخ تښک وکړی . اودمهمند وافریدیو ارتباط د افغانستان له منظمو عسکرو سره وشلوی . په دوام دعقب نشینی کښی انگریزانو خپل سواری قوت په حمایه دالوتکو په دیاراسم دمی ډکی ته ورسول او د ډکی قلا ئی ونیوله . انگریزانو خپل تعرض ته عمقاً دوام ورنه کړی شول ولی په دی اساس چه دهغوی ارتباط له هند سره قبایلی بیاور و غرنی گروپو شلوی . وو اودانگریزی قوتو غځه دسلاح ،سپهاتو اعاشی رسول ناممکن وو . برسیره پردی دانگریزانو دافرادو په منځ کښی دویاه او ایدمی ناروغی پیښی شوی .

په دی وخت کښی دجنرال صالح محمدخان قوتونه جلال کوت ته رسیدلی وو . اودانگریزی قوتو کافی ډله د ډکی دساتلو دپاره هلته موجود وو . له دی نه پس افغانانو دتوپچی قوت سره په انگریزانو جناحی حمله وکړه او ډکی ته نژدی حاکمی نقطی ئی ونیولی او موضع گوانی ، خند قونه ئی په کښی جوړ کړل .

په شپاړسم د می انگریزانو یو محار بوی ډیر گړندی کشف شروع کړل ولی دا کشف دافغانانو له طرفه دفع کړل شو . دانگریزانو محار بوی کشف له یوه قطار قوتو غځه تشکیل شوی وو . چه برسیره پرحمله دافغانانو له خوا په ډکه کښی ځان پت او ټینګ کړل . په اولسم دمی هغه انگریزی قوتونه چه په ډکه کښی ئی کمپ وهلی وو په شروع د جگړی کښی دانگریزی قوتو حمایه ښه نه وه . هغه وخت چه هغوی ته پسرر کردگی دیوه جنرال



پرپیلا نو باندي د پښتنو بار شوی توپونه



دقتوی قوت را اورسیده نو وضعیت تغیر و کړل .

### داعلیحضرت محمد نادرخان او پراسیون او دقبایلو حمله :

دبشپړ بریالیتوب د حاصلیدلو سره د دیکه په جبهه کښی چه مقصد د کابل نیول و انگریزانو بیا هم خپل پلان اجرأ نه کړای شول .

د کران هیواد دخپلواکی اخستلو په لپاره کښی دخیبر په جبهه لوی رول پښتنو قبایلو ولوول .

دسی په لمړنی نیمائی برخه کښی افریدیو دجهاد ناری جگی کړی او

په حمله ئی شروع وکړه دا حمله په پنځلسم او شپاړسم دسی دانگریزانو په ساتونکو ویونو بانندی وشوه گر چه حمله رده شوه . ولی ددی سبب شوه چه ټول دخیبر او سیدونکی پښتانه پرضد دانگریزانو کښی را وپاروی په نتیجه کښی افریدیو ډیر غنیمت چه په هغه کښی وسلی او جبه خانه هم موجوده وه لاس ته راولل . په دی وخت کښی انگریزانو ته لازم وه دنوی ساتونکو تشکیلو په اساس دخیبر په استقامت د اصلی قوتو سره د مواصلاتی خطوطو په توگه خپل ارتباط تامین کړی .

### دانگریزی منظمو

قوتو او ساتونکو تر منځ دخیبر په جبهه مواصلاتی

خط پر قراره قراره بیخی قطع شول خصوصاً ددو

فرقو او ډیرو سوارۍ قوتو په مینځ کښی

دانگریزانو په منځ کښی ستر مشکل له تعرض څخه

مجبوری لاس اخستل په لوری د جلال

کوټ وو . ولی چه دوی په اتو کنه کو او

دولسم لمبر لواء سره او پراسیون ته دوام نه

شوی ورکولی په دی اساس چه دوی ته

مجبوریت وود مواصلاتی خط دساتلو دپاره هم له

اصلی قوت څخه افرادو ټاکی دسی په مینځ کښی

گرد و قبایلی پښتنو او بلو خودهندو افغانستان

د سرحد په اوږدوالی له خیبر څخه نیولی

تر بلوچستانه پوری پرضد دانگریزانو یورنگک حملی شروع کړی اوله خیبره تر بلوچستانه پوری سرحدی کرښه ئی ونیوله .

دافغانستان اردو سرحدی میښه

ساتونکی ځانته راجلب کړل څرنگه چه دساتونکی سره له وسلی په لویه پیماننه یاغی شول . او دخیبر په منطقه

کښی افریدو هم فعال حرکت بنا کړل چه ددی حرکت په اساس ئی

هغه داور گاډی پټلی چه دخیبر او پنجاب په منځ کښی ارتباط تامینول تخریب

کړل دا کار دانگریزانو دهغه پلان لویه موانع شوه چه منظور ئی د تعرض

دوام په عمق د افغانستان کښی د کابل په لوری وه . علاو تآ مجاهدینو

په ډیره مبرانه او جدیت انگریزی قوتونه سره پری کړل چه پدی توگه

انگریزانو ونه شوی کولی خپل قوتونه خیبر او وزیرستان ته ورسوی انگریزان

دقبایلو پارټیزانی حملاتو ډیر و بیرونه که چیری له پخوانه ډیر د پښتنو کلی

په لاس دانگریزانو کښی نه وای او په تانه قبایل بی له کومی تر بورگنی

او قومی پارت بازی له یوه لاس څخه اداره کیدای اوله خیبر څخه تر

پینور ، یوسفزی ، ډیره ، صواته پوری او سیدونکی پښتانه دانگریزانو او

هغه وخت فیډالانو په لاسو ټوټی ټوټی نه وای ډیر ژر پر انگریزانو بریالیکیدل

ددی بد بختی یو شواهد دادی هغه وخت چه د غرو مهمند وله منظمو

عسکرو د افغانستان سره په منطقه د گنداب کښی دخپلواکی د جگری

دپاره چمتووالی څرگند کړل . دسی مهمند پر سیره پردی چه غلی وو پر خپل

سر ئی دهغوی قوتونه د تیریدو اجازه لاهم نه ورکوله .



د ۱۹ قرن په لمړ یو وختو کښی د یوسفزانی د خلکو یوملی مجاهد .

د افغانستان په تاريخي  
 جگړه كښي ځلانده او  
 روشانه تكړي چه د  
 افغانستان د تاريخ او  
 ټولنو كو بچو افتخار  
 گنل كيري هغه د بهادر  
 جنرال اعليحضرت  
 محمد نادر خان د جبهې  
 او پراسيون او جگړي دى  
 هغه څه چه د دى پياوړى  
 جنرال په پوره برياليتوب  
 پاى ته رسيدلى گڼه  
 مساعى او فعاليت د منظمو  
 عسكرو او قبيلو په  
 مينځ كښي وو .  
 بل مهم ټول  
 د برياليتوب ستراتيژي  
 د كتيكي او اداري قدرت



د پښتنو پلې قوا په ۱۹ لمړي نيمايي قرن كښي په داسي حال كښي چه د ژمي او يځني د موسم په لياڼ ليدل كيري.

قومانداني وه چه په دى اساس منظم  
 ټوتونه او قبایلي افراد دخپلواكي  
 اخستلو په ليار كښي هره نوع قرباني  
 ته چمتو شول .

د اعليحضرت شهيد عسکر او  
 قوتونه چه د غزني او خوست په  
 استقامت وظيفه دار وو په خپله دده  
 اوسپه سالار غازي شاه محمود خان  
 او مار شال شاه وليخان تر قيادت  
 او ملگر تيا لاندې په غلور وښتم  
 د اپريل ۱۹۱۹ كال كښي له كابل  
 څخه د جنوبي خواته حرکت و كړل  
 اعليحضرت شهيد خپلو قطعا ټوټه د  
 گردیز له لياري سرحد اتو ته د تقرب  
 امر وركړ وای په خپله مخ كښي  
 د قطعاتو څخه هلته د دى مقصد د پاره  
 چه قبایل دخپلواكي جگړې ته راپورته  
 كړي لاړ .

په او وښتم د اپريل او شپږ  
 وښتم درجب هغوى د سپين كلي  
 د ټينگولو د پاره هغه ځاى ته  
 ورسيدل چه دا ځاى تقريباً اتلس

كيلومتره له اله مورنه مسافه لري  
 په دى ځاى ښي د منگلو او نورو  
 قبایلو ډير قومي مشران راغونډ شوي  
 وو. اعليحضرت شهيد په دوى باندې  
 لمړي ځل د جهاد غبرو كړل. دراتلونكي  
 سپېڅلي وظيفي د اجرا كولو (دخپلواكي  
 اخستل) د پاره ټولو آزادي دوستو  
 او وطن پرستو افغانانو په ډيره مينه  
 تياري ښكاره كړل. په او وښتم د  
 اپريل دهغه توقف سره چه په گردیز  
 كښي و شو اعليحضرت شهيد سعيد  
 محمد نادر خان يو ليك د پكتيا د منگلو  
 احمدزو، ځنډرا نو، ځاځيو او نورو  
 قوموته واستول. د دى ليك د رسيدو  
 سره سم گرد قبایلي قومي ځواکان په  
 داوطلبانه ډول گردیز ته راغلل .  
 تر څو چه د جگړې مقدسه وظيفه او د  
 جبهې منطقه وپيژني. اعليحضرت شهيد  
 هم دوى په خپل ليك كښي گردیز ته  
 راغونډتلى وو. د دى د پاره چه د منظمو  
 قوتو او قبایلي زلمو پر منځ كښي گڼه  
 فعاليت تأمين شي.

اعليحضرت محمد نادر خان دهغوى  
 دروحي سره سم د جگړې په اساس  
 د قبایلو په موافقه او كور دینه خپل  
 منظم عسکر په دريو گروهو ووېشل .

### لمړي د ځاځيو منطقه :-

د ځاځيو منطقي ته سپه سالار غازي  
 شاه محمود خان مؤظف شو. د غازي  
 سپه سالار شاه محمود خان تر قيادت  
 لاندې منظم عسکر او قبایلي افراد  
 وركړلي شوي وو .

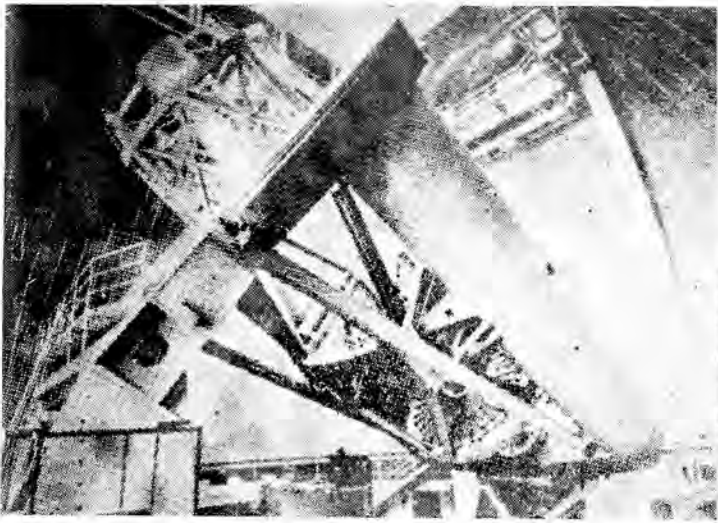
### دوهم دارگون ساحه :-

دارگون پلوته مار شال شاه ولي خان  
 د كابل فاتح علاوه د منظمو عسكرو  
 قبایلي پيا وړي وزيري زلمو سره  
 وظيفه دار شوي وو .

### درېم دخوست منطقه :-

د دې پلوته د اعليحضرت شهيد  
 محمد نادر خان د سفر احضارات په  
 نهم دمى شروع شول ، په دى وخت  
 كښي هغه په متون كښي چه دخوست  
 يوه لويه آبادي ده ديره وو ؛ له دغه  
 ځايه څخه منظور سريع تعرض دغره

## سفینه‌ء کشفیات جدید



اخیراً شرکت جنرال الکتریک انگلستان یک سفینه عظیم کیهانی ساخته است که از حیث طرح و داشتن آلات دقیق اندازه گیری و کامره های قوی عکاسی در نوع خود بی نظیر میباشد .  
این سفینه بعد از پرتاب بعضاً نظر به کنترل از مسافت بعید بالای مدار های مختلفی حرکت کرده اطلاعات شایان توجه بزمین مخابره خواهند کرد .

قوماندا نانو دپاره تازه حربی کرکتر ورکړل ، همدا ووجه دانگریزانو له اردو غځه دو ز یرو ؛ افیریدیو ارا کوزیو مکمل جز و تامونه چه په سلاح او تجهیزاتو دانگریزانو مجهز و و ، دافغانستان خواته دتل فاتح تر قیادت لاندی خدمت را ورسیدل ، په شپږ وینبتم او او وینبتم دمی دانگریزی اردو یاغی افرادوله انگریزانو غځه ټولی هغه پوستی چه دتوچی دری په لاندنی برخه کښی واقع وی و نیولی ، ددی پوستو گار نیز ون او باقی پلیسی قوا عقب نشینی ته مجبور کړل شول ، په همدی وخت کښی د وزیرستان پلوته شل زره قبایلی افرا دو چه له و ز یرو ، مسعود و او دوړو غځه تشکیل شوی وو ، دانگریزانو پر ضد ئی قیام او حملی و کړی

ولی افغانانو پس له تیریدلو د هغو اجیرو عسکرو چه په اردو دانگریزانو کښی خدمت کول طرف دافغانستان ته د وانی د عسکری قلا تصرفول آسان کړل . چه د اقلا په جبهه د وزیرستان کښی واقع وه .

تریو وینبتم دمی پوری افغانی منظمو عسکر و د تل د فاتح په پیشقراول سره د آزادو قبایلو په منطقه کښی ښه نفوذ و کړ ، نو په دی اساس قبایلو په عمومی قیام چه لمړی له وزیرستان غځه شروع شو اقدام و کړ ، په همدغه ورځ انگریزانو دښو ، گوملی ، په سیمو کښی د هغو پوستو لځایونو چه دغرو په لوړو وڅو کو کښی و وخوشی کړل .

دانگریزی اردو غځه د قبایلی پلیسو فرار یدل د افغانی اردو او

له لیاری په کوتل او نیتل او سرحد دافغانستان او هندته خان رسول وو دا اوپرا سیون باید په یو وینبتم دمی اجرا کړی شوی وای ؛ په دی اساس په در وینبتم دمی اعلیحضرت شهید خپل عسکر دسپین مام ( سپین وام ) منطقی ته ورسول ، په دی لحای کښی خو غرنی لیاری سره یو خای کپیری اودا خای دتل او بنوسره برابر واټن لری هغه وخت چه اعلیحضرت شهید محمدنا درخان سپین مام اشغال کړ نوئی د غره له لیاری ټل ته هڅه و کړه .

دهغه حساب سره سم چه انگریزانو عسکری متخصصینو کړی له هغه غرنی لیاری چه اعلیحضرت شهید خپلو توپچی او پیاده قطع اتو ته تحشد ورکړی دهغو شرایطو سره برابر دپلی او توپچی قو تو تیر یدل ناممکن وو . اعلیحضرت شهید محمد نادر خان یوازی دانه چه په شپږ وینبتم دمی ئی په لمړی برخه دوړخی کښی منظم عسکر او قبایلی جوانان ټل ته ورسول بلکه بار کړل شوی توپچی ئی هم یو خای دپلی قوتو سره هلته انتقال کړل ، په دی انتقال کښی دهغی بطریبی رول چه په پیلانو باروو قابل دقدر دی .

دارون او بارز دغره له لیاری حرکت چه دتو پچی او پلی قوتو له خواه اجرا کړل شول دانگریزانو دانتظار غځه ډیر لیری وو ، همدغه تکتیکی ستر بریالیو ب افغانانو ته داموقع ورکړله چه په ډیسره بېره دهندلیاره خپل خان ته خلاصه کړی .  
دا اعلیحضرت شهید محمد نادر خان دی تعرض یر سیره پر تکتیکی بریالیو ب دتل پلوته له سر حده دافغانستان و هندته اجرا کړل شو ستر ستراتیژی اهمیت هم درلودل . په شروع دجگړی کښی د قوتو اغیزه په سختی قیمت کیدلای شی .





د درانیو خلکو د جنگو نو له مشا لو څخه چه ده ۱۹ قرن په لمړی نیمائی کښی په مکملو تجهیزاتو لیدل کیږی .

د اور لاندی راوستلی او په آن واحد کښی ئی له مینځه یوول خصوصاً دمخبری دمرکز خو هیڅ شی لاپاتی نه شو، اعلیحضرت شهید په هجومی توگه په ډیر کوشن سره کوټ ونیو او تعرض ته ئی اور دوام ورنه کړل، ولی چه د افغانستان حکومت او امر دستار کی قبلیدو ته حاضر شوی وو دا هغه وخت وو چه د ټل فاتح خلمه وظیفه په ښه توگه اجرا کړی او ټل ښار او عسکری قلا نیول شوی وه. هر سیره پردی چه انگریزانو

پس له اشغاله له ټل څخه په ښار کښی قلا بند کړی . ولی بهادر جنرال محمد نادر خان د صحیح کشف نه وروسته پیش له وخته توپچی قواوته په کوټ بانندی د اور امر ور کړ.

افغانی توپچی قوا پخپل ټاکلی وخت د کوټ په غونډی بانندی په مسابقوی توگه له غلیم سره اورونه وچلول . خصوصاً ابوس د کوټ کارتیزون ته سخت تلفات ور کړل، په اته وینتم دمی ابوس د سلاح دمسماتو اعشی او دسولو موادو ذخیری تر تأثیر

دانگریزانو تاریخ پوهان په عادلانه توگه لیکي ، هغه مارش چه مدبر افغانی جنرال محمد نادر خان په ټل بانندی اجرا کړل، دا امکان یرا بر کړل چه په استقامت د جلال کوټ هم دا نگریزی قوتو د حرکت مخ و نیول شی په نتیجه دهغه قیام د قبایلو کښی دا زمینه مساعده شوه ، چه په ما بین د اصلی قوتو د ټول اردو د انگریزانو کښی ارتباط و نیول شی له خیبر څخه نیولی په اوږد والی د سرحدی کرښی تر بلو چستانه پوری ، په ډیرو محایو کښی په هغه اساس چه افغانی عسکرو او قبایلو دانتظار موضع گڼی ساتلی انگریزی قوا ماندانی په اجرا دیوه فعالانه حرکت خپل ډار یدل، او داموقع ئی د خپل سل زرم اردو نیول له یا غیا نوسره ناممکنه گڼله، او انگریزان ناچاره وو په دی کار کښی چه ټل ته د تقوی قوتونه کش کړی .

### د ټل تصرف او د خپلواکی د جگړی وروستی ورځی :-

په خپله دانگریزانو دلیکنی په اساس اعلیحضرت محمد نادر خان د ټل ښارته له دریوز رو افغانی منظمو عسکرو ، دوه سوه میلیتره ئی ابوسو اتیامیلیتره ئی توپو او یو تعداد ډیرو قبایلی پښتنوزمرو افرادو سره داخل شو په اوه وینتم دمی ۱۹۱۹ کال د ټل ښار په دالی حال کښی ونیول شو چه انگریزی محافظین په مکمله توگه مغلوب شوی وو، ولی بعضی انگریزی قوا په کوټ (فورت) کښی د دی دپاره مستور شوی وی چه افغانان

د کوب د کلا بندولو دپاره د قوی انتقال په بیره او تقویه د توپچی چه په افغانی توپچی ئی تفاوت او برتری درلود و کپل بیا هم غه په لاس ورنه غل. په اول دجون غلور زره دخواست اروزیرو قبایلی سپرنو دتل ددری په عمق کښی جنوبی خوانه خپاره او هغه محابونه ئی و نیول په دی وخت کښی افغانی او بوسو هم خپل اور بند کړل. په دوهم د جون انگریزانو دافغانانو په اساسی موضع حمله و کړه په هغه موضع گانو چه اصلی قوت دتل دغونډیو په شرقی او غربی بجا کښی اشغال کړی وی او جنرال «دایر» کوشن کول چه دتل دگاریزوی قواو توازن وساتی. هغه په دی هغه کښی وو چه یولیک ئی د اعلیحضرت شهید محمد نادرخان له پلوه تسلیم کړل په هغه لیک کښی داسی ذکر شوی وه چه ما له امیر غغه داور بند او د جگړی پای ته رسیدلو امر په موافقه دجانینیو اخستی دی په حقیقت کښی جگړه دجون په دریمه ورځ پای ته ورسیده یعنی هغه نیټه چه دهغی په اساسی متار که امضاً شوی وه.

اعلیحضرت شهید یولیک امیر ته استولی وه چه په تاریخ کښی هم نشر شوی او مضمون ئی داسی وو. دهغو بریالیتوب په اساس چه زمونږ په نصیب شویدی په پیژندنه دخپلواکی دافغانستان کښی د انگریزانوله پلوه په اساسی د وضعیت چه قیمت کړی شی تصدیقوی چه انگریزان نه شی کولای د افغانستان د هغه شرایطو چه په متار که کښی ذکر شوی محان و ژغوری .

### خپلواکی دافغانستان :

اعلیحضرت شهید د دی خبری داثبات دپاره داسی شواهد او دلایل درلودل «گردوسرحدی پښتنو قبایلو دخپلو ثابو حملو په توگه دانگریزانو ټولی لاری د افغانستان پلو ته بندی کړی او انگریزی قوتو ایمان بایلی ولی چه درستی امیدئی قطع شویدی او هره ورځ ډیر انگریزی عسکر زمونږ پلو ته راخی، نوانگریزان بله چاره نه لری بی له دی چه زمونږ دمتار کی شرایط ومنی دهغوی وضعیت ډیر خراب ده که چیرې مونږ ورباندی حمله و کړو ټول به امحاشی» .

په پای د جگړی کښی دنورو جبهو وضعیت په لاندی ډول وو:

د خبر په لوری انگریزانو نور ددی امکان نه درلودل چه خپل تعرض ته په عمق دافغانستان دوام ور کړی (هر ډوچه وغږو همداشی تصدیقوی) په دوران د جگړو کښی انگریزانو دافغانستان په شارو الوتکی استعمال کړی، انگریزی الوتکو په اولسم، شلم او یوویښتم دمی په جلال کوب او په څلورویښتم دمی په کابل بمونه واورول چه په کابل کښی یوا هغو حملو بمو غغه د امیر په استوگنځی اوبل په ذخیرې دجبهه خانی ولویدلی.

### دقندهار پلونه :-

دقندهار دمنظمو قوتو اداره سردار عبدالقدوس خان کوله. په شروع داکتیفی فعالیت سره قندهار پلو ته ترهغه پوری افغانی اردو ته بیره وه ترڅو چه په همجوارو سیمو کښی یعنی دذخوب په دره کښی دقبایلو نفرتول شی هغه وخت چه قبایل په منطقه د وزیرو، مسعودو، شرن او مردک خپلو کښی قیام وکړل نو ددی سیه و دقیام دپاره کافی بلل کیدل، انگریزانو غوښتل چه دقبایلو قیام ودروی او

دافغانستان په منظمو قوتو حمله وکړی همداسی انگریزانو خپل او پراسیون په استقامت د سپین بولدک په خاوره دافغانستان کښی شروع کړل او په نهمه ویشتم دمی د انگریزی قوتو چه د سوارۍ او دوو پلۍ لواوو او څو بطری توپچی غغه تشکیل شوی وو د سپین بولدک کلا محاصره شوه د کلا بندپه وخت کښی افغانی گاریزون په ډیر عظمت او میرانه ترڅو چه ئی توان وو جگړه کړله، دسپین بولدک دقوتو دتلفاتو سره سم قبایلو دذخوب په منطقه کښی خپلو مبارزو ته دوام ور کړل. دافغانستان عسکری فعالیت د اردو او منظمو عسکر و بعضی نیمگړتیاوی او ضعیف اړخونه هم دراولد په لمړی محل مخا بروی ارتباط په مابین دمرکز او جبهوی قوتو او همدارنگه په مابین د دریو واړو گروپونو کښی موجودنه وو (بی سیم تیلیفون اونور تخنیکي مخا بروی وسایل په اردو کښی بیخی نه وو) په دوهم محل دلیارو او ترانسپور تی وسایلو نیمگړتیاوی ډیری وی او په دی اساس دوسلی دا کما لو لو ضعف په جبه دوزیرستان اوخوست کښی ددی سبب شول چه د اعلیحضرت شهید موفقیتونه دپوره گټی اخستلو موجب نه شول. افغانستان پرمه بربریا لیتوب یوازی پیژندل ددخپلواکی متار کی ته حاضر شو پخوانی نه لاسه تللی خاوره ئی مدنظر ونه نیول په اساس دهغه تماس چه امیر له حکومته دانگلستانه سره درلود په آته ویشتم دمی او شپږم دجوزا انگریزانو دافغانستان پوره خپلواکی وپیژندله امیر هم داوربند امر ور کړ. په دی اساس دخپلواکی اخستلو جگړی پای ته ورسیدلی .

# یادی از محاربه میدان میوند



فاتح میوند

در جمله محاربات مشهور و با افتخاری که  
مات افغانستان بمقابل اجانب مخصوصاً  
انگریزان بعمل آوردند یکی هم محاربه  
میدان میوند است که به تحت قیادت  
مدبرانه سردار محمد ایوب خان غازی  
صورت گرفت. این محاربه تاریخی بروز  
۱۷ شعبان ۱۲۹۷ هجری قمری مطابق  
۲۱ جولائی ۱۸۸۰ عیسوی در دشت  
میوند به وقوع پیوست.

گویا فرد، فرد مات یا شہامت  
افغان دست اتحاد بهم داده در کشیدن  
اجانب از سرزمین آبائی خودها جانها  
نثار میکردند و خونها میریختند.

\* \* \*

بہمین سلسله وضعیت در سرتاسر  
مملکت بحرانی شدہ ہر قوم و ہر قبیلہ  
برای اشتراک در این جہاد ملی کمر  
ہمت بستہ بردشمنان میتاختند. چنانچہ  
سردار محمد ایوب خان غازی یا قوای  
معیتی خود از ہرات حرکت نمودند  
بہ استقامت قندہار براہ اقتاد. این قوہ  
از فراہ گذشتہ در نزدیکی کشک نخود  
بہ دشت میوند مواصلت نمود (۳).

(۳) افغانستان در قرن نوزدهم ص ۲۶۰

در بین علاقہ کابل و غزنی، ملا  
دین محمد معروف بہ مشک عالم و ملا  
عبدالغفور لنگری در علاقہ بین غزنی  
وقندہار، وطنخواہان قندہاری در  
زمین داور، ملیون کوهستانی در  
کوهستان برضد اجنبی ہا قیام کردند.  
در کابل مردم پغمان، قرغہ و چار آسیاب  
رشادتها نشان دادند. حتی زنان  
سالخورده کابل<sup>۲</sup> در این جنگ ہا  
شرکت کردہ بعضی مجروح و برخی  
شہید شدند (۲) و امثال این وقایع  
خورد و بزرگ در جریان بود.

(۲) سراج التواریخ جلد دوم

صفحه ۳۵۸

بعد از خلع امیر محمد یعقوب خان  
مخصوصاً اوضاع در کابل خیلی  
تاراجت کننده بود. انگریز ہا  
بالاحصار تاریخی کابل را کہ مہم  
افتخارات عنایم بود ویران کردہ،  
دست بقتل مجاہدین دراز کردند.  
چنانچہ قسمت اعظم (فوج اردل)  
را از تیغ کشیدند؛ جنرال خسرو خان  
محمد اسلم خان کوتوال، سلطان  
عزیز خان بن نواب محمد زمان خان  
مجاہدینی بودند کہ در راہ حفظ  
خاک و ملت جانها را فدا کردند  
(۱) همچنان محمد جانخان وردک

(۱) افغانستان در قرن نوزدهم تألیف

سید قاسم رشتیا ص ۲۵۱



قوای انگلیسی تحت فرمان جنرال (بوروز) همراه با سردار شیر علی قندهاری که صوبه دار قندهار بود برای مقابله با قوای سردار محمد ایوبخان از قندهار به اسقامت ایشان حرکت کرده و درمیون باهم تلاقی نمودند (۴) .

### تعداد قوتها :-

اگر چه در خصوص تعداد صحیح و محقق قوای طرفین معلومات کاملتری بدست نیامد؛ اما عموماً از یک مجله انگلیسی منطبقه لندن بنام (سولجر) برمیآید که :-

الف : قوه انگریزی ( ۵ ) :

-- در حدود ۴۹۰ نفر یکدسته توپچی شاهی متشکل از شش تولی اسپ دار .

-- در حدود ۵۵۰ نفر قطعه نارنجک انداز نمبر اول بمبئی .

-- در حدود ۵۵۰ نفر تفنگداران (چیکب) از دسته عسکری نمبر (۳۰) بمبئی .

-- در حدود ۳۰۰ نفر سواره خفیف از قطعه نمبر (۳) بمبئی .

-- در حدود ۲۰۰ نفر سوار کار مندی .

-- بر علاوه شش توپ جدا گانه که قبلاً از یک قوه باغی افغانی (۶) بغنیمت گرفته شده بود .

-- صنوف فنی مانند قطعه استحکام .

ب : قوه افغانی :-

-- در حدود ۶۰۰۰ نفر عساکر منظم .

(۴) کتاب فوق و همان صفحه .

(۵) آقای سید قاسم ربنیا درص

۲۶۱ افغانستان در قرن نژده قوه انگریزی را یک فرقه خوانده و اما در مجله فوق آنرا غنبدو هزار نفری قید کرده اند .

(۶) قوه باغی افغانی یک اصطلاح

اجانب است . پانیسٹ آنرا ملیون مجاهد افغانی خواند .

-- در حدود ۲۰۰۰ نفر غازیان قبایلی ( ملیون مجاهد ) .

-- چند صد نفر از عساکر قوای قندهار .

-- توپچی .

### اعتذار :

چنانچه در فوق هم تذکر یافت

راجع به تخمین و تثبیت قوای طرفین معلومات مفصل ، ممتنع و موثق بدست آمده نتوانست . لهذا نمیدانیم

تخمین فوق که از نوشته

(دیریک فیلیس) انگلیسی در مجله

(سولجر) استنباط گردیده تا چه

اندازه دارای حقیقت خواهد بود (۷)؟

امید داریم صاحبان نظر اگر

اسنادی داشته باشند در این خصوص

تدقیق فرموده نتیجه را در همین

مجله برای تنویر اذهان عامه ارائه

فرمایند .

### مقایسه قوتها :-

۱- قوای افغانی متشکل از سه

صنف پیاده و سواری قسمتی هم توپچی

تشکیل شده بود در حالیکه قوای

مقابل متشکل بود از پیاده، سواری،

توپچی قوی و صنوف خصوصی مانند

نارنجک انداز و تفنگداران چیکب و

صنوف فنی مانند استحکام که (دیریک

فیلیس) از آن نام برده .

۲ - عساکر منظم افغانی ۶۰۰۰

نفر قید شده . چون در آنوقت محاربات

افغانها از یکدست اداره نمی شد

ملیون مجاهد از هر اسقامت تحت

تشکیلات مختلف قیام می نمودند حتی

به اساس پرنسیب های توافق اندازی

(۷) این مضمون در یکی از شماره

های کاکسیون سال ۱۳۳۹ مجله اردو

نیز ترجمه و نشر شده است .

اجانب قوتها باهم جمع نمی شدند لهذا اگر تنها در قوای سردار محمد ایوبخان ۶۰۰۰ عساکر منظم تعلیم و تربیه دیده وجود میداشت پس این مقیاس بدخل مملکت به چه اندازه بلند میرفت ؟ و روی این اصل اصلا فاجعه داخل شدن قوای انگریزی بسرزمین افغانستان بوقوع نمی پیوست و اگر چنین هم میشد اینقدر طول نمی کشید .

### قایمین قوتها :-

در قوای انگریزی :- قوماندان قواء (جنرال بوروز) .

از کسانیکه نام برده شده (دگرمن کالبریت) .

در قوای افغانی :- قوماندان قواء (سردار محمد ایوبخان) .

از کسانیکه نام برده شده : عبدالغفور خان بر گد هراتی .

محمد انور خان کمیدان قندهاری .

محمد زمانخان بار کزائی .

ملالی ، دختر رشید و دلیر افغان .

\* \* \*

قوای انگریزی تحت فرمان

جنرال بوروز در حالیکه قطعه موزیک

در پیشاپیش آن مارش نظامی مینواخت

از یکسو ، و قوای افغانی تحت فرمان

سردار محمد ایوبخان در حالیکه ندا

های الله اکبر در میان ایشان بلند بود از

جانب دیگر بمقابل هم پیش میآمدند

تا اینکه در حوالی ساعت ده بجه

قبل از ظهر ۱۷ شعبان ۱۲۹۷ هجری

قمری مطابق ۲۱ جولائی ۱۸۸۰

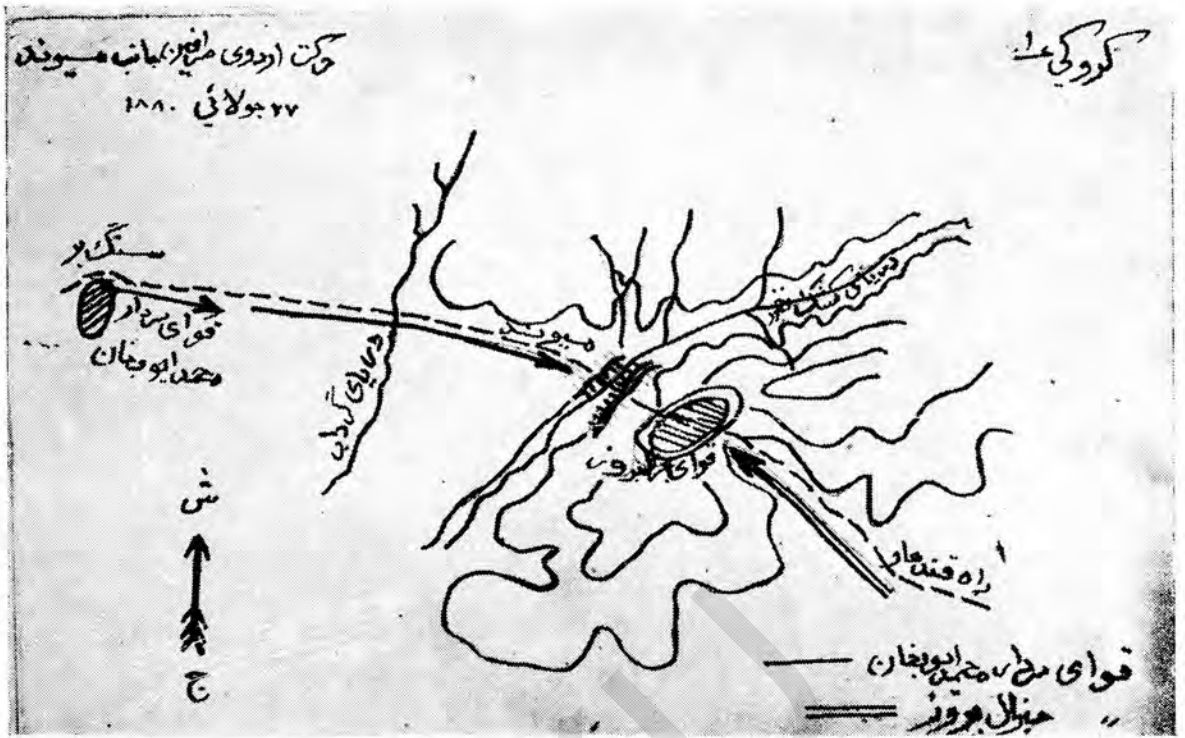
عیسوی در دشت میوند باهم مقابل

شدند ، موزیک دشمن خاموش شده

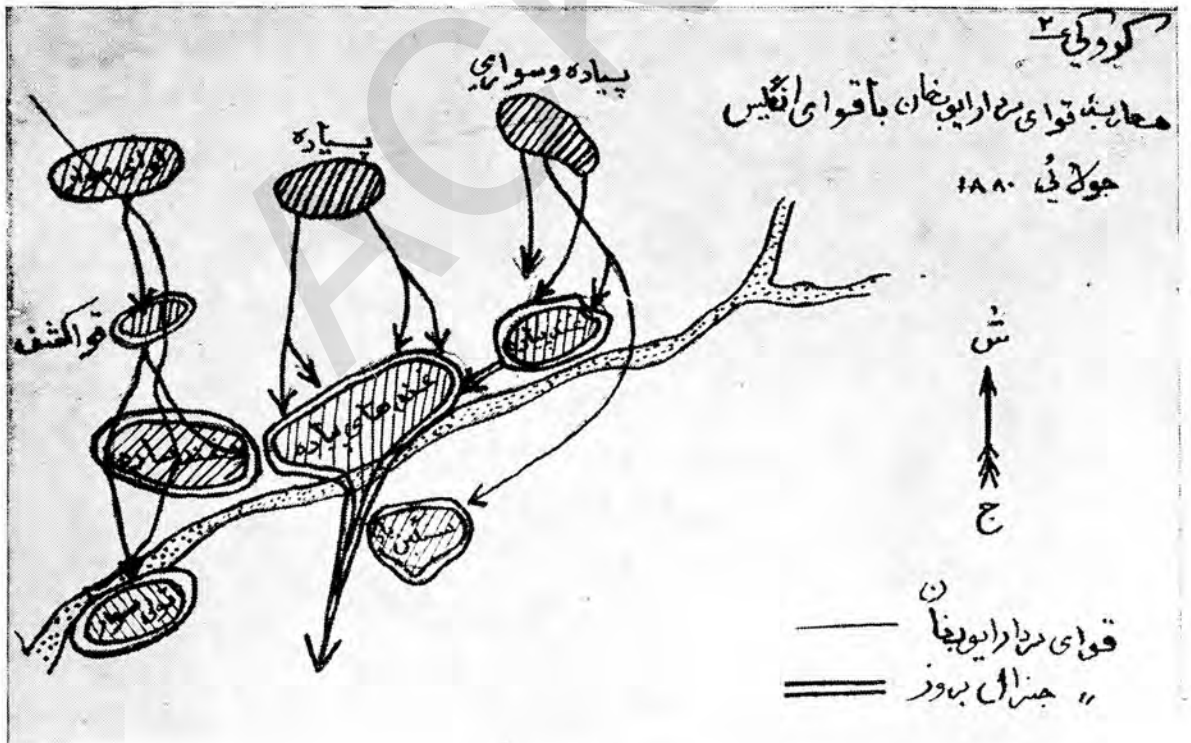
ندا های الله اکبر غازیان شدت

اختیار نمود . . . . .

\* \* \*



حرکت قوا طرفین



معارضت قوا طرفین

(این دو کروکی از مضمون تورن جنرال عبدالواحد سراج که پیرامون این موضوع در یکی از شماره های سال ۱۳۳۹ مجله اردو تهیه شده بود اقتباس گردید).

قوت‌های طرفین خطوط حربی خود را اشغال نمودند. جوی بزرگی که از نزدیکی قوای انگلیسی میگذشت مانع دیگر در مقابل قوای افغانی ایجاد کرده بود. مخصوصاً زمانی که آن جوی مرکز اعمال اجانب قرار گرفت و قطعه ۶۶ موظف به محافظه آن گردید. قوای پیاده دشمن بشکل دو نذری خط جبهه را اشغال نمود، قطعه ۶۶ جناح راست آن‌را تحت امنیت قرار داد. و توپخانه طرفین شروع به آتش باری نمودند....

(دیر یک فیلپس) مینویسد: (افغانها از حیث داشتن توپ آنقدر تفوق داشتند مثلیکه از لحاظ تعداد عددی نصیب آنان بود).

بعقیده من این هم یک اشتباه است. چه در آن ایام افغانستان دارای فابریکه توپ سازی نمی بود که هر آن توپ جدیدی بر سلاح سابق خود میافزود. هر گاه توپی هم داشت آنهم یا از سلاح های نهایت کمهنته افغانی بود (۸) و یا آن توپهای بود که در طول مدت زد و خوردها از خود انگریزها بغنیمت گرفته شده بود و آنهم به این پیمان که بالاتر از شش تولی توپچی اسپ دار باشد نبود. لهذا این مفکوره صرف برای انحراف افکار عامه و پنهان کردن تجاوزات اجانب بر حقوق ملت افغان انتشار یافته. حالانکه در مسایل حربی مخصوصاً محاربات قضاوت بی طرفانه لازم است چه یکی از خصوصیات مطالعه

(۸) در اخیر قرن نژده و آغاز قرن بیستم یعنی سلطنت امیر عبدالرحمن خان در ماشین خانه کابل توپهایی ساخته میشد که مشهور بتوپهای عبدالرحمن خانی بوده وهنوز چند عراده محدود آن باقیست. اما قبل از آن فابریکه بچنان فعالیتها اقدام نمی توانست.

تاریخ حرب بی طرفی مطلق در جریان محاربه و مقایسه آن به شرایط همان عصر و زمان میباشد.

بهر صورت (دیر یک فیلپس) مینویسد که (اوضاع عمومی قوای ایوبخان در تمام مدت جنگ میوند نشان میداد که افغانها به سیستم عصری و آنهم اروپائی می جنگیدند). دلیل اینکه فیلپس در قشون افغان از عساکر منظم نامبرده هم همین است. اما این عساکر، عساکر تعلیم و تربیه دیده نظامی نبوده بلکه تجاوزات مکرر اجانب آنها را صاحب تجربه ساخته

و روی این اصل افغانها با استفاده از این تجارب عیناً مانند انگریزان به سیستم عصری می جنگیدند و آنها گمان میکردند که عساکر منظم تربیه دیده میباشند.

اسلامیت و افغانیت دو عنصر مهم معنویست که دایماً افغانها را برای حفظ آزادی و شرافت تشجیع و ترغیب کرده چنانچه خود اجانب و منجمله نویسنده موصوف مینویسد:

غازیانیکه تعصب مذهبی ایشانرا دیوانه گردانیده بود چند بار با کارد های خمیده ایشان بر خطوط جبهه



زنان افغان دوش بدوش سردان خود در صحنه نبرد حاضر میشدند



پیاده حمله آوردند. لاکن حملات ایشانرا آتشباری دسته! جمعی عقیم ساخت ...)

خلاصه محاربه باشد هر چه تمامتر در جریان بود. طرفین برای مغلوب ساختن همدیگر سعی و تلاش میکردند قوای طرفین رشادتها نشان میدادند حتی از قریه میبوند نیز آتشباری افغانها بر دشمنان شروع و در نتیجه نیمی از یکتولی دشمن پیا غلطید.

در ساعات بعد از ظهر بود که تفنگداران جیکب و قسمتی از نارنجک اندازان در مقابل حملات شجاعانه افغانها تاب مقاومت نیاورده شروع به عقب نشینی کردند. فیلیس مینویسد (غازی ها با سپر ها و تلوار های خود تیغ افشانی میکردند که به هیبت و دهشت صحنه جنگ میافزود).

این اعترافی که دیر یک فیلیس راجع به کاردهای خمیده، سپر ها و تلوار های افغانها نموده است خود دلیل آن شده میتواند که قوای افغانی سلاح نهایت قلیل، آنهم جارحه که در محاربات مشت و یخن استعمال میشد داشتند و از سلاح ناریه آنهم به پیمانانه نیکه موصوف مینویسد اثری نبود.

بلی! محاربه دوام داشت تا اینکه به قوای انگریزی فرمان داده شد که به استقامت سرک قندهار تولی، تولی عقب نشینی نمایند. اما قوه سواری رشید افغانی برای مقابله و قطع رجعت آنان شروع بحمله نمود که تعداد زیادی از این جوانان در اثر آتشباری انگریزان به خاک و خون غلطیدند. درین آوان دگرمن گالبریت که فرد دوم در قوای اجانب بود با چندین تن از افسران خود بقتل رسیدند.

بالاخره قوای انگریزی به شکست عظیم روبرو گردیده و افغانهای رشید آنها را به استقامت قندهار تعقیب کردند.

\* \* \*

### تلفات:

دیر یک فیلیس از زبان یکنفر افسر انگلیس به اساس گفته یک صاحب منصب افغانی راجع به قطعه ۶۶ پیاده مینویسد (ایشان (مدافعیین قطعه ۶۶) از طرف قوای افغانی احاطه شده بودند. اما آنها تازمانیکه یازده تن ایشان به قیامانده بود به محاربه دوام دادند. این یازده نفر به افغانها تلفات زیادی رسانیدند. تا اینکه جیخانه ایشان تمام شده و خود نیز بخاک غلطیدند).

نویسنده موصوف در قسمت تلفات انگریزان می نویسد که تلفات غند غیر از مفقود الاثرها به بیست نفر افسر و ۹۸۰ نفر مر بازر بالغ گردید.

اما نویسنده دیگر انگلیس (میجر منفورد) در کتاب خود موسوم به (جانب کابل با چند حوار) جنگ میوندرا (کاملترین شکست بر تائیه در قرن نوزده در آسیا) خوانده است.

خلاصه بنا علی سید قاسم رشتیا در کتاب افغانستان در قرن نوزده از زبان مؤلفین انگلیسی تلفات انگلیسها را (۱۱۳۰ نفر و هزار تفنگ) و تلفات افغانها را (۱۶۰۰) نفر مینویسد (۹)

بزرگان قوای طرفین که درین محاربه تاریخی کشته و یا شهید شده اند عبارت اند از جنرال بوروز و

(۹) افغانستان در قرن نوزده پاورقی صفحه ۲۶۱.

دگرمن کا لبریت و عبد الغفور خان بر گد هراتی، محمد انور خان کمیدان قندهاری و محمد زمان خان بار کزائی که در راه حفظ شرافت و استقلال ملت افغانستان جانهای خود را نثار نموده اند.

آنچه در این محاربه قابل یادآوری است اشتراک طبقه اناث مملکت است در میدان محاربه که دایماً در تمام ادوار تاریخ افغانستان دوش بدوش مردان، برادران و پدران خود ها مستقیماً و یا غیر مستقیم حتی در میدان های نبرد حصه گرفته و حقوق مادر وطن را ادا نموده اند.

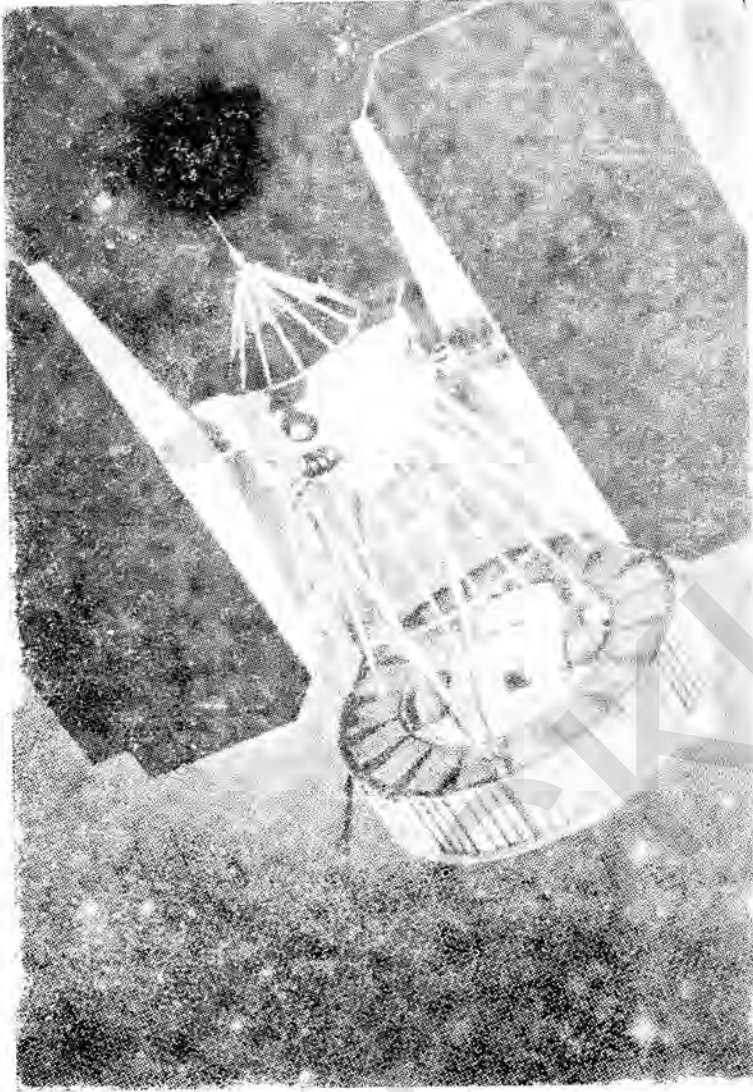
(ملالی) دختر رشید و جوانمرد افغان از جمله آنانی است که دوش بدوش جوانان افغان در میدان میوند پنجه نرم میکرد. لهذا فرد، فرد ملت باشهامت ماحقوق ویرا میدانند و فراموش نمیکنند و میدانند که شخصیت وی در کشور ما مانند ژاندارک فرانسه و جمیله الجزایری است. این بانوی فداکار میگفت: که په میوند کسبی شهید نشوی خدای دولا لیه! بی ننگی ته دی ساتینه

### نتیجه :-

۱- در خصوص تعداد قوتهای طرفین در بین مؤلفین و مؤرخین شرق و غرب اختلاف بزرگی موجود است. مثلاً تعداد قوای اجانب را در این محاربه آقای سید قاسم رشتیا یک فرقه خوانده در حالیکه دیریک فیلیس آنرا غند دو هزار نفری قلمداد نموده است.

۲- دیریک فیلیس قوای افغانی

## تلسکوب عظیم



این تلسکوپ که عدسیه آن درست یک متر قطر دارد شاهکار صنایع آلمان بحساب می‌رود طرح مذکور توسط دستگاه زیمس صورت گرفته و دقت در اندازه گیری او تا صد هزارم حصه یک ملیمتر مراعات گردیده است. قسمت های متحرک آن بروی یک فلیم ده ملیمتری تیل و در بین دو نیمکره فلزی گلوله مانند پایین و بالا و همچنین براست و چپ رفته می‌تواند. این تلسکوپ اکنون در خدمت مطالعات کیهانی در دسترس علماء در یک رصدخانه قرار دارد.

در عهد اعلیحضرت هما یو نی. محمد ظاهر شاه در بزرگترین جاده کابل میناری آباد شد که از طرف سردار محمد داؤد صدراعظم وقت رسماً افتتاح شد که آن جا ده نیز بنام (جاده میوند) یاد میشود. (ختم)

مینار یادگاری در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی موافق به ۱۲۴۹ هجری قمری مطابق ۱۹۳۰ عیسوی در میدان میوند آباد نمود که سنگ تمهید آن از طرف اعلیحضرت شهید سعید محمد نادر شاه غازی گذاشته شد. همچنان

را بالغ بر (۹) هزار عسا کر منظم و قبایلی نشان داده است. از روی شواهدیکه گفته شد فهمیده میشود که این یک مبالغه محض است. مخصوصاً که در این قوه از عسا کر منظم (تعلیم و تربیه دید). نیز ذکر شده و تعداد آنرا شش هزار عسکر می‌نویسد.

۳- اگر بنا بر نوشته نو بسنده مذکور فرض کنیم که تعداد قوای اجانب دو هزار و تعداد قوای افغانی بالغ بر نه هزار عسکر باشد در حالیکه تشکیلات اجانب مکملتر هم بود پس (میجر متفورد) انگلیسی این شکست را چطور (کاملترین شکست بر تانیه در قرن نژده در آسیا) خوانده است؟

۴- قیلمس از کاردهای خمیده، سپر و تلوار افغانها نا مبرده و آنها را تمجید کرده و حتی می‌نویسد که آتشباری مجتمع مجاهدین را از پا در آورد. در حالیکه قرار نوشته وی اگر توپچی ما فایق تر از توپچی دشمن می‌بود ما چه مجبوریت داشتیم که با کارد و سپر و تلوار بر دشمن حمله می‌کردیم؟

از تحلیل موضوعات فوق بر میآید که قشون افغانی با سلاح ناچیز و تعداد کم در مقابل ار دوی مجهز، مسلح و تعلیم و تربیه دیده بریتانیای کبیر جنگیده و بر آنها چنان حمله برده اند که خود انگریزها این شکست خود را کاملترین شکست بر تانیه در قرن نژده در آسیا قلمداد کرده و اعتراف نموده اند. (دروود بروان پاک مجاهدین وطنپرستی که در طول تاریخ برای بلند داشتن پرچم آزادی افغانستان و برای حفظ و حراست شرافت افغانی و برای بقای ملت و دولت افغانستان سعی و تلاش ورزیده و حتی جانهای خود را نثار نموده اند).

\* \* \*

ملت افغانستان پاس احترام به این عزم مردانه و این فتح بزرگ

# تحلیل علمی حرب ممالک عربی با اسرائیل

( بقیه صفحه ۲۹ )

میتواند که خطوط مواصلات کافی، دستگاه و تشکیلات اداری منظم و احصائیه های قابل اعتبار داشته باشد .

اسرائیل با داشتن ساحه کوچک و تمام مساعدت های متدکراه از نقطه نظر سفربری پلانهای منظم و قابل اجرا داشته و در حرب اخیر عملی بودن آنها را ثابت نمود . اسرائیل ۷۱۰۰۰ نفر عسکر تحت السلاح ، ۲۳۰۰۰۰ نفر در احتیاط داشت . در ظرف دوروز هشتاد فیصد این احتیاط مسلح و به حرب اشتراك كرد .

پلان های او پراسیون اسرائیل که از هر طرف با ملل عربی محاط است به اجرای یک مانور خط داخلی و تطبیق سریع و موفقانه آن استناد میکند در غیر آن با ابعاد موجوده بالخاصه عرض کم ساحه مملکت ( کمترین آن در نزدیکی ایلات در جنوب فقط ده کیلو متر ) از طرف یک دشمن مقتدر در ظرف چند ساعت به مدیترانه انداخته شده میتواند . در عین زمان اسرائیل با قدرت ا کمال نهایت محدود خود و احتیاج شدید به مواد خام بالخاصه نفت قدرت ادامه يك حرب دوامدار را ندارد . بنا جمهوری متحده عرب که نفوس زیاد ترین ( ۳۰ میلیون ) و قدرت حربی مهمترین داشته از نظر معنوی در رأس ممالک عرب قرار داشت و منطقه ستراتیژیک مهم در اختیار آن بود هدف تعرض اولین قرار داده شد .

باساس پلانهای او پراسیون

اسرائیل که قبلاً با تمام جزئیات طرح شده بود قوتهای زره دار و پیاده موتو دار باید در امتداد سه راه مهم در سینا داخل شده خطوط مدافعه قوای جمهوریت متحده عرب را تخریب و راه عقب نشینی شان را بطرف کانال سویز قطع میکرد تا نیا قوای پاراشوتی و بحریه جنگی موضع مستحکم شرم الشیخ را در مدخل آبناى تیران اشغال و آنها را آزاد مینمود . در مرحله سوم اردوی اردن بطرف شرق دریای اردن عقب انداخته میشد . حرکات بر علیه سوریه در مرحله چهارم قرار داشت

سفر بری ممالک عربی بالعکس اسرائیل به نسبت وسعت خاک ، قلت خطوط مواصلات و عدم رسیدگی عامه ملت مشکل تراست . اگر رقابت های قبیلوی و نواقص دستگاه اداری اعراب را در مناطق وسیع آنها در نظر بگیریم مشکلات سفر بری بیشتر تبارز میکند . بنا چنین ممالک چاره ندارند جز اینکه تا اندازه زیاد بالای قوت های تحت السلاح خود استناد بنمایند .

شاید ممالک عربی جهت دفاع از ارانی مربوطه خودشان پلانهای اوپراسیون ترتیب نموده باشند اما آنچه واضح است ، یک پلان عسکری قابل تطبیق مشترک عربی به مقصد تأمین آرزوی دینی و ملی شان که از بین بردن اسرائیل است تا کنون بوجود نیامده است .

روحیه چنین پلان اگر وجود میداشت طبق اساسات علمی باید بشکل

مانور خط خارجی ترتیب میگردد در این روحیه موضوع مهم ترین عبارت از کورد یناسیون و تأمین مساعی مشترک است و دوامدار در بین قوتهای خط خارجی میباشد . در حالیکه اردن و جمهوریت متحده عرب تا یک هفته قبل از حمله اسرائیل هنوز نه تنها پیمان همکاری نظامی را امضا نکرده بلکه مخالف یکدیگر بوده اند و قرارگاه مشترک قوای عربی که به اساس پیمان مذکور تشکیل شد اصلاً موقع نیافت مؤثر فعالیت کند پس چنین پلان را کدام مرجع بوجود آورده باشد ؟

## طرز جریان اوپراسیون ها در جبهات مختلفه :

اسرائیل طبق پلان مرتبه به ساعت ۸۰۰ . وقت محلی تاریخ ۵ جون در سینا به تعرض گذشت .

دو ساعت قبل از شروع تعرض زمینی ، قوای هوایی یهود ۲۵ میدان هوایی جمهوریت متحده عرب ، سوریه اردن و عراق را بصورت ناگهانی بمبارد نموده تقریباً دو ثلث طیارات حربی ممالک مذکور را که هیچگونه تدابیر تحفظی بمقابل با صقین نداشتند بر روی میدان از بین برد . بدین ترتیب قوتهای زمینی عرب در تمام مدت حرب حمایه هوایی خود را از دست داد .

اسرائیل ادعا میکند که بمقصد اجرای این حمله و غلط سوق کردن دستگاه های رادار جمهوریت متحده عرب حمله را شکل سوق نمودن



جمهوریّت متحد عرب با چهار فرقه تانک (تقریباً ۹۰۰ تانک) اشتراک نمودند. قوای اسرائیل غالباً کمی بیشتر اما از نظر تانک مساوی بوده است.

در روز سوم حرب (۷ جون) قوای جمهوریّت متحد عرب که با طیارات بهیمانده یک حمایتی هوایی تأسیس نتوانسته، ترتیبات لوژستیکی آنها پاشان و در حال از بین رفتن بود با شرفتی بی‌کانه قوای زره‌دار یهود که با اصابت‌های دقیق مرمیات خود تانک‌های جمهوریّت متحد عرب را از بین میبردند مقابله نتوانسته به عقب نشینی نسبتاً بی‌نظم شروع کردند.

در این روز اسرائیل العریش را که یک مرکز مهم مواصلات بود تصرف و به ۳۰ کیلومتری کانال سویز رسید. کذا قوای اسرائیل شهر و منطقه غزه را که ۱۰۰۰ نفر قوای آزادی بخش فلسطین با وضع غیر قابل دفاع در آنجا محصور مانده بودند تسلیم گرفت.

در عین روز قوای پاراشوتی اسرائیل بمقصد تصرف شرم الشیخ که محاصره بحری جمهوریّت متحد عرب بر ضد اسرائیل از آنجا آغاز یافته بود پرواز نمود اما قبل از رسیدن آنها این موقع را قوای بحری یهود تصرف کرده بود و طیارات قوای پاراشوتی اسرائیل بدون مقابله بزمین نشست.

در روز چهارم حرب که مقاومت منظم قوای جمهوریّت متحد عرب خاتمه یافته بود قوای زره‌دار اسرائیل از سه استقامت مختلف خود را به کانال سویز رسانید.



منطقه شق احضارات کرد. مقصد از این تعرض مقابل، گذشتن از صحرای نجف، الحاق با قوای اسرائیل در شرق نجف، تقسیم اسرائیل به دو قسمت و جدا کردن آن از خلیج عقبه و بندر ایلات بود. اما قوای هوایی اسرائیل انحصار کشف هوایی و حاکمیت مطلق فضا را بدست داشت در عین زمان قوای مدافع جمهوریّت متحد عرب چنان ضربه شدید خورده بود که حتی به تجمع و گروهمان قوای خود موفق نگردید و بناءً این تعرض مقابل در نطفه ناکام گردید.

تخمین میشود که در تصادمات اولین ۹۰۰۰۰ الی ۱۲۰۰۰۰ عسکر

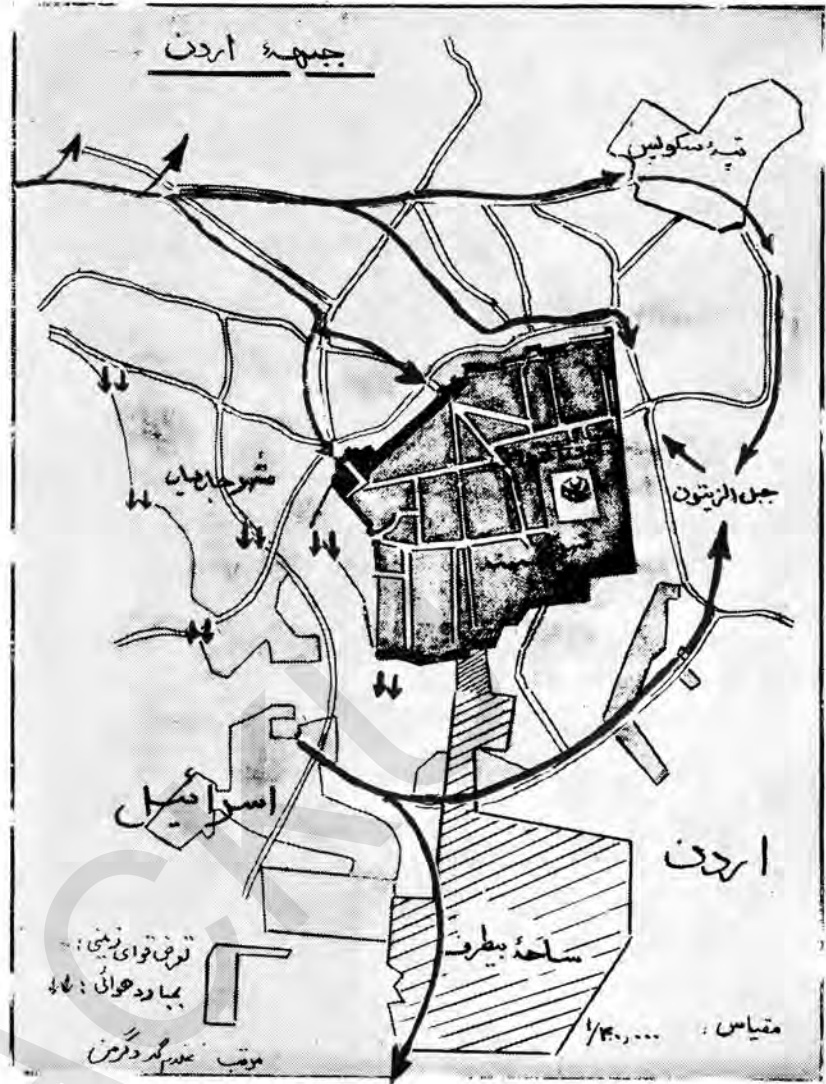
طیارات به غرب و سپس دور خوردن به جنوب با ارتفاع پست اجرا نموده است.

قوای زمینی اسرائیل در حالیکه قوت اصلی آنرا قطعاً تانک‌وزره‌دار تشکیل داده بود با حمایت قوای هوایی که حاکمیت فضا را مطلقاً بدست داشت مدافع جمهوریّت متحد عرب را در بین غزه و نجف شگافته با سرعت زیاد بحال سه قطار در امتداد سه راه عمده بطرف غرب و جنوب غرب پیشرفت نمود. عمق این پیشرفت در دور روز ۷۰ کیلومتر تخمین شده است. قوای جمهوریّت متحد عرب کوشید این رخنه را بسته کند. برای این منظور به یک تعرض مقابل در جنوب

مخاربات اگرچه اعراب با سرسختی و دسیلین جنگیدند اما اسرائیل تمام قوای هوائی خود را که دیگر وظیفه سهمی نداشت در این جبهه حاضر و بالای عسکر عرب بم های زیاد و قطعی های ناپالم سوزنده فرور یختند و مقاومت شانرا از بین بردند و تمام منطقه غرب دریای اردن را تصرف نمودند .

بعد از این تا کامی هاکومت اردنیه هاشمیه بروز چهار شنبه ۹ جون بنابر درخواست متار که شورای امنیت ملل متحد متار که را قبول کرد فردای آن روز جمهوریت متحد عرب نیز به متار که تن داد . چون اسرائیل از ابتداء رضایت خود را به متار که ابلاغ کرده بود بروز ۱۰ جون در جببات سینا و اردن متار که رسماً برقرار گردید .

بعد از متار که در جببات دیگر اسرائیل با تمام قوا متوجه سوریه گردید بعد از بمباردمان شدید هوائی بالای دمشق و مواضع توپچی سوریه در شمال گالیله ، دولت سوریه نیز به متار که موافقه کرد . اما اسرائیل با وجود موافقاً رسمی به متار که با ممالک عرب قوای زمینی بزرگی بر علیه آن کشور سوق داد . این قوا خطوط مدافعه و مواضع توپچی تپه های گالیله را عقب گذاشته در داخل خاک سوریه پیشرفت و تاحوالی دمشق رسید عساکر سوریه از صبح شنبه ۱۰ جون به عقب نشینی غیر منظم شروع کردند بعد از آنکه یهودیان برای از بین بردن نقاط مقاومت سوریا می ها در تپه های گالیله به حمایت آتش توپچی به عملیات پرداخته نقاط مذکور را در ظرف چند ساعت تخریب و تسخیر نمودند ، بالاتر مداخله و تحت نظارت شخص جنرال اودیل رئیس عملیات صلح مؤسسه ملل متحد در شرق میانه مواد متار که را عملی ساختند .



قوای یهود بعد از يك بهار دمان هوائی شدید به تعرض مقابل پرداختند دو ستون زره دار از شمال و جنوب به احاطه شهر قدیم بیت المقدس شروع کردند و با وصف مقاومت شدید و فدا کارانه عسکر اردن ، ستون شمالی کوه سکوپس و ستون جنوب خود را به کوه زیتون رسانید .

روز متعاقب ، یهودیان بالای خود شهر به حمله دست زدند . در این وقت عساکر اردن از بیت المقدس عقب نشینی کرده بودند و بنا شهر قدیم بدون مقاومت بدست یهود افتاد شهرهای تاریخی دیگر غرب دریای اردن جریکو ، عبران و بیت اللحم یکی بعد دیگر بدست یهودیان افتاد . در این

به ساعت ۱۱۰۰ روز اول حرب نظر به درخواست جمال عبدالناصر ، قوای اردن بالای سرحدات شرقی اسرائیل به تعرض گذشته ، توپچی اردن قسمت یهودی بیت المقدس را تحت بمباردمان شدید قرار داده خسارات مهمی به آن وارد کرد با وجود تخلیه شهر تلفات جانی در حدود ۵۰۰ نفر به اسرائیل وارد شد . عمارات مهمه هیچ کدام بدون خساره نماند . توپهای دور منزل اردن حوالی آل عقیف ، بزرگترین شهر اسرائیل را که فقط ۱۸ کیلو متر از سرحد اردن فاصله دارد تحت بمباران گرفتند .

باختم روز و شروع تاریکی روز اول

### در حاشیه جریانات او پراتیف :

در روز اول حرب طيارات اسرائيل بالاي كشتي مخابراتي امريكا نزديك سواحل اسرائيل بمباري نموده ۳۴ نفر را قتل و ۷۵ نفر را زخمی كردند. اگرچه اسرائيل رسماً از موضوع معذرت خواسته آنرا يك اشتباه وانمود كرد اما بعضی محافل نظامی امريكا عقیده دارند كه اين بمباردمان قصد به منظور از بين بردن اسناديكه شروع تعرض را از طرف اسرائيل ثابت ميكرد بعمل آمده است.

كذا اسرائيل با بمباردمان برقوای هندی مامور حفظ صلح ملل متحد ۱۵ نفر را هلاك و ۳۰ نفر را مجروح كردند .

### نتیجه حرب :

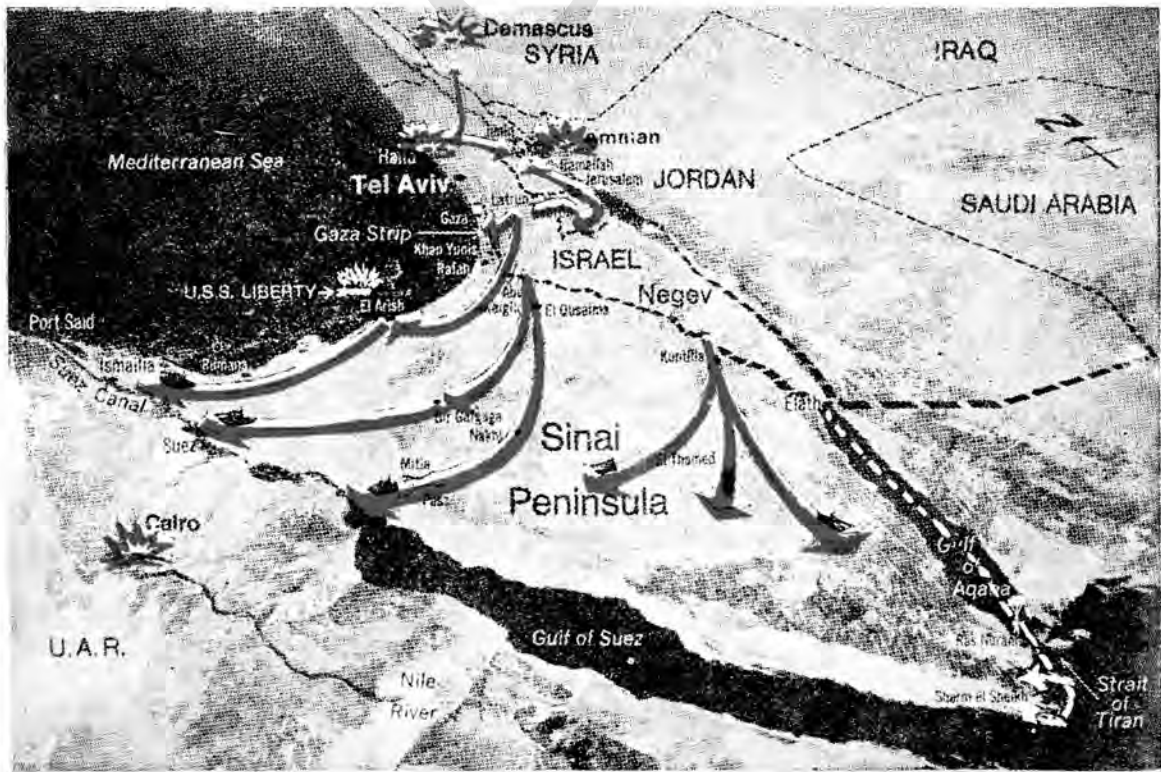
اسرائيل در نتیجه اين حرب تلفات سنگين نديد چونكه قوتهاي آن معروض به حملات هوائی مهم واقع نشد وهم به نسبت اينكه حرب بشكل برق آسا جريان كرد كشمکش ها و مجادلات پرضایعات كه مخصوصاً در حربهای

موضع واقع ميشود بميان نيامد. تلفات جانی اسرائيل نظربه ادعای خودشان ۶۷۹ كشته ۲۵۶۳ زخمی بوده است تلفات وسائط و سامان حربی آن ۱۹ طياره و ۶۱ تانك اعلان شده است. ۳۵۰۰ اسرائیلی از طرف جمهوريت متحد عرب اسير گرفته شده كه در جمله يك تعداد زنان يهود نیز شامل است .

اقتصاد اسرائيل كه قبل از شروع حرب اخير يك دوره ركود را می پيمود و تعداد ۵۰۰۰۰ نفر بیکار در آن مملكت روبه افزايش بود بالاخر فعاليت حرب و جلب كتله بیکار ، جان تازه گرفت و بحرانهای اقتصادی عجلتاً مرفوع گردید .

اسرائيل درين حرب ۷۴۰۰۰ كيلو متر مربع اراضي را كه سه ونيم برابر خاك اصلی آن است تصرف نمود. شريد غزه يك ساحه ساحلی و برای اسرائيل مهم است. شبه جزيره سيناء استعداد اقتصادی زياد ندارد اما به نسبت وجود جبل موسی

قيمت معنوی دارد. اگر اسرائيل آزادی رفت و آمد در كانال سويس را كه يازده سال است از آن محروم است هوس كند و كذا بنسبت در برگرفتن سواحل خليج عقبه و موقع شرم الشيخ، سيناء اهميت سياسی كسب ميكند. از اراضي غرب اردن كه شاداب و پرنفوس است امكان بهره برداری زراعتی و صنعتی موجود است باتصرف تپه های شمال گليله اسرائيل از تهديد گشتانده شدن آب در ياي اردن در خاك های عربی و تخويف منطقه زراعتی جنوب آن خود را مطمئن می بيند . از نظر معنوی اين حرب به كتله يهود اعتماد تازه بخشيد ه خستگي، بي علاقه گي و مهاجرت از اسرائيل را كه در سالهای اخير حكومت آن كشور را مضطرب گردانيده بود از بين برد. در جامعه يهود طبقه جديد اشخاص با انرژي از قهرمانان جنگ بوجود آمد. در جهان سياست، متحدين اسرائيل و دول غرب از موفقيت آن شادمان گرديدند. سيل امداد شخصي يهوديان







عسکر یهود در حال تمرین پالیدن نقب

ضایعات نظامی و اقتصادی عربها سنگین و بادر نظر گرفتن وضع فعلی اقتصاد آنها تا سالیان دراز قابل تلافی نمیباشد . اعانه که برای اعراب از منابع مختلفه خواهد رسید بسیار ناچیز است . ممالک دوست عرب بالخاصه اتحاد شوروی در راه جبران خسارات حربی ممالک عربی قدم هائی برداشته و در آینده نیز مجبور است باین کمک ها ادامه بدهد اما تلافی تمام خسارات را نمیتوان از آن طرف توقع داشت . بخصوص که چنین عمل اتحاد شوروی عکس العملی به نفع اسرائیل در ممالک غربی بالخاصه ممالک متحده امریکه برطانیه و فرانسه بار آوردنی میباشد . از اراضی عرب که تحت سلطه یهود قرار گرفته بالخاصه برای اردن اهمیت حیاتی دارد چونکه اراضی غرب دریای اردن آبادترین و پرنفوس

مصارف اعاشه ، معا لجه و تکفین آنها تصرف مینمودند . با اینهم ۵۵۰۰ نفر از طرف یهودیان اسیر برده شده است که شامل یک تعداد صاحبمنصب نیز میباشد .

جمهوریت متحده عرب بیش از ۱۰۰۰ میلیون دالر سامان و مالزومه حربی از دست داده است ۷۰۰ تانک آنها در سینا از بین رفته یا به غنیمت گرفته شده . کذا اردن پنج و نیم میلیون دالر کمک ممالک متحده امریکا را ضایع نموده که ۳۰ تانک و ۲۰۰ عراده موتر لاری بار شده در جمله شامل است .

تلفات قوای هوائی عرب ۵۰ ؛ طیاره تخمین میگردد جمهوریت متحده عرب ۳۰۰ طیاره (۲۰۰ عدد میگ (۲۱) سوریه ۶۰ طیاره ، اردن ۳۵ طیاره و عراق ۱۵ طیاره از دست داده اند

جهان بر قوت یهود افزود . تنها کمکهای رضا کارانه پولی یهودیان ممالک متحده امریکا در چند روز حرب که ۹۰ میلیون دالر رسیده است در حالیکه تمام مصارف اسرائیل در دوران حرب از ۸۰ میلیون دالر تجاوز نمیکند .

موفقیت اسرائیل ، برایش دوستان جدید در جهان غرب بالخاصه امریکا و افریقا کماهی کرد ، چنانچه عدم موفقیت جلسه اضطراری مجمع عمومی ملل متحد در صدور یک فیصله نامه به نقص اسرائیل شاهد این ادعا است . اسرائیل در میدان حرب تقریباً ۳۰۰ تانک (بیش از ۱۰۰ عدد از جمهوریت متحده عرب و ۳۴ تانک از اردن) و ۲۰۰ موتر لاری بار شده بامواد خوراکیه امداد امریکا از اردن سالمآ تصرف نمود از موترهای نقلیه آن در تجاوز بر علیه سوریه استفاده هم نموده است .

تلفات اعراب در این جنگ شش روزه نهایت سنگین بود . قوای هوائی و زره دار اسرائیل تلفات جانی و ضایعات مالی سنگین بر اعراب وارد کرد . قسمتی از عسکر محاصره شده جمهوریت متحده عرب بنا بر تشنگی و زخم در سینا شهید گردید . مقامات اردن تلفات اردوی خود را ۱۵۰۰۰ نفر شهید نشان داده اند که عده بنا بر آتش سوزی ناپالم از بین رفته است . تخمین میشود که از جمهوریت متحده عرب نیز رویه مرفته ۱۵۰۰۰ نفر شهید شده باشد . عموم تلفات مقتول زخمی و گمشده اعراب ۱۱۶۰۰۰ نفر تخمین میشود . عسکر عربی عمداً از طرف یهودیان اسیر گرفته نشده . چون اسرائیل از عساکر شکست خورده خطری متوجه نمیدید آنها را خلع سلاح نموده به تقدیرشان گذاشت تا گرمی ، تشنگی ، و زخم کارشان را بسازد و بدین ترتیب از

ترین منطقه آن کشور است. شهر قدیم بیت المقدس یا ماکن مقدسه یهودی، نصرانی و اسلام یکی از مهم ترین مراکز توریستی جهانی که سالانه میلیونها دالر برای اردن فراهم مینمود فعلاً جزو پایتخت یهود است.

سوریه نیز در شمال گالیله اراضی تکتیکی مهربرا از دست داد. شبه جزیره سینا با موقع مستحکم شرم الشیخ و شریذ غزه از تصرف جمهوریت متحد عرب خارج ساخته شده سیل پناه گزینان عرب که بالخاصه از غرب دریای اردن به اردن پناه برده اند قابل تشویش بوده به ۲۰۰۰۰۰ نفر میرسد. این کیفیت موضوع پناه گزینان فلسطین را پیچیده تر ساخته بر اقتصاد اردن و ممالک عربی تأثیر ناگوار دارد. همچنین سر نوشت قسمت زیاد پناه گزینان سابق که در شریذ غزه بسر میبردند نامعلوم است.

از نظر پسیکو لوژی، تحلیل جریانات بعد از حرب یک پیشرفت عمده را به نفع عربها نشان میدهد و آن عبارت از پیدا شدن حسن و جرات تثبید حرکات خودشان و یکدیگرشان میباشد. جمال عبدالناصر رئیس جمهوریت متحد عرب و قوماندان عمومی قوای عربی طی بیانیه مفصل استعفی خویش و همچنین در روز ملی کشور خود مسئولیت شکست عربها را شخصاً به عهده گرفت و متعاقب استعفی و دوام مجدد به وظیفه به وجود آوردن تغییرات عمده در کادر قوماندان های نظامی اقدام کرده تشکیل جدید قوت های عسکری را روی دست گرفت ملک حسین پادشاه اردنیه هاشمیه فتح قاطع اسرائیل را اعتراف و متحدین خود را انتقاد کرده او نیز به تخفیم و تشکیل جدید اردو اقدام نمود.

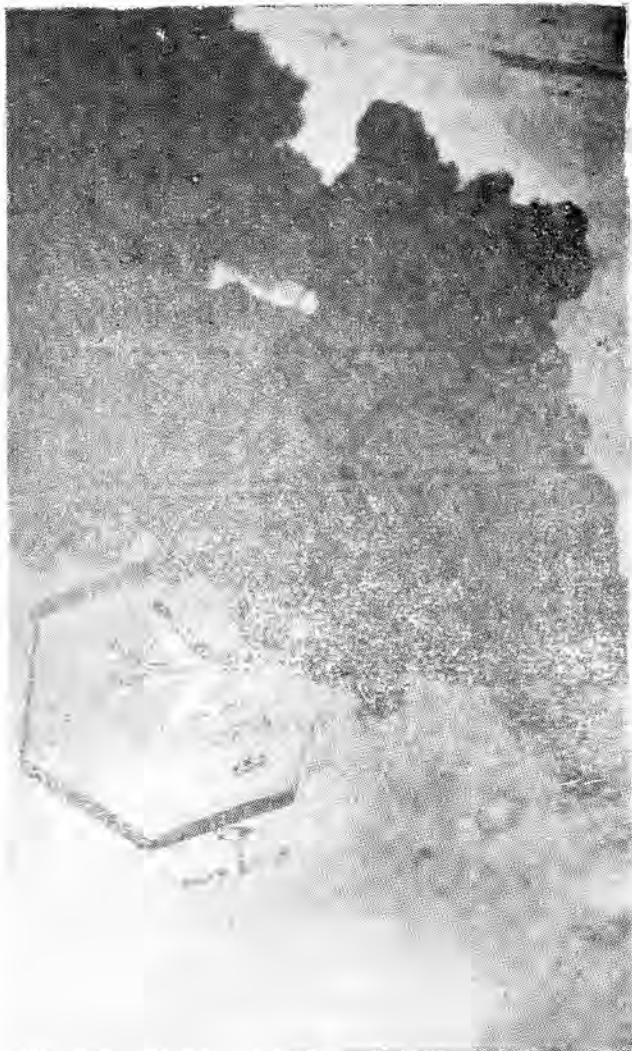
حواری بومیدین رئیس دولت الجزایر ممالک عربی بالخاصه جمهوریت متحد عرب را در قبول متأرکه

ملاحت نمود. ملک حسن دوم پادشاه المغرب شکست اعراب را به اینکه اولتر تعرض نکرده و به اسرائیل این موقع را دادند مربوط دانست. سعد جمعه صدر اعظم اردن عدم اتحاد و پلان گذاری صحیح عربها را مسئول شکست آنها دانست. عبدالرحمن عارف رئیس جمهور عراق نیز عدم اتحاد بین اعراب را تأتید کرد.

اما این جریان پسیکو لوژی یک ممکن است در جریانات داخلی ممالک عرب بی تأثیر نماند حسن بی اعتمادی در مقابل حکومت های شکست خورده در جریان تاریخ اجتماعی همیشه به مشاعده رسیده. بعضاً تأثیر

چنین افکار ناراضی و صدمه دیده حکومت هارا از بین برده میتواند و یک وضعیت عدم استقرار را سبب میشود. حدوث چنین واقعات را نزد مردم احساساتی عرب نمیشود دور از امکان دانست. نتیجه این جریان هر چه باشد خود موضوع تنقید بر خود واضحاً به نفع فرد و جامعه و اسباب رفع نواقص میباشد.

در عالم سیاست خارجی، شکست غیر منتظره اعراب باعث تأثیر عمیق عالم اسلام و دوستان اعراب، ممالک بلاک سوسیالیست بالخاصه اتحاد شوروی و ممالک بیطرف گردید. اتحاد شوروی در یازده سال اخیر مبلغ سه هزار ملیون دالر



از مناظر تخریب طیارات جمهوریت متحد عرب در میدانهای هوایی

بشکل کمکهای نظامی و اقتصادی به جمهوری متحده عرب و علاوه بر سوریه عراق، الجزایر و یمن پرداخته است نه تنها قسم اعظم این مصارف به عذر رفت بلکه پرستیژ جهانی آن کشور هم صدمه برداشت. مخالفین و رقباء شوروی از نا کامی آن دولت در سیاست خارجی مسرور و تقویه شدند از طرف دیگر عربها نیز از اینکه اتحاد شوروی در جریان حرب مداخله مؤثرتری به طرفداری شان نمود ناراضی جاوه مینمایند.

### درس هادئیکه از حرب اخیر اعراب - یهود استخراج شده میتواند .

۱- احضارات مناسب سیاسی حرب ایدیکه پایه متین استناد میدهد؛ حرب عبارت از دوام سیاست با وسایل جبری میباشد. بناءً هر قدر سیاست در راه حصول هدف پیشرفته باشد موفقیت قوای حربی آسان تر و مطمئن تر تأمین میگردد. در حرب اخیر دولت یهود دریکه موقف سیاسی واضح و مثبت قرار داشت، اسرائیل به قابلیت حربی خود اطمینان داشت مداخله مسلحانه کشور های دوست بالخاصه ممالک متحده امریکارا که در ویتنام گرفتاری داشت جز در موقعی که موجودیت اسرائیل واقعاً در خطر باشد توقع نداشت بناءً تمام پلانگذاری حربی آن با اتکا به قوای مادی و معنوی خود اسرائیل اجرا شده بود. این کیفیت از اظهارات موشی دایان وزیر دفاع آن کشور قبل از آغاز حمله مسلحانه و طرز جریان حرب واضح است.

بالعقاب موقف سیاسی ممالک عرب همیشه مبهم بوده است. هیچ مملکت عربی تا شروع مخاصمات تمیدانست کدام مملکت عربی دیگر یقیناً به طرفداری او جنگ خواهد کرد. اگر چه پیمانهای نظامی بین

جمهوریت متحد عرب، سوریه و عراق وجود داشت و اردن نیز در لحظات آخر با جمهوری متحده عرب پیمان نظامی عقد کرد اما اعتماد هر کدام از این ممالک بالای این پیمانها و یکدیگر شان کامل نبوده است. همچنین اندازه سهم هر مملکت عربی در حرب بمقابل یهود و جزئیات اقدام مشترک بمقابل آن که برای یک محاکمه وضعیت حربی اساس تشکیل میداد هر گز تثبیت نگردید. چنین معلوم میشود که بعضی محافل عربی بر اقدام مسلحانه اتحاد شوروی و حتی تحول این حرب بیک حرب عمومی سوم امیدهای داشته اند که به نتیجه نرسید.

حربیکه اساساً بالای یک موقف ثابت و متین سیاسی استناد نکنند در تمام مدت جریان بالا اثر این نقیصه صدمه دار خواهد ماند.

### ۲- حرب پسیکو لوژی یک باید متین و علمی باشد:

یکی از انواع مهم حرب سرد که در جریان حرب گرم تأثیر غیر قابل انکار دارد حرب پسیکو لوژی یک میباشد. این نوع حرب ذهنیت و افکار ملت های داخل حرب، ممالک دوست، دشمن، محافل بین المللی و عامه مردم جهان را تحت تأثیر قرار داده بدافع خود و برای نخریب روحیات دشمن فعالیت میکند.

حرب پسیکو لوژی یک یک نوع حرب بسیار علمی و اجرای آن مستلزم معلومات کافی در خصوص روحیات و منافع ملل داخل مجادله و تطبیق اساسات علمی با دقت فراوان میباشد. مصرف مواد حرب پسیکو لوژی یک با مصرف مواد آنتی بیوتیک و پسنلین در طبابت شباهت کامل دارد در صورتیکه در موقع و زمان لازمه با تجویز علمی بمقدار معینه تطبیق گردد شفا بخش است اما مصرف بیمورد

وزیاد آن غیر مؤثر، مضر و حتی مهلک است. اسرائیل از ابتدا به اهمیت و اندازه مصرف این سلاح مهم ملتفت بوده دستگاه های تبلیغاتی آن تعداد، قوت و خطراتی را که از اقدام متحد ممالک عربی که چهل برابر شان نفوس دارد بر آنها وارد شده میتواند به ملت خود گوشزد نموده اند ضمناً از موضوع ادعای یهود بر سر زمین مقدس و لزوم ادامه حیات شان در آنجا به ملت اسرائیل قناعت داده و باین صورت ملت را طوور واقع بینانه آماده حرب گردانید.

ممالک عربی اسلحه پسیکو لوژی یک را سالهاست بدون ملاحظه اساسات علمی بصورت تبلیغات بلاقید و مبالغه آمیز به خود مردم عرب و جهان داده اند. آنها همیشه دشمن را ناچیز، زبون و خود را مقتدر، فاتح و حاکم میدان حرب و سیاست قلمداد مینمایند. این مصرف غیر محدود مواد تبلیغاتی که به منظور تولید اعتماد به نفس و بلند بردن روحیات مردم شان بعمل می آمد در میدان محاربه و در موقع حساس در حالیکه اردوهای عرب باید شکست خود را بحیث شکست قبول و برای ترمیم آن تدابیر میگرفتند عساکر آنها را دفتراً و رشکست و روحاً در وضع غیر مترقیه که برای آن هیچ حاضر نبودند به میدان گذاشت.

اظهارات اشخاصی مانند چکرن مصطفی بکتابش سوریائی که انداختن اسرائیل را به بحر در مدت چهار روز وعده داده و در تمام جهان نشر گردید نمونه حرب پسیکو لوژی یک غلط میباشد یقین است ضابطانی مانند نامبرده در اردوهای عرب به هزاران وجود دارد.

### ۳- تقدم در احضارات حربی

و سفربری شرط مهم موفقیت در حرب است: دولت یهود به نسبت خوردی ساحه حیات، انکشاف خطوط مواصلات



ویلندی عمومی سوئیه علمی از نظر سفربری در موقعیت بهتر قرار داشت ملت یهود از روز تأسیس یک زمان هم موضوع حاضر بودن به یک حرب غیر مترقبه را از خاطر نکیشده در حیات عادی هر زن و مرد حاضر بودن به حرب و تعلیم و تربیه عسکری یک امر حیاتی قبول شده است اسرائیل پلانهای دقیق و مفصل برای سفربری و اجرای یک حرب توتال حاضر داشته و این پلانها را دقیقانه عملی نموده است مساعدت های طبیعی اسرائیل موقع داد در ظرف دوروز هشتاد فیصد سفربری خود را اكمال کند. که چنین قدرت سفربری بعد از قدرت سفربری المان در حرب عمومی دوم بیسابقه میباشد.



از مناظر تخریب قوای هوایی جمهوریت متحد عرب در میدانهای هوایی

ممالک عربی بالآخر وسعت زیاد، عدم موجودیت تسهیلات مواصلاتی و عدم رسیدگی عامه ملت سفربری شانرا خیلی دیرتر تکمیل میتوانند. اگر ادعا شود که در هر مملکت عربی شاید فقط احضار و تجهیز بعضی قطعات احتیاط در نظر گرفته شده پلان سفربری عمومی قابل تطبیق وجود نداشته است مبالغه نخواهد بود. عربها در حرب اخیر اکثراً با قوتهای تحت السلاح خود جنگیدند چنانچه طبق اظهارات حواری بوئدین رئیس دولت انجرا، قوای زیاد جمهوریت متحد عرب در موقع متأثر که هنوز سفربری خود را اكمال نکرده بود. ممالک عربی دیگر از نظر سفربری در موقف بدتر نسبت به جمهوریت متحد عرب قرار داشتند به این صورت از کتله های مردم عرب در حرب استفاده مطلوبه بعمل نیامد و در تناسب قوتها به نفع اسرائیل تأثیر نمود.

۴ - توانا بود هر که دانا بود :

با وصف اینکه اسرائیل در احضارات حرب و سفربری نسبت به اعراب تقدم حاصل کرد تنها قوتهای

تحت السلاح ممالک عربی نسبت به یهود بیشتر بود (مراجعه شود به جدول قوای سلاح) در عین زمان از نظر کمیت و کیفیت اسلحه و تجهیزات نظامی، عربها نه تنها کمتر نبودند بلکه اکثراً تفوق هم داشتند. لذا در پهلوی احضارات سیاسی ناقص و حرب پسیکولوژیک غیر علمی مهمتربین علت که در شکست عربها دخیل بود موضوع سوق و اداره توتها است. اسرائیل در سوق و اداره حرب تمام پرتسیب های علمی و تاریخی را بشکل بهترین تطبیق کرده است. با داشتن ساحه کوچک که قابلیت هضم هیچ تعرض خارجی را ندارد دولت یهود تعرض را بهترین شکل حرب برای خود دانست. این تعرض را بشکل ناگهانی اجرا و باین صورت تأثیر آنرا از دید بخشیده در عین زمان اینسیاتیف و مانور را بدست خود گرفت با امجا نمودن ناگهانی دولث قوای

هوایی عربها در یک حمله، از نظر تناسب قوتها خود را در موقف بهتر قرار داد. با موقعیت اسرائیل در وضعت خط داخلی این تعرض بالای دشمن قویترین یعنی جمهوریت متحد عرب توجیه گردید. با وجود کمی قوتها، اسرائیل موفق گردید قوای خود را آه کز بخشید. در سته قوتهای متفوق نسبت به دشمن جمع و مرکز ثقلت تأسیس نماید. بعد از شق جنبه مانور سریع الحركه در سه روز تقریباً ۱۸۰ کیلومتر را پیموده به کاناال سوئز رسید. بعد از شق جنبه سینا قوای اسرائیل به اردن و سوریه متوجه گردید.

بناماً یهودیان در این حرب کوتاه از پرتسیب های اساسی فیلسوف نامی حربی المان کلاوزویچ هدف، تعرض، حمله ناگهانی، وحدت سوق و اداره، مرکز ثقلت مانور و مساعی مشترک را به شکل بهترین تطبیق کردند. میتوان ادعا

کرد که بعد از محاربه مشهور تانن برگ که از طرف مار شال هندنبورگ قوماندان بزرگ آلمان در ۱۹۱۴ بمقابل اردوهای روس در پولیند اجرا گردید حرکات اسرائیل بحیث یک مانور کلاسیک خط داخلی، مانند ندارد. علاوه بر آن یهودیان از نقطه نظر سرعت و ضربات هوایی این حرب را بشکل یک حرب برق آسا آلمان نازی در دوران حرب عمومی دوم اجرا کردند.

ممالک عربی با وجود داشتن قدرت علمی و کادر وسیع ضابطان تعلیم یافته که بعد از سالیان دراز تعلیم و تربیه در موسسات عربی و ممالک مترقی جهان در شرق و غرب اقلای از روی اسناد علمی و شهادتنامه در آنجا موجود است چنین نشان دادند که اساسات علمی را کمتر هضم نموده یا اقلای قدرت یا موقع تطبیق آنرا یافته اند.

حرب اخیر در شبه جزیره سینا با تمام جزئیات عیناً مانند حرکات تعرضی ۱۹۵۶ اسرائیل که با حمایت برطانیه و فرانسه اجرا گردید جریان نمود. اگر مقامات مسئول سوق و اداره جمهوری متحده عرب اقلای حرکات آن حرب را بدقت مطالعه و تدابیر احتیاطی لازمه برای جلوگیری از تکرار آن میگردند آیا امکان داشت عین حرکات در عین اراضی بعین قوتها و با تمام جزئیات آن یازده سال بعد تکرار گردد؟

ممالک عربی از قابلیت حربی اسرائیل معلومات کافی نداشته اند یا خواسته اند آنرا با موج های حرب تبلیغاتی غرق سازند. از پرتسیب های مهم تأمین امنیت خود و کشف دشمن به کلی غافل مانده اند. ورنه چگونه میتوان تخریب قسم کلی قوای هوایی عرب را قبل از پرواز از میدانها تشریح نمود؟

اگر به جزئیات تکتیکی توجه شود چنین معلوم میشود که قوتهای

مسلح از نظر تأمین میدا نهی سفری و ستر و اخفا شده، را دارها در حصه کشف دشمن و قوای هوایی در خصوص تأمین امنیت قریب و فوری هیچکدام وظیفه شانرا اجرا نتوانسته اند. یا اقلای همه این اجراءات بر روی کاغذ و بشکل را پورها بعمل آمده است.

راهبرهای موجوده نشان میدهد که عساکر عربی بالعموم در دفاع از نقاط مستحکم و مواضع اسلحه از خود شجاعت و فداکاری نشان داده اند که مقاومت عساکر اردن در اطراف بیت المقدس و سور یائیها در تپه های شمال گالیله نمونه آن است ولی در میدان مانور قدرت مقاله با یهودیان را نداشته اند. این کیفیت اهمیت تعلیم و تربیه مانور و عادت دادن قطعات به حرکت و تعلیمات عملی را تبارز میدهد که در اردوهای عربی به نسبت عدم موجودیت روحیه علمی مودرن کمتر به آن توجه شده است.

اگر عالم مشهور حرب کلاوزویچ زنده میبود در انتقاد از متارکه ممالک عربی با اسرائیل با حواری بودیدین رئیس دولت الجزایر هموا میگردد. این متارکه بعد از یک حرب نهایت کوتاه و غالباً در زمانی صورت گرفت که آنچه را کلاوزویچ نقطه علیای تعرض مینامد برای دولت کوچک یهود رسید. یادشرف رسیدن بود. اسرائیل با منافع محدود انسانی و مادی مقتدر نبود بیش از آن تعرض خود را موفقانه ادامه بدهد.

قلت سواد نقتی که برای تعرض قوای زره دار و موتر دار آب حیات است در اسرائیل وجود میامد کذا یک ستراتیژی صحیح برای اسرائیل طوالت بیشتر خطوط مواصلات و اشغال اراضی مزید را اجازه نمیداد. بناءً اگر ممالک عربی بعد از شکست های اولیه هر چند شدید هم بوده باشد با اتکاء

به منافع وسیع انسانی و مادی شان حرب را ادامه داده با قبول فداکاری که در حرب های حیاتی شرط اساسی است تعرض های مقابل را احضار و اجرا میگردند شاید در تغییر نتیجه حرب مؤثر تر میبودند، اما هیچ دولت عرب حاضر نشد اراضی و شهرهای آباد و پرتقوس خود را در این راه فدا نماید.

در حرب عمومی دوم در صحرای شمال افریقا ۴-۱۹۴۰ بین وادی نیل و المغرب قوت های دول محور و متحدین مدت چهار سال با یکدیگر جنگیدند، قوت ماندا نان طرفین بالبو گرازبانی، رومل، ویول، اکن لیک و موتگو مری به دفعات این دشت های وسیع را برای ضعیف ساختن قوای دشمن، تحمیل تلفات به آن و دراز ساختن خطوط مواصلات آن طور موفقانه بحیث سلاح استعمال کردند.

اگر قوای جمهوری متحده عرب با حمایت دولت های دوست، محاربه را در وادی نیل قبول و یهودیان را در این صحراها میکشاند آیا احتمال نداشت این صحنه ها تکرار گردد؟ از دوی یهود هرگز قدرت نداشت وادی نیل، لیبیا، تونس، الجزایر و المغرب را زیر پا کند.

همچنان با کشاندن حرب در صحرا های بی پایان اردن، سوریه، عراق و عربستان سعودی چندین مثل قوت یهود بلع میگردد؛ و احیاناً بعد از اشغال شدن قسمی از اراضی عرب حرب به شکل پارتیزانی ادامه داده شده میتوانست؛ آیا الجزایر، هندوچین، اندونیز یا با جنگهای پارتیزانی دشمنان قویتر از اسرائیل را شکست میدادند؟

۵- در حرب کلاسیک مودرن

قوای هوایی حاکم میدان محاربه و قوای زره دار قوت های اصلی ضربه تعرضی بشمار میرود: اهمیت قوای



يك تانك اسرائیل در اثنای محاربه

سای اتحاد شوروی و ممالک سوسیالیست را برای اعراب تضمین میکند .

در عین زمان دوروش غیر عملی در ممالک عربی مشهود است :

- ۱- اصرار به کشاندن موضوعات زورطلب در محافل سیاسی و ملل متحد .
- ۲- ادامه حرب پسیکولوژیک غیر علمی و شروع يك حرب اقتصادی به اساس آن .

در تصادفات بعد از حرب اخیر در شرق کانال سویز چنان بنظر می آید که جمهوریت متحد عرب عوض چاره جوئی عملی به منابع خود، بیشتر آرزو داشته ممالک دیگر جلو تجاوز یهود را بگیرند در صحت این روش از نظر مقررات بین المللی شبهه نیست اما واضح است که قوای بین المللی که بتواند جلو تجاوزات را بگرد هنر زبشکل يك آرزو در قلب جهانیان باقیمانده است. اگر اولاً قوت های ملی کافی برای مقابله با این تجاوزات تهیه و بکار انداخته شده و بعداً یاد عین زمان توجه محافل بین المللی بموضوع جلب گردد مؤثرتر است .

امید زیاد اعراب بصدور فیصله نامه از جانب جلسه اضطراری مجمع عمومی ملل متحد که اسرائیل را به برآوردن از اراضی متصرفه مجبور سازد به نتیجه نرسید و لو که جلسه

قرار داشت اقدام و آن محل را بشکل يك میدان وسیع در آور دند هزاران نفر عرب دیگر را از بیت المقدس و غرب اردن کشیده جای دادشانرا غصب نموده اند ، تپه های شمال گالیله را که از سوریه بدست آورده اسرائیل مال خود میداند و به حفريات تاریخی در آنجا دست زده است .

در منطقه سینا، اسرائیل علاوه بر استفاده مذهبی و تبلیغاتی از جبل موسی کوشش دارد به منظور تأمین حق عبور خود در کانال سویز آن منطقه را تحت سلطه خود قرار بدهد تصادفات خونین ۸-۹ جولائی ۱۵-۱۶ جولائی بین جمهوریت متحد عرب و اسرائیل بالآخر همین آرزو به وقوع پیوست .

اسرائیل در ملل متحد و مجامع سیاسی بالعموم خاموش بوده بیشتر به اقدامات عملی قیمت میدهد .

### ممالک عربی :

اولین عکس العمل ممالک عربی ملتفت شدن به بزرگی و شدت شکست نظامی و چاره جوئی برای تلافی آنست تنقید بالذات زمانداران عرب تشکیل مجدد قوای مسلح و کوشش برای اتحاد بیشتر منجمله کنفرانس سران کشورهای جمهوریت متحد عرب، الجزائر، سوریه، سودان و عراق در قاهره و کنفرانس وزرای خارجه ممالک عربی در خرطوم پایتخت سودان اقدامات مهم در این راه میباشد؛ مسافرت های نیکولای پودگورنی صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی به قاهره، دمشق و بغداد؛ حمایت و کمک

هوائی سترا نیژیک یعنی قوتها نیکه در شروع حرب با بمباران مان سریع و شدید مراکز مهم دشمن را از بین ببرد یکبار دیگر در این حرب تأیید گردید .

در حقیقت موفقیت اسرائیل مدیون ضربات شدید و مانور زیر کانه قوای هوائی آن کشور میباشد کذا تأمین حمایت هوائی قوت های زمینی در موفقیت حرب نقش مهم دارد .

تعرض زمینی مؤثر در اراضی مساعده به حرکت؛ فقط بواسطه قوت های زره دار ممکن است؛ قطعات پیاده به شکل موتوریزه قوای زره دار را همراهی و موفقیت شانرا به شکل حمایت عمومی و از بین بردن آشیا نهایی مقاومت تکمیل مینمایند؛ از طرف دیگر چون بهتر بن وسیله تحفظ از تأثیرات اسلحه اتمی و کیمیاوی در میدان محاربه تا آنکه است بنا اهمیت این سلاح اساسی محاربه کلاسیک بودن يك بار دیگر تثبیت گردید .

### نظری به جریانات بعد از حرب :

بیمورد نخواهد بود جهت تکمیل این مطالعه، نظری به اوضاع بعد از حرب انداخته و سیر جریان آنها مختصراً تذکر داده شود :

اسرائیل : بعد از موفقیت نظامی باشیوه مخصوص یهودی مصر و ف بهره برداری از غنیمت های بدست آورده شده میباشد؛ این دولت به اندازه حقیقی تأثیر افکار جهانیان وبالخاصه ضعف مؤسسات بین المللی بخوبی مطلع است؛ اولین عمل اسرائیل در روز های اول بعد از حرب الحاق شهر قدیم بیت المقدس به خاک شان بوده است، آنها قورآبه تخریب منازل اعراب که در مقابل دیوار مقدس یهود در شهر قدیم





عساکر اسرائیل در حال محاربه در دروازه سنت ستیفن در شهر قدیم بیت المقدس

مذکور چنین فیصله صادر می‌شود کدام قوت می‌توانست آنرا تطبیق کند؟ از دولتی که در طول عمر خود هیچ کدام فیصله ملل متحد را احترام و تطبیق نکرده است چگونه میتوان توقع داشت که اماکن مقدس و محلات ستراتیژیک را که با زور شمشیر بدست آورده در اوج موفقیت بایک فیصله سیاسی از دست بدهد. زمانیکه اینسیاتیف بکف شمشیر قرار گرفت فعالیت های سیاسی در صحنه دوم قرار میگیرد فیصله های سیاسی در چنین موارد از تأثیر فیصله های نظامی خارج مانده نمیتواند و کلمات آبدار دیپلوماسی که در موقع خود قیمتدار است در چنین زمان نمیتواند جای شمشیر آبدار را بگیرد.

حرب پسیکولوژیکی که عربها باهمان وزن و روش مخصوص نه تنها ادامه دارد بلکه درین اواخر با حربهای اقتصادی تقویه شده است. مسدود ماندن کانال سویز، انسداد بنادر جمهوری متحد عرب بمقابل سفاین امریکائی، برطانوی و المانی و توفان فروش نفت بمسکک دوست اسرائیل، نمونه این حربها میباشد. خود داری از باز کردن کانال سویز که با غرق شدن سه کشتی جمهوری متحد عرب مسدود گردیده شاید بمقصد فشار آوردن بالای ممالک دوست یهود بالخاصه امریکا و برطانیه که کشتی های بیشترشان از کانال میگذرد کذا ممانعت اسرائیل برای استفاده از کانال باشد تا اسرائیل مجبور گردد برای اینکار قیمتی پردازد مثلا از خاکهای متصرفه قوای خود را بیرون بکشد. اما باید خاطر نشان نمود که نه تنها قیمت ستراتیژیک و مواصلاتی کانال در سالهای اخیر تقلیل یافته بلکه از حالا در ممالک امریکا و اروپای غربی

خساره اقتصادی، ضعف بنیه ملی و بنا تضعیف قوای نظامی را بار می آورد و ضعف نظامی چیز است که ممالک عربی باید جدا آنرا تلافی نمایند. شرق میانه با داشتن موقعیت جغرافی، منابع حیاتی و شاید هم بر حسب تصادف از هزاران سال به اینطرف بزرگترین مرکز عواطف و علاقه بشریت بوده است. حوادث اجتماعی متعدد در این ساحه بوقوع پیوسته که قتال و خونریزی های بیشمار درجمله آنها بوده است. اما اگر تاریخ پنج هزار ساله این خطه را ورق بزنیم نمیتوانیم از اعتراف به یک حقیقت خود داری کنیم. - هر زمان در طول تاریخ این سرزمین، موفقیت به کسانی تعلق گرفته است که برای حربها و مجادلات آمادگی معقول تر داشته اند یانه اصطلاح امروز، حفظ حقوق و تأمین منافع ملی و اجتماعی فقط از راه داشتن یک اردوی قویتر نسبت به طرف مقابل میسر است. آیا شما فکر نمیکنید که این حقیقت مسلم است که فقط چند هفته قبل یکبار دیگر ثابت شد در آینده تکرار نخواهد شد؟

تدابیر جهت تلافی انسداد کانال سردست است این تدابیر در صورت موفقیت از قیمت مواصلاتی کانال بیشتر خواهد کاست و این کار بضرر جمهوری متحد عرب است. در قسمت ممانعت اسرائیل در استفاده از کانال، نقطه نظر عربها بیشتر قابل فهم است. حرب نفت بمقابل دوستان اسرائیل که ممالک عربی به آن اقدام نموده اند چون در حال حاضر حرب گرم در شرق میانه وجود ندارد تانفت در پرورش آن رول داشته باشد فقط بالای اقتصاد ممالک متحده امریکا، المان غربی و برطانیه بدرجات متفاوت مؤثر است. همین اکنون ممالک متدکره نفت کمبود خود را از منابع دیگر بشاید از همین شرق میانه طور غیر مستقیم بدست میاورند. اما احساسیت اقتصاد ممالکی چون عربستان سعودی، لیبیا کویت و عراق که بودجه دولتی شان بالای نفت استوار است خیلی بیشتر است. و امکان ادامه این وضع برای مدت زیاد مشکل بنظر میآید.



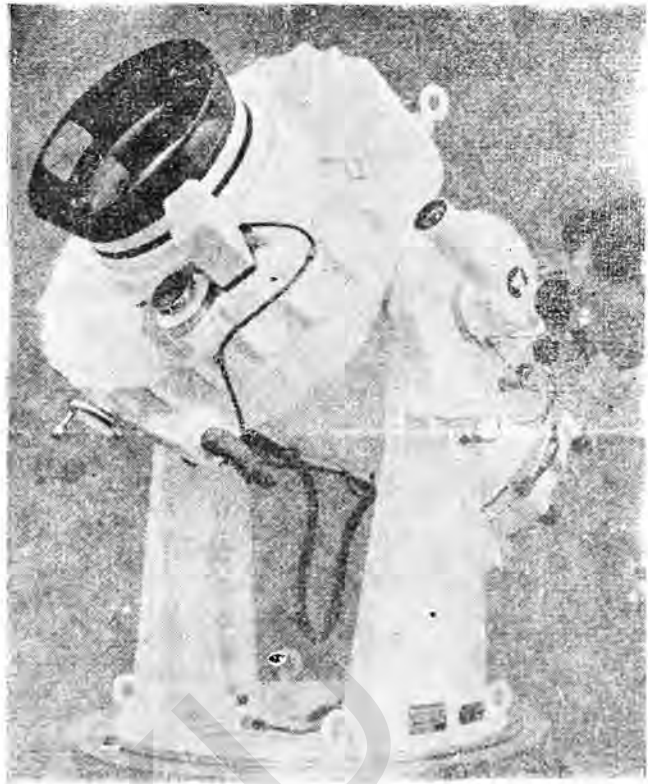
## راکت جیبی :-

بوده ذریعۀ مواد سوخت ثابت بحرکت آورده شده بو سیلۀ تفنگچه های مخصوص فیر میگردد قدرت تخریبی آن مانند راکت نوع نیتان زیاد بود ولی امتیاز و برتری آن نسبت به سایر اسلحۀ انداخته در اینست که در هنگام فیر تقریباً بدون صدا و فاقد عکس العمل میباشد .

در صورت اعمال مواد انفجاریۀ اتمی یک شهر بزرگ را تخریب و به دیار عدم میسپارد . همچنان کوچکترین راکتی نیز وجود دارد که چار سانتی متر طویل است و بنام «جیروجت» یاد میشود . ارزش پولی آن بمقابل تیتان بسیار ناچیز و قلیل

بزرگترین و مکملترین راکتی که در امریکا ساخته شده موسوم به تیتان بوده متجاوز از ۳۱ متر طول دارد . تولید آن مبالغ هنگفت را ایجاب مینماید مؤسساتی که در تولید آن بذل مساعی نموده اند قیمت تخمینی آنرا در حدود ۲۱ میلیون افغانی وانمود میسازد





این توجه شماها مانا «تعقیب» عملیات جمع کردن و منفی نمودن است که در خط کش های لوگار تیمی تنها به کمک مفکوره های پیچیده مصنوعی اجرا شده میتواند. صرف مساعی برای تعدیل ساختن خط کش لوگار تیمی به آلات اساسی حساب باحس بوجود آوردن آله مخصوصی گردیده است. این آله که بنام «ادیاتور» موسوم شده به خط کش لوگار تیمی افزوده شده عملیات منفی و جمع اکنون بدون آنکه خط کش از دست گذاشته شده و بطور قلمی سنجش گردد توسط این آله به خود خط کش اجرا میشود.

اکنون «ادیاتور جدیدی» که دارای خط کش لوگار تیمی است میتواند به حیث نمونه که خدمت فوق الذکر را اجرا کرده میتواند بکار برده شود این آله جدید توسط کمپنی «فابریکستل» آلمان غربی ساخته شده است آله جدید عبارت از یک پلیت فلزی میباشد که به یک طرف آن خط کش لوگار تیمی گنجانیده شده و در طرف دیگر بطور امتداد دارد سوراخ های علامه جمع کننده بین آنها وجود دارد در قسمت زیر تخته فلزی پلیت های متحرک که در یک گوشه آنها دندان ساخته شده قرار گرفته که در آن اعداد ثبت شده از طرف بالا قابل دیدن نیست و در سوراخ های علامه

## دوربین عکاسی بالستیکی

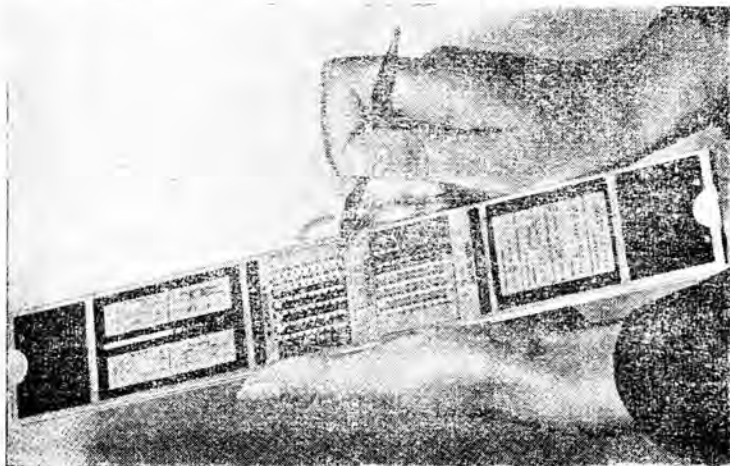
با سرعتی معادل پاد هزارم ثانیه باز بسته میشود. ماموریت اساسی این دوربین عکس برداری از موشکهای فضائی و همچنین عکس برداری از خط سیر موشک های حامل اقمار مصنوعی برای کنترل انحراف آنها از خط سیر پیش بینی شده میباشد.

دوربینی را که در عکس ملاحظه می فرمائید بزرگترین و دقیقترین دوربین بالستیکی است که تا کنون در جهان ساخته شده. عدسی آن دارای فاصله کانونی ششصد میلیمتر و قدرت آن دو میباشد و دارای دریچه ای (شاتر) بقطر ۱۲ اینچ است که در هنگام عکس برداری

## خط کش «لوگار تیمی»

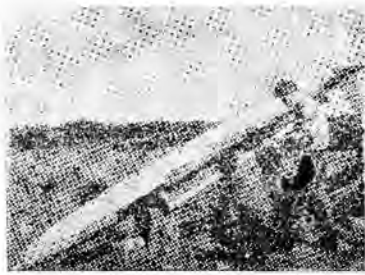
معلومات و اسناد «شعبات ساختمانی طبق اصول در مفکوره ما با اسباب مکمل رسامی، سیز و پرکال و غیره انواع وسایل جمع میگردد اما استعداد

و قابلیت کار یک نفر متخصص ساختمانی نه تنها با تکمیل شدن آلات رسامی و نقشه کشی و اشیای متعلق به آن بستگی دارد. کار کردن مستقیم در عقب میز نقشه کشی توسط کتله های برآورد و سنجش جزئی توأم میگردد دقیق شدن مخصوص در این زمینه ایجاب نمیشود و متخصصین ساختمانی به کمک خط کش های لوگار تیمی کار خود را جریان میدهند اما هرگاه شما به شعبه ساختمانی میروید توجه خود را آزادانه و بی پالک بالای اعداد انبوه روی نقشه هامبذول میدارید.



عکس خط کش لوگار تیمی ساخت فابریکه «فابریکستل» آلمان فدرال





بالهای متحرك بوده و توسط قومانده بصورت اتوماتيك دوباره بمحل پرواز رجعت داده شده می تواند .

## راکت های نوزح جدید

در امان برای پروگرام کشتیبات ماورای جو امسال ۳۴۸ ملیون مارک تخصیص یافته که قسمت زیاد آنرا ساختمان های جدید در بر می گیرد اخیراً درین سلسله نوعی راکت برای پرتاب بقضا ساخته شده که در روز های اخیر در جزیره ساردینیا موفتانه آزمایش گردید، این راکت دارای

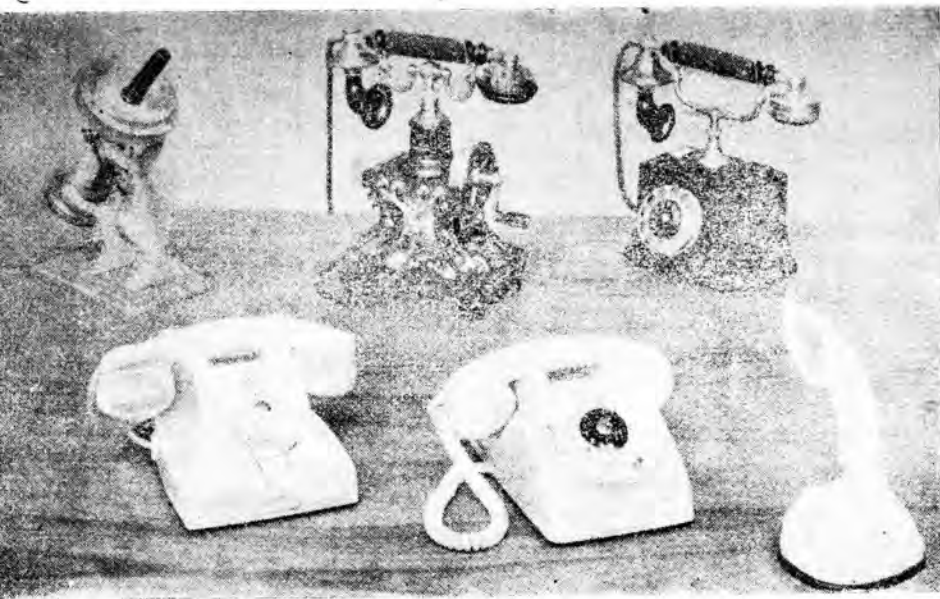
## تلفون های کمپنی «ایریکسون»

زیر آن جدول نمرات گنجا نیده شده (عکس بالا- طرف زیر به سمت راست) بالاخره در سال ۱۹۶۲ «یک دیالوگ» در لابراتوار این اتحادیه بوجود آمد یعنی دستگاهی درین کمپنی ساخته شد که دارای هفت عدد پرزه جات بوده و این پرزه جات در موقع ضرورت تبدیل شده میتوانست (عکس آنرا در ردیف زیر در قسمت مرکزی مشاهده کنید). یکی از جدیدترین و آخرین دستگاه مخابراتی ساخت اتحادیه «ایریکسون» عبارت از سیستم مخابراتی عملیات میلیکتوری میباشد که آنرا بنام «دیریواکس» یاد میکنند، (عکس مقابل مشاهده شود)، این دستگاه سرسبزی سیستم فوق الذکر به صفت یک صندوقچه شکل بوده دارای سوراخ های میکروفونی و لود اسپیکر میباشد به کمک تکمه ها که تعداد آن ۱۰ دانه است و دو تکمه جدا گانه «سویچ نمره ها» انسان میتواند هر نمره ای را از جمله ۲۰ نمرات تلفونی که در قسمت بالا و پایان تکمه ها نشان داده شده بخواهد جلب مینماید، تعداد عمومی نمرات تلفون که از طریق دستگاه سویچ برد قابل ارتباط است به ۹۰۰ عدد رسیده میتواند. یعنی تا ۹۰۰ تلفون گنجایش دارد، درین صورت نمرات آنها به کمک تکمه های عددی مانند آنکه در دیسک تلفون های معمولی اجراء میگردند دایل میشود.

یک اتحادیه سوئیس که موسوم به «ل م، ایریکسون» بوده و در جمله اتحادیه های جهانی شهرت معروف دارد در خلال موجودیت تاریخی خود چندین بار به حیث کاشف در رشته تلفون سازی اخذ مقام کرده است یکی از جمله اولین ساختمان جدید آن عبارت از یک دستگاه، چوبی بوده که در سال ۱۸۸۰ یعنی تخمین یک قرن قبل ایجاد گردید، در این دستگاه چوبی میکروفون و تلفون در یک استوانه نل مانند اتصال یافته بود (در عکس بالا- به طرف چپ آنرا مشاهده فرمائید) در سال ۱۸۹۲ این اتحادیه برای اولین بار تولیدات تلفون های سرسبزی را آغاز کرد، این تلفون ها بطوری ساخته شده بود که متخصصین ساختمانی موجوده یعنی قرن اتمی که همه وسایل مخابراتی تا اندازه زیادی انکشاف و تکمیل گردیده از آن اقتباس می کنند و میتوان تلفون های موجوده را در قطار آن مورد مقایسه و بررسی قرار داد، (عکس بالا طرف راست مشاهده شود)، اما در سال ۱۹۳۱ دستگاه های تولیدی این کمپنی بطوری عرض وجود کرد که کاوور (پاپوش خارجی آن) از مواد پلاستیکی تهیه گردیده بود (در عکس بالا- طرف پائین به سمت چپ دیده شود)، در سال ۱۹۵۶ این اتحادیه تولیدات دستگاه های دیگری را که بنام «ایریکو فون» یاد میگردد اعلان کرد - و این دستگاه به شکل یک نل بود که در قسمت

جمع ظاهر میگردد. این آله بکمک دسته نازک و بانوک پنسل بکار می افتد نوک تیز یکی از این آله که «تکان دهنده» گفته میشود در بین دندانها و اعداد مورد ضرورت گذاشته شده بعداً بطرف بالا یا پائین تا محل اتساک حرکت داده میشود که پلیت را به طرف خود کش میکند.

طور مثال یاد آور شویم، اگر ضرورت جمع کردن عدد ۲۴۵۵۸۲ مورد ضرورت واقع میشود اولاً در یکی از عدد قابل جمع آله جمع کننده هدایت میشود برای اجرای این کار پنسل بطور سلسل در سوراخ ردیف فوقانی در مقابل عدد های ۲ و ۸، ۲ و ۵ گذاشته شده تا محل اتساک به پائین آورده میشود که در سوراخ های جمع کننده اعداد انتخاب شده ظاهر میگردد بدین ترتیب عدد قابل جمع دومی انتخاب میگردد اما سمت حرکت «تکان دهنده» در این حال به اشاراتی که از «ادیا تور» داده شده بستگی دارد. در حین انتخاب کردن عدد پنسل در بین دندانها به ساحه روشن شده پلیت اصابت میکند که این کار ضرورتی را برای حرکت دادن بطرف زیر و نمود میسازد اما درین حالت در موقع انتخاب عدد بزرگتر پنسل ساحه سرخ رنگ می آید. این علامه نشان میدهد که حاصل (مجموع) اعداد جمع شده ۸ و ۴ علاوه از ۱۰ بوده و ازین جهت کمیت عدد بد رجه هم جوار طرف چپ باید به یک واحد افزایش داده شود برای این مطلب پنسل بطرف بالا هدایت میشود و در امتداد سوراخ نیمه دایره هدایت شونده تکان میخورد و پلیت دندانها را به یک تقسیم بطرف چپ حرکت میدهد. اکنون انتخاب عدد ۲ بدرجه سوم باقی می ماند که با دیدن ساحه روشن پنسل باید بطرف زیر هدایت گردد، یعنی در «کلکیتجه» جمع کننده اخیراً عدد ۸۲۷۵ ظاهر میگردد. ترتیب عملیات منفی از عمل جمع تنها در صورتی تفاوت دارد که عدد قابل منفی از طریق سوراخ های ردیف زیر انتخاب میگردد «ختم»



ارتباط مستقیم براتی با سیستم « دیریاو آکس » بطور یک چینل ( سم پلیکسی) بوده و به نفع هم صحبت اجازه نمیدهد تا در یک وقت مکالمه را جریان بخشد، اما آله مخصوص الکترونی در موقع انعکاس صدای نفر جانب مقابل که چینل را برای آن افتتاح میدارد یک مبادله معین مصاحبه دو جانبه را بوجود می آورد، یعنی این آله اجازه میدهد که سخن های نفر مقابل را با توقف کوتاه که توسط اشاره مخصوص صورت میگردد قطع کرده وقت را برای جواب دادن هم صحبت آن بدهد در عین زمان این آله اجازه تغییر دادن چینل را بطور دستی میدهد.

### چشم سرخ

اردوی آمریکا یکنوع راکت های خفیف پیاده در اختیار سربازان پیاده خود قرار داده است که چشم سرخ نام دارد و قادر است هر طیاره ای را در آسمان قرار دهد، آزمایش های اولیه ازین راکت در مرکز تحقیقاتی اردوی آمریکا در وایت ساندرز مینومکزیکو بعمل آمد و با موفقیت روبرو شد.

چشم سرخ که کوچکترین راکت دنیا است احتیاجی بسکوی پرتاب ندارد و ازین پس هر سرباز پیاده بکمک آن میتواند هواپیماهای خصم را هدف قرار دهد و با اطمینان تمام آنرا سرنگون کند. این راکت مجهز بیک لوله فیبر شیشه ای بلند بطول ۲۰ ر ۱ متر است که بالای شانه اخبوری پیاده مورد استفاده قرار میگیرد و سرعت مافوق صوت آن فرصت فرار به پیلوت دشمن را نمی دهد و در حالیکه بوسیله حرارت گازی که از موتور هوا پیما بیرون میزند بطرف آن جلب میشود بدون کوچکترین انحراف آنرا مورد اصابت قرار می دهد و نابود میسازد، آمریکا در نظر دارد بزودی تعداد زیادی ازین راکت کوچک و ارزان قیمت و مؤثر که سلاح انتقامی سربازان پیاده در برابر بمبارانهای هوایی بشمار میرود، در اختیار افراد خود قرار دهد.



راکت های

خفیف

پیاده

آن علامت خورشید تابان مظهر جاپان نقش بسته است آنان شمشیر تیز به کمر دارند که مخصوص پهلوتان مرگ است و این هدیه امپراتور میباشد دسته دسته باهم عکس میگیرند و اینها را امضاء کرده برای خانواده، کسان و دوستان خویش میفرستند.

گروهی پشت پیانو سرود مرگ میخوانند. سرود بخاطر و وطن سرود بخاطر افتخارات تاریخی آنان د چار نشه عجیب هستند. نشه ای که در پناه آن نه از مرگ و نه از هیچ چیز دیگر نمی هراسند و نگاه وقتی اشاره حرکت نواخته می شود دوان دوان و هورا کشان بسوی طیاره بک موتوره خویش میدوند تا پرواز بسوی ماموریت بدون بازگشت را آغاز نمایند. برای هر یک از آنها داستانی نیا گوار، سرنوشت تلخ و مرگی فجیع مقرر شده است.

اما این مرگ در مقابل مسئولیت های انسانی بخاطر وطن چیز ناچیزی است. همان بود آنها در یک مدت کوتاه می توانند به تعداد پنجم هزار سربازان امریکائی را با کشتی ها و تجهیزات شان از بین ببرند.

بدین ترتیب جوانان دلیر جاپان یکی پس از دیگری جان میسپارند ولی مرگ هر یک آنان، غرق یک کشتی طیاره بردار را بدنبال داشت هر کشتی که ۱۰۰ نفر سرنشین دارد پس مرگ یک جوان، باعث نابودی

هزار امریکائی می شود. این وضع نه تنها به جوانان تاثیر میکند بلکه گاهی اکثری از قوماندانان بزرگ زمینی و هوائی رانیز با خود میکشاند چنانچه یکی از قوماندانان زمینی پیش از خود کشتی نامه ای هیجان انگیز و تاریخی برای کامیکازه مینویسد:

«به پهلوتان کامیکازه»

شما مردانی هستید که قهرمان جنگیده اید. من به تمام شما عمیقاً احترام میگذارم شما تا پروزی نهائی جان بر کف نهادید، ولی می بینم که دیگر جاپان از پای می افتد و مرگ شمایی نتیجه مانده است شاید مرگ من و امثال من یک تسکین خاطر برای شما و قایل های شما باشد. من می میرم تا دیگران بدانند که در فداکاری در راه وطن استثناء وجود ندارد اینک من از تمام نژاد زرد، نژاد جاپان در سراسر جهان میخوام که جهادی عظیم برای رسیدن به پروزی آغاز کنند. ای مردان و ای زنان جاپانی سرانجام تمام شما روز گاری بکام مرگ خواهید شد ولی فراموش نکنید که جاپان باید باقی بماند من خطاب به کامیکازه ها میگویم که آنان گنج جاپان هستند و از تمام فرزندان جاپان می خواهم که روح کامیکازه را حفظ کنند و چون آنان قوی و بی باک و فداکار باشند.»

همچنان یکی از قوماندانان بزرگ هوائی بنام «اوگاکی» در بحثات آخر با طیاره خود بجانب «او کیناوا»

پرواز میکند و در آنجا طیاره خویش را به یک کشتی بزرگ امریکائی میکوبد. این پیرمرد با شهادت قبل از حرکت نامه ای خطاب به کامیکازه های مرگ مینویسد.

«اگر پهلوتان نتوانسته اند تمام

دشمن را نابود سازند و امپراتوری را از شکست نجات بخشند تقصیری به گردن ندارند. من اکنون با طیاره خود به نقطه میشتابم که صدها کامیکازه جوان در اعماق آبهای آن مدفون گشته اند به «او کیناوا»

قبر جوانان کامیکازه، من میروم تا طیاره خود را به یک کشتی بزرگ امریکائی بیافکنم و با آن در قعر اقیانوس آرام مدفون گردم، آرزو دارم بدنبال من جوانان جاپانی بما اقتدا کنند. تمام شهرها را بشکنند و امپراتوری عظیمی بسازند که قوه روحی آن غیر قابل فتح باشد، و امپراتور آن جاودان بماند.

بدینصورت حماسه تائر انگیز و اعجاب آور کامیکازه بخاطر وطن و مردم در سالهای اخیر جنگ الهام بخش جهانیان گردید و در یک مدت کم به تعداد پنجمدهزار سربازان امریکائی را از بین برد و در سراسر اقیانوس آرام حاکمیت تاسیس نمود، اما حیف استعمال بمب های اتمی در جاپان نقش ماموریت های بدون بازگشت را نیز خاتمه داد و جاپان بعد از یک تلفات وحشتناک تسلیم گردید. «ختم»



# دَاوُدُ حَرَوْنِي



## اعلیٰ حضرت معظم ہمایونی از

تطبیقات قطعہ راکت اردوی شاہانہ دیدن فرمودند

تطبیقات مطابق پلان مرتبہ اجرا ورا کتہای رہبری شدہ دافع ہوائی بہ  
اهداف ہوائی اصابت تام کرد



اعلیٰ حضرت معظم ہمایونی چینیکہ با جنرالان اردوی شاہانہ مصافحہ میفرمایند.

بمسلسله تطبیقات معموله اعلیحضرت معظم همایونی بروز ۲۴ سرطان از تطبیقات قطعه راکت  
 اردوی شاهانه در نزدیکی آب ایستاده مقرریدن فرمودند .  
 ذات شاهانه در حالیکه والاحضرت شهزاده احمد شاه ، والاحضرت شهزاده محمد نادر ،  
 ع ، ج ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز



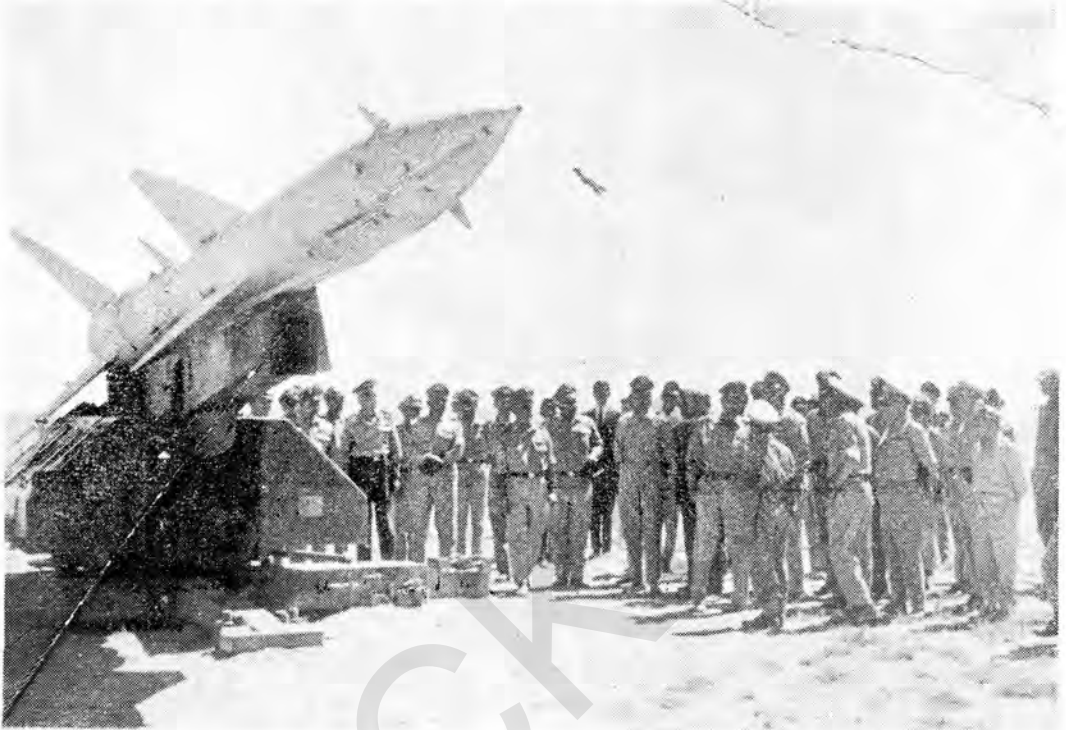
ذات ملو کانه پلان آکتیکی تطبیقات را مشاعده میفرمایند



حیثیکه یکتن از صاحب منصبان پلان تطبیقات را بحضور ذات شهریاری توضیح مینماید .

شرف معیت ذات ملو کانه را داشتند ساعت ۹ و نیم صبح در منطقه تطبیقات واقع آب ایستاده مقر تشریف فرما شده و از طرف جنرالهای ارادوی شاهانه و صاحبمنصبان قوای راکت استقبال گردیدند .

اعلیحضرت همایونی باجنرالان و صاحبمنصبان تفقد خاص فرموده و بعداً تطبیقات را مورد معاینه قرار دادند تطبیقات بوجه احسن و مطابق پلان مرتبه اجرا شده و راکت‌های رهبری شده دافع هوا به اهداف



اعلیحضرت معظم همایونی حین باز دید یکی از راکت ها که در تطبیقات مورد استفاده قرار گرفت .



ذات شهرداری صاحب منصبان قوای راکت را مورد تفقد شاهانه شان قرار میدهند





ذات شهر یاری حین مشاهده پرواز راکت بسوی هدف .  
جلالتآب محمد هاشم میوندوال صدراعظم نیز در کمپ شاهانه دیده میشوند



اعلیحضرت معظم همایونی حین مواصت در منطقه تطبیقات .

هوایی اصابت تام کرد .

ذات شهر یاری از جریان تطبیقات و انداخت راکت ها اظهار خوشی فرموده و در اخیر مراتب رضائیت شاهانه شان را نسبت به این موفقیت به ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی و صاحب منصبان قوای راکت ابراز فرمودند .

# وزارت دفاع ملی - ستر درستیز

شماره ششم = سنبله ۱۳۴۶

دائیس کال ۲۱ حمل ۱۳۹۹

## AFGHAN ARMY REVIEW

Address: De urdu Mudjella Kabul - Afghanistan

Tel. 24574

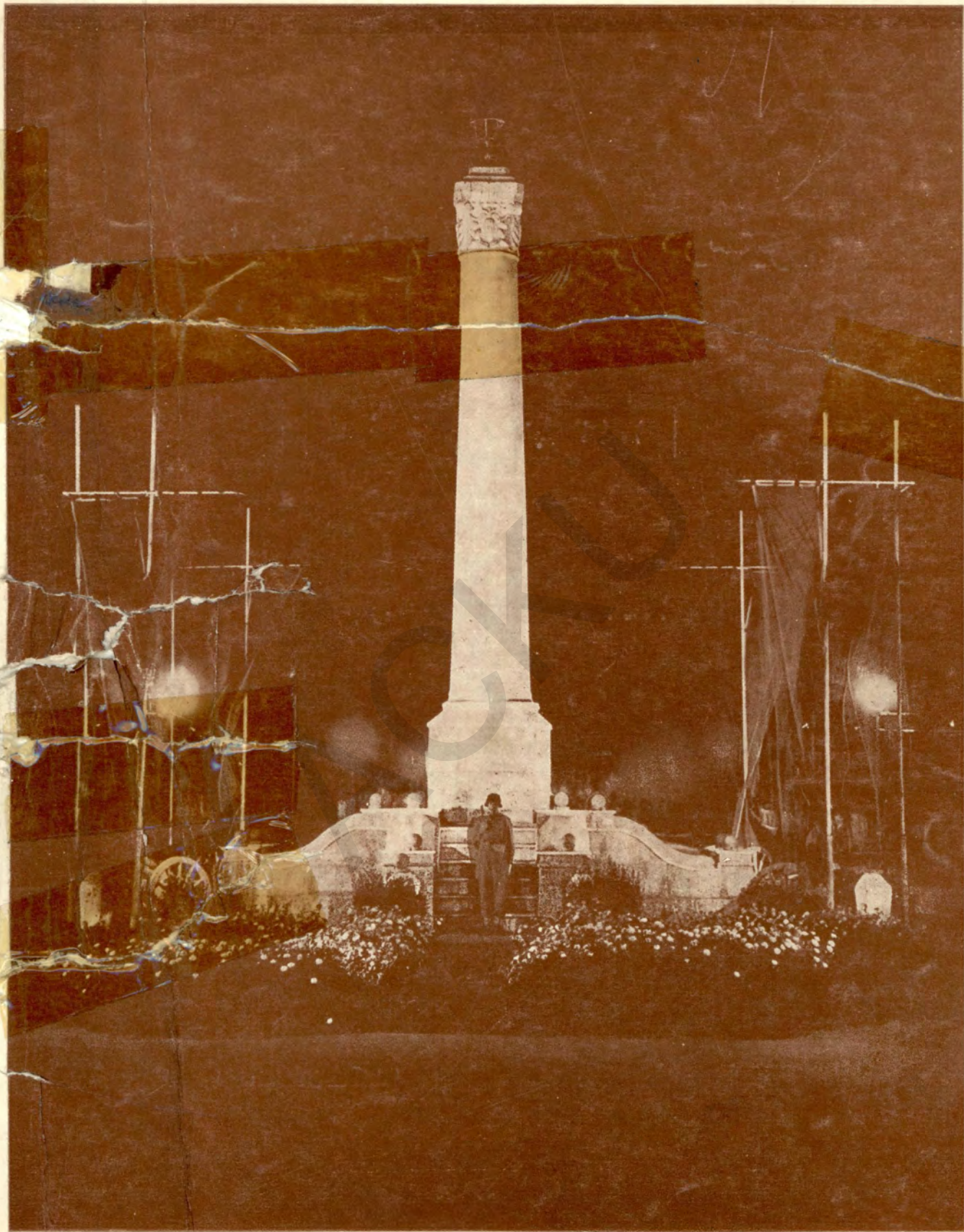
Subscription rate For Foreign Countries: 5 dollars

Aug - Sept 1967

دملی دفاع مطبعه

افغانستان - کابل





آبده استقلال و شاهد حریت و آزادی قوم باشهامت افغان